



ارویایی‌ها شهامت ندارند  
گفت‌وگو با پیتر جنکینز



بحران مدیریت  
احمد کریمی اصفهانی



کارگزاران نمی‌خواهد  
هزینه دولت را بدهد  
گفت‌وگو با محمد سعید احدیان



مک‌کین دموکرات‌ها  
مهدی مطهرنیا

## هرج و مرج اقتصادی

مردم به دنبال پاسخ به این سوال هستند که واکنش دولت به افزایش وحشتناک قیمت سکه و ارز و انفجار بازار چیست؟

### طلب‌کاری به جای پاسخ‌گویی

سخنرانی پروانه سلحشوری و  
غلامرضا حیدری فرار رو به جلو بود

### مردم در شوک هستند

چرا دولت نمی‌تواند بازار ارز را کنترل کند؟

### همکاری ۸ بانک متوسط حل مشکل سوئیفت

تعهدات اروپا به ایران چیست؟

### راز سخنان آیت‌الله جنتی

آیا افزایش قیمت دلار با سفر  
نیویورک مرتبط است؟

### حمله لیبرال‌ها به میانه‌روها

راز اختلاف کارگزاران با  
اعتدال و توسعه چیست؟

### خالق برجام در مقابل دشمن برجام

جان کری به دنبال رقابت  
با ترامپ است

الیزابیت وارن نامزد احتمالی  
دموکرات‌ها / یادداشتی از  
امیرحسین مهدوی



### نبرد آخر

ادلب، آوردگاه رقابت‌های  
منطقه‌ای شده است

### رقابت شیعی-شیعی

آیا العبادی می‌تواند  
نخست‌وزیر عراق بماند؟

### دیدار نه‌اندیان بالاریجانی

آینده روابط دولت با رئیس مجلس  
چگونه خواهد بود؟

# ایرانول



روغن موتورهای ایرانول با بالاترین سطح کیفی  
و پیشرفته ترین فرمولاسیون جهانی

**ایرانول کیفیت برتر**

[www.iranol.ir](http://www.iranol.ir)

واحدفروش (خط ویژه): ۸۸۲۱۲۹۹۹

رفاه

فروشگاه های زنجیره ای



۲۳ سال

زنجیره ای از خرید و خاطره

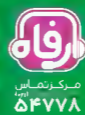


قرعه کشی زنده • یک برلیانس کراس • بعد از خبر ساعت ۲۲ شبکه ۲۲

هر شب



www.refah.ir



myrefah

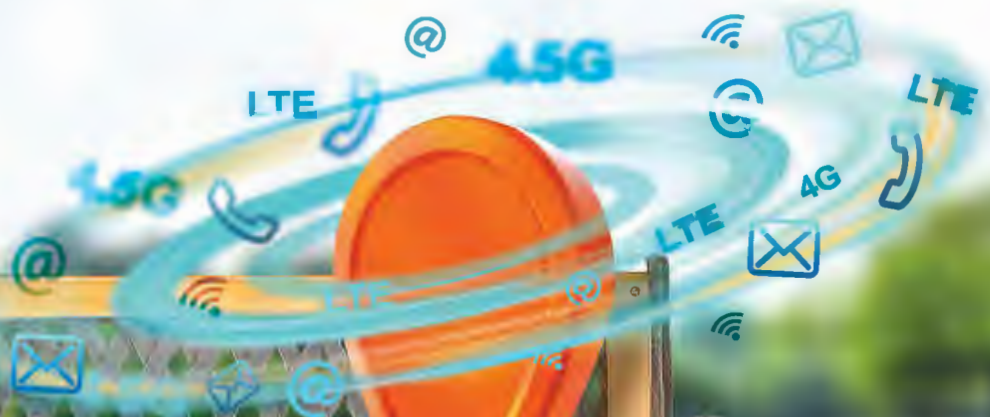


هوادک

www.mci.ir

بسته‌های کوتاه مدت اینترنت و مکالمه

#۱۲۱\*





aparat.com/iranpl.ir



p.r@iranpl.ir



instagram.com/iranpl.ir



www.iranpl.ir



## البرز - کتابخانه عمومی امیر کبیر کرج

کتابخانه عمومی امیر کبیر کرج در سال ۱۳۵۲ در زمینی به مساحت ۱۵۰۰ متر مربع و زیربنای ۱۴۷۲ متر مربع به بهره‌برداری رسیده است. این کتابخانه با بیش از ۲۱ هزار جلد کتاب و بخش‌های ویژه کودک و نوجوان، بخش نابینایان و کم‌بینایان، بخش نوسوادان، بخش استان‌شناسی، سالن‌های مجزای مطالعه ویژه آقایان و خانم‌ها و برگزاری برنامه‌های متنوع فرهنگی، همه‌روزه پذیرای علاقه‌مندان کتاب و کتابخوانی در تمامی گروه‌های سنی است.



## کتابخانه‌شناسی

## کارتون کتاب



امین فامیل باغستانی، ایران  
دومین دو سالانه بین‌المللی کارتون کتاب

## کتابخانه ما پیشنهاد کتاب

مصطفی رحماندوست، از شاعران مجموعه در مقدمه کتاب گفته است: برای سرودن شعرهای این مجموعه ده‌ها جلسه چندساعته وقت گذاشته‌ایم؛ سروده‌های خویش را به داوری و نقد بی‌تعارف یکدیگر سپرده و سروده‌های بسیاری را کنار گذاشته‌ایم و سرانجام به این ۲۵ قطعه شعر در این کتاب رسیده‌ایم. این کتاب علاوه بر معرفی شخصیت‌ها، اشیا و جانداران مختلف به کودکان، با لحن موزون و جذاب خود، نشاط آور است و با نگاهی منحصر به فرد دنیای اطراف بچه‌ها را در قالب شعر برایشان ترسیم می‌کند.

هیچ‌گونه نوعی از شعر است که در آن، معنا و مفهوم مدنظر شاعر نیست و تنها خوش‌آوایی و دل‌نشینی کلام، هدف شاعر از سرایش آن است، برخی معتقدند که برای کودکان خردسال هیچ‌گونه مفیدترین قالب شعری هستند و در پرورش تخیل ایشان بسیار مؤثر خواهند بود. اشعار کتاب «اسمش چیه؟» از میان اشعار ۶ شاعر بنام و توانای معاصر انتخاب شده است؛ هیچ‌گونه‌هایی هستند که در آن شاعر به انتقال محتوا و پیام نیز توجه داشته است و همان لطیفی و خیال‌انگیزی هیچ‌گونه را برای کودکان به ارمغان می‌آورند.



نام کتاب ..... اسمش چیه؟  
سروده ..... جعفر ابراهیمی و جمعی از شاعران  
انتشارات ..... افق  
تعداد صفحات ..... ۱۱۲ صفحه

## خبر ویژه

## افتتاح ۱۷ کتابخانه عمومی در نقاط مختلف کشور

شهرستان بردسکن، کتابخانه عمومی فرهنگ جوبین، کتابخانه عمومی آیت‌الله عطاردی قوچان، کتابخانه عمومی هشت‌بهشت شهر جدید گلپهر در استان خراسان رضوی؛ کتابخانه‌های عمومی روستای خنجشت شهرستان اقلید و ساختمان جدید کتابخانه عمومی امام جعفر صادق (ع) لامرد در استان فارس و کتابخانه عمومی خیام در روستای حاضر میل شهرستان دهلران در استان ایلام توسط نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور افتتاح می‌شوند.

همزمان با هفته دولت کتابخانه‌های عمومی روستاهای بیدک، چناران شهر، قلعه جق، خرق، غلامان و کتابخانه مشارکتی روستایی کلاته ابریشم در بخش جرجان و کتابخانه مرکزی مرکزی آیت‌الله مهمان‌نواز بجنورد در استان خراسان شمالی؛ کتابخانه‌های عمومی فرهنگ روستای بیدگنه بخش مرکزی ملارد و شهید آوینی صفادشت در استان تهران؛ دومین کتابخانه عمومی سیار مشهد، کتابخانه عمومی ابن سینا در شهر انابد



برای مشاهده آخرین اخبار  
نهاد کتابخانه‌های عمومی  
کشور می‌توانید توسط گوشی  
تلفن همراه خود از رمز بینه‌های  
رو به رو عکس بگیرید

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و کذکک جعلناکم امه وسطا لتکونوا شهداء علی الناس  
ویکون الرسول علیکم شهیداً

هفته‌نامه سیاسی، فرهنگی با رویکرد خبری، تحلیلی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: **مصطفی آجورلو**

سر دبیر: **سعید آجورلو**

ملت نمی توانست باشد. آنها همه چیز را می خواستند برای خودشان، و ما و شما همه چیز را می خواهیم برای خدا، برای اسلام. آنکه پشتوانه ملت است، پشتوانه اسلام است، آن، مردهای با ایمان هستند. ورزشکار با ایمان، روحانی با ایمان، دانشگاهی با ایمان، بازاری با ایمان، دهقان و کشاورز و کارگر با ایمان، اینها می توانند پشتوانه یک ملت باشند؛ و نگذارند دستهای خائنانه کسانی که می خواهند همه چیز ما را ببرند، قدرت مادی ما، قدرت معنوی ما را از بین ببرند، اینها پناه نمی گذارند. ایمانان را تقویت کنید، به اسلام پناه ببرید؛ همه ما به اسلام پناه ببریم. همه جا یاد خدا باشیم. من

**نیاز کشور به قهرمانان با ایمان**  
مملکت ما همان طوری که به علما و دانشمندان احتیاج دارد به این قدرت شما هم احتیاج دارد. این قدرت وقتی با ایمان باشد، وقتی که زورخانه با قرآن باشد، با ایمان باشد، پشتوانه یک ملت است. وقتی قهرمانها، قهرمانهای اسلامی باشند، پشتوانه یک ملت هستند؛ بازوی یک ملت هستند. آنها می خواستند قهرمان باشد، لکن قهرمان «آریامهری» باشد! آن پشتوانه

## خبرنامه

۶

راز سخنان آیت الله جنتی

مرگ بازوی نظامی طالبان

همه مسئولیت اقتصاد باروحنای است

۱۵



## گفتارها

۱۶

رقابت شیعی-شیعی

نقش مرجعیت

الیزابت وارن، نامزد دموکرات‌ها؟

۲۳



## سیاست

۲۴

حمله لیبرال‌ها به میانه‌روها

کارگزاران نمی خواهند هزینه دولت را بدهد

نزاع درونی دولت آغاز شده است

۳۵



تحریر به:

دبیر تحریر به: مصطفی صادقی

سیاست: مصطفی صادقی (دبیر) - سیدمجتبی جلال‌زاده

بین‌الملل: سعیده سادات فهری (دبیر)

سیاست خارجی: حنیف غفاری (دبیر)

اقتصاد: محمدمهدی صدرزاده (دبیر)

دیدار: افشین خماند (دبیر)

ورزش: مهدی ربوشه (دبیر)

فرهنگ: امیر خوش صحبتان (دبیر)

بازار: محمد شکراللهی (دبیر)

مشاور هنری: نیما ملک نیازی

مثلث: هفته‌نامه‌های خبری، تحلیلی است که سعی دارد روایتی منصفانه و عادلانه از واقعیت‌ها ارائه دهد. نامش تمثیل و اشارهای است به سه ضلع استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی. مراسم تقویت گفت‌وگو میان انقلاب اسلامی، چارچوبش اسلام، انقلاب، امام و رهبری، آرمانش گسترش و سیادت اسلام خواهی در سراسر جهان و عزت مسلمانان، توسعه و پیشرفت ایران اسلامی و رفاه مردم شریف ایران و رونق گرفتن عدالت، مرزش رواداری و تألیف قلوب اهالی انقلاب و ایستادگی در برابر مقابلان گفتمانی و عملی نظام و سیاق و مشرب‌مان نجابت قلم و روزنامه‌نگاری مومنانه و تلاش در جهت رونق گرفتن سنت گفت‌وگو میان فریختگان و نخبگان کشور است. امیدواریم که در روایت‌مان صادق، بر مرام‌مان مستمّر و دائم، بر چارچوب‌مان مستقر، بر آرمان‌مان مومن، بر مرزهایمان مراقب و هوشیار و بر سیاق‌مان استوار بمانیم.



ما را، زن و مرد، بچه و بزرگ، در هر کسوتی که بودند، به خیابانها کشید و بر ضد طاغوت آنها را مجهز کرد؟ غیر از اسلام؟ این اسلام بود که همه ما را با هم مجتمع کرد، و این اسلام بود که شما را پیروز کرد، و این اسلام است که سعادت همه انسانها را تأمین می کند. نه سعادت دنیایی فقط؛ سعادت دنیا، و آخرت. آزادی که در پناه اسلام باشد، استقلال که در پناه اسلام باشد، سعادت برای کشورها و برای کشور ما تهیه می کند، تأمین می کند. شما با اسلام این پیروزی را پیدا کردید، و با اسلام باید این پیروزی را تعقیب کنید.

می دانم که ورزشکارها در گودهای زورخانه یاد خدا هستند، یاد امیرالمؤمنین هستند. تقویت کنید این یاد خدا را. تقویت کنید این یاد مولا را و همه با قدرت، همه با ایمان، ان شاء الله به پیش بروید. خداوند همه شما را موفق کند، و همه سالم و سعادتمند باشید. من خدمتگزار همه شما هستم.

**آزادی و استقلال در پناه اسلام**

این چه قدرتی است که شما ورزشکاران را با یک طلبه مجتمع کرده است؟ این چه قدرتی است که دانشگاهی را با سایر اقشار همراه کرد؟ و این چه قدرتی بود که تمام اقشار ملت

**بین الملل**

۳۶

نبرد آخر  
شیخ جنگ  
خالق برجام در مقابل دشمن برجام

۴۳



**اقتصاد**

۴۴

هرج و مرج اقتصادی  
نیازمند تغییر هستیم  
سناریوی دولت رانمی دانیم

۵۱



**ورزش**

۵۲

نه پیشرفت، نه پسرفت  
حد ورزش ما همین است  
کی روش دوم

۵۷



طراح جلد: مصطفی مرادی



با تشکر از: دکتر دارابی - دکتر آیت‌الله ابراهیمی - دکتر عیسی رضایی  
مهندس صدوقی حسین محمد پورزندی - محمدابراهیم محمد پورزندی  
حسین مجاهدی - حاج آقا توکلی - علیرضا حسن زاده - هادی انباردار

سازمان آگهی‌ها: تلفن: ۰۹۱۲-۸۵۰۵۸۴۸

چاپ: هنر سرزمین سبز - پردازش تصویر رایان

توزیع: نشر گستر امروز

نشانی: تهران، خیابان شهید عباسپور (تواثیر)، خیابان نظامی گنجوی،

کوچه پناه، پلاک ۱۹

تلفن: ۸۸۱۹۸۲۰۷

شماره پیامک: ۳۰۰۴۱۱۷۱۱

گرافیک و صفحه‌آرایی: فاطمه فتالی - علی آجورلو

افشین جم و محمد محمودی

پردازش تصاویر: هومن سلیمان

عکس: عدنان جعفری و محمد برنو

ویرایش: ژیل شاکری - امیر عزیزی، نرگس حاجیلو و فاطمه پورمهر

حروفچینی: وجیهه قاسمی - علی حشمتی

مدیر مالی: محمدرضا پالیزدار

سازمان آگهی‌ها: محمد شکراللهی

بازرگانی و بازاریابی: محمد علی آجورلو

امور اداری: علیرضا اسدالهی - علی اکبر پیمانی

انفورماتیک: شهرام زحمتی

ناظر چاپ: بابک اسکندرنیا

## راز سخنان آیت الله جنتی

آیا افزایش قیمت دلار با سفر نیویورک مرتبط است؟





## مرگ بازوی نظامی

جلال الدین حقانی که بود؟

## همه مسئولیت اقتصاد با روحانی است

انتقاد سنگین سعید لیلاز از روحانی و دولتش





## راز سخنان آیت الله جنتی

### آیا افزایش قیمت دلار با سفر نیویورک مرتبط است؟

هفته گذشته یک جنجال سیاسی در مورد سفر روحانی به آمریکا رخ داد. ماجرا از این قرار بود که آیت الله جنتی در اجلاس خبرنگاران گفت: «هرچند اروپا اعلام کرده که از برجام خارج نمی شود اما الان در مورد مسائلی مثل قدرت موشکی ما، همان راهی را می رود که آمریکا رفته است و در این زمینه پیگیر همان خواسته هاست، پس اعتماد به شیطان بزرگ اشتباه است. ضعف مذاکره کنندگان و عدم رعایت خطوط قرمز رهبری توسط آنان از یک سو و تلاش عده ای برای مرتبط کردن مشکلات این مذاکرات به رهبری از مسائلی است که با آن روبه رو هستیم و ترامپ هم به دنبال شیطان هایی است که در حاشیه اجلاس سازمان ملل با آقای روحانی دیدار کند، در حالی که رهبری هم مکرراً گفته اند که هیچ مقامی حق ندارد با دولت آمریکا مذاکره کند.»

این اظهارات با واکنش تند رئیس دفتر روحانی مواجه شد: «روحانی هفته اول مهر به نیویورک می رود. در حال برنامه ریزی برای سفر روحانی به آمریکا و شرکت در اجلاس سازمان ملل هستیم. در این سفر ملاقات هایی با سران کشورهای مختلف صورت می گیرد. این سفر ارزان ترین و سریع ترین راه برای دیدار با سران کشورهای دیگر، بیان مسائل دو جانبه و بین المللی و تبادل نظر است. اینکه رئیس مجلس خبرنگاران رهبری مطرح کرد که «برخی به نیویورک می روند که با ترامپ ملاقات کنند» برایم عجیب بود. ممکن

است برخی در کوچه و بازار این حرف ها را بزنند اما اینکه رئیس مجلس خبرنگاران صحبتی کند که پایه و اساسی ندارد و هیچ وقت مطرح نبوده؛ برایم جای تعجب داشت. از همه بزرگان می خواهم وقتی می خواهند مطلبی را بیان کنند؛ آن را بیشتر بررسی کنند یا اینکه سوال کنند تا بر اساس مطالبی که می گویند مردم باور کنند.»

سایت های فارس، تسنیم و رجانیز در مطالبی این اظهارات را نادرست خواندند.

در عین حال برخی این ادعا را مطرح می کنند که ممکن است افزایش قیمت دلار تمهیدی است از سوی دولتی ها برای اینکه ساختارهای تصمیم گیری در داخل کشور راضی به گفت و گو با آمریکا شوند. گفت و گویی که شاید آغاز آن از نیویورک باشد. این اظهارات البته ریشه در سخنان نیکو هیلی داشت. ماجرا از این قرار است که نماینده ایالات متحده در سازمان ملل متحد سه شنبه از قصد ترامپ برای برگزاری نشست سران کشورهای عضو شورای امنیت در ماه جاری میلادی، به منظور گفت و گو درباره ایران خبر داد. نیکو هیلی در نشست خبری که برای تشریح برنامه های کاری ماه سپتامبر شورای امنیت برگزار شد، گفت: «رئیس جمهوری آمریکا جهت رسیدگی به موارد نقض قوانین بین المللی توسط ایران و اقدامات بی ثبات کننده تهران در خاورمیانه، خواستار برگزاری نشست سطح بالای شورا شده

است. وی در این نشست خبری که در مقر سازمان ملل متحد در شهر نیویورک برگزار شد، به تاریخ دقیق برگزاری این نشست ویژه اشاره نکرد اما همزمان با نشست سالانه مجمع عمومی سازمان ملل و در حاشیه نشست دوروزه سران مجمع - که از ۲۵ سپتامبر (سوم مهر) آغاز می شود - برگزار خواهد شد. «نشست خبری هیات نمایندگی آمریکا در سازمان ملل متحد یک روز پس از آن برگزار شد که ایالات متحده ریاست دوره ای شورای امنیت را به مدت یک ماه بر عهده گرفته است. ریاست مهم ترین نهاد سازمان ملل متحد هر ماه به یکی از ۱۵ عضو دائم و غیردائم آن واگذار می شود. هیلی در پاسخ به یکی از خبرنگاران حاضر که پرسید آیا رئیس جمهوری ایران نیز در این نشست شرکت خواهد کرد گفت، طبق قوانین و اصول سازمان ملل متحد و شورای امنیت، ایران حق این را دارد که حضور داشته باشد و شرکت رئیس جمهوری آن کشور بستگی به تصمیم تهران دارد. نماینده آمریکا در سازمان ملل در پاسخ به این پرسش که آیا ایالات متحده با شرکت رئیس جمهوری ایران در این نشست موافقت خواهد کرد یا خیر، گفت موافق هستیم. هیلی در پاسخ به این پرسش که آیا دولت آمریکا استراتژی مشخصی در برابر ایران دارد گفت: «استراتژی کاخ سفید ساده است و آن اینکه اقدامات نادرست ایران و نقض قطعنامه های شورای امنیت توسط آن کشور را برجسته کنیم.»

رضا نصری، کارشناس مسائل بین الملل در حساب توئیتری خود نوشت: «سه هفته دیگر جلسه ای با موضوع «ایران» به مدیریت ترامپ در شورای امنیت برگزار می شود. با یک متن دقیق و یک ارائه قوی نماینده ایران در آن جلسه می تواند حاصل میلیاردها دلار فضا سازی بنگاه های روابط عمومی علیه ایران را یکجا نقش بر آب کند. بهترین فرد برای این کار هم شخص دکتر ظریف است.»

## مرگ بازوی نظامی طالبان

جلال الدین حقانی که بود؟

جلال الدین حقانی، بنیان گذار شبکه حقانی، مبتکر تاکتیک بمب گذاری های انتحاری در افغانستان و دومین شخصیت مهم گروه تروریستی طالبان پس از ملا عمر (بنیان گذار طالبان) درگذشت. خبر مرگ او را ذبیح الله مجاهد، سخنگوی طالبان افغانستان با صدور بیانیه ای اعلام و علت مرگ را نیز بیماری مزمن چندین ساله قید کرد، اما در این بیانیه هیچ اشاره ای به تاریخ مرگ او نشد؛ آن هم در شرایطی که بسیاری از رسانه ها و برخی منابع نزدیک به شبکه حقانی از سال ۲۰۱۵ میلادی به این سو، هر از گاهی از مرگ جلال الدین حقانی خبر می دادند. به گزارش «ایران» به نقل از سایت شبکه خبری الجزیره، دوشنبه شب و برای نخستین بار ذبیح الله مجاهد، سخنگوی گروه طالبان بیانیه ای را در اختیار رسانه ها قرار داد که در آن خبر مرگ جلال الدین حقانی، مؤسس شبکه حقانی تأیید می شد و آمده بود: اگرچه حقانی از نظر فیزیکی از بین ما رفته اما ایدئولوژی و اصول و شیوه او ادامه دارد. به موجب این بیانیه حقانی پس از تحمل یک دوره طولانی بیماری و به مرگ طبیعی از دنیا رفته و در افغانستان به خاک سپرده شده است.

شبکه خبری سی ان ان آمریکا مانند بسیاری از رسانه های جهان خبر مرگ حقانی را پوشش داد اما با نگارش این جمله که موفق نشده با اعضای خانواده حقانی ارتباط بگیرد و اطلاعات دقیق تری درباره مرگ او منتشر کند، به صورت تلویحی بر امکان مرگ او در سال های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۵ و مسکوت ماندن آن تا به امروز خبر داد. خبری که هرگز از سوی شبکه حقانی و طالبان یا مقامات افغانستان، پاکستان و آمریکا تأیید نشد.

جلال الدین حقانی در چند سال گذشته به علت بیماری مسئولیت اداره شبکه حقانی را به پسر خود سراج الدین واگذار کرده بود و در این سال ها نیز هیچ حضوری در انتظار عمومی که نشان دهد زنده اما بیمار است، نداشت. از این رو، طوابع غورزنگ، یک مقام ارشد در دفتر شورای امنیت ملی افغانستان در یک پیام توثیقی از وجود اهداف پشت پرده احتمالی اعلام رسمی خبر مرگ حقانی از سوی طالبان خبر داد و نوشت: باید به دقت عملکرد طالبان را رصد کرد و به برنامه پشت پرده صدور این بیانیه پی برد. مسلماً این بخشی از تاکتیک جنگ روانی آنهاست. در حال حاضر سراج الدین حقانی پسر جلال الدین مرد شماره دو طالبان به شمار می رود و معاون رهبر طالبان است. طالبان در چند ماه اخیر و شاید هم بتوان گفت در یک سال اخیر در افغانستان برتری میدانی دارد. شبکه حقانی که مقرش در منطقه قبیله ای وزیرستان پاکستان است همچنین با القاعده هم ارتباط دارد و به همین دلیل یکی از گروه های شبه نظامی مهم است که قدرت عملیاتی به مراتب بیشتری نسبت به گروه تروریستی داعش در افغانستان دارد. شبکه حقانی به خاطر حملات پیچیده و سازمان دهی شده علیه ارتش های آمریکا و افغانستان و ورود چهره های شاخص معروف است. در سال های اخیر نیز این شبکه در بسیاری از حملات تروریستی علیه نیروهای ناتو و افغانستان با طالبان همکاری کرده است. حقانی همچنین مسئول برخی از مرگبارترین حملات در افغانستان از جمله انفجار انتحاری یک کامیون

در کابل در سال ۲۰۱۷

که بیش از ۱۵۰ کشته برجا گذاشت، بوده است. آمریکا و افغانستان می گویند شبکه حقانی با حمایت سرویس های اطلاعاتی پاکستان دست به عملیات می زند؛ اتهامی که پاکستان همواره رد می کند و در پاسخ به آن به سابقه تاریخی و نحوه شکل گیری شبکه حقانی که با حمایت های سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) در دهه ۱۹۷۰ بوده، اشاره می کند.

جلال الدین حقانی ابتدا در دهه ۱۹۷۰ شبکه حقانی را برای مبارزه با اشغالگری شوروی سابق در افغانستان تأسیس کرد و در آن زمان از سوی سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) مورد حمایت مالی قرار گرفت. علاوه بر این حمایت مالی، در آمریکا کسانی بودند که به او بسیار توجه می کردند. پس از خروج شوروی از افغانستان و شکل گیری دولت طالبان در سال ۱۹۹۶ حقانی به عنوان وزیر امور قبیله ای وارد کابینه طالبان شد اما در سال ۲۰۰۱ و پس از سرنگونی دولت طالبان به دست آمریکا، حقانی دوباره سلاح به دست گرفت و این بار علیه نیروهای خارجی و به طور ویژه آمریکا و ارتش افغانستان وارد جنگ شد. در سال ۲۰۱۲ آمریکا شبکه حقانی را به عنوان سازمان تروریستی معرفی کرد. روزنامه ایران در این مورد نوشته است: اخیراً نیز دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا به پناه حمایت پاکستان از شبکه حقانی و جدی بودن دولت اسلام آباد در مبارزه با تروریسم کمک نظامی ۳۰۰ میلیون دلاری به این کشور را قطع کرد.

در چنین شرایطی طالبان با صدور یک بیانیه کم سابقه

از مرگ جلال الدین حقانی خبر داده و هنوز معلوم نیست اعلام رسمی خبر این مرگ چه تأثیر مستقیمی می تواند بر شبکه حقانی داشته باشد. اگرچه الان سال هاست که جلال الدین حقانی مسئولیت های خود را به پسرش واگذار کرده بود و دیگر مانند گذشته بازیکر کلیدی به حساب نمی آمد و نقش استراتژیک یا عملیاتی نداشت. البته او همچنان نقش مشاوره ای خود را حفظ کرده بود و از این رو ممکن است مرگ او یک فقدان روحی عظیم برای شبکه حقانی باشد و این شبکه را دچار شکاف و چندپارگی کند؛ اتفاقی که پس از اعلام رسمی مرگ ملا عمر، بنیان گذار طالبان رخ داد و هنوز هم در لایه های زیرین این گروه نشانه هایی از اختلاف به چشم می خورد.

## درگیری توثیقی طالبان و ناتو

خبر دیگر اینکه با تغییر فرماندهی نیروهای ناتو در افغانستان، درگیری توثیقی میان ذبیح الله مجاهد، سخنگوی گروه طالبان و ژنرال اسکات میلر، فرمانده جدید نیروهای ناتو در این کشور رخ داد. سخنگوی طالبان در توثیق نوشت: «فرمانده جدید اشغالگران [ناتو] هم مثل فرمانده دیگر آنها با ناکامی مواجه خواهد شد». دفتر مطبوعاتی نیروهای ناتو نیز در پاسخ نوشت: «منتظر حرکت رو به جلو است که از دشمن جلوگیری کرده و گفت و گوهایی سازنده و جامعی را به ارمان آورد.» مجاهد در پاسخ این توثیق نوشت: استقلال ما و احترام متقابل را بپذیرید. ما شما را به مذاکرات سازنده دعوت کرده ایم.



## اعتماد ملی در محاق

حرف و حدیث‌ها درباره حزب اعتماد ملی زیاد است. حزبی پرحاشیه که می‌خواست سراسری باشد اما در مرکز با چالش‌های بزرگی دست و پنجه نرم می‌کند و امروز بحران مشروعیت دارد. برای حل این مسأله قرار است ششم مهرماه کنگره این حزب برگزار و اعضای جدید شورای مرکزی انتخاب شوند. هفته گذشته بهرام سرمست، مدیرکل سیاسی وزارت کشور در نشست خبری از تأیید اساسنامه و مرامنامه حزب اعتماد ملی از سوی وزارت کشور خبر داد و با اشاره به بررسی گزارش مجمع عمومی حزب اعتماد ملی در جلسه کمیسیون ماده ۱۰ احزاب گفت: «از نظر کمیسیون انطباق اساسنامه و مرامنامه حزب اعتماد ملی با قانون جدید مورد تأیید است اما انتخابات اعضای شورای مرکزی و بازرسان این حزب باید مجدداً برگزار شود.»

تاکید وزارت کشور بر تأیید کنگره اخیر اعتماد ملی منتهای انتخابات شورای مرکزی و بازرسان این حزب، در حالی از سوی برخی از افراد مغرض به عدم قائم مقامی الیاس حضرتی در حزب اعتماد ملی تفسیر شد که در همان نشست، مدیرکل سیاسی وزارت کشور تأکید کرده بود که «بر اساس نامه آقای کروی به دبیر کل این حزب، آقای حضرتی به عنوان قائم مقام معرفی شده است و در این شرایط کمیسیون ماده ۱۰ احزاب نفی و اثباتاً وارد موضوع تعیین ارکان حزب نمی‌شود.» پس از این سخنان بود که وزارت کشور در نامه‌ای به مهدی کروی، دبیرکل حزب اعتماد ملی موارد مطرح شده را کتاباً به اطلاع او رسانده و خواستار برگزاری دوباره انتخابات شورای مرکزی و بازرسان این حزب شد؛ موضوعی که البته از سوی مهدی کروی نیز بی‌پاسخ ماند و او علی‌رغم محدودیت‌های موجود، در نامه‌ای خواستار تعیین تکلیف انتخابات اعضای شورای مرکزی و بازرسی حزب اعتماد ملی شد. کروی در واکنش به نامه وزارت کشور، بار دیگر الیاس حضرتی را مخاطب نامه خود قرار داد و او در کسوت قائم مقام خود در حزب اعتماد ملی خواست تا با مشارکت ارکان و اعضای حزب، هر چه سریع‌تر نسبت به برگزاری انتخابات شورای مرکزی و بازرسان حزب اعتماد ملی اقدام کند. حکم صادره از سوی مهدی کروی در تاریخ دهم شهریورماه توسط نماینده حزب در وزارت کشور، طی نامه‌ای رسمی، تقدیم دبیر کمیسیون ماده ۱۰ احزاب شد.

به نظر می‌رسد نامه مهدی کروی به الیاس حضرتی که آشکارا بر قائم مقامی الیاس حضرتی در حزب اعتماد ملی تأکید دارد، منجر به پایان مناقشات اقلیت داخل حزب نیز بشود. چرا که بر اساس مستندات موجود از جلسات برگزار شده در ماه‌های اخیر، الیاس حضرتی چندین جلسه شورای مرکزی حزب اعتماد ملی را با حضور قریب به ۴۰ نفر از ۵۵ عضو شورای مرکزی برگزار کرده و علاوه بر آن از سوی اعضای همان شورای مرکزی که وزارت کشور نیز بر ابقای‌شان تأکید دارد دوباره انتخابات شورای مرکزی و بازرسی تأیید کرده، انتخاب شده است. در همین راستا نیز تمامی انتصابات الیاس حضرتی، در کسوت قائم مقام منصوب دبیرکل حزب اعتماد ملی جزو وظایف و اختیارات قانونی او بوده و تا زمان برگزاری انتخابات شورای مرکزی و بازرسان حزب اعتماد ملی، تمامی انتصابات از سوی حضرتی دارای و جاهت قانونی خواهد بود. چه آنکه در دوران قائم مقامی متعجب‌نیا نیز، او با پشتوانه حکم مهدی کروی اقدام به تعیین روسای برخی از شاخه‌ها و کمیته‌های حزب اعتماد ملی کرده بود. الیاس حضرتی از برگزاری انتخابات شورای مرکزی طی برگزاری کنگره این حزب در روز ۶ مهرماه خبر داد و گفت: «کمیسیون ماده ۱۰ احزاب بعد از چند ماه قرار داشتن پرونده حزب اعتماد ملی در نوبت نهاییات اصل برگزاری کنگره، تغییرات اساسنامه و مرامنامه را تأیید و به ما اعلام کرد که باید در اولین کنگره طی یک ماه آینده انتخابات شورای مرکزی را برگزار کنیم.» وی افزود: «براین اساس کمیسیون ماده ۱۰ احزاب طی نامه‌ای به دبیر کل حزب اعتماد ملی این تصمیم را اعلام کرد و آقای کروی هم در نامه‌ای از بنده به عنوان قائم مقام حزب خواست تا در اسرع وقت نسبت به برگزاری این کنگره اقدام کنیم.» قائم مقام حزب اعتماد ملی در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه پس موضوع شکایت از شما و غیرقانونی بودن انتخابات موقت شورای مرکزی چه بوده است، گفت: «موضوع غیرقانونی بودن انتخابات از سوی یکی از سایت‌ها به اشتباه زده شد، در صورتی که کمیسیون ماده ۱۰ احزاب تنها اعلام کرده بود انتخابات شورای مرکزی که به صورت موقت برگزار شده را در اولین کنگره برگزار کنیم.»



## پخش مستند جنجالی در مجلس

در جریان سوال جواد کریمی قدوسی، نماینده نزدیک به جبهه پایداری از وزیر امور خارجه، مستند جنجالی توسط او در مجلس پخش شد. کریمی قدوسی گفت: «اصل مستند را امروز به رسانه‌ها می‌دهم و دو مستند دیگر که توسط اطلاعات سپاه تهیه شده را هم به رسانه‌ها می‌دهم.» به دنبال پخش این مستند، مسعود پزشکیان، نایب رئیس مجلس که ریاست جلسه را بر عهده داشت، گفت: «وزارت اطلاعات کلیپ پخش شده توسط کریمی قدوسی را قبول ندارد.» او گفت: «افراد که اسم برده شد حق دارند از خود در مجلس دفاع کنند.» نماینده مردم مشهد در مجلس گفت: «مقام معظم رهبری در دیدار با هیات دولت فرمودند «مذاکره با آمریکا در حاشیه اجلاس سازمان بین‌الملل در نیویورک به طور قطع، منتفی است، رئیس‌جمهور که هیچ، وزیر امور خارجه هم نمی‌تواند.» وی ادامه داد: «با همان تماس تلفنی که رئیس‌جمهور و اواما با هم داشتند، آمریکایی‌ها در نیویورک جشن گرفتند که ایران به آنها زنگ زده است. بارها اطلاعات دقیق را در معرض افکار عمومی قرار دادم اما با هجمه ظریف روبه‌رو شدم. منطق برجام، لغو تحریم‌های هسته‌ای بود حال مدام بگویم، آبروی دشمن را بریدیم، اختلاف بین آمریکا و اروپا ایجاد کردیم، پی‌ام‌دی را بستیم، با دنیا آشتی کردیم، مجموعه اینها حاشیه است.» این عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس ادامه داد: «مستقدم با منطق نرم، نمی‌توان مذاکره کرد. پس از اشتباهات در دوران مذاکره که ظریف مرتکب آن شد، نتیجه آن، اجرای همه تعهدات ایران و باقی ماندن همه تحریم‌ها شد. امروز نیز سه سوال می‌پرسم. توافق برجام توسط آمریکای خیث پاره شده و امروز نظام اجرایی کشور با مشکلاتی روبه‌روست. چرا؟ این مسأله به جاسوسی و خیانت عده‌ای برمی‌گردد. به ملت می‌گویم دلایل گرانی‌ها و تلاطم‌های بازارهای مختلف چیست؟» کریمی قدوسی ادامه داد: «سوال اول درباره سفر به فرانسه مربوط به سال گذشته است. با حضور شما در فرانسه اراذل و آواش بین المللی صهیونیستی، سعودی و ضد انقلاب را آنجا جمع کرده بودند. سوالم از شما این است که مقامات ایران در فرانسه باید ارزیابی می‌کردند تا حضور شما در فرانسه مصادف با آنان نشود. همزمانی این مسأله جای سوال دارد. وزیر خارجه فرانسه در مصاحبه‌ای گفت که ایران بدون مذاکرات منطقه‌ای و موشکی نمی‌تواند با ما توافق داشته باشد که البته سخنگوی وزارت خارجه و جنابعالی پاسخ دادید که تشکر می‌کنم.» نماینده مردم مشهد در مجلس ادامه داد: «مجلس برای تحقیق و تفحص از مدیران دوتابعیتی مصوبه داشت. از کمیته مربوط در این زمینه نام ۱۰ نفر از مسئولان و مقامات جمهوری اسلامی در اختیار بنده است که کمیته تحقیق آنها را به دست آورده است. در صفحه اول نام عبدالرسول دری با تابعیت کانادا به عنوان مسئول کمیته مذاکره کننده پولی و بانکی و هسته‌ای آمده است. آیا این جایگاه که جایی است؟ محمد علی شعبانی نیز عضو هیات مذاکره کننده بودند. برخی از آنان فارغ التحصیل دانشگاه‌های انگلیس هستند که متخصص در امور جاسوسی هستند. سیروس ناصری و مشکان مشکور هم عضو هیات مذاکره کننده بودند.» وی ادامه داد: «نگاهی که معتقد است بدون غرب و اروپا نمی‌توان زندگی کرد، درست نیست اما متأسفانه دولت روحانی به این مسأله اعتقاد دارد. امیدی به حل برجام و مسائل اقتصادی توسط اروپایی‌ها نیست.» سخنگوی وزارت امور خارجه همچنین در پاسخ به سوالی در مورد پخش فیلمی از تیم مذاکره کننده هسته‌ای کشورمان در نشست مجلس اظهار کرد: «جامعه ما جامعه‌ای روشن است، مردم مسائل را به خوبی دنبال می‌کنند. شناخت نسبتاً خوبی از روند تحولات و رفتار مسئولان، نهادها و ارگان‌ها دارند.» وی با بیان اینکه متأسفانه برخی بر اساس عداوت‌های شخصی و مسائل شخصی اقدام به فرافکنی و زدن اتهام نسبت به برخی مقامات وزارت خارجه می‌کنند، تصریح کرد: «این مسائل را نباید جدی گرفت. مسأله جدیدی نیست و قطعاً نیز آخرین نخواهد بود.»

## خداحافظی با موگرینی

بانوی ایتالیایی سیاستمدار، او که شهره بود به مبارزه با نژادپرستی و آپارتاید، وقتی جایای کاترین اشتون گذاشت، ورق برگشت. قدمش خوش یمن بود. او که آمد دولت روحانی دلش نرمش خواست و راه برای مذاکره باز شد. از آن سوی او باما و جان کری هم مسیری متفاوت را برای سرنوشت مذاکرات هسته‌ای ترسیم کردند. فدریکا موگرینی جوان با آن استایل‌های خاص و لبخندهای امیدوارکننده، باب جدیدی از مذاکرات هسته‌ای را گشود که بعد از دو سال سرانجامش شد برجام.

اما صدافسوس که همه چیز به این خوبی‌ها تداوم نیافت، ترامپ کاسه کوزه توافق هسته‌ای را به هم ریخت و از برجام خارج شد. شب خروج ترامپ اما اولین کسی که حتی قبل از حسین روحانی آمد و علیه رئیس‌جمهور تازه کار آمریکا سخن گفت و از حفظ برجام کلام به میان آورد، او بود. فدریکای ایتالیایی همین الان هم بیش از هر رهبر کشور اروپایی، سنگ توافق هسته‌ای را به سینه می‌زند. جالب اینکه به نظر می‌آید ایران هم برجام بدون آمریکا را به امید رایزنی‌های موگرینی با روسای جمهور کشورهای اروپایی دنبال می‌کند. اما اظهارات بانوی اروپایی، خیلی‌ها را شوکه و نگران کرد.

رئیس سیاست خارجی اتحادیه اروپا اعلام کرد پس از پایان دوره تصدی‌اش در سال آینده دیگر برای انتصاب مجدد در این سمت نامزد نخواهد شد. وقتی این جملات را به زبان آورد همه فهمیدند خداحافظی او با اتحادیه اروپا جدی است. جملاتی مثل: «نهایت تلاشم را در مدت زمان باقیمانده می‌کنم تا این سمت را به‌طور آماده در اختیار جانشینم بگذارم، ما کارهای بسیاری داریم که باید امسال انجام دهیم. اول از همه باید آن چیزهایی را که تاکنون به دست آورده‌ایم حفظ کنیم. ما کارهای بسیاری برای تکمیل اقدامات باقیمانده باید انجام دهیم تا خانه را به‌صورت آماده در اختیار نفر بعد که این افتخار را دارد تا در این سمت فعالیت کند، قرار دهیم.» او اکتبر سال بعد مقارن با شهریور و مهر ۹۸ خواهد رفت و رسماً اعلام کرده دیگر کاندیدای ریاست نخواهد شد. اکنون بسیاری می‌پرسند با رفتن فدریکا موگرینی، برجام به کجا خواهد انجامید. آیا اساساً او به عنوان یک فرد در اتحادیه اروپا آن قدر مهم بود که رفتنش برای ایران گران تمام شود؟ یا وی صرفاً مجری سیاست‌های اتحادیه اروپا بود و هرکس دیگری هم به جای او بر سر کار آید، می‌تواند به آن سیاست‌ها ادامه دهد. از همه مهم‌تر اینکه چه شد موگرینی به تداوم حکمرانی‌اش بر سیاست خارجه اروپا پشت کرد و ترجیح داد دیگر نماند. آیا این را باید ناشی از دل‌سردی او در بقای برجام و توافق هسته‌ای دانست؟

علی خرم، استاد حقوق بین‌الملل با تاکید بر اینکه رفتن موگرینی قطعاً هم برای برجام و هم برای ایران ضایعه‌ای بزرگ است، به آفتاب یزدی می‌گوید: «موگرینی شخصی بود که در پخت‌وپز این توافق دخیل بوده و زحمات زیادی برای آن کشیده است. او مثل باغبانی می‌ماند که نهالی کاشته است و اکنون در جایی که باید این نهال رشد پیدا کند تا گیاهان شرایط خشک شدن این نهال با رفتن او فراهم می‌شود.» وی تاکید کرد: «قطعاً هر کس دیگری به جای موگرینی بیاید در راه برجام مثل او نخواهد شد.» مطهرنیا هم در این مورد تاکید می‌کند: «مطمئناً نفر بعدی که به جای موگرینی بر سر کار می‌آید به حد اندازه او بر موضوع برجام مسلط نیست و مشخص هم نیست که مانند او برای بقای برجام تلاش کند.»



## تغییرات سرنوشت ساز در پاکستان

رئیس‌جمهور جدید کیست؟

با برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در پاکستان، «عارف علوی»، عضو ارشد حزب تحریک انصاف به‌عنوان پیروز این انتخابات پست مهم ریاست جمهوری را از آن خود کند.

«عارف الرحمان علوی»، عضو ارشد حزب تحریک انصاف با کسب ۲۱۲ رأی به‌عنوان رئیس‌جمهور کشور پاکستان انتخاب شد. وی که در سال ۱۹۴۹ در شهر کراچی به دنیا آمده است اینک ۶۹ سال دارد و از سال ۲۰۱۳ به‌عنوان نماینده حزب تحریک انصاف در پارلمان پاکستان حضور داشته است. عارف علوی تحصیلات ابتدایی خود را در شهر لاهور به‌تمام رساند سپس در دانشگاه میشیگان آمریکا در رشته دندانپزشکی ادامه تحصیل داد و در سال ۱۹۸۴ پس از فارغ‌التحصیل شدن به پاکستان بازگشت. وی مدتی را به‌عنوان رئیس انجمن دندانپزشکان پاکستان نیز فعالیت کرده و از لحاظ شغلی یک پزشک به‌حساب می‌آید.

عمر سیاسی رئیس‌جمهور جدید پاکستان با حضور در یک مرکز اخذ رأی به‌عنوان ناظر آغاز شد و سپس عضو یک گروه مذهبی شد. طبق اعلام عارف علوی، وی در ایام دانشجویی نیز به‌عنوان رئیس یک گروه فعال دانشجویی فعالیت داشته است. اولین حضور او در یک انتخابات رسمی در سال ۱۹۷۹ رقم خورد و عارف علوی تلاش کرد به‌عنوان نماینده پارلمان ایالت سند انتخاب شود و در این راه از سهمیه حزب جماعت اسلامی پاکستان استفاده کرد ولی نتوانست موفقیتی به‌دست آورد و شکست را پذیرا شد. وی در سال ۱۹۹۶ به‌عنوان نماینده پارلمان تحریک انصاف پیوست و به‌این ترتیب به یکی از بنیانگذاران حزبی تبدیل شد که اینک قدرت را در پاکستان به‌دست دارد. در سال ۱۹۹۷ رئیس حزب تحریک انصاف در کراچی شد و این نقطه آغاز یازگیری‌های او برای کاپیتان عمران خان بود. این سیاستمدار پرتجربه در سال ۱۹۹۷ نیز در انتخابات شرکت کرد ولی باز هم نتوانست توفیقی به‌دست آورد. در سال ۲۰۰۱ به‌عنوان معاون حزب تحریک انصاف فعالیت‌های خود را آغاز کرد و در سال ۲۰۰۲ باز هم در انتخابات شکست خورد. او بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۳ دبیرکل حزب تحریک انصاف بود و اولین بار توانست در سال ۲۰۱۳ به‌عنوان نماینده تحریک انصاف از منطقه ۲۵۰ شهر کراچی وارد پارلمان پاکستان شود. در سال ۲۰۱۳ او تنها نماینده حزب تحریک انصاف از ایالت سند در پارلمان ملی پاکستان بود و بقیه اعضای این حزب در انتخابات شکست خوردند. وی در سال ۲۰۱۸ نیز از منطقه ۲۴۷ شهر کراچی به‌نماینده‌گی از تحریک انصاف در انتخابات شرکت کرد و باز هم نتوانست پیروز شود. انتخاب او به‌عنوان رئیس‌جمهور پاکستان نقطه عطفی در زندگی عارف علوی خواهد بود و اینک او فرصت دارد تا ناگهانی سال‌های اول عمر سیاسی خود را جبران کند.



روحانی علیه روحانی

سیدحمید روحانی یکی از چهره‌های خبرساز هفته گذشته بود. او سخنانی علیه حسن روحانی بیان کرد. این چهره گفته است: «ارزنده‌ترین شعار تجمع طلاب «ای آنکه مذاکره شعارت، استخر فرح در انتظار» بود.» سیدحمید روحانی، رئیس بنیاد تاریخ پژوهی انقلاب اسلامی این سخنان را در نشست خبری مطرح کرد. او در این جلسه به ماجرای فیضیه و سکولار شدن حوزه پرداخت و صراحتاً از اقدام طلبه‌هایی که حسن روحانی را به ترور تهدید کرده بودند، حمایت کرده است. او با اشاره به تجمع طلاب در قم مستقیماً از تلاش آمریکا و انگلیس برای به تازگی کشاندن آینده تشیع و مرجعیت با تکیه بر آدم‌های دنیاطلب و خودخواه در حوزه‌ها سخن گفت و سپس از تجمع ۲۵ مرداد طلبه‌ها در قم قاطعانه حمایت کرد و در بخشی از سخنانش گفت این طلبه‌ها خواب کسانی که به دنبال سازش با آمریکا و سردمداران برجام هستند را آشفته کردند. او همچنین در نشست خبری تأکید کرد که آمریکا از «فیضیه ناآرام» که «موج‌هایی را برانگیزد، وحشت دارد.» او گفت آمریکا «فیضیه‌ای خاموش» می‌خواهد و طابایی که تحت کنترلش باشند.

## اتهامات مشایی



هفته گذشته دومین جلسه دادگاه اسفندیار رحیم‌مشایی به ریاست حجت الاسلام غضنفرآبادی برگزار شد؛ دادگاهی پر از حاشیه. در جلسه نخست رسیدگی به اتهامات رحیم‌مشایی، تصاویری از جلسه منتشر شد که حاکی از تلاش متهم برای برهم زدن نظم جلسه بود. هرچند در تصاویر منتشر شده از جلسه نخست، صدای مشایی قطع می‌شود، با این وجود عصبانیت او در تصویر به وضوح مشخص است. حاشیه‌های جلسه دوم دادگاه از همان لحظه ورود آغاز شد. متهم در اقدامی عجیب در ابتدا صندلی خود را به سمت حاضرین برگرداند و پشت به رئیس دادگاه نشست. غضنفرآبادی رئیس دادگاه سواتی را از رحیم‌مشایی مطرح کرد که اسفندیار پاسخی برای آنها نداشت. قاضی غضنفرآبادی به متهم گفت: «آقای مشایی چرا می‌خواستید جیسون رضاییان را ببینید؟ پانته آفیوزی و آزی‌تاش‌زاد چه کسانی هستند؟ چرا چهارشنبه کيفرخواست را نگرفتید؟ ارتباط خود با جاسوسان انگلیس و اسراییل را توضیح دهید، لیلازند چه ارتباطی با انگلیس داشت؟»

حسین مرعشی سخنان قابل تاملی در مورد حسن روحانی گفته است. او گفته است: «از دیدگاه من حتی اگر آیت‌الله هاشمی در حال حاضر حضور داشتند، باز هم حریف برخی سیاست‌های روحانی نمی‌شدند و نمی‌توانستند او را در عدم عقب‌نشینی در بعضی مسائل مجاب کنند چرا که او در دوره اول دولت خود هم به توصیه‌های آیت‌الله هاشمی جدی عمل نمی‌کرد.» او همچنین گفت: «انتخابات ۹۶ از جهت کاندیداتوری جهانگیری ضربه بزرگی به اصلاحات بود. به هر حال حضور جهانگیری در انتخابات ضررهایی را متوجه خود جهانگیری و جریان اصلاحات کرد. کاندیداتوری او تصمیم روحانی بود و همگان شاهد بودیم که به نفع او هم تمام شد اما برداشت من این است که تیم حلقه یک روحانی از کاندید شدن جهانگیری در انتخابات رنجیدند و در دوره دوم در شکل‌گیری دولت، جهانگیری کاملاً به کنار رانده شد.»



داستان جهانگیری

## غیبت پرماجرا



حسن روحانی از حضور در اجلاس خبرگان خودداری کرد. این عدم حضور باز خوردی فراوانی داشت. البته از سوی دولت اعلام شد که روحانی به جهت حضور در سفر استانی به اجلاس خبرگان نرفته است حتی واعظی رئیس دفتر رئیس جمهور نیز اعلام آمادگی کرد که اعضای خبرگان برای شام به حضور رئیس جمهور بروند. در اجلاس خبرگان اما از سوی اعضا نقدهایی در مورد عدم حضور روحانی مطرح شد.

## همه مسئولیت اقتصاد بار روحانی است

سعید لیلاز، عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران یکی از نزدیکترین احزاب اصلاح طلب به حسن روحانی، انتقادات تندی علیه عملکرد اقتصادی حسن روحانی و دولتش مطرح کرد.

این تحلیلگر شناخته شده اقتصادی جریان اصلاح طلب و عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران، یکی از نزدیکترین احزاب اصلاح طلب به حسن روحانی در گفت و گو با یورونیوز سخنان غیرمنتظره ای را علیه عملکرد اقتصادی حسن روحانی و دولتش مطرح کرد.

وی با اشاره به تحولات اقتصادی ایران، گفته است: «ورود اسکناس (دلار) از دی ماه سال گذشته به بازار ایران از سوی آمریکایی ها ممنوع شد و دولت روحانی هم در این زمینه بسیار بی کفایت و بسیار بد عمل [کرد] و دقیقا یا جای پای احمدی نژاد گذاشت و نتیجه شد وضعیتی که شاهد هستیم.»

وی افزود: «وقتی بازار ملتبه می شود از حالت نرمال و طبیعی خود خارج می شود، مردم دارایی های خود را به طلا و دلار تبدیل می کنند و این بر التهابات بازار دامن می زند. اما عامل دیگر سوءمدیریت دولت آقای روحانی است که به ناشیانه ترین شکل ممکن با این پدیده برخورد کرد. به نظر من آقای روحانی هیچ تصویر و برآورد روشنی در روز اول از موج تحریم هایی که به سمت اقتصاد ایران سرازیر می شد، نداشت. تصمیم هایی گرفت و تدبیرهایی اتخاذ کرد که به التهابات بازار دامن زد. مثلا به جای اینکه جلوی مصرف ارزی را بگیرند شروع کردند به یک سلسله اقدامات مشوق مصرف ارز از جمله اعطای ۵۰۰ یا هزار یورو برای سفر خارجی که منجر به افزایش تقاضای سفر خارجی شد در حالی که ما باید جلوی آن را می گرفتیم.»

عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران تصریح کرد: «در این وضعیت فساد موجود در کشور هم سوار بر کار شده و از کوچک ترین روزه ها دارد برای غارت

سازمان یافته منابع ملت ایران استفاده می کند. این را در قالب ال سی های دروغین و واردات تقلبی می توانید ببینید. فساد در گمرک ها، وزارت صنایع، تخصیص ارز، عدم انطباق وارداتی با ثبت سفارش می توانید ببینید. پول گرفتند جنس وارد نکردند و کسی نبود که پیرسد چه می کنید؟ به گونه ای آقای روحانی و آقای جهانگیری با این مساله رفتار کردند که گویی بار اول است ما با این مسائل روبه رو هستیم و بی کفایتی و فساد می که دستگاه دولت را گرفته عامل تشدید و خامت اوضاع ارز است.»

لیلاز با تاکید بر اینکه تمام تدابیر دولت تاکنون ناکافی و بسیار متناقض بوده و باعث سردرگمی شده است، اظهار کرد: «مثلا ده ها میلیون تن کالا در گمرک های کشور مانده و مردم امکان ترخیص این کالاها را ندارند. اگر ترخیص می کردند قیمت ها پایین می آمد. از سوی دیگر واقعیت دیگر این است که صادرات نفت ما یک میلیون بشکه در روز کاهش پیدا کرده؛ معادل ۷۰ تا ۷۵ میلیون دلار درآمد در روز. یعنی در حدود ۲۰ تا ۲۵ میلیارد دلار از درآمد سالانه نفتی ایران کم می کند. این هم اثر خود را می گذارد.»

وی ادامه داد: «آتش منازعات داخلی که تجلی اش در بین مجلس و دولت بیرون زده و در خود دولت هم است، چیز محرمانه ای نیست، رفتارهایی که در روز سوال از آقای روحانی یا روز استیضاح وزیر می شود مردم وقتی این صحنه ها را می بینند آینده خود را تیره تر می بینند و سعی می کنند دارایی خود را به دلار تبدیل کنند.»

در حالی که اگر می توانستیم انسجام در داخل حکومت ایجاد کنیم و از همه ظرفیت های ضد تحریم مان با تدبیر درست استفاده کنیم و به سیاست گذاری مان ثبات بدهیم، من مطمئن هستم نه تنها قادر به کنترل اوضاع بودیم که قیمت دلار هم پایین می آمد. اما با روند فعلی فکر می کنم دلار به ۱۵ و ۱۶ تومان هم می رسد چون دولت

روحانی عملا هیچ کاری نمی کند و دارد تماشا می کند.» این اقتصاددان جریان اصلاح طلب بیان کرد: «من پشت پرده را نمی دانم ولی اختیاراتی که آقای خامنه ای به روحانی و سران سه قوه داده اگر به چوب داده بود تا الان یک کاری کرده بودند. اما ناشایست ترین مردانی که ممکن بود در ۲۵۰ سال گذشته در آمریکا سر کار بیایند، الان روی کار آمده اند و دارند اقتصاد و مسئولان و دولتمردان را روی انگشت می چرخانند و ما را مسخره می کنند. مسئولیت این را من اساسا متوجه آقای روحانی می دانم چون ما از ۸ یا ۹ ماه قبل مکرر به آقای روحانی هشدار دادیم که بحران در پیش است و دلار را بحران خواهد گرفت.» گفتنی است سعید لیلاز مهرآبادی، استاد مدعو دانشگاه شهید بهشتی، روزنامه نگار و تحلیلگر اقتصادی است.

وی استاد گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی و سردبیر روزنامه توقیف شده سرمایه است. وی همچنین مدیرعامل سبلان خودرو میوان که در زمینه بازسازی اتوبوس و مینی بوس فعال است، می باشد. وی در سال ۱۳۶۶ و در ۲۴ سالگی به روزنامه اطلاعات رفت و مشغول به روزنامه نگاری شد؛ هرچند پیش از آن، مقالاتی برای این روزنامه فرستاده بود. همچنین پدر او در سال های پیش از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ روزنامه نگار بود و در رسانه هایی همچون «روزنامه آتش» کار می کرده و دیدگاه های چپ داشته است.

پس از انتخابات ریاست جمهوری ۹۲ و به دنبال پیروزی حسن روحانی، سعید لیلاز با انتشار یادداشتی تحت عنوان فرصت بی نظیر تاریخی، اعلام کرد: «پیروزی آقای حسن روحانی در یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری می تواند به خوبی نشان دهنده این واقعیت باشد که پس از تجربه هشت ساله دولت منتهی الیه جناح چپ و بعد از آن تجربه هشت ساله منتهی الیه جناح راست، شاهد به وجود آمدن نوعی گرایش و تمایل در ملت ایران به مرکزگرایی و اعتدال گرایی هستیم.»

در روزهای امضای توافق برجام میان ایران و ۵+۱ در وین، سعید لیلاز در مصاحبه با رسانه ها اعلام می کند اقتصاد هم مانند سیاست خارجی نیازمند مردانی مانند محمدجواد ظریف است.

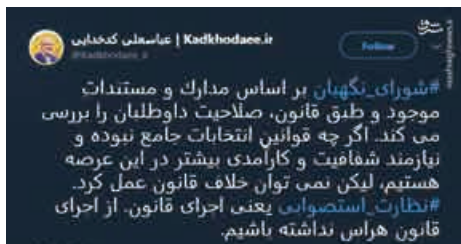


## واکنش‌ها به نطق نماینده اصلاح طلب



## کدخدایی: نظارت استصوابی یعنی اجرای قانون

عباسعلی کدخدایی سخنگوی شورای نگهبان با انتشار پستی در صفحه توئیتر خود به عنوان شدن موضوع نظارت استصوابی توسط برخی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی واکنش نشان داد و تأکید کرد که نظارت استصوابی یعنی اجرای قانون و نباید از اجرای قانون هراس داشته باشیم.



## اقدام جالب شیعیان مقیم شیکاگو در ترویج فرهنگ حسینی

فواد ایزدی کارشناس روابط بین‌الملل در توئیتر با انتشار فیلمی از اقدام جالب شیعیان مقیم شیکاگو در ترویج فرهنگ امام حسین (ع) نوشت

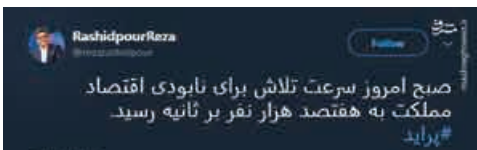


## توییت سلیمی نمین درباره مشکلات اقتصادی کشور

عباس سلیمی نمین مدیر دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران در توئیتر درباره مشکلات اقتصادی کشور نوشت



## طعنه مجری سیما به پیش فروش خودرو



رضارشیدپور مجری معروف تلویزیون در صفحه شخصی خود در توئیتر درباره پیش فروش خودروهای سایپا نوشت

## ما چنین مردمی بودیم یا هستیم؟

عبدالله گنجی مدیر مسئول روزنامه جوان با انتشار تصویری در اینستاگرام خود نوشت: از آب خوردن اسیر دشمن چه لذتی در چهره‌شان نمایان است.





ردیف	شرح	مبلغ	واحد
۱	...	...	...
۲	...	...	...
۳	...	...	...
۴	...	...	...
۵	...	...	...
۶	...	...	...
۷	...	...	...
۸	...	...	...
۹	...	...	...
۱۰	...	...	...
۱۱	...	...	...
۱۲	...	...	...
۱۳	...	...	...
۱۴	...	...	...
۱۵	...	...	...
۱۶	...	...	...
۱۷	...	...	...
۱۸	...	...	...
۱۹	...	...	...
۲۰	...	...	...
۲۱	...	...	...
۲۲	...	...	...
۲۳	...	...	...
۲۴	...	...	...
۲۵	...	...	...
۲۶	...	...	...
۲۷	...	...	...
۲۸	...	...	...
۲۹	...	...	...
۳۰	...	...	...
۳۱	...	...	...
۳۲	...	...	...
۳۳	...	...	...
۳۴	...	...	...
۳۵	...	...	...
۳۶	...	...	...
۳۷	...	...	...
۳۸	...	...	...
۳۹	...	...	...
۴۰	...	...	...
۴۱	...	...	...
۴۲	...	...	...
۴۳	...	...	...
۴۴	...	...	...
۴۵	...	...	...
۴۶	...	...	...
۴۷	...	...	...
۴۸	...	...	...
۴۹	...	...	...
۵۰	...	...	...

یک عده یه شرکت صوری ثبت کردن و میان دلار ۸۰۰۰ تومانی از این سامانه می خرن بعد میرن تو بازار آزاد ۱۲۰۰۰ می فروشن؛ یعنی سود هنگفت بدون کمترین زحمت. خب، آقایون عاقل بانک مرکزی! می زاشتید مردم عادی هم بیان تو همین سامانه خریدهای خردشون رو با کارت ملی شون انجام بدن و بعد هم با ارائه کارت ملی و حضور شخصی تحویل بگیرن. آخه این چه بساط مسخره‌ایه که درآوردید؟ کی می خواد این وضع سامان پیدا کنه؟

به نظر می رسد ارائه نسخه‌های پی در پی اقتصادی که هرکدامشان دارای عیب و ایرادهای فراوان هستند نمی تواند راهکاری برای برون رفت از وضع فعلی باشد. خواهشا کارشناسان دانشگاهی را به کار بگیرید.

ناشناس ۱۳:۵۷ دوشنبه ۱۲ شهریور ۱۳۹۷ چرا مسئولان خودشان را به ندیدن زده‌اند؟ اکثر اقلام داره ساعتی میره بالا بانرخ آزاد، اما مسئولان مدام در مورد بازار ثانویه مانور می دهند.



نماینده اصلاح طلبی که در مجلس نطق می کند و به جای توجه به مسائل اصلی مردم یعنی گرانی و تورم حرف‌های سیاسی بی ربط می زند هیچ صلاحیتی برای حضور در مجلس ندارد.

مردم همون‌هایی هستند که پارسال به یارانه ۳ برابری نه گفتند و با ۲۴ میلیون رای به روحانی اعتماد کردند. ولی افسوس که همه مسئولین قدر این مردم را نمی دانند. اولاً که به قول بعضی دوستان اینها دلال هستند. دوما مردم چه کار کنند وقتی هر روز که از خواب پا می شن می بینند با اظهارات بی خردانه مسئولین دلار و به تبع اون سایر اقلام ضروری زندگی شون چندین درصد افزایش قیمت داشته؟ پس نمی شه مردم را به بی فرهنگی متهم کرد. وقتی اقتصاد مملکت شکوفا شد هم مسائل فرهنگی، هم اجتماعی اصلاح خواهد شد.

به عنوان کسی که کارشناسی ارشد اقتصاد داره می گم که مردم این وسط هیچ تقصیری ندارد. الکی مردم رو شماتت نکنید. هر جای دیگه دنیا هم باشه وقتی ببیند که تمام سرمایه‌ها و دارایی شون داره جلو چشمشون از بین میره همین کارو می کنند. اونایی که مردم رو ملامت می کنند باید اول به این سوال جواب بدن که رو چه حسابی دلار ظرف چند ماه از ۴۰۰۰ تومان رسیده به ۱۳۰۰۰ تومان؟ رو چه حسابی از مردم انتظار دارید دست رو دست بزارند و هیچ کاری نکنند و ضرر کنند؟

واردات خودرو باید آزاد بشه قیمت خودروهای داخلی را هم بازار تعیین کنه.

من موندم چرا تو شهرستان این جوری نیست. فقط تو تهران مردم هجوم می برن. والا ۷۵ میلیون ایرانی دارن فدای این تهرانیا میشن. بابا این همه می گن نخرید، باز حمله می کنید. واسه دلار بگیرم دلارم خریدی، فردا چی پس فردا چی بعدش چی. چرا مردم ما آن قدر کوتاه‌بین هستن دست بردارید هر بلایی سر مردم می‌آد از این تهران شروع میشه همه بازارهارو قرق کردن هر اتفاقی می افتد حمله می کنن، بعد ادعای فرهنگ و روشنفکری شونم می شه.

خواهش می کنیم به درد ما باز نشسته‌ها هم برسید. آنچه می گیریم کفاف زندگی مان را نمی دهد و روزگار به سختی می گذرانیم.

باعث افزایش قیمت ارز خود دولت نه تنها به بهبود وضعیت کمک نمی کنه، بلکه با مصاحبه‌های هر از چندگاه آتش این گرانی رو شعله‌ور تر می کنه نمونه‌اش صحبت‌های ۲ رئیس بانک مرکزیه که ببینید چه بلایی سر قیمت‌ها آورد. تا اوضاع کمی آرام می شه حتما یکی مصاحبه‌ای در جهت تحریک بازار انجام میده.

پول خرج کردن مردم ایران هم از عجایب است، وقتی شرایط خوب و عادی است و قیمت مناسبه، پراید را اشغال می دانند و نمی خرند ولی وقتی دولاپهنا گران می شود، همان گاری پراید را با ولع به هر قیمتی می خرند.

سوال از رئیس جمهور انجام شد ولی خیلی دیر. نمایندگان نشان دادند اگه بخوان می تونن به نفع مردم و کشور کار کنند. ای کاش خیلی زودتر از اینها از خواب بیدار می شدند تا کار به اینجا نمی رسید.

می گویند قبول می دهیم اقلام اساسی با کاهش و کمبود مواجه نشود. اما سوال این است که مگر مشکل مردم کمبود و کاهش این اقلام است؟ مساله ما گرانی است.

افزایش بی رویه اجاره‌ها کمر مستاجران را شکسته است. چرا هیچکس برایش مهم نیست. معلوم است کسانی که ثروت‌های میلیاردی دارند اصلا درد طبقه ضعیف را نمی فهمند و حتی اگر بفهمند هم برایشان مهم نیست. مسئولان مربوطه در این بخش باید کسانی باشند که سطح اقتصادی این قشر از مردم را در نظر بگیرند.



## رقابت شیعی-شیعی

نقش سرنوشت ساز کردها در آینده سیاسی عراق چگونه است؟

## میر قاسم مومنی

مدیرعامل موسسه مطالعات  
بین المللی چشم انداز ابرار نوین



حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ و فروپاشی رژیم صدام حسین، سرآغاز بحران‌های سیاسی، امنیتی، قومی و اقتصادی در عراق تلقی می‌شود. حضور نظامیان آمریکا در عراق و تشکیل گروه‌های مقاومت و برخی گروه‌های وابسته به القاعده، جنگ داخلی عراق را بین اقوام و مذاهب عراقی شعله‌ور ساخت که در نهایت با تسلط گروه تکفیری داعش بر بیش از نیمی از سرزمین عراق، زنگ خطر تشکیل دولت اسلامی داعش در عراق و سوریه همچون حکومت طالبان در افغانستان به صدا درآمد. این امر، جنایات و وحشی‌گری‌های این گروه در پامال کردن جان و مال مردم عراق را که در تاریخ آن کشور بی‌سابقه بود رقم زد.

در چنین شرایطی کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای با حمایت سازمان ملل جهت نابودی داعش بسیج شدند که در نهایت با توجه به تلاش‌ها و کمک‌های جمهوری اسلامی ایران به دولت و مردم عراق توانستند داعش را در سال ۲۰۱۶ در این کشور شکست دهند تا تمام خاک آن کشور آزاد شود. به همین جهت در دوران پساداعش شاهد هستیم که گروه‌های سیاسی که هر کدام نقشی در بیرون کردن داعش داشتند، خواهان سهم بیشتری در آینده سیاسی عراق هستند. انتخابات پارلمانی ۱۲ می ۲۰۱۸ در عراق نقطه عطفی در تاریخ سیاسی آن کشور محسوب می‌شود؛ چرا که دولت و مردم عراق در یک موقعیت نسبتاً آرام جهت تعیین آینده سیاسی و مدیریتی آن کشور به پای صندوق‌های رای رفتند و نتایج حاصل ضمن آنکه از یک سو وضعیت سیاسی احزاب را نشان می‌دهد، از سوی دیگر خواسته‌های مردم عراق را در بر می‌گیرد. در نظام پارلمانی عراق، ائتلافی که بتواند بیش از نصف ۳۲۹ کرسی پارلمان را به دست گیرد، می‌تواند نخست‌وزیر تعیین کند و چون یک حزب واحد نمی‌تواند به آرای لازم دست یابد، دولت آینده عراق یک دولت ائتلافی خواهد بود و به همین جهت احزاب بزرگ به دنبال جذب احزاب کوچک یا احزاب قومی هستند که در این میان یک رقابت پنهان و آشکار در صحنه‌های سیاسی عراق در جریان است.

بر اساس نتایج نهایی، صدر ۵۴ کرسی، عامری ۴۸ کرسی، عبادی ۴۲ کرسی و مالکی ۲۵ کرسی پارلمان را از آن خود کرده‌اند و جهت تشکیل دولت نیازمند ائتلاف با سایر احزاب هستند. چون حزب سائرون به رهبری مقتدی صدر ۵۴ کرسی را به دست آورده، از نظر قانون اساسی عراق، اولویت تشکیل دولت را در صورت کسب نصف به علاوه یک اعضای پارلمان دارا است. با توجه به اینکه ائتلاف عبادی و صدر ۱۸۷ کرسی دارد، آنها فعلاً در تشکیل دولت دست بالا را دارند. ائتلاف به رهبری نخست‌وزیر کنونی، شامل رهبرانی همچون ایاد علاوی، معاون رئیس‌جمهور، عمار حکیم، رهبر جریان حکمت ملی، نمایندگان عرب سنی و نمایندگانی از اقلیت‌های ترکمانی، ایزدی، صابئین مندایی و مسیحی می‌شود. در مقابل رهبران احزاب رقیب شامل مالکی و عامری، تاسیس ائتلاف البناء (سازندگی) با حضور ۱۵۴ نماینده را اعلام کردند که در جلسه روز دوشنبه پارلمان اعلام و بدون نتیجه‌گیری خاصی پایان یافت. انتخابات این دوره عراق نسبت به دوره‌های گذشته یک تفاوت اساسی دارد و آن رقابت درون احزاب شیعه است که بسیار نقش آفرین است. برخلاف دوره‌های گذشته که رقابت اصلی بین احزاب شیعه و سنی و وابستگان آنها بود در دوره اخیر رقابت بین احزاب شیعه هستند و احزاب مسیحی و سنی نقش آفرینی در هدایت سیاسی یکی از این دو ائتلاف را بر عهده دارد. این موضوع موجب شده که علمای شیعه ابراز نگرانی کنند چون اختلاف

بین احزاب شیعه قدرت یافتن بقایای حزب بعث و نفوذ عوامل رژیم صهیونیستی و آمریکا را در مسائل داخلی عراق پرزنگ می‌کند. به همین جهت ایجاد وحدت بین احزاب شیعه، اولویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در عراق بوده و است. از سوی دیگر رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عربستان و اختلافات ایران و آمریکا، دو موضوع تأثیرگذار بر رقابت‌های انتخاباتی عراق است. چون هزینه‌های مالی و جانی که ایران در مسیر آزادسازی عراق از دست داعش پرداخت کرده، مطالبات مردم و دولت ایران نسبت به آینده سیاسی آن کشور را طلب می‌کند و به همین جهت در صحنه فعلی رقابت‌های احزاب عراقی در صحنه بین‌المللی، رقابت ایران با آمریکا و عربستان سعودی بسیار ملموس است. با توجه به ائتلاف شکننده و ائتلاف موجود به ریاست آقای عبادی نخست‌وزیر و آقای هادی عامری از رهبران حشد الشعبی و سپاه بدر و قهرمان جنگ علیه داعش، در این میان نقش اساسی و تعیین‌کننده را احزاب کردی دارند. در انتخابات پارلمانی ۱۲ ماه می عراق، احزاب کردی مجموعاً ۴۳ کرسی پارلمان را کسب کردند که نقش سرنوشت‌ساز دارد. از زمان حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، سیستم حکمرانی عراق بر پایه تقسیم قدرت میان سه گروه بزرگ قومی-مذهبی تقسیم شده است. معمولاً نخست‌وزیر شیعه، رئیس پارلمان سنی و رئیس جمهور کرد است که از سیستم تقسیم قدرت در لبنان الگوبرداری شده است. دو حزب حاکم بر اقلیم کردستان عراق یعنی دموکرات کردستان و اتحادیه میهنی، گفت‌وگوهای فشرده‌ای با جریانات سیاسی شیعه و سنی عراق به منظور تشکیل دولت انجام می‌دهند. پس از همه‌پرسی کردستان، روابط اربیل با بغداد وارد مرحله جدیدی شد. کنترل منطقه نفت خیز کرکوک از دست نیروهای پیشمرگه خارج شده و درآمدهای نفتی دولت اربیل کمتر شده است. مضاف بر این چالش‌ها، جبهه داخلی کردستان نیز دارای انسجام نیست. چهار حزب معارض کردی (جنبش تغییر، ائتلاف دموکراسی و عدالت و دو حزب اسلام‌گرای جماعت و اتحاد) که جمعاً ۱۱ کرسی در پارلمان عراق دارند، با دو حزب اصلی حاکم بر کردستان اختلاف نظر دارند. دو حزب دموکرات کردستان و اتحادیه میهنی تلاش می‌کنند که چهار حزب معارض را به ادغام برنامه‌هایشان در برنامه‌های دو حزب حاکم متقاعد کنند تا همه احزاب کردی بتوانند در یک جبهه واحد با سایر گروه‌های عراقی گفت‌وگو کنند. با این حال، هنوز اجماعی بین این احزاب صورت نگرفته است. احزاب کردی در نظر دارند در ازای پیوستن به ائتلاف‌های شیعی، مطالباتی را مطرح کنند. یکی از این مطالبات، بازگشت نیروهای پیشمرگه به کرکوک است. علاوه بر این، احزاب کردی به دنبال این هستند که سهم‌شان را از بودجه عمومی عراق بیشتر کنند و به تفاهاتی با بغداد برسند که به موجب آن بتوانند مستقل از بغداد، نفت صادر کنند. احزاب کردی شرط گذاشته‌اند که قبل از هرگونه حمایت از گروه‌های شیعی باید تضمین‌های موقد در راستای اجرای مطالبات مزبور به آنها داده شود و این موضوع پیچیدگی و ظرافت‌های خاصی را در بر می‌گیرد و ممکن است قبول خواسته‌های احزاب کردی درگیری‌های قومی جدیدی را به دنبال داشته باشد. اما واقعیت این است که در جریان تشکیل دولت آتی عراق نقش عوامل خارجی بسیار تعیین‌کننده است و کسی می‌تواند تشکیل دولت دهد که بتواند احزاب کردی را نیز وارد ائتلاف خود نماید؛ لذا باید منتظر شد که چه کسی این شرایط کردها را قبول خواهد کرد و اگر قبول کرد آیا می‌تواند به تعهدات خود عمل کند؟ هرچند ائتلاف سائرون تلاش زیادی جهت جلب نظر احزاب کردی کرد اما ائتلاف به رهبری هادی عامری نیز بی‌کار ننشسته است و تلاش می‌کند با تکابه پایگاه مردمی خود که نقش ناجی مردم عراق را در سابقه خود دارد، در تشکیل دولت وحدت ملی موفق باشد. چرا که تشکیل دولت آتی عراق و نگاه نخست‌وزیر و کابینه دولت در تنظیم روابط عراق با ایران، عربستان و آمریکا نقش مهمی ایفا خواهد کرد.



# نقش مرجعیت

## کشمکش بر سر تشکیل فراکسیون اکثریت در عراق ادامه دارد

علی موسوی خلخالی

پژوهشگر مسائل خاورمیانه



پارلمان عراق در حالی روز یکشنبه گذشته کار خود را آغاز کرد که دعوا بر سر تشکیل فراکسیون اکثریت، وضعیت پارلمان را به کما فرو برده است. دو جریان اصلی شیعی هر دو ادعای تشکیل فراکسیون اکثریت را داشتند و اتفاقاً هر دو فراکسیون هم متشکل از گروه‌های شیعه و سنی بودند؛ یکی را ائتلاف سائرون و نصر به رهبری مقتدی صدر و حیدر العبادی که اولی بیشترین کرسی‌های پارلمان را به دست آورده و دومی ۴۲ کرسی به دست آورده و سومین ائتلاف پیروز انتخابات محسوب می‌شود و همچنین جریان حکمت به رهبری سیدعمار حکیم با ۲۰ کرسی که اولین حزب پیروز انتخابات محسوب می‌شود، رهبری می‌کنند. فراکسیون دوم را نیز نوری مالکی با ۳۰ کرسی و هادی عامری با ۴۷ کرسی به عنوان دومین ائتلاف پیروز انتخابات رهبری می‌کنند. اولی نام ائتلاف خود را «اصلاح و سازندگی» نام گذاری کرده و دومی نام «سازندگی» را برای خود برگزیده است. در هر دو فهرست امضای گروه‌های کوچک اهل تسنن مشاهده می‌شود. اما اشکال کار در این است که بعضی از نمایندگان مجلس در هر دو فهرست امضای خود را گذاشته‌اند؛ مساله‌ای که شائبه ایجاد کرده و کار را به دادگاه فدرال قانون اساسی عراق کشانده است. در عین حال هر دو طرف تعریفی متفاوت از چگونگی تشکیل فراکسیون اکثریت ارائه می‌دهند؛ ائتلاف اصلاح و سازندگی می‌گوید که امضای رهبران ائتلاف یا نمایندگان آنها کافی است در حالی که ائتلاف اصلاح می‌گوید از تک‌تک افرادی که حاضر به ائتلاف با آن شده‌اند، امضا گرفته است و این مساله جای هیچ‌امو آگری را باقی نمی‌گذارد. حال باید دادگاه عالی فدرال تصمیم بگیرد که حق با کیست.

گزینه‌های نخست‌وزیری

تا کنون به استثنای حیدر العبادی، هیچ‌کس به طور روشن و صریح برای سمت نخست‌وزیری اعلام نامزدی نکرده است. نامزدی حیدر العبادی هم در حالی صورت می‌گیرد که اعلام نامزدی او می‌تواند با فروپاشی ائتلاف تحت نظارتش مواجه شود. چرا که بر اساس تعریفی نانوشته در درون ائتلاف‌ها برای تشکیل دولت هزینه نخست‌وزیری ۴۰ کرسی پارلمان است و در صورتی که عبادی بخواهد خود را نامزد کند، دیگر گروه‌های متحد با او سهمی برای وزارتخانه‌ها نخواهند داشت. این مساله می‌تواند آنها را به سمت ائتلاف رقیب سوق دهد کم‌اینکه شاهد بودیم ساعاتی بعد از اعلام نامزدی حیدر العبادی برای نخست‌وزیری، دست کم ۱۷ نفر از کسانی که با او ائتلاف کرده بودند، در صدد جدایی از او برآمدند و خواستند که به جریان رقیب بپیوندند، در این صورت شانس عبادی به طور کلی از بین خواهد رفت.

در کنار عبادی نام افرادی همچون فالج الفیاض، مشاور امنیت ملی که با پیوستنش به ائتلاف سازندگی به دستور مستقیم عبادی از سمتش برکنار شد، هادی عامری، رهبر ائتلاف فتح، نوری مالکی، رئیس ائتلاف دولت قانون و طارق نجم عبدالله، یار نزدیک مالکی و معاون او در حزب الدعوة اسلامی به میان آمده است. اما منابع مختلف می‌گویند که مرجعیت عراق به صراحت به اطلاع فراکسیون‌های سیاسی رسانده است که به هیچ وجه با نامزدی هیچ‌کدام از این چهره‌ها موافق نیست. مرجعیت حتی حیدر العبادی را نیز فردی نا کارآمد دانسته که شایستگی ادامه نخست‌وزیری را ندارد. مرجعیت البته نه شرایط خاصی را برای نخست‌وزیری مطرح کرده و نه اعلام کرده است تمایل دارد کدام فرد یا جریانی سمت نخست‌وزیری را به دست بگیرد، اما روشن کرده که با نخست‌وزیری این پنج نفر مخالف است. بعضی‌ها نام

عادل عبدالمهدی، معاون اسبق ریاست جمهوری و وزیر سابق نفت را نیز مطرح کرده بودند که گفته شده است مرجعیت با نخست‌وزیری او نیز مخالفت کرده و اطلاع داده است فرد ۷۶ ساله نمی‌تواند تحرک و پویایی لازم را برای نخست‌وزیری داشته باشد. در این میان قدرت‌های خارجی تلاش دارند که نامزد مورد اعتماد خود را به سمت نخست‌وزیری برسانند. آمریکایی‌ها گمان می‌کنند در میان گزینه‌های فعلی، حیدر العبادی بهترین گزینه برای آنهاست. این مساله را در دیدارشان با مقام‌های عراقی نیز به طور مستقیم و غیرمستقیم بیان کرده‌اند. حیدر العبادی نیز که از جانب جریان رقیب ناامید شده و به قطعیت رسیده است که در ائتلافی که مالکی حضور دارد شانس هیچ مقامی ندارد، تلاش دارد با حفظ جایگاه خود در ائتلاف سازندگی و اصلاح خود را به آمریکایی‌ها بیش از پیش نزدیک کند با این امید که بتواند سمت نخست‌وزیری را برای خود حفظ کند. امضای دستور افتتاح دانشگاه آمریکایی‌ها در بغداد و اختصاص یکی از کاخ‌های صدام حسین به این دانشگاه، یکی از اقداماتی است که عبادی برای جلب حمایت واشنگتن انجام داده است. او حتی با اتخاذ مواضع اخیرش در برابر ایران به نوعی فاصله خود را از تهران نشان داده است تا به این ترتیب به آمریکا نشان دهد فرد مورد حمایت تهران نیست.

با تمام این مسائل هنوز مشخص نیست آینده نخست‌وزیری به کدام سمت و سو خواهد رفت. برخی منابع می‌گویند در لحظه آخر فردی معرفی خواهد شد که مرضی‌الطرفین باشد و از حمایت مرجعیت که شرط اصلی هر مشروعیت سیاسی در عراق است نیز برخوردار باشد. بی‌شک در این میان کردها نقش بسزایی دارند؛ این در حالی است که آنها هنوز اعلام نکرده‌اند که قصد دارند با کدام فراکسیون ائتلاف کنند. آنها از سوی طرف‌های خارجی به خصوص آمریکایی‌ها به شدت تحت فشار هستند و این مساله انتخاب را برای آنها سخت کرده است، اما هر چه باشد تصمیم آنها می‌تواند تعیین کننده باشد. این نکته را هم فراموش نکنیم که برخلاف دوره‌های پیشین این بار هر کدام از این دو ائتلاف در موضع اپوزیسیون قرار بگیرد، اپوزیسیونی قدرتمند خواهد بود که می‌تواند برای دولت آینده عراق در دسرهای بسیاری ایجاد کند.

# طلب کاری به جای پاسخ گویی

## سخنرانی پروانه سلحشوری و غلامرضا حیدری فرار رو به جلو بود

علی گنجی

روزنامه نگار

درست در شرایطی که مردم روزهای سخت و نگران کننده‌ای را می‌گذرانند، در بهارستان اتفاقات عجیب و غریبی رخ داده است. مردمی که در ماه‌های اخیر تورم لجام گسیخته و افزایش لحظه به لحظه قیمت‌ها را تجربه کرده‌اند در حالی که چشمان خود را به منتخبان خود در دولت و مجلس دوخته‌اند حرف‌هایی می‌شنوند که بر سنگینی بار تورم و گرانی افزوده است. حرف‌هایی که اصلاح طلبان پارلمانتاریست بر زبان می‌آورند تلخ و ناراحت کننده است. به این سخنان توجه کنید: «برای حل مشکلات فعلی نهادهای نظامی به پادگان‌ها برگشته و به وظایف ذاتی خود بپردازند تا اقتصاد و فرهنگ سامان بگیرد، ارائه راهکارهای

روابط دوستانه و مبنی بر احترام متقابل دولت‌ها و ملت‌ها و گریز از خصومت با دیگر کشورها بر اساس سه اصل عزت، حکمت و مصلحت.»

این سخنان پروانه سلحشوری، نماینده اصلاح طلب مجلس است که به جای مطرح کردن درد و مشکل واقعی مردم در مورد تورم و گرانی کمرشکن به مطرح کردن خواست‌های سیاسی پرداخته که مسلماً مردم برای چنین منظوری به آنها رای نداده‌اند. او البته در این راه تنها نیست.

یک روز بعد از این نطق، غلامرضا حیدری دیگر نماینده اصلاح طلب چنین گفت: «در شأن کشور ما نیست که بتوانیم موضوع حصر آقایان موسوی و کروبی و خانم زهرا رهنورد و ممنوع‌التصویری خاتمی و آزادی زندانیان سیاسی را حل کنیم.»

در این باره بهتر است چند نکته را مطرح کنیم: به نظر این حضرات اصلاح طلب اکنون مشکل اصلی کشور چیست؟ ممنوع‌التصویری رئیس جمهور اسبق یا اوضاع ناسامان اقتصادی؟

چرا هیچ کدام از آقایان اصلاح طلب نطقی درباره گرانی‌ها و وضعیت اقتصادی انجام نمی‌دهد؟ چرا این این حضرات نمی‌خواهند هزینه‌های دولتی که تا همین دیروز مورد حمایت‌شان بود را بپردازند؟ آیا

# پایان کار بازوی نظامی طالبان

## درگذشت پایه‌گذار شبکه حقانی تایید شد

پیرمحمد ملازهی

کارشناس مسائل شبه‌قاره



گروه طالبان هفته گذشته خبر مرگ جلال الدین حقانی، بنیانگذار ۲۹ ساله شبکه حقانی را تایید کرد. البته وی سال‌ها بیمار بود و پسرش امور را هدایت می‌کرد. از زمانی که اتحاد جماهیر شوروی، افغانستان را اشغال کرد و گروه‌های جهادی شکل گرفتند، جلال الدین از جمله افرادی بود که به آمریکا سفر کرده و با رهبران این کشور دیدار کرد. باید توجه داشت که این گروه‌های جهادی، مورد حمایت کشورهای اسلامی و دنیای غرب به خصوص آمریکایی‌ها قرار گرفته بودند. همچنین در آن مقطع، توافقاتی با جلال الدین و آمریکایی‌ها با هدف آموزش نیروهای جهادی صورت گرفت.

یعنی وی یکی از افراد موثری بود که توانست کمک‌های سازمان سیا را برای مجاهدین افغان جلب کند. منتها از آنجایی که در زمان جهاد، گروه‌هایی که شکل گرفتند، شکل‌گیری شان بر اساس قومیت‌گرایی بود و پایگاه حقانی نیز در مناطق قبایلی و میانی و شرق افغانستان بود، وی با گروه‌های دیگر در مسائلی دچار اختلاف نظر شده بود. حقانی به دلیل فعالیت علیه ارتش شوروی در زمان اشغال افغانستان از محبوبیت در ولایت‌های جنوب شرقی افغانستان همانند خوست، پکتیا و پکتیکا برخوردار بود و نفوذ سنتی او تا کنون همچنان در این مناطق باقی است و به شبکه حقانی امکان می‌دهد تا برای سربازگویی، بیشتر بر این مناطق تمرکز کند.

به هر حال بعد از آنکه جهاد در افغانستان پیروز شد، جلال الدین حقانی یکی از طرف‌هایی بود که تلاش

این افراد فکر می‌کنند مردم یادشان رفته است که وقتی حسن روحانی برای دور دوم انتخابات آماده می‌شد در حمایت از او چه وعده‌هایی به مردم می‌دادند؟ آیا این افراد فکر می‌کنند مردم یادشان رفته است که هنگام انتخابات مجلس چگونه به مردم وعده بهبود وضع اقتصادی را می‌داد؟

نکته مهم این است که در زمان رقابت‌های انتخاباتی مجلس دهم، اصلاح‌طلبان در تهران با ایجاد این موج که برجام ناجی اقتصاد ایران خواهد بود موج سنگینی از جدال برجامیان و نابرجامیان به راه انداخته بودند و این مساله را پررنگ می‌کردند که اگر مخالفان برجام رای بیآورند اقتصاد ایران فرو خواهد پاشید.

حالا که زمان حساب‌کنشی فرارسیده است این افراد با مطرح کردن بحث‌های دیگری که هیچ ارتباط با چالش‌های این روزها ندارد، می‌کوشند از زیر بار مسئولیت‌ها شانه خالی کنند.

این دولت، دولت اصلاح‌طلبان است و این نمایندگان نمی‌توانند مردم را فریب دهند. اصلاح‌طلبان پارلمان‌تاریک‌تر بهتر است هم مسئولیت دلار ۱۴ هزار تومانی را بپذیرند و هم مهم‌تر از آن اگر می‌توانند (که در این توانایی شک و شبهه فراوانی پدید آمده است) باید چاره‌ای بیابند. مردم نباید بیش از این ناامید شوند.

کرد در اجلاس پیشاور توافق میان ۸ گروه ایجاد شود تا بتوانند حکومت و جمهوری اسلامی خود را راه بیندازند. لذا وی در سازش میان گروه‌ها نقش مهم و مثبتی ایجاد کرد. این نقش مثبت از این زاویه قابل بررسی است که خود جلال الدین از جمله اشخاصی بود که ادعای رهبری داشت اما از این مساله کوتاه آمد و اجازه داد فرمولی که بن‌لادن و سازمان القاعده داشتند تا هر دو ماه یکی از گروه‌ها، رهبری را بر عهده بگیرد، انجام شود. براساس این فرمول، صیغت‌الله مجددی به عنوان رئیس‌جمهور افغانستان تعیین شد. مجددی، سیاستمدار، جنگ‌سالار و فقیه اهل افغانستان است. وی از سال ۲۰۰۵ تا کنون رئیس مجلس سنای افغانستان است و در سال ۲۰۰۳ رئیس لویه جرگه تصویب‌کننده قانون اساسی افغانستان بود.

مجددی در جریان جنگ شوروی در افغانستان از رهبران مجاهدین افغان بود و در سال ۱۳۵۷ جبهه ملی نجات را برای مبارزه با حکومت کمونیستی افغانستان بنیان گذاشت. مجددی پس از پیروزی مجاهدین و سقوط حکومت کمونیستی افغانستان در بهار ۱۳۷۱ به عنوان اولین رئیس‌جمهور دولت اسلامی افغانستان منصوب شد.

مجددی بعد از دو ماه کناره‌گیری کرد و آقای جلال الدین ربانی اداره امور را به دست گرفت، این در حالی است که ربانی دیگر حاضر نشد به توافق وفادار بماند. به دنبال این اقدام ربانی، مشکلاتی در افغانستان و میان جهادی‌ها پیش آمد و شاهد شکل گرفتن جنگ داخلی در این کشور بودیم. در جنگ داخلی، حکمتیار در یک طرف و احمدشاه مسعود و ربانی در طرف دیگر قرار گرفتند.

از آن زمان شبکه حقانی به رهبری جلال الدین خود را کنار کشیدند و دیگر خیلی در این مباحث شرکت نکردند. اما زمانی که طالبان به رهبری ملا عمر قدرت گرفتند و این ادعا مطرح شد که مجاهدین کشور را تخریب کرده‌اند، ایشان به طالبان پیوست. در ادامه در زمان حکومت ملا عمر که طالبان حکومت را در اختیار گرفت، حقانی یکی از مقامات برجسته دولت طالبان بود و بعد از آنکه آمریکایی‌ها در افغانستان دخالت و طالبان را سرنگون کردند، همچنان شبکه حقانی با طالبان همکاری داشت. در آن دوره معاون ملا عمر، شخص جلال الدین ربانی بود. جلال الدین ربانی در زمانی که فعالیت می‌کرد یک شخص نظامی سفت و سخت بود، اما در دوره‌های بعدی بعضاً سیاست‌های هماهنگی را با طالبان دنبال نمی‌کرد.

اکنون که جلال الدین حقانی به دنبال بیماری درگذشته است، این پرسش مطرح است که آیا در کارکرد گروه حقانی خلل ایجاد خواهد شد یا چون سال‌هاست وی از قدرت به نوعی کناره گرفته و پسرش عهده‌دار امور است، مرگ وی تاثیری در فعالیت‌های گروه باقی نخواهد گذاشت. در این رابطه باید توجه داشت که شبکه حقانی یک شبکه منسجم است؛ به خصوص وقتی قبایل افغان را در نظر بگیریم این گونه قبایل خاص بسیار منسجم هستند؛ یعنی اگر رهبری به هر شکلی تصمیم‌گیری کند، باقی گروه تبعیت می‌کنند. از زمانی که جلال الدین در بستر بیماری قرار گرفت و پسر وی به عنوان رهبر تعیین شد، گروه حقانی وی را پذیرفتند. چرا که جلال الدین

توصیه کرده بود که پسرش جانشین وی و عهده‌دار امور شود. حتی ممکن است جلال الدین پیش‌تر فوت کرده باشد، اما امروز این خبر اعلام شده باشد. یعنی تایید مرگ وی به این مفهوم نیست که شبکه حقانی دچار مشکل خواهد شد و رهبری همچنان در اختیار خانواده حقانی خواهد بود و آنها نیز با قدرت می‌توانند این جریان را هدایت کنند.

در خصوص گروه حقانی این نکته را نیز باید در نظر داشت که این جریان به لحاظ ایدئولوژیک یک گروه بسیار خطرناک و خشنی است و اغلب عملیات‌های انتحاری که در مراکز حساس علیه آمریکایی‌ها یا دولت کابل انجام می‌شود، توسط این گروه حقانی انجام می‌گیرد. همچنین نفوذ گروه حقانی در دستگاه‌های دولتی بسیار بالاست. در این میان شایعاتی نیز مطرح است که شبکه حقانی عامل اصلی عملیات‌هایی است که آی‌اس‌آی در پاکستان برنامه‌ریزی می‌کند. اما یکسری واقعیات دیگری نیز وجود دارد و نمی‌توان روی این اطلاعات قضاوت کرد.

در واقع در این مساله که هر گروهی که در افغانستان بخواهد بجنگد باید حمایت خارجی داشته باشد یا در این مساله که آی‌اس‌آی روی این گروه‌ها نفوذ دارد، هیچ تردیدی وجود ندارد. ولی در مقطعی مشاهده کرده‌ایم که شبکه حقانی علیه پاکستانی‌ها نیز وارد عمل شده است. به عنوان مثال زمانی که درگیری‌ها در سوات رخ داد شاهد این مساله بودیم. سوات، منطقه‌ای است که شیخ فضل‌الله در آنجا حکومت اسلامی اعلام کرد و با ارتش پاکستان درگیر شد. در آن درگیری شبکه حقانی از حکومت اسلامی تشکیل شده در سوات حمایت کرد، لذا سرانجام ارتش پاکستان ناچار شد در آن منطقه نیرو پیاده کند و شیخ فضل‌الله و گروهش به ایالت خوست پناهنده شدند. یعنی در حقیقت بسیار دشوار است بگوییم که حقانی‌ها به عنوان عامل سازمان اطلاعات نظامی پاکستان (آی‌اس‌آی) عمل می‌کنند، بلکه آنها بر اساس منافع خود هر جا که تشخیص دهند همکاری می‌کنند و در غیر این صورت همکاری نخواهند کرد. در نهایت باید توجه داشت که حقانی‌ها درگیری‌های گسترده‌ای با آمریکایی‌ها داشتند و خونبارترین عملیات‌ها علیه این نیروها توسط شبکه حقانی انجام گرفته است.

در عین حال شبکه حقانی عامل خونین‌ترین و پیچیده‌ترین حملات انتحاری و انفجاری در افغانستان شناخته می‌شود و نهاد‌های امنیتی افغانستان معتقدند که بیشتر حملات خونین سال‌های اخیر کابل توسط این شبکه سازماندهی شده است. بر اساس اخبار منتشر شده حمله به هتل اینترکنینتال کابل، در ماه ژوئن ۲۰۱۱، حمله به سفارت آمریکا در کابل در ماه سپتامبر ۲۰۱۱ و همچنین حمله همزمان به چند هدف مهم در شهر کابل در سال ۲۰۱۲ از اقداماتی است که گروه حقانی مسئولیت آنها را به عهده گرفت.

۲۲

مجددی در جریان جنگ شوروی در افغانستان از رهبران مجاهدین افغان بود و در سال ۱۳۵۷ جبهه ملی نجات را برای مبارزه با حکومت کمونیستی افغانستان بنیان گذاشت. مجددی پس از پیروزی مجاهدین و سقوط حکومت کمونیستی افغانستان در بهار ۱۳۷۱ به عنوان اولین رئیس‌جمهور دولت اسلامی افغانستان منصوب شد.

۲۲

# بازی خطرناک بازماندگان دوگل

## هدف مشترک پاریس و واشنگتن علیه ایران چیست؟

آورد. ما تلاش داریم این کار را پیش از اعمال تحریم‌ها در ابتدای ماه اگوست و یک‌سری تحریم‌های دیگر در ماه نوامبر انجام دهیم. برای آغاز کار در اگوست، به نظر می‌رسد فرصت کوتاه است اما تلاش می‌کنیم این کار را تا نوامبر انجام دهیم.»

سخنران «لودریان» در نگاه اول صریح و ساده به نظر می‌رسد. حتی ممکن است برخی تحلیلگران خوشبین نیز به وزیر خارجه فرانسه درباره «زمان‌بندی اعلام بسته پیشنهادی اروپا» حق دهند اما لودریان در حال مخابره سیگنال‌ها و نشانه‌های ورود به یک بازی پیچیده و البته خطرناک است. بدون شک اگر تروئیکای اروپایی و دیگر اعضای اتحادیه اروپایی می‌خواستند (در حدی که می‌توانند) ظرفیت‌های اقتصادی خود را برای حفظ برجام احصا کنند، این اقدام باید دوماه پیش-بلافاصله پس از خروج ترامپ از توافق هسته‌ای-انجام می‌شد. با این حال مقامات اروپایی امروز پس از حدود سه ماه از اعلام خروج رسمی کاخ سفید از برجام، کماکان از «تعهدات» و نه تضمین‌های خود در این باره سخن می‌گویند. حتی مقامات اروپایی به صورتی کاملاً عامدانه، از ترسیم مکانیزم‌های ابتدایی و حداقلی برای اجرایی شدن تعهدات برجامی خود اجتناب کرده‌اند. واقعیت امر این است که اروپای واحد در برهه فعلی اساساً قصد و انگیزه‌ای برای اعلام بسته پیشنهادی کامل و جزئی خود در قبال برجام ندارد.

اظهارات اخیر لودریان در قبال ایران نیز در همین راستا قابل تحلیل و بررسی است. این اظهارات در حالی صورت می‌گیرد که متعاقب حضور سیاستمدارانی ناشی و ضدایرانی در کاخ الیزه (خصوصاً پس از پایان دوران ریاست جمهوری ژاک شیراک)، نفرت ایرانیان از فرانسه رو به افزایش بوده است. این روند در دوران ریاست جمهوری ماکرون و به سبب وابستگی وی و وزیر امور خارجه اش به ایالات متحده تشدید شده است. بدون شک زمانی فرانسوی‌ها متوجه «نفرت نهادینه‌شده» ملت ایران از خود خواهند شد که دیگر بسیار دیر شده است. در دوران برگزاری مذاکرات هسته‌ای میان ایران و اعضای ۵+۱ نیز فرانسوی‌ها نقش پلیس بد مذاکرات را ایفا کردند و حتی لوران فابیوس، وزیر امور خارجه فرانسه چندین بار در کسوت وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی ایفای نقش کرد. در حال حاضر، لودریان نیز در حال ایفای چنین نقشی است؛ موضوعی که مسلماً از دید افکار عمومی کشورمان پنهان نخواهد ماند.

در حد و اندازه تعیین تکلیف برای جمهوری اسلامی ایران نیستند. در حالی که فرانسه متهم ردیف دوم خروج ایالات متحده از برجام محسوب می‌شود و همراهی مطلق کاخ الیزه با کاخ سفید در تغییر برجام (در سال گذشته) از یاد ملت ایران نرفته است، هم اکنون بار دیگر شاهد طرح موضوع نخب‌نمای مذاکره با ایران بر سر توان موشکی و دفاعی کشورمان هستیم. نکته مضحکانه‌تر اینکه لودریان «قبل» از برگزاری نشست وزرای امور خارجه اروپا در وین اعلام کرده است که وی این سخن را به نمایندگی از «جمع» بیان می‌کند. موضوعی که نشان می‌دهد توهمات ناپلئون بناپارتی، به مثابه یک اختلال پارانوییدی و ذهنی، مغز سیاستمداران این کشور را تسخیر کرده است.

چندی پیش نیز لودریان در اظهاراتی که پرده از استمرار بازی فرانسوی‌ها در زمین دولت ترامپ برمی‌داشت، اعلام کرد که مقامات اروپایی تا ماه نوامبر (آبان) قصد ندارند بسته پیشنهادی خود برای حفظ برجام را به کشورمان ارائه دهند. اظهارات اخیر وزیر امور خارجه فرانسه نیز محصول رایزنی‌های مشترک پشت پرده و مستمر مایک پمپئو وزیر خارجه آمریکا با وی بوده است. بدیهی است که در آینده‌ای نزدیک اخبار کامل‌تر و دقیق‌تری از این مذاکرات و از سوی منابع رسانه‌ای آگاه در غرب منتشر خواهد شد. متعاقب خروج دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا از برجام، مذاکرات مایک پمپئو، وزیر خارجه آمریکا با وزرای امور خارجه تروئیکای اروپایی بر سر برجام ادامه پیدا کرده است. در این میان، فرانسوی‌ها مانند رفتاری که در سال ۲۰۱۷ میلادی صورت دادند، همچنان به مهره ایالات متحده در تقابل با ایران تبدیل شده‌اند. لازم به ذکر است که لودریان چندی پیش و قبل از اعمال دور نخست تحریم‌های ثانویه آمریکا علیه ایران نیز سخنران قابل‌تاملی را در خصوص «برجام اروپایی» بیان کرده بود:

«ایران باید به تهدیدهای خود برای «نقض تعهدات برجامی اش» پایان دهد تا ما بتوانیم راه‌حلی را بیابیم که ایران بتواند امتیازات [جبرانی] اقتصادی لازم را به دست

### حسین یاری

روزنامه‌نگار

اظهارات ضد ایرانی اخیر وزیر امور خارجه فرانسه و اصرار دوباره وی در خصوص انجام مذاکرات موشکی و منطقه‌ای با ایران، توجه بسیاری از تحلیلگران مسائل بین‌الملل را نسبت به خود جلب کرده است. صورت‌بندی این اظهارات نشان می‌دهد که بازی هماهنگی میان فرانسه و ایالات متحده آمریکا بر سر تقابل با ایران شکل گرفته است. این در حالی بود که در سال ۲۰۱۷ میلادی نیز ماکرون و ترامپ این بازی هماهنگ را بر سر «تغییر برجام» کلید زده بودند.

در هر حال به نظر می‌رسد که رئیس‌جمهور فرانسه و وزیر امور خارجه وی همچنان «بازی در زمین آمریکا» را به هر گونه انتخاب و گزینه‌ای از جمله استقلال فرانسه در نظام بین‌الملل ترجیح می‌دهند. وزیر امور خارجه فرانسه اخیراً اظهارات سخیف و وقیحانه‌ای را در قبال جمهوری اسلامی ایران بر زبان رانده است. «ژان ایو لودریان» اخیراً پیش از ورود به اجلاس وزیران امور خارجه اتحادیه اروپا در وین اظهار کرد: «ایران باید به اصول بنیادین معاهده هسته‌ای احترام بگذارد و من فکر می‌کنم این کار را انجام می‌دهد، با این حال ایران نمی‌تواند از بحث و مذاکره در مورد سه موضوع بزرگ دیگر که مایه نگرانی ماست، اجتناب کند. آینده تعهدات هسته‌ای ایران پس از سال ۲۰۲۵، برنامه ساخت و گسترش موشک‌های دوربرد ایران و نقشی که ایران قرار است برای برقراری ثبات در منطقه خاورمیانه ایفا کند، از جمله این موارد هستند. ما باید درباره این موضوع‌ها مذاکره کنیم و ایران باید بداند این پیامی است که من از وین برای این کشور می‌فرستم.»

آنالیز سخنان لودریان چندان سخت و دشوار به نظر نمی‌رسد. وزیر امور خارجه فرانسه در اظهارات خود، دوبار از لفظ «باید» استفاده کرده است، این در حالی است که اساساً وی و بالاتر از او، امانوئل ماکرون، رئیس‌کاخ الیزه



# از اوباما تا ال گور، از کری تا سندرز

## جبهه‌گیری دموکرات‌ها در مقابل ترامپ به مرحله خاصی رسیده است

سحاب فاطمی

روزنامه‌نگار

گذار از رئیس‌جمهور فعلی ایالات متحده آمریکا به هدف اصلی دموکرات‌های ایالات متحده آمریکا تبدیل شده است. دموکرات‌ها که طی دو سال اخیر در انزو بوده و علاوه بر کاخ سفید، مجلس نمایندگان، مجلس سنا و بسیاری از فرمانداری‌ها را از دست داده‌اند، قصد دارند با پیروزی در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره، خود را برای حضور در قدرت آماده کنند. از سوی دیگر، شکل‌گیری ناراضی‌های عمومی نسبت به عملکرد رئیس‌جمهور آمریکا، مخالفان دموکرات‌ها را در خصوص پیروزی در انتخابات میان‌دوره‌ای امیدوار کرده است.

دونالد ترامپ اخیراً نسبت به پیروزی دموکرات‌ها در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره هشدار داده است. رئیس‌جمهور ایالات متحده معتقد است که در صورت پیروزی دموکرات‌ها، احتمال استیضاح وی افزایش خواهد یافت. از این رو رئیس‌جمهور ایالات متحده از همه طرفداران خود خواسته است تا در انتخابات میان‌دوره‌ای شرکت کرده و آرای خود را به سود جمهوریخواهان به گردش در آورند. دموکرات‌ها معتقدند که در صورت شکست در انتخابات میان‌دوره‌ای، آنها حداقل تا سال ۲۰۲۴ قدرت بازگشت موثر به قدرت را نخواهند داشت. از این رو دموکرات‌ها نهایت تلاش خود را برای پیروزی در انتخابات پیش‌رو صورت خواهند داد. هر اندازه به رقابت‌های انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره در ماه نوامبر (آبان) نزدیک‌تر شویم، شاهد افزایش حملات لفظی و سیاسی دموکرات‌ها علیه شخص ترامپ و همراهانش در کاخ سفید خواهیم بود. برخی تحلیلگران معتقدند در صورت شکست جمهوریخواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره، شاهد ایجاد شکافی سخت میان جمهوریخواهان سنتی و ترامپ خواهیم بود. این شکاف در حال حاضر نیز وجود دارد اما سران حزب جمهوریخواه و رسانه‌های وابسته به این حزب، از آشکارسازی کامل آن خودداری می‌کنند. با این حال، به نظر می‌رسد اگر جمهوریخواهان کنگره را از دست بدهند، توان ادامه این بازی از سوی سران حزب جمهوریخواه سخت و دشوار باشد! در این صورت «ترامپ» به عنوان متهم اصلی شکست جمهوریخواهان، مورد عتاب بسیاری از چهره‌های بانفوذ در این حزب قرار خواهد گرفت. دموکرات‌ها به خوبی می‌دانند که شکست جمهوریخواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره، اختلاف میان اعضای این حزب با یکدیگر را دوچندان کرده و شانس پیروزی ترامپ را در انتخابات ریاست‌جمهوری آتی افزایش می‌دهد.

طی روزهای اخیر بسیاری از اعضای حزب دموکرات آمریکا حملات لفظی و سیاسی خود علیه

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور این کشور را شدت بخشیده‌اند. جان کری، وزیر امور خارجه سابق آمریکا ضمن تأیید حضور احتمالی خود در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۲۰، از بحرانی بودن وضعیت ایالات متحده (پس از حضور ترامپ در کاخ سفید) خبر داده است. ال گور، دیگر چهره شاخص دموکرات‌ها و معاون بیل کلینتون، رئیس‌جمهور سابق آمریکا نیز صراحتاً از دونالد ترامپ خواست از سمت خود استعفا دهد. علاوه بر این موارد، باراک اوباما، رئیس‌جمهور سابق آمریکا نیز در مراسم، خاکسپاری جان مک‌کین، سناتور ایالت آریزونا، به صورت غیرمستقیم و بدون آنکه نامی از ترامپ ببرد، سیاست‌های جاری در ایالات متحده را به چالش کشید. با این حال، اوباما به گونه‌ای سخن گفت که همگان متوجه خطاب وی به دونالد ترامپ و مقامات فعلی کاخ سفید شدند.

واقعیت امر این است که یکی از اصلی‌ترین اهداف

سران حزب دموکرات آمریکا از حملات سیاسی اخیر، پیروزی در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره و فتح مجلس نمایندگان و سنات است. در حال حاضر اکثریت نسبی کنگره در دست جمهوریخواهان است و بسیاری از اعضای این حزب، در عین مخالفت با سیاست‌های ترامپ حاضر به تقابل و ایستادگی در مقابل کاخ سفید نیستند. اما دموکرات‌ها (که خود نیز مانند ترامپ کارنامه قابل دفاعی در دوران حضور در قدرت نداشته‌اند)، قصد دارند در بین سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۰، با انتقاد صریح و حتی ایستادگی در برابر برخی اقدامات ترامپ، زمینه مساعدی را برای پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۲۰ ایجاد کنند. دموکرات‌هایی مانند جان کری معتقدند که اگر جمهوریخواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره شکست خورده و تسلط آنها بر مجلس نمایندگان و سنا از بین برود، پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۲۰ دشوار خواهد بود. با این حال اگر دموکرات‌ها این بار نیز مانند سال ۲۰۱۶ در برابر جمهوریخواهان شکست خورده و کرسی‌های مجلس نمایندگان و سنا را از دست بدهند، ترامپ راه دشواری برای پیروزی دوباره در انتخابات ریاست‌جمهوری آتی نخواهد داشت. بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران مسائل آمریکا معتقدند که انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره امسال (سال ۲۰۱۸) به عرصه تقابل سخت و حداکثری طرفداران و مخالفان ترامپ تبدیل خواهد شد.

لازم به ذکر است که هنوز نامزدهای حزب دموکرات برای شرکت در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۲۰ معرفی نشده‌اند. چنانچه جان کری اعلام کرده است، قرار است پس از برگزاری انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره چنین اقدامی صورت گیرد. از برنی سندرز، جو بایدن و جان کری به عنوان گزینه‌های احتمالی شرکت در رقابت‌های انتخابات ریاست‌جمهوری آتی یاد می‌شود. با این حال برخی سران حزب دموکرات معتقدند که باید با چهره‌ای جدید وارد این رقابت سخت شد. هنوز مشخص نیست که دموکرات‌ها در این خصوص به چه تصمیمی خواهند رسید، اما به نظر می‌رسد بسیاری از طرفداران حزب دموکرات اعتماد زیادی به سران این حزب ندارند. در جریان رقابت‌های انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۶ میلادی، برنی سندرز قربانی لابی‌های پشت پرده مقامات ارشد حزب دموکرات شد. بعدها مشخص شد که سران حزب دموکرات از ابتدا طرفدار حضور هیلاری کلینتون در مرحله نهایی رقابت‌های انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۶ بوده و ژست بی‌طرفی و عدم دخالت آنها در رقابت کلینتون-سندرز کاملاً دروغین بوده است. همین موضوع باعث شد تا در انتخابات ریاست‌جمهوری قبلی، بسیاری از آرای سندرز به سود ترامپ به گردش دربیاید و تعداد زیادی از دموکرات‌ها حاضر نشوند به هیلاری کلینتون رای دهند. در هر حال، این بار حزب دموکرات مسیر سختی را در راستای اقناع طرفداران این حزب پیش‌رو دارد. در هر حال انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره امسال، تا حد زیادی آرایش سیاسی و اجتماعی موجود در ایالات متحده آمریکا را نشان خواهد داد....



# الیزابت وارن، نامزد دموکرات‌ها؟

## دموکرات‌ها به دنبال کاندیدایی جوان تر هستند

امیرحسین مهدوی

پژوهشگر دانشگاه براندایس



جان کری، وزیر خارجه پیشین آمریکا در زمره کسانی است که بسیار فعال است و به همین دلیل نیز این روزها نام وی به عنوان یکی از کاندیداهای احتمالی ریاست جمهوری در سال ۲۰۲۰ و رقیب دونالد ترامپ مطرح شده است. البته سه نفر از میان دموکرات‌ها اکنون بیش از همه روی صحنه فعال هستند؛ کسانی که از نظر ذهنی و فرضی می‌توانند رئیس جمهور شوند و امکان آن برایشان متصور

اما در زمان انتخاب نهایی این نگرانی وجود دارد که شرایط سنی آنها باعث شود که از میزان رای دهندگان دموکرات‌ها کاسته شود.

مانند اتفاقی که در دوره هیلاری کلینتون شاهد بودیم. البته این بدان معنا نیست که این افراد حامی دموکرات به ترامپ رای خواهند داد اما اگر یک کاندیدای مسن در رقابت‌های نهایی حاضر شود، احتمالاً از آرای دموکرات‌ها کاسته خواهد شد.

رئیس جمهوری که در ۷۵ سالگی کاندیدا شود رای دهندگان را به این فکر وامی‌دارد که آیا وی می‌تواند دوره‌اش را به پایان برساند یا خیر. البته این قانون در آمریکا که معاون اول و رئیس جمهور با هم از مردم رای می‌گیرند کمکی به این موضوع است. یعنی اگر یک معاون اول ۲۰ سال جوان تر همراه رئیس جمهور انتخاب شود تا حدودی تسلی خاطر برای مردم آمریکاست.

زیرا معاون سیاسی، همان برنامه سیاسی رئیس جمهور را دنبال می‌کند و برای ادامه امور در صورت فوت احتمالی رئیس جمهور آماده است اما با این حال این مسئله نیز کمی عجیب است که مردم بخواهند به این فکر کنند که آیا کاندیدایی عمرش قد می‌دهد که تا پایان دوره ریاست جمهوری‌اش خدمت کند یا خیر.

در نتیجه تصور من این است که افرادی چون بایدن، سندرز و کری می‌توانند سرمایه، توان و شتاب‌دهنده‌های خوبی برای ایجاد یک کمپین موفق میان دموکرات‌ها در انتخابات سال ۲۰۲۰ باشند. اما برای تعیین نامزد نهایی باید منتظر نتیجه انتخابات میان دوره‌ای نوامبر ۲۰۱۸ امسال باشیم. اگر نتیجه انتخابات مجلس نمایندگان و سنا مشخص شود از ابتدای سال میلادی ۲۰۱۹، چهره‌های کمتر از ۶۰ سال در میان دموکرات‌ها احتمالاً رخ نشان خواهند داد.

چون دیگر چهره‌های مسن حزب دموکرات هیچ مزیتی در برابر بایدن، سندرز و کری ندارند و اگر قرار باشد در باشگاه ۷۰ ساله‌ها قرار بگیریم، کسی نمی‌تواند جای آنها را بگیرد.

در نتیجه کسی که در میان دموکرات‌ها مزیت داشته باشد باید تفاوت‌های معناداری با این افراد و همچنین شخص ترامپ که قطب مخالف است، داشته باشد. بر این اساس حتی شاید در دوره مقدماتی در میان دموکرات‌ها یک زن یا یک رنگین پوست کاندیدا شود.

همچنین نکته دیگر این است که اگر رئیس جمهور مستقر خود را برای دومین بار کاندید کند از حزب جمهوریخواه احتمالاً هیچ شخصی نخواهد توانست ترامپ را شکست دهد.

درواقع در برابر ترامپ، جمهوریخواهانی قدامت خواهند کرد، اما این اتفاق از لحاظ تاریخی خیلی بی‌سابقه است که از درون حزب جمهوریخواه کسی بتواند ترامپ را شکست دهد. همچنین امروز وضعیت ترامپ نسبت به زمانی که برای نخستین دوره کاندید شد، بهتر و مطلوب‌تر است. مگر اینکه طی ۱۲ ماه آینده اتفاق خاصی در راستای میزان کاهش محبوبیت و حیثیت وی نرزد هواداران‌اش روی دهد.

در این میان مهم‌ترین شخصی که اکنون شاید بیش از دیگران نامش برای کاندیداتوری حزب دموکرات از میان افراد سن پایین مطرح است، خانم الیزابت وارن، سناتور ایالت ماساچوست است. وی ۶۶ سال است که در سنا مشغول به کار است و در کنار سندرز، رهبر و مروج طرح‌های سوسیالیستی، بيمه‌های اجتماعی، ضدوالت استریت، ضد انحصار بانک‌ها و با طرح‌هایی به نفع بانک‌ها، درمان عمومی و آموزش ارزان بوده است.

یعنی از لحاظ دیدگاه سیاسی، وی به سندرز بسیار نزدیک است؛ البته از نظر سنی ۱۰ سال از سندرز

انتخابات ریاست جمهوری شکست خورد.

از دیگر سوی یک تناقض یا پیچیدگی در میان دموکرات‌ها وجود دارد مبنی بر اینکه، سندرز و بایدن و حتی کری، چهره‌های دموکراتی هستند که شانس‌های خوبی برای رقابت انتخاباتی دارند منتها تمام این افراد در سال ۲۰۲۰ یعنی سال برگزاری انتخابات بالای ۷۵ سال سن خواهند داشت. این یک موقعیت عجیب و بی‌نظیر در آمریکا خواهد بود. همچنین ترامپ نیز دومین رئیس جمهور مسن آمریکاست و در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۲۰، ۷۳ سال سن خواهد داشت. در نتیجه این مسئله تا حدودی انتخابات را عجیب کرده و اگر ترامپ ۷۳ ساله نیز برای دور دوم کاندیدای



ریاست جمهوری شود، رقابت میان افراد بسیار مسنی خواهد بود که یک پدیده انتخاباتی است. البته امروز محبوبیت این افراد بالاتر از ترامپ است اما باور عمومی این نیست که این افراد سن بالای دموکرات رقیب ترامپ باشند.

بنابراین امروز در آمریکا و در این یک سال وقت مفید برای مشخص شدن کاندیدها، همه به دنبال آن هستند که یک چهره دموکرات زیر ۶۰ سال معرفی شود.

اگر در برهه فعلی در نظرسنجی‌ها مردم دموکرات‌هایی چون بایدن و سندرز را مقابل ترامپ انتخاب می‌کنند به این دلیل است که حس مثبتی نسبت به آنها دارند و در نظرسنجی‌ها علاقه خود را به آنها ابراز می‌کنند.

است. نخست جو بایدن، معاون اول باراک اوباما، دیگری برنی سندرز، سناتور و کاندیدای مقدماتی انتخابات ریاست جمهوری سال جمهوری و نفر سوم نیز جان کری. در مورد دو شخص نخست یعنی بایدن و سندرز، نظرسنجی‌های مستقل تایید می‌کند که اگر امروز انتخابات برگزار شود، می‌توانند ترامپ را شکست دهند. اما در مورد کری هنوز نظرسنجی‌ای انجام نشده است. زیرا در آمریکا سابقه ندارد که یک فرد شکست خورده در دور نهایی انتخابات ریاست جمهوری دوباره بخواهد در انتخابات حضور داشته باشد، لذا برای فرد شکست خورده احتمال رسیدن به دور نهایی خیلی پایین است. کری یک بار در سال ۲۰۰۴ در برابر جورج بوش پسر در رقابت‌های نهایی





## دیدار نه‌اوندیان با لاریجانی

### آینده روابط دولت با رئیس مجلس چگونه خواهد بود؟

نتیجه رسید که او دلایل قانع‌کننده‌ای برای این کار خود پیدا کرده است.

اول از همه او می‌داند که انتخابات مجلس در پیش است. اصلاح‌طلبان در همین انتخابات هیات‌رئیس‌ه نشان دادند که بنا ندارند به حمایت از او ادامه دهند. حالا او مانده و جناح اصولگرا، فکر می‌کند شاید همان گونه که اصولگرایان در انتخابات هیات‌رئیس‌ه به فریاد او رسیدند، تنها راه عبور از انتخابات پیش رو هم توسل به اصولگرایان باشد. اما این نمی‌تواند تنها دلیل این ماجرا باشد. شیشه عمر برجام شکسته است؛ این مساله اصلی است.

آنچه از شرایط این روزها می‌توان فهمید این است که عصر روحانی هم با پایان برجام به پایان رسیده است. عنان اقتصاد از دست او در رفته است. حالا چرا علی لاریجانی باید در همان کشتی باقی بماند که حسن روحانی ناخدای آن است؟

باید جدا شد؛ حالا عصر فراق است. ائتلاف تمام شده؛ باید فکری تازه کرد. این دستور کار علی لاریجانی و مشاوران اوست.

این اما خبر بدی برای حسن روحانی است. او بدون پارلمان بسیار سخت می‌تواند به تداوم دولتش ادامه دهد. او خوب به یاد دارد که محمود احمدی‌نژاد از تلاقی و ایجاد چالش با مجلس، آن هم مجلسی که همین علی لاریجانی رئیس آن بود با چه وضعی روبه‌رو شد.

حسن روحانی اگر بدنه اجتماعی را به صورت قابل ملاحظه‌ای از دست داده است اما به هیچ وجه نمی‌خواهد در سطح حاکمیتی نیز دوستان قدیمی‌اش را از دست بدهد. شاید امید حسن روحانی به نه‌اوندیان راه به جایی برسد؛ شاید. نکته اما این است که این علی لاریجانی بعید است دیگر برای حسن روحانی همان علی لاریجانی سابق باشد.

کوچک‌تر، پروفیسور دانشگاه هاروارد و بسیار خوشنام است و اگر تصمیم به نامزدی بگیرد، گزینه جدی و مهمی خواهد بود.

منتها اکنون دوره ایشان در انتخابات میان دوره‌ای کنگره سرآمده و خانم وارن به دنبال این است که مجدداً به عنوان سناتور در ایالت خودش انتخاب شود.

در این میان به نظر می‌رسد افراد نزدیک به سنדרز در کنگره آمریکا اگر دوباره رای بیاورند بیش از آنکه روی جان کری متمرکز شوند احتمالاً بر افرادی چون خود سنדרز یا خانم وارن تمرکز خواهند کرد.

چرا که همانطور که اشاره شد جان کری یک بار نامزد نهایی در برابر جورج بوش پسر بود و شکست خورد و در آمریکا سابقه نداریم که کسی با این موقعیت دوباره نامزد نهایی شود، لذا احتمال می‌رود کری به عنوان یک عنصر فعال رئیس‌جمهور ساز در صحنه حضور پیدا کند.

به این موضوع نیز باید توجه کرد که پیش از شروع انتخابات‌های مقدماتی، در هر ایالت اعضای هر حزبی، نامزد حزب را انتخاب می‌کنند و در نهایت آن فرد در جمع نامزدهای دیگر نامزد حزب برای انتخابات خواهد شد، لذا از انتخاب مقدماتی تا مرحله رای‌گیری، یک شاخص مهم و تعیین‌کننده شانس پیروزی، بودجه و پولی است که آن کاندیدای می‌تواند برای ستاد تبلیغاتی‌اش جمع کند. افرادی مانند کری می‌توانند نقش مهمی در این رابطه ایفا کنند. در تاریخ انتخاباتی آمریکا نیز بارها شاهد بوده‌ایم که افرادی وقتی پولی برای ستاد جمع‌آوری می‌کنند اما با اقبال خوبی مواجه نمی‌شوند، این بودجه را به نامزد نهایی حزب اختصاص می‌دهند.

لذا نقش بازی‌سازی کری خیلی مهم است تا بتواند پشت اسم خود پول جمع کند و به حزب دموکرات کمک کند.

امروز این موضوع که چه کسی از میان دموکرات‌ها نامزد شود خیلی مهم نیست، بلکه این موضوع مطرح است که اشخاصی مانند کری، بایدن و حتی اوپاما حمایت شامل امضا گرفتن از شخصیت‌های مهم و بودجه لازم را جمع کنند تا حزب دموکرات به صورت قوی در برابر نامزد جمهوریخواهان که احتمالاً ترامپ خواهد بود، حاضر شود.

در نتیجه اگر کری یا اشخاص دیگر دموکرات‌ها به مرحله نهایی نرسند، می‌توانند این سرمایه را در اختیار دیگر اعضای حزب قرار دهند تا آنها بدین طریق شاید به کاخ سفید راه پیدا کنند. در عین حال این دیدگاه باعث می‌شود که دموکرات‌ها در مرحله مقدماتی کمپین‌های موفقی ایجاد کنند و در کل پیام‌شان را بهتر به جامعه برسانند.

با این تفاسیر در نهایت این احتمال می‌رود که افراد مهم دموکرات در نهایت از ظرفیت‌هایی که دارند برای حزب استفاده کنند تا در انتهای روی یک کاندیدای مقبول‌تر به لحاظ سنی به توافق برسند و شانس حزب خود را برای پیروزی در انتخابات افزایش دهند.

البته در نهایت اینکه چه کسی پیروز شود، به رای و نظر مردم آمریکا بستگی دارد و از اکنون نمی‌توان برای پیروزی یک شخص پیش‌بینی کرد. در مقطع فعلی حتی نظرسنجی نیز بی‌فایده است زیرا شاید چهره‌های جدیدی روی کار بیایند که باید روی آنها سرمایه‌گذاری شود و سپس گمانه‌زنی کرد که آیا وی می‌تواند به دور نهایی راه یابد یا خیر.

باید توجه داشت که اوپاما نیز زمانی که کاندیدا شد و سپس به کاخ سفید راه یافت، سابقه سیاسی خیلی بارزی نداشت و فقط دو سال سناتور بود. در واقع تمام شناخت مردم آمریکا از باراک اوپاما در همان کمپین مقدماتی شکل گرفت. به همین دلیل نیز تا یک‌دوم که کمپین‌های مقدماتی تاثیر زیادی روی جلب آرای مردم دارند.

#### مصطفی صادقی

دبیر تحریریه



در ذهن سیاسی علی لاریجانی چه می‌گذرد؛ آیا این خبرها درست است که او از حسن روحانی فاصله گرفته؟ آیا باید باور کنیم که پایان برجام پایان رفاقت سیاسی این دو چهره مهم دهه نود بوده است؟

آنچه به ما می‌گوید این سوالات می‌تواند پاسخ‌های مثبتی داشته باشد نشانه‌هایی است که این روزها پدیدار شده است. اعلام وصول استیضاح‌ها، به نتیجه رسیدن استیضاح‌ها و حتی کشاندن رئیس‌جمهور به مجلس با عنوان طرح سوال از او، همه و همه اقداماتی نیست که بدون اراده علی لاریجانی قابل انجام باشد. او بارها روحانی و دولتش را از قرار گرفتن در این وضعیت‌ها نجات داده است. حالا اما گویا شرایط تغییر کرده است، هم برای روحانی و هم برای علی لاریجانی.

در میانه همین بحث‌هاست که شنیده شده است محمد نه‌اوندیان از جانب حسن روحانی سفیر شده تا روابط را به حالت سابق بازگرداند. او فرد نزدیک به علی لاریجانی در دولت حسن روحانی است. حتی خیلی‌ها می‌گفتند او سهمیه لاریجانی در کابینه است. هرچه هست فعلاً نگاه‌ها به او دوخته شده تا شاید بتواند میانه این دو شخصیت سیاسی را دوباره خوب کند.

سوال اما این است که چرا علی لاریجانی ترجیح داده است در این شرایط شیفت سیاسی کند؟ او که شخصیتی کاملاً محافظه‌کار دارد معمولاً کمتر پیش می‌آید که بخواهد ریسک کرده و از جایی به جایی دیگر در سپهر سیاست نقل مکان کند. پس باید به این



## حمله لیبرال‌ها به میانه‌روها

راز اختلاف کارگزاران با اعتدال و توسعه چیست؟

سخن گفت که به ارز جهانگیری معروف شد. اما این تازه شروع اصطکاک بین کارگزاران و اعتدال و توسعه بود. مدتی گذشت روزنامه سازندگی در تیترا اصلی خود نوشت: «خانه‌تکانی در دولت: نوبخت می‌رود»، همان روز محمدباقر نوبخت در حاشیه جلسه هیأت دولت؛ به جمع خبرنگاران آمد و در واکنش به خبر کنار رفتن از ریاست سازمان برنامه و بودجه گفت: «به رئیس جمهور اعلام کرده‌ام آمادگی دارم از همه مسئولیت‌های دولتی کنار بروم اما ایشان نپذیرفتند.» البته او بعد از چند روز در توثیبتی از موافقت رئیس جمهور با کناره‌گیری خود از مسئولیت سخنگویی دولت و تمرکز بر ریاست سازمان برنامه و بودجه در شرایط ویژه کشور خبر داد. تا آن روز هر هفته به طور منظم جلسات سخنگویی برگزار می‌شد و نوبخت یک‌تنه به سوالات اصحاب رسانه پاسخ می‌گفت که این کار از نقاط مثبت حوزه اطلاع‌رسانی دولت محسوب می‌شد. اما تحلیل دوستان دبیرکل حزب اعتدال و توسعه این بود که همین مساله عامل فشارهاست و اگر او فقط و فقط به امور مربوط به سازمان برنامه و بودجه بپردازد، از مرکز توجه منتقدان خارج می‌شود و بعد از آن طبعاً هر مسئول اجرایی خود مجبور به پاسخگویی درباره دستگاه تحت مسئولیتش خواهد بود.

اما تاکتیک خداحافظی نوبخت از سخنگویی دولت

برخی وزرا گلایه‌مند بود و این گلایه را نیز مستقیماً به رئیس جمهوری بیان کرد. او اعتقاد داشت ترکیب نوبخت، ولی‌الله سیف، محمد شریعتمداری و نبود مسعود نیلی، موتور اقتصادی را با چالش اساسی روبه‌رو می‌کند. او اواسط تیرماه امسال برخی از سایت‌های خبری ادعا کرده‌اند که اسحاق جهانگیری در اعتراض به احتمال جایگزینی محمد نهاوندیان به جای ولی‌الله سیف برای ریاست بانک مرکزی تهدید به استعفا کرد. این خبر بلافاصله نه‌تنها از سوی دفتر رئیس جمهور و سخنگوی دولت تکذیب شد، بلکه نزدیکان معاون اول رئیس جمهوری نیز این شایعه را فرافکنی جدید علیه دولت خواندند. در مجموع جهانگیری به‌رغم انتقاداتی که به تیم اقتصادی داشت نه‌تنها دولت را تنها نگذاشت که در بزرگترین بحران پیش‌روی دولت، در کنار رئیس جمهوری دیده‌شد و از ارز ۴۲۰۰ تومانی

هرچند سیاسیون کشور کارگزاران را منتهی‌الیه راست اصلاحات و چسبیده به اصولگرایی و اعتدال و توسعه را منتهی‌الیه چپ اصولگرایی و چسبیده به اصلاحات می‌دانند و غلامعلی دهقان، عضو شورای مرکزی حزب اعتدال و توسعه نیز معتقد است «تفاوت کارگزاران با اعتدال و توسعه، تفاوت فائزه هاشمی با فاطمه هاشمی است و این دو تشکل بیشترین چسبندگی را به هم دارند» اما بعد از انتشار خبرهایی درباره ترمیم کابینه، اختلاف دیدگاهی در حوزه اقتصادی بین دو مجموعه به وجود آمد که با شایعه استعفای جهانگیری از معاون اولی رئیس جمهور علنی شد؛ البته جهانگیری در چند مقطع پیش از این نیز درباره ناکارآمدی تیم اقتصادی دولت صحبت و گلایه‌های خود را مطرح کرد. او حتی زمانی که دولت دوم روحانی تشکیل شد، نسبت به انتخاب

متن بیانیه آنچنان تند بود که جهانگیری حاضر به پرداخت هزینه آن نبود. کار به آنجا رسید که یک منبع نزدیک به اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس جمهور در گفت و گو با فارس، گفت: «مواضع اخیر حزب کارگزاران هیچ ارتباطی با اسحاق جهانگیری ندارد.» وی افزود: «اسحاق جهانگیری مدت هاست که از عضویت در حزب کارگزاران استعفا داده و مواضع این حزب با وی ارتباطی ندارد.»

حفظ بوروکراسی بیندیشد در پی جابجی و کارآمدی آن در مسیر توسعه کشور است. دولت در کشورهای در حال رشد، موتور توسعه و حرکت به سوی اقتصاد آزاد است. ما مایل هستیم بر اهمیت محوری سازمان برنامه و بودجه در تاریخ توسعه ایران تأکید کنیم. این سازمان فقط نهاد تخصصی بودجه و تقسیم پول در کشور نیست. از آغاز تأسیس سازمان برنامه تا به امروز اکثر اقتصاددانان یا تکنوکرات‌هایی بر کرسی صدارت این سازمان نشستند که برای توسعه کشور یعنی افزایش تولید و رشد اقتصادی برنامه داشته‌اند.»

نقدهای تند به نوبخت البته ادامه داشت و در جای دیگری از بیانیه آمده بود: «متأسفانه با وجود نقدهایی که بر سازمان برنامه و بودجه در دولت اول دکتر روحانی وارد می‌شد لکن در دولت دوم تنها اصلاحی صورت نگرفت، بلکه روند مدیریتی این سازمان تثبیت و نهادهای دیگر در اطراف آن و براساس توانایی‌های مدیریت قبلی چیده شد. وزارت اقتصاد نیازمند مدیریت یک اقتصاددان بود و بانک مرکزی باید فراتر از یک حسابداری یا صرافی بزرگ اداره می‌شد اما فقدان استراتژی اقتصادی در دولت آن را به جمعی از بوروکرات‌های بی‌انگیزه چه از لحاظ سیاسی و چه به لحاظ نظری) بدل ساخته است که دولت را نه به عنوان «مغز متفکر توسعه ملی» که به عنوان یک «اداره کاغذی» تحلیل می‌کنند و تقلیل می‌دهند.»

کارگزاران در انتها نوشت: «پیشنهاد مشخص ما به ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران دکتر حسن روحانی، نوسازی دولت در هر دو عرصه سیاست گذاری و اجرایی است. دولت خون تازه می‌خواهد. باید به قوای تازه نفس که آماده شرایط جدیدند مجال داد. مردان «بزم» رادر شرایط «بزم» نمی‌توان به کار گرفت. شمشیرهای مرصع را باید به دیوار آویخت و با سلاح آخته، هوشمندانه به مقابله با شرایط جدید رفت. مردم ایران

اما در درازمدت به ضرر اقتصاد، تولید و حتی ارزش پول ملی کشور است. کاربست سازوکارهای اقتضایی که منجر به تغییرات پی‌درپی در سیاست‌های ارزی دولت در بهار سال ۹۷ شد، متأسفانه زمینه رانت‌جویی و بستر ویژه‌خواری اخلاک‌گراان اقتصادی را فراهم ساخت که لاجرم موجب سردرگمی بازار و ابهام و سرگشتگی فعالان اقتصادی کشور شد. کارگزاران سازندگی بر این باورند گرچه رانت‌زایی این سیاست بسیار مهم بود اما مهم‌تر از آن عدول دولت از نظریه اقتصاد آزاد و نوعی انفعال گفتمانی دولت بود که گرچه پس از مدت کوتاهی اصلاح شد اما در همان بازه زمانی نیز ضربات جبران‌ناپذیری بر ساختار اقتصادی کشور وارد کرد.»

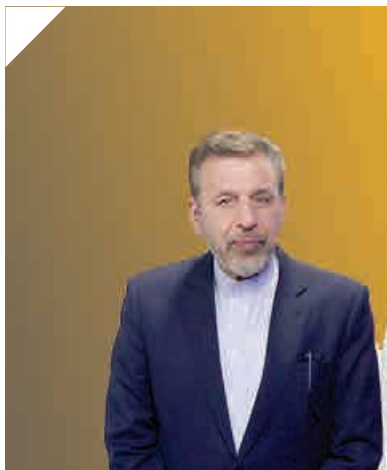
این بیانیه بخش‌های تندتری هم داشت. آنجا که آمده بود: «این ضربه جبران‌ناپذیر بیش از هر چیز ریشه در فضای ذهنی «دولتمردان روحانی» دارد. با وجود آنکه انتظار می‌رفت در دولت دوم دکتر روحانی هماهنگی و کارآمدی ستاد اقتصادی دولت بیشتر شود اما اصرار بر حفظ رئیس سازمان برنامه و بودجه سبب شد این اصلاح ضروری رخ ندهد. ما بجد معتقدیم سازمان برنامه و بودجه مغز متفکر اقتصادی دولت است و به همین علت برای اصلاح عملکرد دولت نیازمند به تغییر در این مدیریت و تنظیم دو نهاد دولتی دیگر؛ بانک مرکزی و وزارت اقتصاد و نیز وزارتخانه‌های دیگر مانند وزارت صمت با این سازمان هستیم.»

متأسفانه گرچه برخی می‌گویند دولت مستقر را یک دولت تکنوکرات معرفی کنند، لکن کابینه آقای روحانی آکنده از بوروکرات‌هایی است که جز به حفظ نظام ناکارآمد اداری موجود کشور و ارائه گزارش‌های مثبت از نهادهای پایین دست به نهادهای بالادست نمی‌اندیشند. ما در باره شخصیت فردی این اشخاص اظهار نظر نکرده و به آنان احترام می‌گذاریم اما تکنوکرات واقعی پیش از آنکه به

موجب نشد که انتقاد کارگزارانی‌ها به او فروکش کند، حسین مرعشی در جمع جوانان حزب کارگزاران گفت: «آقای نوبخت هیچ موافقی در دولت ندارد. حزب اعتدال و توسعه حزبی بی‌هنر است که می‌خواهند مسأله آقای نوبخت را سیاسی کنند. مسأله آقای نوبخت، مدیریتی است و هرکس از آقای نوبخت در شرایط کنونی حمایت کند آینده‌ای در سیاست ایران نخواهد داشت. سراغ هر وزیری بروید دادش از دست آقای نوبخت بر هوست.»

در واقع اگر رئیس بانک مرکزی، وزیر اقتصاد و دارایی و رئیس سازمان برنامه و بودجه را سه رکن اصلی تیم اقتصادی دولت در نظر بگیریم، با رفتن ولی‌الله سیف و آمدن همتی و برکناری کرباسیان بر اثر استیضاح، تنها نوبخت بر جای خود ماند.

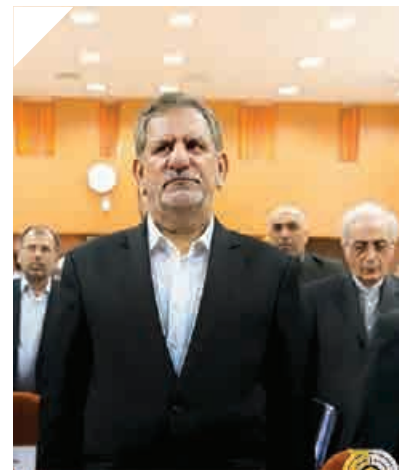
حالا نوبت نوبخت بود که با واکنش تند کارگزاران مواجه شود. کارگزاران در بیانیه‌ای نوشت: «به نظر ما دولت فاقد استراتژی اقتصادی روشن است. با وجود آنکه در افکار عمومی و نیز رسانه‌های اصولگرا این دولت به حمایت از اقتصاد آزاد شناخته و حتی متهم می‌شود اما عملکرد دولت در پنج سال گذشته نسبتی با مولفه‌های این اندیشه اقتصادی ندارد. از سوی دیگر به جز اقتصاددانان آزادیخواه، طرفداران اندیشه نهادگرایی هم دل خوشی از دولت ندارند و مسئولیت سیاست‌های آن را بر عهده نمی‌گیرند و طیف سوم که به مدافعان اقتصاد اسلامی مشهورند نیز در زمره منتقدان دولت قرار دارند. دولت روحانی نه به لوازم «اقتصاد آزاد» پایبند است و نه از نسخه‌های «اقتصاد ارشادی» پیروی می‌کند و در یک کلام دولتی سرگشته در میان مکاتب و اندیشه‌های اقتصادی است. اوج این سرگشتگی را می‌توان در سیاست ارزی دولت به عیان دید. مهمترین سند افتخار اقتصادی دولت ثبات نرخ ارز در ۵ سال (تا قبل از خروج دونالد ترامپ از برجام) است. این در حالی است که به گفته اکثریت نیرومندی از اقتصاددانان آزادیخواه و مدافع بازار آزاد، دولت می‌توانست به جای سرکوب سیستماتیک نرخ ارز، در یک شیب ملایم رو به بالا، بهای ارز را بدون کمترین تنش اجتماعی و اقتصادی طی بازه زمانی ۴ ساله واقعی کند و مانع از شوک دی ماه ۹۶ شود. سرکوب فنر ارز در نهایت به این شوک ارزی بزرگ بدل شد که غیر از عوامل سیاسی (چه خارجی و چه داخلی) ریشه در عملکرد اقتصادی و اجرایی درون دولت هم دارد و روحانی نباید اهمال دولت را نادیده بگیرد. افسانه پوپولیستی ارزش پول ملی گرچه در کوتاه‌مدت با سرکوب ارز زنده می‌ماند



واعظی همچنان از نوبخت دفاع می‌کند



کارگزاران حمله شدیدی به نوبخت کرده است



یک منبع نزدیک به جهانگیری اعلام کرد که او از کارگزاران استعفا داده است



## کارگزاران نمی‌خواهد هزینه دولت را بدهد گفت‌وگو با محمد سعید احمیدیان

جناب احمیدیان! دلیل وضعیت پیش آمده بین دو طیف سیاسی حاضر در دولت را چه می‌دانید؟ این اختلافات به چه وضعیتی می‌تواند منجر شود؟

▲ در حال حاضر کارگزاران قصد دارد هزینه تصمیمات و اقدامات نیروهای خود که در دولت هستند و از آن حمایت می‌کردند را نپذیرد و از آن بگذرد و با یک نگاه منفعت طلبانه و رو به آینده می‌خواهد از کنار آن رد شود.

بالاخره این دولت خروجی حمایت کارگزارانی‌ها هستند و کارگزاران بیشترین سهم را در دولت قبلی و فعلی داشته‌اند. همین «ارز جهانی‌گری» کليدواژه خوبی است که نشان می‌دهد در بخشی از اتفاقات صورت گرفته، آقای جهانگیری نقش داشته است. از این رو اکنون کارگزاران می‌خواهد هزینه را از خود بردارد و خود را از این سیستم مجزا کند و در نتیجه حزب اعتدال و توسعه هم وقتی می‌بیند که کارگزاران در این شرایط با این مدل

سوی این حزب امری مسبوق به سابقه است و این نگرانی پس از بیانه دیروز این حزب بیش از گذشته تقویت شده که کارگزاران قصد دارد مانند برخورد غیرقابل دفاعش با مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، با موضع‌گیری در برابر دولت اعتدال و رئیس‌جمهوری و بدون پرداخت هزینه، خود را برای سال‌ها و مقاطع بعدی سیاسی همچنان فعال نگه دارد. در شرایط کنونی که دشمن غدار خارجی و رقبای داخلی به صورت ویژه و توأمان در حال عملیات علیه دولت مستقر هستند، از نظر کمیته سیاسی سازمان جوانان حزب اعتدال و توسعه، نا جوانمردانه‌ترین شیوه، تنها گذاشتن رئیس‌جمهور و یاران او در دولت با شیوه فراقکتی و طرح ادعاهای بی‌اساس است.»

### کاسه صبری که لبریز شد

البته بیانه حزب اعتدال و توسعه نیز بی‌جواب نماند و غلامحسین کرباسچی، دبیرکل حزب کارگزاران گفت: «من قصد اظهار نظر و پاسخ به بیانه اعتدال و توسعه را ندارم. حزب کارگزاران صحبت‌هایی درباره کارآمدی دولت و عملکرد دولت داشته که در قالب یک بیانه عنوان شد. ما یک نظر انتقادی درباره عملکرد برخی افراد شاغل در دولت داشتیم و آن را به صورت شفاف بیان کردیم. دیگران نیز می‌توانند نظر انتقادی خود را نسبت به برخی افراد مطرح کنند. اینکه ما بخوایم پاسخ برخی اظهارات را دهیم که منجر به جواب‌دهی طرف مقابل شود، درست نیست. نظر حزب کارگزاران در ارتباط با عملکرد دولت و شرایط کشور همانی است که در بیانه منتشر شد حال اگر کسی می‌خواهد نظرات حزب را به خودش بگیرد یا پاسخ دهد، برای ما مهم نیست. بیانه‌ای که مشی انتقادی از دولت دارد، مخاطبش یک نفر نیست که کسی بخواید جواب بدهد یا ندهد. کارآمدی دولت و مسائل ذکر شده در بیانه برای همگان اظهر من الشمس است و موضوعی اختلافی نیست. انتقاد ما از دولت انتقاد سازنده است. انتقادی است که به واسطه آن دولت بتواند کارآمدی خود را در راستای حل مشکلات کشور ارتقا دهد. این بیانه در حد حرف سیاسی با احزاب نبوده است. اگر یک جریان، گروه یا حزب انتقادی نسبت به هر یک از اعضای دولت دارد، می‌تواند صراحتاً این موضوع را بیان کند اما اینکه بخواند جوابیه داده و مقابله کند، حزب کارگزاران وارد این بازی‌ها نخواهد شد زیرا شأن حزب کارگزاران از این موضوعات بسیار بالاتر است. ما یک انتقادی داشتیم و مطرح کردیم. خبر استعفای آقای جهانگیری از کارگزاران دروغ است. ایشان پیش از این رئیس شورای مرکزی حزب بودند که به دلیل گرفتاری‌های کاری از این سمت استعفا کردند و خبر منتشر شده صحیح نیست.» در اظهار نظری دیگر رئیس ستاد مرکزی حزب اعتدال و توسعه در انتخابات سال ۹۲ که حالا از این حزب جدا شده، بیانه اخیر حزب کارگزاران را به دلیل سهم خواهی و ایستادگی محمداقبر نوبخت مقابل این خواسته تلقی کرد.

غلامعلی عرب‌خدایی گفت: «دوستان آقای کرباسچی، آقای نوبخت را تخریب می‌کنند چون آقای نوبخت مقابل سهم خواهی و زیاده خواهی آنها تمام‌قد ایستاده است. در دولت نخست آقای روحانی اعضای حزب کارگزاران بسیاری از پست‌های مهم دولت از جمله استانداری‌ها را بر عهده داشتند اما حضور آنها در دولت کم‌رنگ شده و آنها هنوز به دنبال سهم خواهی بیشتری هستند.»

دبیر کل موفله هم با بیان اینکه بسیاری از تصمیمات دولت توسط جهانگیری اتخاذ می‌شود، گفته است: «چگونه است حزب کارگزاران طوری بیانه صادر می‌کند که گویی هیچ نقشی در هدایت و مدیریت دولت نداشته است.»

گرچه همیشه آماده دفاع و مقاومت هستند اما همان‌طور که رئیس‌جمهور گفت، نه جنگ می‌خواهند و نه قحطی. متن بیانه آنچنان تند بود که جهانگیری حاضر به پرداخت هزینه آن نبود. کار به آنجا رسید که یک منبع نزدیک به اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس‌جمهور در گفت‌وگو با فارس، گفت: «مواضع اخیر حزب کارگزاران هیچ ارتباطی با اسحاق جهانگیری ندارد.» وی افزود: «اسحاق جهانگیری مدت‌هاست که از عضویت در حزب کارگزاران استعفا داده و مواضع این حزب با وی ارتباطی ندارد.»

اما این پایان ماجرا نبود. حالا نوبت اعتدال و توسعه بود که پاسخ کارگزاران را بدهد. این حزب در بیانه‌ای نوشت: «افکار عمومی منتظرند تا این گروه سیاسی همزمان با درخواست تغییرات مطلوب‌شان در دولت، درباره عملکرد و ماندن یا رفتن هم‌حزبی‌های خود که به طور گسترده در لایه‌های مختلف اقتصادی کشور حضور فعال دارند نیز به صراحت پاسخ داده و موضع‌گیری کنند. این احتمال وجود دارد که هدف فرعی این بیانه سلب مسئولیت از خود درباره نتایج برخی تصمیماتی است که نقش افراد شاخص این حزب در شکل‌گیری تبعات کاملاً مبرهن است. حزب کارگزاران با صدور این بیانه بار دیگر نشان داد که از ارائه نسخه و پیشنهاد مشخص برای برون‌رفت از وضعیت ناتوان است. طرح ایده تغییرات مدیریتی به جای ارائه یک مدل و راه‌حل راهگشا، بیشتر یک نمایش تبلیغاتی و هم‌نوایی محض با تندرهای دیگر طیف سیاسی کشور است. اگر غیر از این بود قطعاً در طول چندماه اخیر که کارخانه تخریب کارگزاران علیه برخی چهره‌های خدمت در دولت به راه افتاده، لااقل یک نقد تخصصی و علمی درباره نظام بودجه‌ای کشور در رسانه‌های منتسب به این حزب منتشر می‌شد. آرایش تهاجمی رسانه‌ای این حزب با رویکرد مطالبه‌گرانه توأم با مظلوم‌نمایی، یادآور برخی وقایع تلخ تاریخی است. حزب کارگزاران سازندگی پس از انتخابات دوم خرداد ۷۶ ترجیح داد به دولت وقت نزدیک شده و حداکثر حضور در مناصب دولتی را تجربه کند و هم‌زمان در برابر موج گسترده تخریب شخصیت و کارنامه عملکرد دولت و شخصیت مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، حتی نسبت به عملکرد چهره‌های شاخص خود که در دوران پرافتخار دولت سازندگی مسئولیت داشتند کمترین اقدام و واکنشی نشان نداد؛ لذا جالبی دادن‌های سیاسی در شرایط و مقاطع حساس که نیازمند ایثار و هزینه‌دادن است از



اعتدال و توسعه پاسخ تندی به کارگزاران داده است



«اعتدال و توسعه» و «کارگزاران» در نگاه حامیان تفکر مرحوم هاشمی به دوقلوهای حزبی و بال‌های چپ و راست میانه‌روی در ایران معروفند اما این روزها اصرار کارگزارانی‌ها برای انتقاد از رویکردهای اقتصادی اعتدال و توسعه به چالشی بین دو مجموعه تبدیل شده است. هر چند سیاستیون کشور کارگزاران را منتهی‌الیه راست اصلاحات و چسبیده به اصولگرایی و اعتدال و توسعه را منتهی‌الیه چپ اصولگرایی و چسبیده به اصلاحات می‌دانند اما بعد از انتشار خبرهایی درباره ترمیم کابینه و افزایش مشکلات اقتصادی، اختلاف دیدگاه‌هایی در حوزه اقتصادی بین دو مجموعه به وجود آمد که صدور بیانیه‌هایی علیه یکدیگر را منجر شد.

حال سوال این است که علت رسانه‌ای شدن این اختلافاتی که شاید در گذشته نیز وجود داشت، چیست؟ رئیس‌جمهور طرف کدام طیف را خواهد گرفت و چشم‌انداز این اختلافات به کجا خواهد رسید؟

در این باره با محمدسعید احدیان گفت‌وگو کرده‌ایم که از نظر می‌گذرانید.

▲ نه، همان‌طور که گفتیم میانی کارگزاران از ابتدا کسب قدرت برای منافع بوده است. طبیعی است که هر حزبی تشکیل می‌شود برای کسب قدرت شکل می‌گیرد اما کسب قدرت صرفاً برای منافع چیزی بوده که کارگزاران پیش برده است. زمانی که این تشکیل شد به این خاطر بود که آقای هاشمی با جامعه روحانیت در مورد قدرت به مشکل برخورد و نتوانستند به اجماع برسند و کارگزاران تشکیل شد. کارگزاران بر ساخته آقای هاشمی بود. گزینه بعد از هاشمی آقای ناطق بود. فعالیت‌های روشنی که دولت وقت در دفاع از آقای ناطق در وزارت کشور و دیگر جاها انجام دادند، به گونه‌ای مشهود بود که طنزها و شوخی‌های آقای گل آقا که بنویسیم خاتمی بخوانیم ناطق کاملاً زبانزد شد.

اما کارگزاران وقتی فهمید جایگاه آقای خاتمی بهتر است و با اینکه بر ساخته آقای هاشمی بود و باید آن مسیر را طی می‌کرد، گزینه آقای هاشمی را پشت‌پاز و رفت



### اختیارات بیشتری داشته باشند تا وضعیت موجود را سامان دهند؟

▲ به نظر حزب اعتدال و توسعه به دنبال اختیارات بیشتر نیستند. به هر حال آنها نقش لازم را در دست دارند و فعالیت خود را می‌کنند. تصمیم هم نگرفته‌اند که فراقنی کنند. این کارگزاران هستند که بر اساس میانی خود از روزی که تشکیل شده به دنبال منافع‌های خود بودند و به تناسب منافع‌های خود تغییر سیاست داده‌اند. آنها نگاه ایدئولوژیک به سیاست نداشتند. این کارگزاران هستند که فرار به جلو می‌کنند و مساله اعتدال و توسعه یک رفتار واکنشی به رفتار کارگزاران است.

### در حال حاضر چه چشم‌اندازی وجود دارد؟ موج دوم گرانی‌ها شروع شده و ارز و سکه دوباره خیز برداشته‌اند، به نظر تان چه چشم‌اندازی برای تیم اقتصادی و تصمیم‌های مهم و حیاتی وجود دارد؟

▲ تازمانی که جامعه اعم از مردم عادی و فعالان اقتصادی تا کسانی که در عرصه‌های مختلف فعالیت می‌کنند، احساس کنند که مجموعه دولت محوریت ندارد و عملاً فعالیت منسجم حساب شده و یک فعالیت پرجمع با کیفیت را احساس نکنند، این راه‌شدگی اقتصادی ادامه پیدا می‌کند و عملاً نتیجه‌اش می‌شود افزایش گرانی‌ها در عرصه‌های مختلف. چه با افزایش قیمت دلار و چه بدون افزایش قیمت آن، ما همچنان افزایش قیمت‌ها و تورم را در پیش خواهیم داشت.

### در این وضعیت به نظر تان کارگزارانی‌ها می‌خواهند تسویه حساب کنند و وضعیت دیگری شکل دهند؟

بیانیه صادر می‌کند و می‌خواهد خود را کنار بکشد، آنها هم موضع گیری می‌کنند و می‌گویند شما در این جریان سهیم هستید و اجازه ندهید خود را کنار بکشید و فرار رو به جلو نکنید. مساله از این قرار است.

### به نظر تان رویکرد آقای روحانی چگونه است. ایشان به کدام سو متمایل است و از کدام طرف احتمال دارد حمایت کند؟

▲ در حال حاضر نمی‌توان به شکل دقیق در این مورد صحبت کرد که نظر آقای روحانی به کدام سو است. تجربه نشان داده که نظر آقای روحانی هم مانند همه آدم‌ها می‌تواند تغییرات زیادی کند. آقای روحانی یک وقتی آقای جهانگیری را محور قرار می‌دهد و یک مقطعی افراد دیگری را محور قرار می‌دهد. در دولت کنونی یک زمانی آقای جهانگیری را به وسط آورد و تصمیم مهم آزاد کردن ارز را به او سپرد، یا زمانی ایشان را محدود کرد. از این رو نمی‌توان به شکل دقیق گفت که چه وضعیتی وجود دارد.

آقای روحانی به نظر می‌رسد که متناسب با شرایط و اتفاقات بدون اینکه نگاه ثابت راهبردی به نیروهای زیرمجموعه‌اش داشته باشد، تصمیم می‌گیرد و نمی‌تواند مانند یک سرمربی تمام گزینه‌هایی را که دارد خوب مدیریت کند و طبیعتاً سیستم آتش به اختیار ساختار دولت به شکلی است که آقای روحانی نقش محوری خود را از دست داده است، لذا دارند متناسب با قدرت و ارتباطاتی که بخش‌های مختلف و حالت‌های مختلف خود را انجام می‌دهند.

به نظر تان طیف اعتدال و توسعه و همین‌طور کارگزاران به خاطر شرایط و مشکلات پیش آمده هر کدام به نوعی دنبال فراقنی هستند که



## نزاع درونی دولت آغاز شده است

### گفت‌وگوی مثلث با علی صوفی

امنیت برای آن حوزه‌ای است که در آن فعالیت می‌کنند. واقعیت‌هایی وجود دارد که بالاخره برخی از احزاب حضور بیشتری در دولت دارند و به‌خاطر همان حضور باید بیشتر پاسخگو باشند.

اینجاست که الان آن چیزی که بین کارگزاران و اعتدالیون می‌گذرد، شکل گرفته است. اعتدالیون به هر حال صاحب اصلی دولت هستند. از حزب کارگزاران هم در دولت حضور بیشتری دارند، حداقل اینکه معاون اول رئیس‌جمهوری آقای جهانگیری از همین حزب کارگزاران هست. و تنش‌های داخلی از آنجا بروز کرده است و از دور دوم آقای روحانی از حوزه ریاست دفتر آقای روحانی و معاون اول شکل گرفته است. آقای مرعشی هم در مصاحبه‌ای اشاره کردند که حلقه اول آقای روحانی از حضور آقای جهانگیری در انتخابات ریاست‌جمهوری ناراحت شدند و سعی کردند که ایشان را کنار بگذارند. ایشان توسط همان حلقه اول هم کنار گذاشته شد. بنابراین اینجا طبیعی است با این فرض که آنها آمدند آقای جهانگیری را کنار گذاشتند. یک تنش عملیاتی و عملی بین این دو جریان از ابتدای شکل‌گیری دولت دوم روحانی بروز کرده و ادامه دارد و اینجا هست که به هر حال کارگزاران اشکال کار و عامل بروز بحران‌های اقتصادی را در همین نادیده گرفتن نقش معاون اولی جهانگیری می‌دانند یا عوامل دیگری که وابسته به اینها هستند آنها را هم در بر بگیرد.

در هر حال ما آن چیزی را که در پی دوره دوم آقای روحانی شاهد هستیم این است که یک نزاع درونی شکل گرفته که الان از پرده برون افتاده و این توسط خود کارگزاران افشا شده است. از طرفی اعتدال و توسعه هم به آن جواب داده و آن هم به نوع دیگری به این نزاع دامن زده و این نزاع اوج گرفته و از حالت خفا بیرون آمده است. به‌ویژه در اوضاع نابسامانی که پیش آمده و ما در آن قرار داریم طبیعی است که هر کسی سعی کند دیگری را مقصر

#### محمد اکبری

خبرنگار

#### دلیل اختلافات پیش آمده بین دو طیف کارگزاران و اعتدال و توسعه در دولت چیست؟ به نظر تان چه مسائلی پیش آمده است که بیانیه‌هایی علیه یکدیگر صادر شود؟

دلیل این موضوع شکست‌هایی است که دولت به‌ویژه در عرصه اقتصادی برایش پیش آمده است. بالاخره اوضاع نابسامان اقتصادی که منجر به خسارات پیش‌بینی‌نشده‌ای شده است و نارضایتی جامعه زیاده‌تر شده و تهدیدات امنیتی هم چه در حوزه خارجی و چه حوزه داخلی با توجه به اعتراضات گسترده دی سال گذشته بیشتر شده و امکان بروز همان بحران و همان اعتراضات در سطح شاید وسیع‌تری وجود دارد. شرایطی که جامعه مبتلا به آن است شرایط بسیار نگران‌کننده و حساسی است به نوعی که ممکن است با یک تلنگر و یک جرعه انفجارهایی صورت بگیرد و باعث حداقل خسارت‌های قابل توجهی شود، اگر نگوئیم خطرات امنیتی ملی ایجاد کند. به هر حال در چنین شرایطی طبیعی است که هر کسی و هر جریانی بیاید عوامل بروز این نابسامانی را به دیگران نسبت بدهد و خود را مبرا کند. برعکس در شرایط پیروزی همه خود را سهیم و پیروز می‌دانند.

در چنین شرایط بغرنجی است که همه سعی می‌کنند فرافکنی کنند و هر کس و هر جریانی، تقصیر را به گردن دیگری بیندازند. شاید بتوان گفت این یک بحث روانشناسی است که چه در حوزه فردی یا حوزه اجتماعی، افراد یا جریان‌های سیاسی یا نهادهای اجتماعی فرافکنی می‌کنند. این به نوعی فرافکنی است. به نوعی ایجاد

دنبال‌گزینه‌ای که می‌توانست منافع خود را تامین کند. این مبانی کارگزاران است. این مساله همین الان اتفاق افتاده است. آقای روحانی گزینه آقای هاشمی است ولی الان خود کارگزاران که داخل این سیستم بوده و قدرت داشته و فعالیت کرده‌اند، الان به این نتیجه رسیده‌اند این گزینه ارزش سرمایه‌گذاری کردن ندارد. یک اسب باخته است. نمی‌خواهد روی اسب باخته ادامه فعالیت بدهد. مساله کارگزاران رقابت‌های داخلی در جریان است، البته اختلافات و رقابت‌های داخلی می‌تواند باشد ولی اینکه بیانیه به شکل علنی صادر می‌کند و این اختلافات به صدور بیانیه منتج می‌شود، این نتیجه اختلافات نیست، نتیجه چرخش سیاسی کارگزاران محسوب می‌شود.

#### به نظر تان این چرخش سیاسی کارگزاران از همان سال ۹۶ شروع نشده بود که آقای جهانگیری جدا برای ریاست‌جمهوری ثبت نام کرد؟

نه، در آنجا بالاخره آقای جهانگیری در عملکرد نشان داد مسیر جدایی ندارد. آقای جهانگیری وقتی ثبت نام کرد که آقای قالیباف ثبت نام کرد. آقای جهانگیری دقیقاً منتظر ماند بعد از اینکه قالیباف در لحظات آخر ثبت نام کرد، ایشان وارد شد. در آن زمان اگر می‌خواست مسیر جداگانه‌ای داشته باشد زودتر ثبت نام می‌کرد و منتظر حضور یا عدم حضور آقای قالیباف نمی‌شد. آقای جهانگیری در آن رقابت‌ها به عنوان یک نامزد پوششی عمل کرد و خود و شخصیتش را فدای رای آوردن روحانی کرد. منفعت‌شان در این بود که آقای روحانی را ادامه بدهند چون در قدرت بودند و می‌توانستند منافع‌شان را تامین کنند، الان احساس می‌کنند که دیگر این مسیر قابل ادامه دادن نیست و لذا دارند چرخش سیاسی انجام می‌دهند.

#### چند بار موضوع خارج شدن آقای جهانگیری از دولت مطرح شد ولی این موضوع اتفاق نیفتاد. دلیل این موضوع چه بود؟

اینها معمولاً شایعاتی بود که شکل می‌گرفت. یک مقطعی فقط بحث رفتن ایشان به شهرداری مطرح شد که آن هم با توجه به نگاه‌شان به ۱۴۰۰ بود ولی بقیه وقت‌ها بیشتر شایعات بود که مشخص نمی‌شود این شایعات چقدر جدی بود، چقدر واقعی بود و چقدر قطعی نبود یا صحت نداشت.

#### این اراده هم در دولت وجود ندارد که کسی مانند ایشان کنار گذاشته شود؟

با اینکه دو ماه پیش که آقای واعظی صراحتاً از تغییر کابینه صحبت کرد و گفت اینکه اسامی روی میز آقای روحانی است و فقط این مانده که چه کسانی تغییر می‌کنند و چه کسانی جایگزین می‌شوند و قطعی‌ت تغییر کابینه را تصریح کرد ولی هیچ تغییری پیدا نکرد. به نظر می‌رسد آقای روحانی جمع‌بندی‌شان این است که هیچ تغییری ایجاد نکنند و به نظر می‌رسد ایشان به دنبال این پیام بود که ما در عملکرد خود هیچ اشتباهی نداریم، هیچ عملکرد خطایی نداریم و مشکلات ایجادشده ربطی به دولت ندارد و به مسائل دیگری از جمله مسائل خارجی برمی‌گردد و تغییر کابینه از سوی آقای روحانی به نظر می‌رسد که منتفی است و هدف کلان‌تری دارد در این تغییر مهره‌ها.

#### حتی بیان شدن این اختلاف‌ها هم باعث نمی‌شود آقای روحانی اقدام خاصی انجام بدهد؟

آقای روحانی دنبال یک پیام مهم‌تری برای خود است و عملی می‌خواهد روش دیگری به جای پاسخگویی عملی و واقعی داشته باشد. او این گونه می‌خواهد پاسخ رسانه‌ای صرفاً به جامعه بدهد که نمونه‌هایش را هم در گفت‌وگوی تلویزیونی و روز سوال مجلس از رئیس‌جمهور دیدیم. به نظر می‌رسد که هیچ کدام از اینها نمی‌تواند استراتژی اصلی روحانی را تحت الشعاع قرار دهد.



جلوه بدهد تا بتواند اعتبار و جلوه اجتماعی خود را حفظ کند. کارگزاران اعتقاد دارند که چون در دور اول آقای روحانی، کارگزاران و آقای جهانگیری محور مسائل اقتصادی بود و آن دوره، دوره ثباتی برای مسائل اقتصادی بود ولی در دولت دوم این محور از دست آقای جهانگیری خارج شد و در دست خود اعدائی ها و بیشتر دست آقای نوبخت و واعظی بود، این مسائل و مشکلات پیش آمده است. این می تواند گزاره درستی باشد؟

▲ نه، این به شکل دقیق نمی تواند درست باشد. گرچه من منکر نقش مثبت آقای جهانگیری در ایجاد هماهنگی به ویژه در حوزه اقتصادی در دولت اول نیستم و همین طور منکر این نیستم که نقش آقای جهانگیری با حضور آقای واعظی در دفتر رئیس جمهوری عمدا کاهش پیدا کرده و در واقع آقای جهانگیری کنار گذاشته شد. آقای جهانگیری می توانست عامل هماهنگ کننده ای بین مسئولین اقتصادی دولت باشد و چون از تجربه کاری بالایی هم برخوردار بوده در این حوزه، هشت سال وزیر صنعت بوده، استاتندار بوده و در مجلس حضور داشته، به هر حال اشراف داشته به این موضوعات، همین کنارگذاشتن ایشان ایجاد تعارض و تضاد در داخل دولت به ویژه در حوزه ریاست جمهوری داشته است. این تضاد به ضرر دولت تمام شده و کاملا هم قابل پیش بینی بود که این تضاد می تواند برای دولت ایجاد مشکل کند و این مشکل پیش آمده است اما یک چیز دیگر هم وجود دارد. دو دیدگاه اقتصادی در دولت وجود داشته است. اقتصاد متکی است بر نظریات و مکاتبی که در حوزه علمی و حوزه نظری اقتصاد به وجود آمده و از نظر بین المللی هم به ویژه ارتباطات و نهادهایی مثل بانک جهانی وجود دارد که اینها چیزهایی را برای توسعه کشورها دیکته می کنند و آنها هم باز تاثیر گذار است. مجموعه اقتصادی دولت از ابتدا باید تکلیفش روشن باشد. یعنی مشخص باشد که اینها به چه نوع سیاست اقتصادی معتقد هستند و باید آن را در پیش بگیرند. اگر بین اینها تعارض وجود داشته باشد آن وقت دولت دچار افراط و تفریط خواهد شد، کمالیکه این تعارض در حوزه اقتصادی دولت از نظر نوع نگاه سیاست های اقتصادی یا دخالت های دولت یا کلا عدم دخالت دولت وجود داشته.

این تضاد به هر حال در دور اول توسط کسانی که تفکر این را داشتند - که نقش دولت باید در اقتصاد بیشتر باشد و اوضاع را کنترل کند نه اینکه اقتصاد آزاد باشد و دولت دست خود را از این کنترل بردارد - حاکم بود و دیدیم که دولت سیاست های انقباضی را برای کاهش نرخ تورم بسیار شدید حاکم کرد. به هر حال هر نظری هم خلاف این وجود داشت دولت گوش نکرد و همان را تا آخر ادامه دادند.

**اما آنچه از دی سال گذشته اتفاق افتاد و آقای روحانی نشان داد و حضور مردم به تحریک رقبای خود در پاسخ به سوالات نمایندگان در مجلس مطرح کردند که واقعتاً ندارد، بلکه تسلیم دولت و روحانی در مقابل دیدگاه مخالف این جریان بوده است - یعنی چه؟ یعنی عدم کنترل دولت بر نرخ ارز و عدم کنترل دولت بر بازار سرمایه و رها کردن نرخ ارز به منظور واقعی کردن نرخ ارز و کم کردن فاصله بین نرخ رسمی و نرخ آزاد یا نرخ بازار ارز. این چیزی بود که در این تفکر وجود داشت و این تفکر از دی غالب شد.**

▲ یعنی آن طور که آقای روحانی عنوان کرد که ارز گران شد این صحیح نیست، بلکه ارز را گران کردند، نه اینکه ارز گران شد. ارز خود به خود گران نشد، دولت کنترل ها را برداشت به امید همان صاحبان تفکر که به آقای رئیس جمهور وعده دارند که اگر ما ارز را کنترل نکنیم و آزاد کنیم به جز اینکه فوایدی از جمله بیشتر شدن درآمد برای دولت دارد، تا ۵ هزار تومان بیشتر بالا نخواهد رفت. دولت این را پذیرفت و تسلیم شد و اجازه داد این کنترل برداشته شود. اما برداشته شدن این کنترل همان و جهش کردن آن فتر همان. به این ترتیب کنترل از دست دولت خارج شد و انرژی و پتانسیلی که اینجا وجود داشت به ویژه تهدیدات خارجی و حضور ترامپ، اینها همه باعث شد جامعه دفعات نگران و مضطرب شود. آن نگرانی هم بر این عدم کنترل افزوده شد، یعنی مردم یک دفعه احساس کردند دارد دارایی های شان از دست می رود و باید به هر شکل ممکن این دارایی را حفظ کنند و برای همین سراغ ارز، سکه، مسکن و خودرو رفتند. در واقع به سمتی رفتند که از پس انداز پرهیز کنند و در بانک یا خانه پولی را نگه ندارند و سریع آن را به کالا تبدیل کنند. این نگرانی هنوز وجود دارد. دولت نتوانست کنترل کند، نرخ ارز به ۵ هزار تومان رسید، بانک مرکزی به مردم قول داد که افزایش قیمت دلار را مدیریت کند تا رقم به بیش از ۵ هزار تومان افزایش پیدا نکند. برخی مسئولان دیگر دولت هم همین را گفتند اما این صحبت ها دیگر افافه نمی کرد و دیگر اسب نقدینگی سرگردان در جامعه رسید و دیگر کسی نتوانست آن را مهار کند. با وجودی که وضعیت بازار ارز هنوز تحت کنترل در نیامده اما دولت هنوز نمی خواهد واقعتاً را به مردم بگوید. در حالی که می تواند با مردم صادق باشد و بگوید ما به این نتیجه رسیدیم که نرخ ارز باید واقعی شود. مردم نگران نباشید، ما از محل واقعی شدن نرخ ارز یک بسته حمایتی درست خواهیم کرد و اجازه نمی دهیم کالاهای اساسی گران شود و فشاری به خانواده ها بیاید. اما دولت این کار را نکرد و خواست با یک حرکت ضربتی و دفاعی قیمت ارز را واقعی کند اما کنترل بازار از دستش خارج شد. بین دیدگاه دولت اول و دیدگاه دولت دوم آقای روحانی یک تناقض وجود دارد. معتقدم دیدگاه اقتصادی دولت دوم آقای روحانی عامل وضعیت کنونی است.

**الان در این بین موضع آقای روحانی درباره اختلاف بین این دو**

### طیف چیست؟

▲ آقای روحانی تسلیم دیدگاه دوم شد. اگر بخواهیم مساله را مصداقی بین آقای جهانگیری و آقای واعظی توضیح دهیم، این طور است که نقش آقای جهانگیری در دولت دوم نسبت به دولت اول کمتر شد.

**چندین مرتبه احتمال خروج آقای جهانگیری از دولت مطرح شد، آیا احتمال خروج او در اوضاع کنونی وجود دارد؟**

▲ بعید می دانم، آقای جهانگیری دید باتری دارد و صبورانه خواسته تحمل کند و نقش خود را ایفا کند. اگر قرار بود آقای جهانگیری از دولت خارج شود شرایطش در همان سال ۹۶ فراهم بود و حتی توصیه هایی هم از ناحیه نخبگان جامعه به او شده بود و خیلی ها مصلحت او را این می دانستند که از دولت خارج شود اما او از دولت خارج نشد. در حالی که می دانست ممکن است دولت با مشکلاتی مواجه شود این مشکلات دامنگیر او هم بشود، بنابراین بعید می دانم آقای جهانگیری در وضعیت کنونی از دولت کنار بکشد.

**سرانجام اختلافات در دولت به کجا می رسد؟**

▲ این بستگی به تصمیم آقای روحانی دارد.

**آیا دولت قبول کرده که مقصر است و عرصه را باخته است؟**

▲ هنوز اختلاف بین دو جریان سیاسی است و به حوزه دولت و آقای روحانی کشیده نشده است. آقای روحانی به دلایلی ترجیح داد عوامل کنترلی که حلقه اول او بودند و می خواستند آقای جهانگیری را کنترل کنند تن داد اما الان دولت در وضعیت بحران است و برای مدیریت این بحران به آقای جهانگیری نیاز دارند و بعید می دانم بخواهند آقای جهانگیری را حذف کنند یا آقای جهانگیری خودش بخواهد کنار بکشد.



## همکاری ۸ بانک متوسط، حل مشکل سوئیفت

تعهدات اروپا به ایران چیست؟



«آلیستر برت» افزود: «در تلاش هستیم موانع فنی مربوط به همکاری‌های اقتصادی با ایران را از سر راه برداریم و از شرکت‌های اروپایی هم می‌خواهیم به کار و سرمایه‌گذاری در ایران ادامه دهند.»

این اظهارات در حالی صورت می‌گیرد که لندن کماکان به عنوان یکی از اصلی‌ترین هم‌پیمانان ایالات متحده (در پروسه بر هم زدن برجام) متهم است. تریزا می، نخست‌وزیر انگلیس در یکی از اظهارات اخیر خود، خواستار معامله با ایالات متحده بر سر برجام شده است. در چنین شرایطی ادعای معاون وزیر امور خارجه انگلیس در خصوص حفظ برجام کاملاً مخدوش و غیرقابل قبول است.

## از اصرار هایکو ماس تا انکار مرکل

وزیر امور خارجه آلمان همچنان نسبت به ایجاد یک ساختار مالی مستقل از ایالات متحده برای حفظ برجام اصرار دارد. هایکو ماس، وزیر خارجه آلمان اعلام کرده است که برای حفظ توافق هسته‌ای با ایران، باید سیستم پرداخت مالی مستقل از آمریکا ایجاد شود. با این حال آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان معتقد است که ایجاد چنین ساختاری مشکل بوده و اروپا باید به دنبال راهکارهای جایگزین در این خصوص باشد.

صدراعظم آلمان که به شدت نگران آثار و تبعات اظهارات وزیر امور خارجه سوسیال دموکرات دولت ائتلافی خود و تأثیر آن بر روابط دوجانبه برلین و واشنگتن بود بلافاصله اعلام کرد: «ما در موضوع نظام‌های مستقل پرداخت مشکلاتی در همکاری با ایران داریم اما از سوی دیگر تردید نداریم که به طور مثال در موضوع تأمین مالی تروریسم سوئیفت از اهمیت بالایی برخوردار است. در ضمن، حفظ همکاری با آمریکا در زمینه امنیت بسیار مهم است.»

اظهارات مرکل نشان می‌دهد که صدراعظم آلمان نیز مانند امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه و تریزا می، نخست‌وزیر انگلیس، برجام را متغیری وابسته به مناسبات کلان امنیتی ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا دانسته و آن را به مثابه یک پدیده مستقل حقوقی مورد بررسی قرار نمی‌دهد.

همین نگاه ابزاری تروئیکای اروپایی نسبت به برجام منجر به تأخیر هدفمند اروپا در ارائه بسته پیشنهادی نهایی شده است. از سوی دیگر، نباید فراموش کرد که تنها راه حفظ واقعی برجام، عملی شدن پیشنهاد وزیر امور خارجه آلمان است.

## هشدار برجای ایران به اروپا

طی روزهای اخیر، مقامات ایرانی چندین بار نسبت به رویکرد برجای اتحادیه اروپا هشدار داده و اقدامات کشورهای اروپایی برای حفظ توافق هسته‌ای را ناکافی دانسته‌اند. به عنوان مثال کمال خرازی، رئیس شورای راهبردی روابط خارجی به اروپا درباره پیامدهای جدی عدم انتفاع ایران از توافق هسته‌ای برجام هشدار داد.

مقامات اروپایی همچنان رویکرد دوگانه‌ای را در قبال توافق هسته‌ای با ایران پیش گرفته‌اند. اگرچه امانوئل ماکرون، تریزا می و آنگلا مرکل بر لزوم حفظ برجام تأکید کرده و آن را نشان‌دهنده مواجهه با یکجانبه‌گرایی ایالات متحده در نظام بین‌الملل می‌دانند اما از آن سو به شدت نگران مناسبات اقتصادی و امنیتی خود با واشنگتن هستند. همین مساله سبب شده تا شاهد تأخیر هدفمند و برنامه‌ریزی شده سران اروپایی در ارائه بسته پیشنهادی نهایی باشیم. مروری بر مواضع اخیر سران اروپایی در خصوص توافق هسته‌ای، به خوبی نشان‌دهنده همین رویکرد دوگانه است. در صورتی که این دوگانگی ادامه پیدا کند، دلیلی برای استمرار تعهدات ایران در برجام وجود ندارد.

## از ماکرون تا لودریان

اخیراً رئیس‌جمهوری فرانسه در جمع سفرای این کشور اعلام کرد: «هدف فرانسه خصوصاً با هماهنگی فشرده و ارتباط موثر با سایر شرکای خود از جمله آلمان، انگلیس و اتحادیه اروپایی حفظ توافق هسته‌ای با ایران است.» ماکرون با انتقاد شدید از سیاست‌های یکجانبه‌گرایی اتخاذشده از سوی آمریکا که پیرامون مسائلی همچون ناتو، تقابل اقتصادی با چین و اروپا، خروج از توافق پاریس و خروج از توافق هسته‌ای ایران دیده می‌شود، یادآور شد: «موضع فرانسه حفظ توافق هسته‌ای با ایران است. در این زمینه با تلاش‌های صورت گرفته و ارتباط نزدیک با سایر کشورها از جمله آلمان، انگلیس و اتحادیه اروپایی در صدد حفظ آن هستیم.»

رئیس‌جمهوری فرانسه با اشاره به سابقه تلاش‌های این کشور که منتج به توافق هسته‌ای شد، افزود: «رویکرد اتخاذشده از سوی فرانسه مبنی بر گفت‌وگو با ایران در حال پیشرفت است و این کشور ضمن قبول مسئولیت خود تلاش خواهد کرد با پیگیری این رویکرد، مانع از بروز بحران طی ماه‌های آینده شود.»

این اظهارات ماکرون در حالی صورت می‌گیرد که ژان ایو لودریان، وزیر امور خارجه فرانسه خواستار مذاکره با ایران بر سر موضوعاتی مانند توان موشکی و دفاعی کشورمان شده است. موضوعی که مورد اعتراض دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی ایران قرار گرفته است.

## بازی فریبکارانه لندن در قبال برجام

تازه‌ترین مواضع مقامات انگلیسی در قبال برجام، در جریان سفر معاون وزیر امور خارجه این کشور به تهران اعلام شده است. معاون وزیر خارجه انگلیس در تهران با اشاره به حمایت کشورش از تداوم برجام و با بیان اینکه این توافق سند مهمی برای ادامه همکاری‌های ایران و اروپا است، گفت: «ما بدون توجه به سیاست‌های ایالات متحده در مورد این سند، مایل به حفظ برجام هستیم.»

## خبر ویژه

در شرایطی که همچنان مذاکرات پیرامون برجام میان ایران و اروپا دنبال می‌شود، تازه‌ترین خبرها از برخی گشایش‌ها حکایت دارد. براساس گزارش خبرنگار مثلث گویا قرار شده ۸ بانک متوسط اروپایی با ایران همکاری داشته باشند. همچنین شنیده شده است که مشکل سوئیفت حل شده است؛ در عین حال مساله همکاری میان ایران و بانک سرمایه‌گذاری اروپا به صورت لاینحل باقی مانده است و اروپایی‌ها اعلام کرده‌اند نمی‌توانند در این زمینه اقدامی انجام دهند.



## معمای ما و اروپای امروز

تاملی بر رفتارهای سینوسی در قاره سبز

حنیف غفاری

روزنامه نگار



درک و تحلیل پدیده «اروپای امروز» تا حدودی سخت و دشوار محسوب می‌شود. این سختی تا حدودی برگرفته از ابعاد ماهوی و زیرساختی اتحادیه اروپاست. از زمان تشکیل اروپای واحد تا کنون، بسیاری از تحلیلگران و کارشناسان مسائل بین الملل درصد درک این پدیده جمعی و ظاهراً متحد برآمده‌اند. اما به نظر می‌رسد بسیاری از تصورات غالب در نظام بین الملل در خصوص اروپای واحد صحیح نبوده است.

رهبر معظم انقلاب در سخنان اخیرشان به نکات بسیار مهمی در خصوص «رابطه با اروپا» و تعیین حدود و ثغور این رابطه اشاره فرمودند. ایشان در عین اینکه کلیت مذاکره با اروپا را نفی نکرده‌اند، از قطع امید به اروپا در مسائل اقتصادی و برجام سخن گفته‌اند. به راستی این موضوع چگونه قابل تفسیر است؟

واقعیت امر این است که «اروپای امروز» یا همان «اروپای در حال گذار» به دلیل تعارضات بنیادینی که در حوزه‌هایی مانند «رابطه با آمریکا»، «مواجهه با دوگانه ملی گرای-جمع گرای» و «ادغام امنیتی در ذیل ساختار ناتو» با آنها دست و پنجه نرم می‌کند. قدرت «تصمیم‌گیری پایدار» در قبال موضوعات تعیین کننده‌ای در قبال برجام را ندارد. نمونه این مساله را در سال گذشته میلادی و در جریان تن دادن اروپا به خواسته‌های غیرقانونی ایالات متحده در قبال «تغییر توافق هسته‌ای» مشاهده کردیم.

رفتار و گفتار سینوسی، چندگانه و غیر قابل پیش بینی سران اروپایی در قبال پدیده‌های بین المللی دارای دو جنبه «ارادی» و «غیرارادی» بوده که جنبه ارادی آن، به «رفتار سیاستمداران» و جنبه غیرارادی آن به «تعارضات ماهوی در اروپای واحد» مربوط می‌شود. در چنین شرایطی تکلیف

و دفاع حریف را در برابر مهاجم رقیب غافلگیر ساخته و مهار ضربه نهایی را سخت و دشوار می‌سازد. تعمیم قوانین و ادبیات جاری در عالم فوتبال به عالم سیاست، چندان خالی از لطف نیست. در سال گذشته میلادی، زمانی که برخی معتقد به «دفاع اروپا از برجام» بودند، مقامات سه کشور اروپایی با ارسال یک «پاس بیرون پا» برای دولت ترامپ، زمینه مانور کاخ سفید را برای «تغییر برجام» فراهم ساختند. به راستی چه کسی می‌تواند منکر «بازی برجامی مشترک آمریکا و اروپا» در سال گذشته شود؟ در نهایت نیز ترامپ که «تزلزل اروپا» در دفاع از برجام را درک کرده بود، از توافق هسته‌ای میان ایران و اعضای ۵+۱ خارج شد. بدون شک اگر کاخ سفید شاهد ایستادگی «اروپای مقتدر» در برابر خود بود، هرگز چنین تصمیمی را اتخاذ نمی‌کرد.

ما در حال حاضر نیز باید مراقب پاس بیرون پای مقامات اروپایی به مقامات کاخ سفید باشیم. اصرار خاص مقامات فرانسوی در خصوص «تاخیر در ارائه بسته پیشنهادی اروپا» در همین راستا قابل ارزیابی است. مقامات اروپایی هر لحظه آماده هستند تا معامله هدفمندی را با واشنگتن بر سر «برجام» صورت دهند. همزمان برجام در مناقشات امنیتی آمریکا و اعضای اروپایی ناتو و حتی در مناقشات اقتصادی و تعرفه‌ای آمریکا و اروپا موضوعی کاملاً قابل پیش بینی است. در چنین شرایطی «دل بستن به اروپا» و امیدداشتن به بازی دفاعی آن در برابر آمریکا (در قبال برجام) خطایی جبران ناپذیر در عرصه سیاست خارجی کشورمان محسوب می‌شود. با این حال «مذاکره با اروپای واحد» به عنوان بازیگری که هنوز «مسیر واقعی و مستقل» خود را در نظام بین الملل پیدا نکرده است، منافاتی با اصل «عدم اتکا به اروپا» ندارد. جمع‌پذیری این دو مولفه، معلول و مرهون «نگاه واقع‌بینانه» نسبت به اروپای امروز است. اتخاذ این نگاه واقع‌بینانه و غیر ایده آل گرایانه، مانع از «افراط» یا «تفریط» مادر مواجهه با اروپای واحد خواهد شد. اگر ما اروپای واحد را به عنوان یک «بازیگر مستقل از آمریکا» یا حتی «بازیگر قاطع» در نظام بین الملل مورد شناسایی قرار دهیم، دچار خطایی راهبردی شده ایم. باید اذعان کرد که میان «واقعیت اروپای واحد» و «تصویر اتحادیه اروپا» شکاف و فاصله‌ای زیاد وجود دارد که بعضاً دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی بازیگران و کشورهای مختلف را به خطا می‌اندازد. این موضوع باید به صورتی جدی از سوی دستگاه دیپلماسی کشورمان مورد توجه قرار گیرد تا ما شاهد بروز چنین خطایی نباشیم.

ما کاملاً مشخص است: «عدم اتکا به اروپای واحد». مروری بر منازعات اخیر شکل گرفته در میان سیاستمداران اروپایی بر سر «حفظ برجام»، خود گویای بسیاری از حقایق جاری در قبال اروپای امروز است. ظاهر ماجرا نشان می‌دهد که جدال مقامات اروپایی بر سر ایجاد یک ساختار «شبه‌سویفیت» جهت حفظ توافق هسته‌ای با ایران وارد فاز تازه‌ای شده است. نظرات متفاوت سوسیال دموکرات‌ها و دموکرات مسیحی‌های دولت ائتلافی آلمان در قبال ایجاد یک ساختار مالی مستقل از آمریکا، تا حدود زیادی به دیگر نقاط اروپا نیز قابل تعمیم است. به طور کلی جریان‌های محافظه کار در اروپا، بیش از آنکه «استقلال اروپا» را خط قرمز راهبردی و اقتصادی خود قلمداد کنند، «تغییر مناسبات امنیتی با آمریکا» را به مثابه یک «محدوده ممنوعه» در اقتصاد و سیاست خارجی خود تلقی می‌کنند. این در حالی است که جریان‌های چپ‌گرا و سوسیال دموکرات، قدرت ریسک‌پذیری بیشتری در این خصوص برای خود قائل بوده و معتقد به «گذار نسبی» از وضعیت موجود (وابستگی امنیتی و اقتصادی به آمریکا) هستند. برخی سیاستمداران اروپایی، «حفظ برجام» را نقطه آغازی برای «گذار از وابستگی مطلق به واشنگتن» می‌دانند. با این حال مثلث «مرکل-می-ماکرون» یا همان تروئیکای اروپایی همچنان در برابر این روند مقاومت می‌کند.

از آنجا که پدیده «اروپای واحد» به صورت ذاتی قابل ثبات و محاسبه نیست، متعلقات وابسته به این پدیده از جمله «برجام اروپایی» نیز قابل اعتماد و اتکا نیستند. نکته بسیار مهم تر اینکه ما باید مراقب «کات‌بک» اروپا در عالم سیاست باشیم. «کات‌بک» واژه‌ای است که در بازی فوتبال به کار می‌رود، آن هم زمانی که بازیکن مهاجم در نزدیکی محوطه جریمه، پاس بریده‌ای را برای هم تیمی خود ارسال می‌کند تا او گلزنی‌بکند. یکی از خصالت‌های «کات‌بک»، غیرقابل پیش بینی بودن آن است. معمولاً «کات‌بک» یا «پاس بیرون پا» تا حدود زیادی دروازه بان

# مکانیزم عینی

## آیا اجرای قوانین مسدودکننده سودمند است؟

ترجمه و تحلیل: سعید سبحانی

روزنامه نگار

اتحادیه اروپا، خصوصاً تروئیکای اروپایی متعاقب خروج دونالد ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا از برجام متعهد شدند تا توافق هسته‌ای با ایران را حفظ کرده و مانع اضمحلال کامل و نهایی این توافق جمعی شوند. با این حال از اردیبهشت (زمان خروج ترامپ از برجام) تا کنون اروپای واحد گامی عملی برای مواجهه با تحریم‌های ثانویه ایالات متحده آمریکا برداشته است. بسیاری از شرکت‌های اروپایی ایران را ترک کرده و برخی دیگر نیز علی‌رغم تضمین‌های کلی و مبهم ارائه شده از سوی دولت‌های اروپایی، اقدامی نسبت به ارتباط اقتصادی با ایران انجام نمی‌دهند. طی روزهای اخیر، مقامات وزارت امور خارجه کشورمان از کم‌کاری اروپا و عدم تامین خواسته‌های جمهوری اسلامی ایران از سوی باز-بگراان اروپایی خبر داده‌اند. روایت روزنامه گاردین از مناقشات جاری در اروپا و آمریکا بر سر برجام نشان می‌دهد که این مناقشات، صرفاً در موضع‌گیری مقامات اروپایی (و نه در اقدامات عملی آنها) ظهور و بروز دارد.

فدریکا موگیرینی مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا ضمن انتقاد از خروج ایالات متحده آمریکا از برجام و رویکرد تقابلی و سخت‌کاخ سفید در قبال ایران و وضع تحریم‌های ثانویه علیه این کشور، خواستار حفظ برجام شده است. موگیرینی از شرکتهای اروپایی خواسته است تا علی‌رغم تهدیدات ایالات متحده آمریکا و موانعی که این کشور ایجاد کرده است، به تجارت با ایران ادامه دهند. در حال حاضر شاهد ایجاد نوعی «مواجهه آشکار» میان آمریکا و اروپا بر سر برجام هستیم. این مواجهه، پس از موضع‌گیری صریح باز-بگراان اروپایی در قبال وضع دوباره تحریم‌های آمریکایی علیه ایران شدت گرفته است. به موازات آنکه دونالد ترامپ اعلام کرد شرکت‌های آمریکایی (و اروپایی) را از تجارت با ایران منع خواهد کرد، اتحادیه اروپا تلاش‌هایی را برای نجات برجام و تشویق شرکت‌های خود به معامله با ایران صورت داد. موگیرینی صراحتاً اعلام کرده است که اجازه نمی‌دهد توافق هسته‌ای میان ایران و اعضا ۵+۱ بعید و از اروپاییان خواسته است تا تصمیمات تاثیرگذار را در خصوص معامله با ایران صورت دهند.

به نظر می‌رسد خروج آمریکا از برجام و تأثیری که این مساله بر روابط دو سوی آتلانتیک گذاشته است، خود را در موارد دیگری مانند وضع تعرفه‌های گمرکی علیه کالاهای اروپایی نشان داده است. در جریان دیدار ژان کلود یونکر و ترامپ در کاخ سفید، طرفین نتوانستند بر سر موضوع افزایش تعرفه‌های گمرکی بر فولاد و آلومینیوم اروپا به توافق دست پیدا کنند. با این حال موگیرینی اصرار دارد که اتحادیه اروپا باید بهترین کار ممکن را برای حفظ ایران در

برجام صورت دهد. او گفته است که ایران باید از مزایای اقتصادی برجام بهره‌مند شود. موگیرینی که با رویکردی امنیتی و منطقه‌ای نسبت به موضوع حفظ برجام می‌نگرد، از تشویق شرکت‌های کوچک و متوسط برای کارکردن با ایران خبر داده است.

اجرای کردن قوانین مسدودکننده در قبال تحریم‌های آمریکا علیه ایران - که قبلاً در خصوص کشور کوبا وضع شده بود- از دیگر اقداماتی است که اروپا در راستای حفظ برجام صورت داده است. بر اساس این قانون، شرکت‌های اروپایی نباید از تحریم‌های آمریکا تبعیت کنند و مجاز به شکایت از ایالات متحده هستند. همچنین اروپا می‌تواند این شرکت‌ها را بابت پیروی از تحریم‌های آمریکا مورد بازخواست قرار دهد. با این حال در خصوص اثربخشی قوانین مسدودکننده ابهاماتی وجود دارد. برخی شرکت‌های اروپایی، فعالیت‌های

سیاست خارجی ما را تقویت کنیم تا بتوانیم روابط خود را با خاورمیانه (به صورت مستقل از آمریکا) داشته باشیم.»

### نقدی کوتاه بر مطلب گاردین

نه تنها روزنامه گاردین، بلکه اکثر رسانه‌های غربی از تلاش‌های تروئیکای اروپایی در مسیر حفظ برجام خبر می‌دهند. با این حال «مکانیزم عینی» مواجهه با تحریم‌های ثانویه ایالات متحده آمریکا همچنان از سوی منابع غربی تعریف و تدوین نمی‌شود. در این راستا، مقامات رسمی اروپایی، تاخیر هدفمندی را پیش گرفته‌اند. ژان لودریان، وزیر امور خارجه فرانسه رسماً اعلام کرده است که اروپا قصد ندارد به زودی بسته پیشنهادی خود را برای حفظ توافق هسته‌ای با ایران ارائه کند. بنابراین باز-بگراان اروپایی علی‌رغم دفاع از کلیت برجام، گام عینی و ملموسی برای حفظ توافق هسته‌ای با ایران برداشته‌اند. نکته بسیار مهم دیگر اینکه رسانه‌های غربی، کمتر از احتمال معاملات پشت پرده و فرآتلانتیکی ایالات متحده و اروپا بر سر برجام خبر می‌دهند. این در حالی است که چنانچه گاردین نیز در مطلب خود اشاره‌ای کوتاه و غیرمستقیم کرده است، موضوعاتی مانند وضع تعرفه‌های گمرکی دولت ترامپ علیه اروپا، به مسائلی



مانند برجام گره خورده و کشورهای اروپایی عملاً حاضر هستند بر سر این موضوعات با ایالات متحده به معامله بپردازند. واقعیت امر این است که اروپا همچنان برجام را به مثابه یک «متغیر مستقل» در نظر نگرفته و از این رو، تلاش‌های عمیقی برای حفظ و بقای آن صورت نمی‌دهد. تروئیکای اروپایی نیز از برجام به عنوان یک «ابزار» برای معاملات خود با دیگر باز-بگراان بین‌المللی، مخصوصاً ایالات متحده آمریکا یاد می‌کند. از این رو باید در گزاره «حفظ برجام توسط اروپا» تشکیک زیادی کرد. شواهد و مستندات موجود نشان می‌دهد که میان ادعای مقامات اروپایی مبنی بر صیانت از برجام و رفتارهای عملی آنها شکاف زیادی وجود دارد، شکافی که باید به صورت دقیق از سوی دستگاه دیپلماسی ما مورد محاسبه قرار گیرد.

«بسیار محدود» قبلی خود در ایران را نیز متوقف کرده‌اند. آنها قیل از اعمال دور نخست تحریم‌های آمریکا علیه ایران (اواسط مرداد) از ایران خارج شده‌اند. ترامپ تحریم‌های ثانویه علیه ایران را نخست در حوزه طلا و خودرو اعمال کرد و قرار است در ماه نوامبر (آبان ماه) نیز تحریم‌های نفتی و بانکی ایران را اجرایی کند. این در حالی است که مقامات رسمی اروپایی معتقدند با توجه به انجام تعهدات ایران وفق برجام، این کشور باید از «احساس سودمندی» در قبال توافق هسته‌ای بهره‌مند شود.

از سوی دیگر، «گای و رشوفستات» نخست‌وزیر سابق بلژیک و رهبر جریان لیبرال پارلمان اروپا در این خصوص می‌گوید: «آنچه در قبال توافق هسته‌ای رخ داد، نشان می‌دهد که چرا ما به عنوان اروپایی‌ها باید

## بعضی از شرکت‌های اروپایی شهادت همکاری با ایران را ندارند

گفت‌وگو با پیتر جنکینز، سفیر سابق انگلیس در سازمان ملل



منابع خبری در غرب می‌گویند که اتحادیه اروپا و خصوصاً تروئیکای اروپایی به تلاش خود برای حفظ برجام ادامه می‌دهند. طی روزهای اخیر موضوعاتی از جمله ایجاد یک ساختار شبه‌سوئیفت توسط اروپا مطرح و حتی در میان سیاستمداران اروپایی بررسی شده است. با این حال به نظر می‌رسد برخی سیاستمداران مانند آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان، ایجاد چنین ساختاری را به مثابه تقابل جدی با واشنگتن دانسته و از آن اجتناب می‌کنند. در هر حال، نسبت به توانایی‌های اروپا در خصوص مواجهه با تحریم‌های ثانویه آمریکا علیه ایران تردیدهایی جدی وجود دارد. قانونی که اتحادیه اروپا برای مقابله با تحریم‌های آمریکا پیش‌بینی کرده نسخه جدیدی است از قانونی به نام «Blocking Statute» که اتحادیه اروپا سال ۱۹۹۶ در برابر تحریم‌های کوبا توسط آمریکا تصویب کرده بود. این پرسش مطرح است آیا اروپا قادر خواهد بود مقابل تحریم‌های آمریکا علیه ایران موضعی قدرتمند اتخاذ کند و آیا قوانین مسدودساز اروپا برای حمایت از شرکت‌های اروپایی مقابل تحریم‌های آمریکا علیه ایران کارا خواهد بود؟ در این راستا مثلث گفت‌وگویی با «پیتر جنکینز» سفیر سابق انگلیس در سازمان ملل متحد و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی صورت داده است که از نظراتان می‌گذرد.

اروپا ممکن است؟ آیا کشورهای و دولت‌های اروپایی می‌توانند شرکت‌های اروپایی را ملزم به همکاری با ایران نمایند؟ به نظر شما چه راهکارهای عملی در این خصوص وجود دارد؟ به نظر می‌رسد تا کنون راهکارهای عینی در این خصوص از سوی کشورهای اروپایی ارائه نشده است.

در اتحادیه اروپا دولت‌ها می‌توانند شرکت‌ها را به داشتن مشی و روشی مشخص تشویق کنند یا با استفاده از قوانین و مقررات، نوعی از مجازات‌ها را در مقابل برخی رفتارها در نظر بگیرند، اما به نظر این خیلی غیرواقع‌بینانه است که انتظار داشته باشیم کمیسیون اروپا یا هرکدام از دولت‌های اروپایی به تنهایی، شرکت‌ها را مجبور به فعالیت اقتصادی و تجاری در ایران کند، به ویژه اگر این فعالیت تجاری و اقتصادی، سودآوری یا حیات این شرکت‌ها را با تهدید روبه‌رو کند.

دولت‌ها حداکثر کاری را که می‌توانند در این زمینه انجام دهند این است که مسیرها و کانال‌های مطمئنی را برای نقل و انتقالات مالی با هدف تسهیل و تشویق سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی در ایران فراهم کنند. در مجموع دولت ترامپ برخلاف آن چیزی که دولت‌های اروپایی یا نماینده عالی اتحادیه اروپا، یعنی خانم موگرینی می‌خواهند، موفق خواهد شد تا از سرمایه‌گذاری شرکت‌های اروپایی در ایران جلوگیری کند و حجم تجارت اروپا با ایران را کاهش دهد.

برخی از شرکت‌های اتحادیه اروپا شهادت انجام تجارت در ایران و با ایران را خواهند داشت و برخی دیگر نخواهند داشت. آن شرکت‌هایی که احساس می‌کنند در قبال محدودیت‌های قانونی آمریکا در برخورد با ایران آسیب‌پذیر خواهند بود - شرکت‌هایی که منافع تجاری آنها با منافع تجاری آمریکا گره خورده و کارشناسان و مدیران آنها مجبور به سفر به آمریکا هستند - شهادت تجارت با ایران را نخواهند داشت، مگر اینکه اتحادیه اروپا راهی جهت حمایت از آنها در برابر اقدامات و فشارهای حکومت آمریکا بیابد.

طی هفته‌های اخیر، مقامات و رسانه‌های اروپایی مانور زیادی روی قوانین مسدودساز (در قبال تحریم‌های ثانویه آمریکا علیه ایران) صورت داده‌اند. کارایی قانون حمایتی اروپا موسوم به قانون مسدودساز جهت حمایت از ایران در مقابل تحریم‌های ایالات متحده آمریکا تا چه اندازه می‌دانید؟

بیشتر شرکت‌های اروپایی که در آمریکا دارای منافع اقتصادی و مشغول فعالیت تجاری می‌باشند، این موضوع را در نظر نمی‌گیرند که «قوانین مسدودساز» تحریم‌ها که از سوی اتحادیه اروپا به روزرسانی شده، می‌تواند به اندازه کافی از منافع آنها محافظت کند.

این شرکت‌ها بسیار نگرانند که در صورت فعالیت تجاری با ایران یا در این کشور، ایالات متحده جریمه‌های سنگین را بر آنها اعمال کند و حتی با وجود پرداخت این جریمه‌ها دیگر قادر به ادامه تجارت و فعالیت اقتصادی در آمریکا نخواهند بود. همین جریمه‌های سنگین و واشنگتن بسیاری از شرکت‌ها را وادار می‌کند که از بازار ایران بیرون بیایند یا از ورود به این بازار خودداری کنند.

ممکن است شرکت‌های اروپایی جایگزینی بازار ایران را به جای بازار آمریکا به عنوان یک راه‌حل در مقابل تحریم‌ها در نظر بگیرند، اما حقیقت آن است که برای بسیاری از این شرکت‌ها بازدهی مالی یا سودهی بازار آمریکا بسیار بزرگ‌تر و گسترده‌تر از بازار ایران است. پس خروج این شرکت‌ها از بازار آمریکا اقدامی عقلانی و منطقی به نظر نمی‌رسد.

در عین حال ممکن است برخی شرکت‌های اروپایی هیچ فعالیت اقتصادی یا منافع تجاری در بازار آمریکا نداشته باشند که به گمان برای این گونه شرکت‌ها، تحریم‌های آمریکا هیچ‌گونه تهدیدی علیه منافع و حیات آتی این شرکت‌ها نخواهد بود و در این صورت این شرکت‌ها همچنان فعالیت‌های اقتصادی و تجاری خود را با ایران ادامه خواهند داد.

با توجه به آنچه از سوی شما مورد اشاره قرار گرفت، آیا اتحادیه اروپا و خصوصاً تروئیکای اروپایی قادر به ایستادگی در برابر ایالات متحده در قبال تحریم‌های ثانویه ایران خواهند بود؟ اروپای واحد چه تعهدات و تضمین‌هایی در این خصوص می‌تواند به ایران دهد؟

اروپا می‌تواند متعهد شود که به تعهدات خود در مقابل برجام - پس از خروج آمریکا - پایبند خواهد بود تا زمانی که ایران به آن پایبند است، در واقع آن طور که تاکنون متعهد بوده است. اروپا همچنین می‌تواند متعهد شود که راه‌هایی جهت به حداقل رساندن آسیب اقتصادی به ایران که آمریکا خواهان آن است بیابد. اما این موضوع که اروپا بتواند ایران را مطمئن سازد که به همان اندازه‌ای آسوده و ثروتمند خواهد بود که اگر آمریکا در برجام می‌ماند و به تعهدات خود در قبال برجام عمل می‌کرد، فراتر از قدرت کشورهای اروپایی است. آیا ایجاد چنین مکانیزمی از سوی اتحادیه



# ایران روی هیچ چیزی حساب نمی‌کند

## گفت‌وگو با پل پیلار



رایزنی‌های سیاسی و اقتصادی میان بازیگران اروپایی بر سر نحوه حفظ توافق هسته‌ای با ایران شدت گرفته است. این رایزنی‌ها در حالی شدت گرفته که بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران اروپایی و آمریکایی، معتقدند که اروپا از همه ابزارهای خود برای حفظ منافع ایران در برجام استفاده نمی‌کند. تاخیر اتحادیه اروپا در ارائه بسته پیشنهادی به ایران نشان‌دهنده همین حقیقت است. آیا اروپا قادر خواهد بود مقابل تحریم‌های آمریکا علیه ایران موضعی قدرتمند اتخاذ کند و آیا قوانین مسدودساز اروپا برای حمایت از شرکت‌های اروپایی مقابل تحریم‌های آمریکا علیه ایران کارا خواهد بود؟ در خصوص این موضوعات گفت‌وگویی با پروفیسور «پل پیلار»، رئیس سابق بخش تحلیل عملیات سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) انجام شده که در ادامه می‌آید. پیلار از اساتید دانشگاه «جورج تاون» است و تاکنون مسئولیت‌های متعددی را بر عهده داشته که از جمله آنها می‌توان به ریاست واحد تحلیل عملیات‌های سیا در شرق نزدیک، خلیج فارس و جنوب آسیا اشاره کرد. پیلار سابقه حضور در شورای اطلاعات ملی آمریکا را به عنوان یکی از اعضای اصلی آن نیز دارد.

اتحادیه اروپا می‌تواند در برابر تحریم‌های آمریکا ایستادگی کند؛ اما طی سال‌های گذشته، ادغام گسترده اقتصاد آمریکا و اتحادیه اروپا مخاطراتی را که این تحریم پیش روی کسب و کارهای اروپایی قرار می‌دهد، افزایش داده است.

قرار دهند. آنها نمی‌خواهند بازار ایالات متحده را از دست بدهند.

با توجه به اینکه اتحادیه اروپا هم قدرت زیادی برای مقابله با تحریم‌های ثانویه ایالات متحده آمریکا و تحریم‌های آن ندارد، آیا به نظر شما تضمینی در خصوص حفظ توافق هسته‌ای وجود خواهد داشت؟

ایران روی هیچ چیزی حساب نخواهد کرد در عوض منتظر خواهد بود تا ببیند که آیا منافع اقتصادی آن با برجام برآورده می‌شود یا خیر. اینکه آیا برجام منافع ایران را تأمین می‌کند تا بتواند به آن ادامه دهد یا خیر، هنوز مشخص نیست و باید منتظر ماند و دید. این امر به الگوهای اقتصادی که ایجاد می‌شوند بستگی خواهد داشت و برای هر کسی از جمله ایرانی‌ها پیش‌بینی آن مشکل است.

در یک جمع بندی کلی، میزان مقاومت و ایستادگی اتحادیه اروپا در مقابل تحریم‌های ثانویه ایالات متحده آمریکا علیه ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

تحریم‌های ثانویه، سلاح اصلی است که دولت ترامپ در مورد ایران از آن استفاده می‌کند. اتحادیه تنها قادر است مشوق‌هایی را ارائه یا از دادن مشوق‌ها خودداری کند. اما توان و ظرفیت اتحادیه اروپا برای ارائه مشوق‌ها به کسب و کارهای فعال در ایران در مقایسه با خطرات مترتب بر تحریم‌های آمریکا بسیار ناچیز است؛ مساله‌ای که باید مدنظر ما قرار گیرد.

یکی از بحث‌هایی که در این خصوص بارها مطرح شده است، ارائه ابزارهای تشویقی و تضمینی از سوی اتحادیه اروپا به شرکت‌های متوسط و کوچک برای آغاز یا ادامه فعالیت در ایران است. آیا اتحادیه اروپا در این خصوص می‌تواند نقش موثری ایفا کند؟

اتحادیه اروپا و حکومت‌های اروپایی نمی‌توانند بخش خصوصی را مجبور به تجارت با ایران کنند. برای یک دولت دشوار خواهد بود تا ثابت کند که عدم مشارکت یک شرکت در تجارت با ایران، در واقع تصمیمی است که تحت فشار آمریکا اتخاذ شده باشد، به جای اینکه یک تصمیم تجاری مشروع باشد که بر اساس مجموعه‌ای از دلایل ممکن دیگر، تجارت با ایران را سودآور نمی‌بیند.

همان گونه که می‌دانید، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا رسماً از توافق هسته‌ای با ایران خارج شده و از سوی دیگر، به تلاش‌های خود برای جلوگیری از تجارت سایر کشورها با ایران ادامه می‌دهد. به نظر شما با توجه به شرایط موجود، وظیفه سایر بازیگرانی که در توافق هسته‌ای با ایران حضور دارند چیست؟

همان گونه که اشاره کردید، در حال حاضر یکی از طرفین برجام به طور صریح و کامل تعهدات خود نسبت به قرارداد را انکار نمود. شش طرف دیگر نیز می‌توانند قرارداد را ترک کنند هر زمانی که بخواهند. با این وجود آنها می‌گویند خواهان ادامه برجام حتی بدون حضور ایالات متحده آمریکا هستند.

ادامه تعهدات و مسئولیت‌های ۶ طرف دیگر دقیقاً همان تعهداتی است که در برجام قید شده، هر چند تعهدات هر طرف نسبت به پنج طرف دیگر است نه مثل سابق که تعهد هر طرف نسبت به شش طرف دیگر بود.

مقامات اروپایی معتقدند که می‌توان با استناد به قوانین مسدودساز، تا حدودی از خروج شرکت‌های اروپایی از ایران جلوگیری کرد، حال آنکه شواهد موجود نشان می‌دهد که چنین قانونی در عمل نمی‌تواند تضمین لازم را برای ادامه فعالیت این شرکت‌ها ایجاد کند. ارزیابی شما از این مساله چیست؟ آیا اعمال قوانین مسدودساز در این خصوص موثر خواهد بود؟

دولت‌های اروپایی تا حد ممکن تلاش می‌کنند برنامه جامع اقدام مشترک (JCPOA) را حفظ کنند؛ توافقی که حیات آن بستگی به ایرانی دارد که بتواند به تجارت با اروپا به طور قابل توجهی ادامه دهد. اما این سوال هنوز باقی است که آیا تلاش آنها در مواجهه با تصمیم دولت ترامپ برای مجازات هر شرکت یا دولتی که با ایران کار می‌کند کافی خواهد بود یا خیر؟

قانون انسداد در واقع ممنوعیت تن دادن به تحریم ایالات متحده آمریکا در مورد تجارت با ایران است. اما شرکت‌های اروپایی هنوز باید میزان تجارتی که آنها با ایران دارند و میزان تجارتی که با آمریکا دارند را مد نظر



## نبرد آخر

ادلب، آوردگاه رقابت‌های منطقه‌ای شده است



«ادب» به آوردگاه رقابت‌های منطقه‌ای تبدیل شده است؛ وضعیت حاکم بر جبهه میدانی سوریه، نمایانگر این موضوع مهم است که ادب، آخرین پناهگاه و جولانگاه تروریست‌های وابسته به القاعده اعم از جبهه النصره، جندی الشام و گروه‌های دیگری است که با توان رزمی در نظر دارند در قبال تهاجم گسترده ارتش سوریه مقاومت کنند. چرا که از دست دادن ادب به مفهوم پایان سلطه گروه‌های تکفیری بر مناطق استراتژیک سوریه و تضعیف حامیان محور غربی و عربی خواهد بود. ادب، منشا اصلی تنش و رقابت جدید و قدیم میان نیروهای داخلی و خارجی بوده و در حفظ امنیت و چگونگی ترتیبات سیاسی آینده نقش بارزی ایفا خواهد کرد.

نگاه غالب در میان تیم امنیتی ترامپ و برخی هم‌پیمانان منطقه‌ای آمریکا در چگونگی فیصله دادن به بحران چندوجهی سوریه این بوده که با تداوم حمایت از گروه‌های مختلف معارض سوری شرایط را برای تداوم تنش و بحران آفرینی در ابعاد سیاسی و نظامی فراهم سازند. تفکر به کاررفته در استراتژی آمریکا موید این موضوع مهم است که از تقویت محور مقاومت به رهبری ایران و افزایش نقش روسیه در معادلات منطقه‌ای جلوگیری کند. یعنی می‌توان گفت که مسیر پیش‌روی تروریست‌ها در ادب، «مرگ یا تسلیم شدن» در برابر ارتش است. بنابراین در آینده نزدیک یک جنگ سرنوشت‌ساز و حیاتی هم برای گروه‌های تروریستی که برای بقا می‌جنگند و هم ارتش سوریه که به دنبال آزادی کامل سرزمین‌های اشغالی هستند، قابل تصور است. ارتش سوریه به رغم تهدید آمریکا و اسرائیل برای عدم ورود به ادب با حمایت حزب الله لبنان و چراغ سبز روس‌ها آماده نبرد سرنوشت‌ساز و پایان حضور نیروهای همسو با غرب و عربستان در مناطق اشغالی هستند. این در حالی است که دغدغه‌های مشترک عربستان و اسرائیل و پیروزی نهایی ایران در منطقه به ویژه در کارزار سوریه، این دو رژیم را به نتیجه مشترک رسانده که از طریق لابی‌گری در کاخ سفید و کنگره در تضعیف موقعیت ایران در دو محور عراق و سوریه کوشش کنند. در عراق، عربستان به شکل آشکاری برای رخنه در مراکز امنیتی و سیاسی احزاب سکولار و سنی کوشش می‌کند تا همزمان از طریق برخی گروه‌های شیعی با حمله رسانه‌ای، مواضع ایران را با چالش جدی مواجه سازد. این در حالی است که به رغم تمام تلاش آمریکا، عربستان و اسرائیل، ایران در عراق و سوریه در دهه اخیر به قابلیت دست یافته است که علاوه بر به چالش کشاندن هژمونی منطقه‌ای آمریکا، امکان نفوذ و قدرت‌یابی عربستان را با موانع جدی روبه‌رو می‌سازد. در وضعیت فعلی، سوریه به ویژه ادب به عنوان کانون اصلی بحران به آوردگاه مهم کشورهای منطقه‌ای و فرمانقله‌ای بدل گشته و هر یک از این کشورها با ابزارهای متعارض قدرت به دنبال کسب برتری برآمده‌اند. در این میان به نظر می‌رسد که روس‌ها با ملاحظات خاص امنیتی و سیاسی برای حفظ اتحاد تاکتیکی با ایران، همچنان تلاش خویش را به حفظ نظام بشار اسد به عنوان ذخیره استراتژیک در منطقه مبذول داشته‌اند. در این میان کارشناسان امنیتی روسیه، در مصاحبه‌های رسانه‌ای مکرراً از احتمال حملات ائتلاف به رهبری آمریکا علیه مواضع ارتش سوریه سخن گفته‌اند. لذا در روزهای آینده احتمال حمله با توجه به آمادگی ارتش آمریکا در پایگاه‌های نظامی‌اش در برخی از کشورهای منطقه قطعی به نظر می‌رسد. نکته قابل توجه دیگر در این

عرصه این است که آمریکایی‌ها به دنبال فرسایشی کردن جنگ ادب از یک سو و روحیه دادن به برخی از بازماندگان گروه‌های تکفیری و تروریستی در ادب از سوی دیگر هستند. بی تردید تیم جنگ طلب کاخ سفید و محور عبری و عربی ضدسوری بر این نکته واقف هستند که امکان اسقاط نظام سوریه و پیروزی میدانی در آن غیرقابل تصور است. بنابراین خرید زمان برای جابه‌جایی تروریست‌ها و فرماندهان آنان با هدف بحران آفرینی مجدد در مناطق دیگر مهم است؛ تجربه حملات مکرر هوایی و موشکی آمریکا و انگلیس با مشارکت اسرائیل در داخل سوریه نشان می‌دهد به رغم هیاهوی رسانه‌ای، این حملات نتوانسته است مانعی بزرگ در مسیر پیشرفت نظامی نیروهای سوری ایجاد کند.

زیرا همان طور که اشاره شد ادب، آخرین سنگر تروریست‌ها در سوریه محسوب می‌شود و سناریوی محتمل آمریکایی‌ها در این میان، تکرار سناریوی داعشی و نخب‌نمای قبلی مبنی بر به کارگیری سلاح‌های شیمیایی از سوی ارتش سوریه است. به نظر می‌رسد که برخی از مزدوران وابسته به گروه‌های تکفیری در صدد جابه‌جایی سلاح‌های شیمیایی و به کارگیری این سلاح‌ها در منطقه جنگی در سوریه یعنی همان ادب برای توجیه حملات هوایی ارتش آمریکا و ائتلاف خواهند بود.

از دیگر سو ائتلافی که به رهبری آمریکا علیه داعش شکل گرفته، ائتلافی بود که اکثریت ادوات جنگی و نیروهای آن از سوی خود آمریکا تأمین می‌شد و نقش کشورهای دیگر بسیار کم‌اثر بود. از این رو در حملات هوایی گذشته علیه برخی از مواضع نظامی سوریه، تنها انگلیس همراه و شریک آمریکا بود و کشورهای هم‌پیمان عضو ناتو مشارکت چندانی در این حمله نظامی نداشتند. در وضعیت موجود نیز به نظر می‌رسد که نقش اصلی را در این تهاجم هوایی احتمالی به سوریه، خود آمریکایی‌ها برعهده خواهند داشت و این حملات علاوه بر روحیه دادن به تروریست‌ها در ادب به نوعی برای حفظ امنیت اسرائیل و تضمین امنیت این رژیم است. زیرا آمریکایی‌ها تلاش دارند یک دولت ضعیف و شکننده تحت عنوان منطقه خودمختار برای کردهای دموکراتیک و برخی از گروه‌های تروریستی ایجاد کنند تا در گام اول از اتصال ایران از طریق عراق به سوریه جلوگیری کنند و در گام بعدی از نفوذ و تهدید منافع اسرائیل در منطقه حائل یعنی بلندی‌های جولان ممانعت به عمل آورند. چرا که تضمین امنیت و بقای رژیم اسرائیل و حفظ برتری نظامی آن یکی از تعهدات و اولویت‌های اصلی دولت‌مردان آمریکایی است. جنگ در سوریه و حمایت روزافزون ایران از نظام سوریه موجب شده تا تهدیدهای

امنیتی در منطقه علیه مناطق اشغالی شکل جدی‌تری به خود گیرد؛ حضور مستشاران نظامی ایران در هدایت و حمایت از عملیات زمینی علیه نیروهای تکفیری و نزدیک شدن مواضع جنگی ایران به مرزهای جولان اشغالی زنگ خطر را برای رهبران اسرائیلی به صدا در آورده است؛ بنابراین طبیعی است که اسرائیل در کنار عربستان در صدد باشند با افزایش تنش در سوریه، زنجیره دشمنی با ایران را گسترده‌تر کنند.

با وجود ائتلاف و ائتلاف‌سازی‌های اخیر به نظر می‌رسد روند تحولات منطقه به ضرر اسرائیل و عربستان و به سود ایران و محور مقاومت در حال تغییر است. جدا شدن محور ترکی ضدسوری و پیوستن آن به ایران و روسیه و نقش آفرینی سه قدرت بزرگ منطقه‌ای برای کاهش منازعات نظامی و سیاسی نشان می‌دهد استراتژی آمریکا، اسرائیل و عربستان در اجرای نقشه خاورمیانه جدید یعنی حذف ایران و تضعیف موقعیت روسیه در معادلات قدرت در منطقه با چالش جدی روبه‌رو شده است. تنش اخیر میان دو متحد استراتژیک غربی یعنی آمریکا و ترکیه و هم‌پیمان در ناتو نشان می‌دهد امکان حفظ نفوذ سنتی آمریکا در خاورمیانه بدون درک معادلات جدید قدرت وجود ندارد.

در این مسیر به نظر می‌رسد که نقش ترکیه و ایران برای جلوگیری از فرسایشی شدن و کاهش تلفات انسانی بسیار حیاتی است؛ ترکیه گرچه به برخی از این گروه‌های تکفیری مخصوصاً جبهه النصره در گذشته ارتباطاتی داشته ولی در وضعیت موجود با توجه به توافقاتی که با روسیه و ایران به ویژه در کاهش تنش در مناطق حائل در ادب و شمال غرب سوریه دارد، تلاش می‌کند که از گسترش جنگ به نوعی جلوگیری کند. در این میان نشست تهران در سطح سران سه کشور ایران، ترکیه و روسیه در چگونگی اجتناب از جنگ بزرگ و حملات نظامی در ازای عقب‌نشینی گروه‌های مخالف (تروریست‌ها) می‌تواند نقش اساسی و مهمی را ایفا کند.

برخی از منابع اعلام کرده‌اند از آنجایی که جبهه النصره ارتباطاتی با ترکیه دارد، آنکارا به لحاظ امنیتی این قدرت را دارد که این گروه را متلاشی کند. اما ترک‌ها همچنان در صدد هستند از طریق صلح آمیز با این مساله برخورد کنند. بحث دیگری که در موضوع ادب برای ترکیه بسیار حائز اهمیت است چگونگی حفاظت از مرزهای خود در قبال شبه‌نظامیان کرد که ترکیه آنها را تروریست می‌داند، است. بنابراین دغدغه‌های مشترکی که بین روسیه، ترکیه و ایران وجود دارد شاید بتواند راه‌حلی برای اجتناب از فجاجع جنگی و گسترش دامنه صلح در ادب به عنوان منطقه جنگ‌زده تدارک ببیند.



به نظر می‌رسد که نقش ترکیه و ایران برای جلوگیری از فرسایشی شدن و کاهش تلفات انسانی در سوریه بسیار حیاتی است



## شبح جنگ

### ادلب، آخرین صحنه رویارویی احتمالی آمریکا و روسیه است

کانون تمرکز گروهک‌های تروریستی داعش، القاعده، جبهه النصره، جیش الاسلام و فیلق الرحمن به‌شمار می‌رود.

این منطقه در مرز مشترک ترکیه و سوریه قرار دارد و آخرین نقطه ارتباط گروهک‌های تروریستی با یک کشور پیرامونی سوریه تلقی می‌شود.

حضور نیروهای ترکیه در منطقه منبج و ادلب، پشتوانه خوبی برای گروهک‌های تروریستی به‌شمار می‌رود زیرا با تمرکز دو گردان زرهی ترکیه در ادلب عملاً ترکیه به بازیگر برتر بحران سوریه تبدیل شد. ترکیه با اشغال ادلب توانست گروه مسلح «گردان‌های مدافع خلق کرد» را از ادلب خارج کند و از این منطقه استراتژیک به عنوان برگ برنده برای تسویه حساب‌های احتمالی با آمریکا، روسیه و سوریه استفاده کند.

استان ادلب در شمال سوریه واقع است و استان‌های حلب، حماه و لاذقیه را به استان اسکندرون ترکیه متصل می‌کند و یک نوار مرزی ۱۲۵ کیلومتری را با ترکیه تشکیل می‌دهد.

طی ۷ سال گذشته دولت سوریه و محور مقاومت توانستند ۹۷ درصد از خاک سوریه را از وجود گروهک‌های تروریستی پاکسازی کنند اما با آشکار شدن آثار شکست کامل در میان گروهک‌های تروریستی، آمریکا بیش از ۲ هزار تن از تفنگداران دریایی «نیروهای مارینز» را وارد خاک سوریه کرد. آمریکا، عربستان و رژیم صهیونیستی هزینه‌های سنگینی برای حفظ گروهک‌های تروریستی در سوریه پرداخت کردند؛ تا جایی که بر اساس گزارش‌های موجود، عربستان سعودی به تنهایی طی ۷ سال اخیر ۶۰ میلیارد دلار کمک مالی در اختیار این گروهک‌ها قرار داده است.

دولت سوریه و محور مقاومت اخیراً با مشورت روسیه قصد داشتند آخرین پایگاه تمرکز گروهک‌های تروریستی را در شهر ادلب نابود کنند و طرح عملیاتی نیز به‌دقت تهیه شد.

قرار بود حمله نهایی ارتش سوریه به شهر ادلب تا قبل از فرارسیدن فصل زمستان آغاز شود زیرا با فرارسیدن

جبهه النصره، جیش الاسلام، لواء التوحید و فیلق الرحمن با تصرف این مناطق خیز بلند خود را برای تصرف دمشق، پایتخت سوریه بردارند.

این طرح پس از ۳ سال تلاش با شکست مواجه شد و گروهک‌های تروریستی تحت فشار محور مقاومت ناچار به تخلیه و عقب‌نشینی از این مناطق شدند. طرح دوم آمریکا و غرب تجزیه سوریه به ۴ بخش علوی نشین در مناطق ساحلی، سنی نشین در مناطق دمشق تا حمص، مناطق درزی نشین در منطقه سویدا و مسیحی نشین در الحسکه و قامشلی بود. هدف آمریکا و غرب این بود که علوی‌ها و شیعیان را از مناطق نزدیک به مرز فلسطین اشغالی در جولان و قنيطرة تا درعا اخراج کنند تا امتداد این مجموعه ۱۵ درصدی از جمعیت ۲۸ میلیونی سوریه را با حزب الله قطع کنند.

البته این طرح نیز با شکست مواجه شد زیرا محور مقاومت با پاکسازی شهر قنيطرة در اطراف بلندی‌های جولان از وجود گروهک‌های تروریستی توانست این طرح را خنثی کند. طرح دیگر و نهایی بازیگران بحران سوریه تشکیل یک مجموعه از گروهک‌های تروریستی و تمرکز دادن آنان در اطراف جولان تا شهر درعا در جنوب سوریه بود که وظیفه این مجموعه تروریستی حفظ امنیت رژیم صهیونیستی است. اما حزب الله، ایران و دولت سوریه با اقدامات عملی و به‌موقع خود از شکل‌گیری این مجموعه جلوگیری کردند.

مجموعه تحولات میدانی در سوریه و نقش فرادستی محور مقاومت و روسیه، شطرنج نظامی آمریکا و اروپا را برای سرنگونی دولت علوی سوریه برهم ریخت.

آخرین نقطه امید آمریکا، رژیم صهیونیستی، عربستان و برخی کشورهای اروپایی، شهر ادلب است که

حسن هانی زاده

کارشناس مسائل خاورمیانه



ایالات متحده آمریکا، رژیم صهیونیستی، عربستان، فرانسه و انگلیس، بازیگرانی هستند که در طول بیش از ۷ سال بحران سوریه از همه ابزارهای نظامی، سیاسی، جنگ روانی و جریان‌سازی‌های رسانه‌ای برای سرنگونی دولت سوریه استفاده کردند، اما این تلاش‌ها به دلیل همکاری محور مقاومت و روسیه با شکست مواجه شد. از مارس ۲۰۱۱ میلادی آمریکا و رژیم صهیونیستی با کمک مالی و لجستیکی عربستان بیش از ۱۵۰ هزار تن از عناصر تروریستی را از مرزهای ترکیه و اردن وارد خاک سوریه کردند تا پس از سرنگونی دولت سوریه یک دولت دست‌نشانده و وابسته به آمریکا را جایگزین کنند. این عناصر از مدت‌ها پیش در پادگانی در منطقه الرمثه اردن واقع در مرز مشترک اردن و سوریه زیر نظر افسران سازمان سیا و موساد آموزش‌های جنگ شهری را طی کرده بودند که با آغاز بحران سوریه از طریق اردن وارد شهر درعا در ۳ کیلومتری مرز اردن و سوریه شدند.

همچنین چند طرح عملیاتی از سوی آمریکا، اسرائیل و غرب برای اخراج سوریه از معادلات منطقه‌ای و قطع ارتباط دولت سوریه با ایران و حزب الله تهیه شده بود که در طول ۷ سال این طرح‌ها با هوشمندی ایران، سوریه و حزب الله خنثی شدند.

طرح نخست، اشغال مناطق غوطه شرقی، غوطه غربی، داریا، حرستا، شهرک یرموک و دوما در اطراف دمشق بود که براساس آن گروهک‌های تروریستی



زمستان و فصل سرما و برف و یخبندان، آزادسازی ادب برای ارتش سوریه مشکل خواهد بود.

همچنین دولت سوریه قرار بود که تا پایان سال میلادی جاری «دی ماه ۱۳۹۷» پایان عملیات پاکسازی سوریه از وجود گروهک‌های تروریستی را اعلام و مقدمات بازسازی این کشور را فراهم کند.

این امر شکستی بزرگ برای آمریکا، عربستان، رژیم صهیونیستی، فرانسه و انگلیس خواهد بود؛ زیرا اگر ادب نیز پاکسازی شود، به مفهوم تقویت محور مقاومت خواهد بود و به تعبیر یکی از نخبگان عرب، در آن صورت از «شتر بحران سوریه تنها گوش آن» نصیب واشنگتن، ریاض و تل آویو خواهد شد.

عربستان با تجزیه و تحلیل شرایط سوریه و با این تلقی که سوریه، ایران و حزب الله برندگان بحران نفس گیر سوریه خواهند بود، سیگنال‌هایی مثبت برای بشار اسد، رئیس جمهوری سوریه ارسال کرد.

محمد بن سلمان، ولیعهد رژیم عربستان در پیامی که توسط سرلشکر انور عشقی یکی از افسران امنیتی عربستان برای بشار اسد ارسال کرد، آمادگی ریاض را برای پرداخت هزینه‌های بازسازی سوریه به صورت مشروط اعلام کرد. به موجب این شرط اگر دولت بشار اسد رابطه خود را با ایران و حزب الله برای همیشه قطع و یک قرارداد همکاری امنیتی با آمریکا و رژیم صهیونیستی امضا کند، عربستان هزینه بازسازی سوریه را تقبل خواهد کرد.

این در حالی است که رئیس جمهوری سوریه به شدت و قاطعانه این پیشنهاد فربکارانه را رد و به فرستاده عربستان تاکید کرد که دولت سوریه تحت هیچ شرایطی از محور مقاومت خارج نخواهد شد. لذا آمریکا، عربستان و رژیم صهیونیستی که در یافتن اگر شهر ادب آزاد شود ممکن است آخرین برگ‌های برنده را از دست بدهند، تهدید کردند که اگر حمله ارتش سوریه به ادب آغاز شود، آمریکا به سوریه حمله خواهد کرد.

آمریکا به نیروهای خود در دریای مدیترانه و خلیج فارس و نیز پایگاه العلیده قطر فرمان آماده باش صد درصد داد تا در صورت لزوم به سوریه حمله کنند. همچنین نیروهای کلاه سفیدها که به عنوان ستون پنجم آمریکا در سوریه عمل می‌کنند، ماموریت یافتند تا از سلاح شیمیایی علیه شهروندان سوریه در ادب استفاده کنند تا آمریکا با جریان سازی و اتهام زنی علیه دولت سوریه این کشور را تحت بند ۷ منشور سازمان ملل قرار دهد. شخص دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا نیز در آستانه انتخابات ننگر و به دلیل وجود پرونده فساد مالی و اخلاقی نیازمند پرسوئه‌ای جدید با هدف فراقتنی و تحت الشعاع قرار دادن پرونده فساد اخلاقی خود است. بنابراین اوضاع سوریه بیش از هر زمان دیگر پیچیده تر شده و هرگونه اشتباه محاسباتی ممکن است به یک درگیری نظامی بین دو بازیگر قدرتمند بحران سوریه یعنی روسیه و آمریکا منجر شود.

دولت روسیه اخیراً به تمامی پایگاه‌های خود در منطقه و در خاک سوریه دستور آماده باش داده و حتی ۱۶۰ پایگاه ضد هوایی مشترک روسیه و سوریه حالت جنگی به خود گرفتند. فضای ادب، فضای کاملاً التهاب آمیزی است اما به این دلیل که رفتار دونالد ترامپ غیر قابل پیش بینی است به نظر نمی‌رسد که وی بتواند فرماندهان نظامی آمریکا را به انجام یک حمله گسترده نظامی قانع کند.

حتی اگر در آینده نزدیک حمله‌ای از سوی آمریکا علیه سوریه صورت گیرد این حمله بسیار محدود خواهد بود زیرا هزینه بسیار سنگینی به لحاظ سیاسی و نظامی برای شخص ترامپ به همراه خواهد داشت.

# هراس واشنگتن

## تروئیکای غرب در بن بست سوریه قرار گرفته است



جعفر قنادباشی

کارشناس مسائل آمریکا

انتقال تجهیزات نظامی آمریکا به نزدیکی سواحل سوریه در مدیترانه، آن هم به موازات تبلیغات دو هفته گذشته رسانه‌های غربی در خصوص حمله قریب الوقوع تروئیکای غربی (آمریکا، فرانسه و انگلیس) به سوریه، سبب شد تا بخشی از کوشش‌های غرب برای جلوگیری از عملیات آزادسازی «ادب» و ممانعت از پاک‌سازی این استان سوریه از لوٹ تروریست‌های تکفیری، آشکار شود؛ کوشش‌هایی که این بار نیز با پوشش تبلیغاتی «حمایت از غیرنظامیان ساکن در ادب» یا «وارد کردن اتهام به کارگیری سلاح شیمیایی به دولت سوریه» صورت می‌گیرد و هم‌زمان نگرانی‌های شدید غرب را از موفقیت قریب الوقوع ارتش سوریه در قلع و قمع کامل تروریست‌های گردآمده در ادب که تعدادشان افزون بر ۷۰ هزار نفر است، بر ملامی کند. البته تروئیکای غربی، علاوه بر جلوگیری از عملیات بزرگ ارتش سوریه برای آزادسازی ادب، اهداف دیگری را که عمده‌ترین آنها، «تقویت روحیه تروریست‌ها» و «ممانعت از فرار آنها از خاک سوریه» است، نیز دنبال می‌کنند و در مجموع می‌کوشد تا از ادامه روند چندساله‌ای که با شکست داعش و دیگر گروهک‌های تروریستی، به تغییر معادلات نظامی به نفع کشورهای محور مقاومت انجامیده است، جلوگیری کند. به هر ترتیب، علاوه بر اظهارات تهدیدآمیز مقامات واشنگتن، رسانه‌های آمریکایی نیز در برنامه‌های خبری هفته گذشته خود به نقل از منابع نظامی این کشور، از تهیه فهرستی مقدماتی از مراکز در سوریه سخن گفتند که در تهاجم تروئیکای غربی (آمریکا، فرانسه و انگلیس)، مورد هدف قرار خواهد گرفت؛ مراکز که بنا به ادعاهای تکراری مقامات آمریکا و رژیم صهیونیستی، به تولید و ذخیره کردن تسلیحات شیمیایی اختصاص دارد. در واقع در واکنش به انتشار چنین خبرهایی است که روسیه با گسیل واحدهایی از ناوگان دریایی خود به مدیترانه به صف آراییی در برابر تحرکات نظامی پرداخته و هم‌زمان به برگزاری رزمایش دریایی و هوایی گسترده‌ای در نزدیکی سواحل سوریه مبادرت کرده است. با این حال مقامات دمشق هم در واکنش به این گونه تهدیدات، از آمادگی کامل ارتش سوریه برای مقابله با هر نوع تهاجم خارجی سخن گفتند و هم‌زمان با شمارش معکوس برای آغاز عملیات بزرگ آزادسازی استان ادب، بر ضرورت اجرای این عملیات آن هم بدون توجه به جنجال آفرینی‌های رسانه‌ای و تهدیدات پرچم غربی و صهیونیستی تاکید کردند. مقامات سوریه به تجربه دریافته‌اند که آمریکا در اجرای تهدیداتش علیه این کشور تا چه اندازه ناتوان است و تا چه اندازه از واکنش‌ها و پیامدهای حملات موشکی و هوایی به سوریه بیمناک و هراسناک است. کم‌اینکه آنچه در حمله موشکی فروردین ماه امسال آمریکا به سوریه اتفاق افتاد، به نمایشی از ضعف‌ها و نگرانی‌های آمریکا در مواجهه با پیامدهای غیرقابل پیش بینی این حمله تبدیل شد. در آن حمله که با مشارکت فرانسه و انگلیس صورت گرفت، تعداد ۱۱۰ موشک به سوریه شلیک شد که بنا به شواهد موجود، ۷۱ فروند از این موشک‌ها، قبل از رسیدن به هدف، توسط سامانه‌های پدافند هوایی سوریه منهدم شد. جالب آنکه لحظاتی بعد از این حمله موشکی، مقامات نظامی آمریکا اعلام کردند: «عملیات موشکی علیه سوریه پایان یافته است»؛ چنان که وزیر دفاع آمریکا در این خصوص تاکید کرد: «این

حمله، تنها یک مرحله داشته و فعال برنامه‌ای برای حملات آتی وجود ندارد» و این همان موضعی بود که روزنامه نیویورک تایمز آن را نشانه روشن هراس واشنگتن از پیامدهای حمله موشکی دانست و تصریح کرد: «آمریکا از بیم واکنش‌های منطقه‌ای، به «حمله‌ای محدود به سوریه» بسنده کرده است.» البته در حمله موشکی فروردین سال ۹۶ آمریکا به پایگاه هوایی «الشعیرات» ارتش سوریه واقع در استان حمص نیز واشنگتن نگرانی و بیم خود را از واکنش‌های این کشور و هم پیمانانش به نمایش گذاشت و عملیات هوایی خود را تنها در یک مرحله چندساعته، منحصر و محدود کرد. افزون بر آنچه گفته شد، نکته مهم دیگر بهانه و حربه مشابه و تکراری برای مشروع جلوه دادن این نوع حملات نظامی و تک مرحله‌ای است و آن اتهام دروغین استفاده ارتش سوریه از تسلیحات شیمیایی علیه کودکان و غیرنظامیان است. آن هم دقیقاً در مقطعی از زمان که گروهک‌های تروریستی در محاصره نیروهای سوریه و هم پیمانان این کشور قرار گرفته و نیازمند پشتیبانی‌های علنی و مستقیم غرب بوده‌اند؛ اتهاماتی که مبتنی بر وقایع تأسف‌باری است که سرویس‌های اطلاعاتی و جاسوسی غربی و صهیونیستی در واری آن قرار دارند و با به کارگیری جنایتکار کلاه سفیدها یا امثال آن، می‌کوشند تا با اجرای سناریوهای از پیش طراحی شده، شواهد دروغین را مبنی بر به کارگیری تسلیحات شیمیایی توسط ارتش سوریه فراهم کنند. البته این اقدام جنایتکارانه اغلب در مواقعی اتفاق می‌افتد که دنیای غرب در صدد است پیشروی‌ها و موفقیت‌های ارتش سوریه را در رویارویی با گروهک تروریستی تکفیری متوقف و رضایت و خشودی رژیم صهیونیستی را که از قدرتمند شدن سوریه و هم پیمانانش به شدت هراسناک است، جلب کند. لذا اینک که ارتش سوریه با استقرار در اطراف استان راهبردی ادب، بقایای گروهک تروریستی را در معرض پذیرش بزرگ‌ترین شکست‌ها قرار داده، اجرای سناریوی به کارگیری سلاح شیمیایی علیه کودکان و نسبت دادن آن به دولت سوریه، امری حتمی به نظر می‌رسد. در واقع در حال حاضر نیز در واکنش به آمادگی کامل سوریه برای قلع و قمع آخرین بقایای تروریست‌ها (که در استان ادب گرد هم آمده‌اند)، آمریکا در صدد تکرار سناریوی تکراری و رسوایی است که شرایط ذهنی را برای حملات هوایی با موشکی به سوریه مهیا کند؛ عملیاتی که از یک سو برای منطبق بر رابعد منطقه‌ای آمریکا مبنی بر حفظ امنیت اسرائیل است و از سوی دیگر با درخواست‌های ارتجاع منطقه و در ازای دریافت‌های کلان تر و هنگفت تر دلاری نفتی مطابقت دارد. با این حال، عامل مهم دیگری هم در تهدیدات آمریکا علیه سوریه و عملی شدن آن نقش جدی و مستقیم دارد و نزدیکی مقطع زمانی کنونی به زمان برگزاری انتخابات میان دوره‌ای در آمریکا است، یعنی همان انتخاباتی که شخص ترامپ و جمهوریخواهان آمریکا، فاقد برگ‌های برنده لازم برای پیروزی در آن هستند و از مدت‌ها پیش برای کسب آرای بیشتر در این انتخابات تلاش می‌کنند. بر اساس سوابقی که از حزب آمریکا، به ویژه جمهوریخواهان در دست است، به طور معمول در چنین شرایطی، مقامات واشنگتن به ماجراجویی‌های نظامی در دیگر نقاط جهان متوسل می‌شوند و با جنجال آفرینی‌های رسانه‌ای مبتنی بر این گونه ماجراجویی‌ها، افکار رأی دهندگان آمریکا را به خود جلب می‌کنند. بنابراین به نظر می‌رسد یکی از علل تهدیدات اخیر نظامی آمریکا علیه سوریه، نیازی است که جمهوریخواهان در مقطع حاضر به یک ماجراجویی خارجی از سوی دیگر، کسب رضایت محافل بین‌المللی صهیونیستی را عاملی اثربخش در تبلیغات رسانه‌ای و انتخاباتی در آمریکا می‌دانند.

## خالق برجام در مقابل دشمن برجام

کری می خواهد از زیر سایه اواما خارج شود





انتشار خبر احتمال کاندیداتوری جان کری، وزیر خارجه پیشین آمریکا در رقابت‌های سال ۲۰۲۰ و مبارزه با دونالد ترامپ جمهوریخواه از هم اکنون تا حدودی آمریکا را به سمت فضای انتخاباتی سوق داده است.

البته اگر قرار باشد جان کری به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری برای انتخابات سال ۲۰۲۰ در رقابت‌ها حضور پیدا کند، باید بستر جامعه آمریکا آماده پذیرش شرایط جدید و شرایط دموکرات‌ها یا همان شرایطی که در دوران دموکرات‌ها بود، شوند.

به عبارت دیگر در اواخر دوره ریاست جمهوری باراک اوباما، جامعه آمریکا چندقطبی شده بود؛ یک دلیل آن به مهاجرین و افرادی که از آمریکای لاتین به طور غیرقانونی به آمریکا رفته بودند و تعدادشان نزدیک ۲۲ میلیون نفر بود، باز می‌گشت. آمریکایی تبارها این گونه احساس می‌کردند که این افراد فرصت‌های شغلی آنها را گرفته‌اند و ترامپ نیز از این فرصت استفاده کرد و قول داد که این مهاجران را اخراج کند تا بخشی از مشکل اشتغال در این کشور حل شود.

در نتیجه آمریکایی‌های طبقه زیرمتوسط فریب این وعده را خوردند؛ البته ترامپ نیز با خشونت تعدادی از مهاجران را اخراج کرد اما نتوانست در مورد همه مهاجران برنامه‌هایش را پیش ببرد. همچنین بعد از خروج مهاجران آمریکای لاتین از آمریکا مشاهده کردیم که افراد آمریکایی تبار راضی نمی‌شدند که کارهایی که آنها انجام می‌دهند را بپذیرند. به عنوان مثال برخی از مهاجران در کوره‌زخانه یا در ایالات خیلی گرم به کشاورزی مشغول بودند، این در حالی است که آمریکایی‌ها حاضر به پذیرش چنین شغل‌هایی نمی‌شوند.

در این میان اگر قرار باشد صحنه برای روی کار آمدن جان کری دموکرات تغییر کند، دموکرات‌ها باید بتوانند اکثریت مجلس نمایندگان و سناترا به دست آورند تا از این پس وارد فضا سازی‌های لازم شوند.

در چنین شرایطی کری می‌تواند با موفقیت وارد میدان شود؛ زیرا وزیر خارجه پیشین آمریکا همان کارهای اوباما را انجام داد و اعتقاد به آزادمنشی و همکاری بین المللی داشته و دارد، در حالی که ترامپ اعتقادی به همکاری‌های بین المللی ندارد و آمریکا را کشوری «نامبر وان» می‌داند که بقیه باید فدای منافع و مصالح آن شوند. اما اوباما-کری در دوره‌ای که در دولت حضور داشتند اعتقادشان بر این بود که در سایه با همکاری با دیگر کشورها می‌توانند مسائل جهان را پیش ببرند و از این طریق سعی می‌کردند بر رهبری آمریکا تاکید کنند.

بنابراین اکنون دو فضای متفاوت بعد از پایان کار دولت اوباما و روی کار آمدن ترامپ در آمریکا شکل گرفته و جان کری اگر قصد ورود به رقابت‌های انتخاباتی را داشته باشد باید شرایط مجدداً برای دموکرات‌ها و سیاست‌های آنها فراهم شود، تا کری بتواند در صورت رقابت با ترامپ موفق شود.

در حال حاضر جان کری در میان دموکرات‌ها یک جایگاه بسیار قوی دارد؛ او پیش از تصدی پست وزارت خارجه به عنوان رئیس کمیسیون خارجه مجلس سنا فعالیت می‌کرد و از این جهت جایگاه مهمی هم در میان دولتمردان آمریکا و هم در میان دموکرات‌ها دارد. او در پرتو همکاری با اوباما و همچنین یکی از عاملان اصلی حل مساله توافق هسته‌ای در سطح سطح جهان، یکی از کاندیداهای صلح نوبل شد. از این رو جان کری جایگاه

خیلی خوب و بالایی دارد؛ لذا اگر در رقابت‌ها حاضر شود و بستر سازی درستی نیز انجام گرفته باشد، شانس موفقیتش بالا خواهد بود.

البته این نکته را نیز باید مدنظر داشت که شاید باراک اوباما نیز بخواهد مجدداً در رقابت‌های انتخاباتی شرکت کند؛ در آن صورت، شرایط متفاوت می‌شود. یعنی اگر اوباما ببیند که فضا مناسب است، ممکن است وی کاندیدا شود و کری نیز مجدداً با اوباما همکاری کند. اما اگر اوباما کاندیدا شود، شانس کری نزدیکاً بسیار بالا است. زیرا در مقطع فعلی جایگاه باراک اوباما نزد دموکرات‌ها خیلی بالا است و دموکرات‌ها دقیقاً سیاست‌های اوباما را تایید می‌کنند. بنابراین هنوز نقش و نفوذ اوباما بیش از کری است. ولی اگر اوباما به هر دلیلی کاندیدا نشود و از کری هم حمایت کند، شانس وزیر خارجه پیشین آمریکا برای پیروزی در مقابل ترامپ خیلی افزایش خواهد یافت. البته اکنون در برخی تحلیل‌ها نیز به این موضوع اشاره می‌شود که جان کری با برخی افشاشگری‌ها و انتشار خبرها تلاش دارد تا خود را از زیر سایه اوباما بیرون بیاورد. به نظر من نیز چنین تحلیلی می‌تواند درست باشد، زیرا حتی در دوره



دومی که باراک اوباما می‌خواست به عنوان رئیس جمهوری انتخاب شود، طی رقابت‌های انتخاباتی درون حزبی، برخی از سناتورهای دموکرات از اوباما فاصله گرفتند تا انتخاب خودشان به خطر نیفتد. اکنون نیز دور از تصور نیست که کری بخواهد مستقل از اوباما در انتخابات شرکت کند و تا حدودی تلاش کند بر سیاست‌هایی که خود بیشتر نقش داشته تاکید کند و روی برخی نقاط ضعف اوباما انگشت بگذارد. به عنوان مثال اختلافاتی که اوباما با سیاستمداران اسرائیلی داشت خیلی مورد پسند جامعه آمریکا نبود و به همین دلیل اکنون مشاهده می‌کنیم که کری بعضاً در صحبت‌ها یا در کتابی که از وی منتشر شده روی این موضوع تاکید کرده تا بتواند در انتخابات سال

۲۰۲۰ در صورت کاندیدا شدن رای لابی صهیونیست را به خود نزدیک کند. در این رابطه وزیر خارجه پیشین آمریکا در تازه‌ترین کتاب خاطراتش که سه شنبه گذشته منتشر شد، به روابط متشنج باراک اوباما، رئیس جمهور وقت آمریکا با بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل اشاره کرده است.

مساله دیگر درباره انتخابات آمریکا و احتمال حضور کری در این رقابت‌ها این است که سنت سیاسی حاکم بر آمریکا بدین صورت است که عمدتاً جامعه خیلی تمایلی ندارد به کاندیدایی که یک بار پیشتر در رقابت‌ها شرکت کرده و شکست خورده‌ای بدهد؛ پیش از این یک بار جان کری در سال ۲۰۰۴ رسماً به عنوان نامزد حزب دموکرات در انتخابات ریاست جمهوری معرفی شد که از جورج بوش شکست خورد. اما باید توجه داشت که کری در آن زمان، همچون حل و فصل پرونده مذاکرات هسته‌ای با ایران را در کارنامه خود نداشت و بسیاری از سیاست‌ها و مواضع مشخص نشده بود. کری در زمان حضور در دولت اوباما به عنوان وزیر امور خارجه خود را کاملاً نشان داد و امروز به گونه دیگری در آمریکا به وی نگاه می‌کنند. در واقع اغلب مردم آمریکا می‌دانستند که یک عقده چهل ساله میان ایران و آمریکا وجود دارد و مردم آمریکا نیز مایل بودند که این عقده و خصومت از میان برود. نتیجه کاری که تیم اوباما-کری انجام دادند این بود که توانستند این خلاء را پر کنند و زمینه‌های نزدیکی تهران-واشنگتن را فراهم کنند. اما ترامپ درست عکس این رفتار عمل کرد؛ ترامپ با سیاست‌هایش دولت و مردم ایران را از خود دور زده می‌کند.

مردم ایران کاملاً دریافته‌اند که تحریم‌های آمریکا فقط ضد حکومت ایران نیست، بلکه مستقیم بر زندگی مردم تأثیرات منفی دارد. از این رو در آمریکا نیز مردم می‌فهمند که سیاست‌های رئیس جمهورشان به چه صورت است، حال چه در خصوص ارتباطاتش با زنان و چه در مسائل سیاست خارجی و پیمان شکنی‌هایی که انجام می‌دهد.

اقدامات ترامپ درباره زنان باعث دور شدن قشر زنان از وی شده و احتمالاً در دوره بعدی انتخابات، زنان آمریکایی از وی حمایت چشمگیری نخواهند داشت. این در حالی است که مردم به ویژه زنان، به اوباما و کری به عنوان افرادی با شخصیت و با فرهنگ نگاه می‌کنند.

لذا اگر طی دو سال آتی شرایط به سمتی برود که اکثر مردم آمریکا از سیاست‌های دونالد ترامپ زده شوند و آمریکایی‌ها حس کنند که مسئول به فنارفتن کره زمین هستند، احتمالاً از شخصی چون دونالد ترامپ رویگردان خواهند شد. زیرا حتی در شرایط فعلی نیز بسیاری از آمریکایی‌ها عملکرد ترامپ را در شخصیت تاریخی آمریکا نمی‌بینند و برخی از افرادی که به ترامپ رای داده بودند امروز از این تصمیم ناراضی هستند. شاهد بودیم که سناتور جان مک کین که اخیراً فوت کرد در زمره کسانی بود که در ابتدا طرفدار ترامپ بود اما بعداً به دشمن اصلی وی تبدیل شد.

۲۲

مردم ایران کاملاً دریافته‌اند که تحریم‌های آمریکا فقط ضد حکومت ایران نیست، بلکه مستقیم بر زندگی مردم تأثیرات منفی دارد. از این رو در آمریکا نیز مردم می‌فهمند که سیاست‌های رئیس جمهورشان به چه صورت است، حال چه در خصوص ارتباطاتش با زنان و چه در مسائل سیاست خارجی و پیمان شکنی‌هایی که انجام می‌دهد.

۲۲



## مک کین دموکرات‌ها

آیا کابوس سال ۲۰۰۴ برای کری تکرار خواهد شد؟

با جهت‌گیری دموکرات‌ها در انتخابات آینده کمک کند. در عین حال سناتور پیشین آمریکایی در دانشگاه ییل در رشته علوم سیاسی به تحصیل پرداخت؛ از این جهت و با توجه به علاقه به سیاست‌های صلح‌طلبانه و جهت‌گیری وی برای ایجاد یک رویکرد همگرایانه با کشورهای اروپایی جهت حل و فصل بحران‌های بین‌المللی، می‌توان گفت سیاست خارجی او به ویلسون رئیس‌جمهور سابق آمریکا در جنگ جهانی اول نزدیک است. فعالیت‌های ضدجنگ وی سبب شد تا سال‌ها او به عنوان یکی از رهبران صلح‌خواه جامعه آمریکایی معرفی شود. اگرچه در زمانی که او زمینه‌های جهت‌گیری ضدجنگ خود را در جنگ ویتنام مطرح کرد، مورد توجه محافظ سیاسی قرار گرفت و خشم برخی از سران آمریکایی در همان زمان را نسبت به خود برانگیزاند؛ تا جایی که این خشم به بالاترین مقام آمریکا در آن زمان یعنی ریچارد نیکسون نیز تسری پیدا کرد. اما این مساله در پرونده جان کری می‌تواند خود را در برابر رادیکالیسم جنگ‌طلبانه ترامپ در رابطه با موضع مصالحه و ایجاد فضای صلح و همکاری میان دو سوی اقیانوس مطرح کند. از سوی دیگر پیشینه وی در مجلس سنا که از دهه ۸۰ شروع شد، توانست رای مردم را در ایالت ماساچوست جذب کند و او وارد مجلس سنا شود. او با دو دهه حضور در سنا بارها از سوی مردم ماساچوست به عنوان نماینده برگزیده شد که این سابقه درخشان منجر به گرایش مردم نسبت به او شده است. لذا باید گفت تا حدود زیادی جان کری دارای مولفه‌های قابل توجه است که می‌تواند ترامپ را نگران کند نباید از نظر دور داشت که جان کری همواره در زمان‌هایی کانیدایمی شود که دور دوم رئیس‌جمهور مستقر آمریکا محسوب می‌شود و پیروزی برای وی تا حدودی مخاطره‌آمیز می‌گردد. زیرا به هر جهت رئیس‌جمهور مستقر در کاخ سفید آن هم در دوره اول، شانس بیشتری را برای پیروزی به خود اختصاص می‌دهد؛ در واقع مردم آمریکا و شورایی مانند ایران چهار سال را برای پیاده‌سازی دیدگاه‌ها و عملکرد کامل کانیدای خود فرصت اندکی می‌دانند. لذا این منطق را در جامعه گسترش می‌دهند که باید به رئیس‌جمهور فعلی زمان بیشتری داد تا به شعارهای انتخاباتی دور اول خود جامه عمل بپوشاند. اکنون نیز در خصوص ترامپ علی‌رغم تمام انتقاداتی که علیه وی وجود دارد و حتی مساله استیضاح، اما به دلیل عملکردش در حوزه اقتصادی و احیای ناسیونالیسم آمریکایی، جذابیت ترامپ نزد مردم نسبت به برخی روسای جمهور در نیمه‌های دور اول ریاست‌جمهوری نسبت به ابتدای آن کمتر کاهش یافته و حتی در برخی جهات افزایش نیز داشته است. لذا این بابت جان کری تا حدود زیادی با چالش مواجه خواهد بود. نکته قابل توجه دیگری که در خصوص احتمال کانیداتوروی جان کری مطرح است برخورد ترامپ با وی در دو سال آینده است. در اینجا منظور برخورد شخصی ترامپ با کری نیست، بلکه مقصود این است که آیا ترامپ در برابر فشار افکار عمومی به ناگهان واکنش‌های شدید از خود نشان خواهد داد و برای رهایی از فشار، جنگی را در منطقه خاورمیانه شکل می‌دهد تا با ورود به این جنگ به گونه‌ای عمل کند که مردم آمریکا به این نتیجه برسند که ترامپ باید بماند تا خود بتواند مساله جنگ را سامان دهد؛ به این معنا که آنچه را که خود آغاز کرده به پایان رساند. در حقیقت برخی از تحلیلگران سیاسی بر این باور هستند که فشار به ترامپ موجب می‌شود که او در سیاست‌های رادیکالیستی خود در عرصه بین‌الملل با محدودیت مواجه شود اما سناریوی بدیل این موضوع این است که فشارهای داخلی بر ترامپ اگر از حد معینی بیشتر شود باعث می‌شود که وی و تیمش برای رهایی از آن وارد عرصه سیاست خارجی و ایجاد تنش بزرگ میان آمریکا و کشورهای هدف شوند، تا بدین ترتیب زمینه توجه افکار عمومی ایالات متحده را به بیرون مرزها و جنگ جدید

آمریکایی یا به کارزار رقابت‌های انتخاباتی گذاشت. کری که از سناتورهای برجسته آمریکا محسوب می‌شود به عنوان شصت و هشتمین وزیر امور خارجه کاخ سفید در دولت دوم باراک اوباما و سناتور دموکرات ایالات ماساچوست، زمانی که باراک اوباما پیوست که هیلاری کلینتون خود را برای انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۶ آماده می‌کرد تا به عنوان کانیدای دموکرات‌ها بتواند فرصت ریاست‌جمهوری را برای اولین بانوی آمریکایی فراهم کند؛ اما در نهایت دیدیم که هیلاری کلینتون در برابر ترامپ شکست خورد. اکنون نیز سخن از کانیداتوروی جان کری برای ریاست‌جمهوری در مطبوعات و رسانه‌های آمریکا مطرح است و این موضوع حتی واکنش دونالد ترامپ را نیز به همراه داشته است. کری از نوادگان اجداد مشهور آمریکایی از جمله توماس کرنل و یوریس-جورج وولسی است و اجداد وی از جمهوری چک امروزی به آمریکا مهاجرت کردند. در ابتدای جنگ ویتنام بود که کری مدال شجاعت گرفت و درخشید. او توانست پس از پایان جنگ به جنبش ضد جنگ بپیوندد و سخنرانی وی در کنگره، دولت آمریکا را تحت فشار قرار داد تا به حضور نیروهای آمریکایی در ویتنام پایان دهند. از این رو است که وی میان نودموکرات‌ها همان جایگاهی را دارد که مک کین میان جمهورخواهان داشت. همچنین کری رابطه خوبی با بزرگان حزب دموکرات و خانواده‌های اصلی که اساسا در میان حزب دموکرات و مردم آمریکا دارای جایگاه مناسبی از نظر اجتماعی و سیاسی هستند، دارد. در واقع روابط حسنه وی با خانواده و کندی یکی از نکات مهمی است که می‌تواند به او در ارتباط

مهدی مطهرنیا

دکترای آینده‌پژوهی  
استاد دانشگاه



دونالد ترامپ در توییتهی نسبت به احتمال کانیداشدن جان کری، وزیر خارجه پیشین آمریکا و مسئول مذاکرات هسته‌ای برجام و کنش نشان داد و نوشت: «می‌بینم که جان کری، پدرو توافقی خاتمه‌یافته هسته‌ای با ایران، به ریاست‌جمهوری فکر می‌کند. باید خیلی خوش شانس باشم.»

این در حالی است که اخیرا جان کری در صحبت‌هایی کانیداتوروی اش در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۰ ایالات متحده آمریکا و حراست از دستاوردهایش یعنی برجام و قرارداد آب و هوایی پاریس را مطرح کرده است. در واقع جان کری یکی از چهره‌های درخشان حزب دموکرات و افراد برجسته حوزه سیاسی در ایالات متحده آمریکا شناخته می‌شود. به عبارت دیگر اگر جمهورخواهان جان مک کین را به عنوان یک فرد برجسته در چارچوب حزب جمهورخواه با جهت‌گیری نظامی‌گری و موضع‌گیری‌های مستقل قبول داشتند، جان کری نیز که یکی از سیاستمداران و وکلای معروف آمریکایی است که در میان دموکرات‌ها دارای همین جایگاه ویژه است. اگرچه وی در انتخابات سال ۲۰۰۴ میلادی در برابر جورج بوش پسر شکست خورد، اما باید توجه داشت که وی در آن زمان برای مقابله با تحركات رادیکالی‌نوکان‌های

کشاند. لذا دور از تصور نیست عقلانیت سیاسی در حوزه واقع‌گرایی، ملت آمریکا را به سمت و سویی خواهد برد که علی‌رغم میلی که به جان‌کری یا سیاست‌های صلح‌طلبانه کاندیداهای دیگری مانند وی دارند، رای به باقی ماندن ترامپ دهند و او یک بار دیگر در کاخ سفید مستقر شود.

مسئله‌ای که در این بین مطرح می‌شود موضوع برجام و تأکیدی است که شخص کُری در جهت حراست از این توافقنامه بیان داشته است. به هر جهت جان کُری بیش از اواما و حتی پیشاتر از او در ارتباط با ایران و انجام مذاکرات سازنده در جهت اجرای برجام حرکت کرد. لذا برخلاف هیلاری کلینتون که در حزب دموکرات رویکردهای کلاسیک دموکرات را نیز مدنظر قرار می‌دهد و به نوعی کبوتر قرمز محسوب می‌شود، کُری یک کبوتر آبی و معتقد به جهت‌گیری‌های نودموکراتانه باراک اواما بود. به همین

خاطر نه از لحاظ حزبی بلکه بر اساس تفکر و قربانیت فکری و فلسفی به اندیشه‌های اواما با او همراه شد. از این جهت می‌توانیم بگوییم انتخاب احتمالی جان کُری به عنوان رئیس جمهور ایالات متحده می‌تواند در صورت تداوم همین وضعیت موجبات امیدواری برای ایران باشد که خواهان حفظ برجام است. زیرا برخلاف تمام انتقادهایی که از سوی دلوایسان مطرح می‌شود اکنون دیگر اغلب سیاستمداران و مردم دریافته‌اند که برجام در صورت تعهد کامل همه اعضا به آن یک توافق نامه مثبت در تاریخ سیاسی ایران تلقی می‌شود و ایران می‌تواند از آن در جهت منافع ملی خود بهره‌برداری کند.

بنابراین در وضعیت احتمالی آینده اگر ترامپ از جان کُری بر اساس فعالیت‌هایی که انجام می‌دهد شکست بخورد و در کاخ سفید شاهد حضور جان کُری بر مبنای

احتمالات موجود باشیم، می‌تواند این قطعیت را از همین الان شکل دهد که وضعیت روابط ایران و آمریکا در چارچوب برجام بسیار سازنده‌تر و متمرکزتر خواهد شد. اما همه این موارد به یک شرط منتهی می‌شود که جان کُری بتواند در انتخابات آینده بر ترامپ پیروز شود. ضمن اینکه انتخابات پیروزی قابل توجه دموکرات‌ها بر جمهوریخواهان برای جان کُری باشد. اگر در این انتخابات دموکرات‌ها نتوانند پیروزی چشمگیری نسبت به حزب حاکم موجود در کنگره آمریکا یعنی مجلس نمایندگان و سنا به دست آورند، می‌توان گفت که جان کُری بار دیگر رییسک بزرگی را برای کاندیداتوری و رودرویی با ترامپ به جان خریده و ممکن است کابوس سال ۲۰۰۴ میلادی و شکست در مقابل بوش، این بار در برابر ترامپ برای وی تکرار شود.

## منتقد ترامپ رقیب وی می‌شود؟

### دموکرات‌ها برای انتخابات بعدی باید روی مسائل داخلی تمرکز کنند



مهدی فتوحی

کارشناس ارشد روابط بین‌الملل  
از دانشگاه تهران

هرچند هنوز بیش از دو سال تا برگزاری انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰ در آمریکا زمان باقی مانده است اما از هم‌اکنون ادعاها و اخباری از سوی جان کُری، وزیر خارجه پیشین آمریکا برای نامزدی در انتخابات آتی ریاست جمهوری مطرح شده است. در آخرین اظهارنظر نیز جان کُری گفت که احتمال نامزدی وی در انتخابات ۲۰۲۰ بسیار کم است. البته هم‌زمان تأکید کرد که اکنون وقت فکر کردن درباره ۲۰۲۰ نیست و همه باید اکنون به انتخابات ۲۰۱۸ یعنی انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره توجه کنند.

مروری بر کارنامه سیاسی وی نشان می‌دهد که در واقع نقاط عطف زندگی جان کُری وزیر خارجه سابق دولت باراک اواما در چند مورد خلاصه می‌شود. شروع فعالیت‌های کُری در عرصه دیپلماسی به جنگ ویتنام برمی‌گردد، وی در سال ۱۹۶۶ تا ۱۹۶۹ در جنگ ویتنام شرکت کرد اما سپس به مخالفین جنگ پیوست و تلاش کرد در دورانی که سکان دیپلماسی آمریکا را در دست گرفته بود، مسائل سیاسی و بین‌المللی را از طریق گفت‌وگو با دیگر کشورها حل کند. کُری از سال ۱۹۸۵ تا ۲۰۱۳ پنج دور در مجلس سنای آمریکا سناتور و از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ وزیر امور خارجه دولت باراک اواما بود. وی برای کرسی ریاست جمهوری در سال ۲۰۰۴ با جورج بوش پسر به رقابت برخاست که شکست خورد. در مجموع باید گفت که جان کُری چهره شناخته‌شده‌ای در آمریکا و صحنه بین‌الملل است. او بعد از به قدرت رسیدن دونالد ترامپ و اتمام کارش در وزارت خارجه، به عنوان مقام ناظر در انتخابات کنیا شرکت کرد. همچنین در برخی از تظاهرات و راهپیمایی‌هایی که در دو سال اخیر علیه ترامپ تشکیل شد، او حضور داشت و به عنوان منتقد سیاست‌های دونالد ترامپ، خود را مطرح کرده است.

کُری در دوره ریاست جمهوری اواما ساکن دیپلماسی کشور را در دست داشت و با جدیت سیاست‌های رئیس‌جمهور وقت را پیگیری می‌کرد. او نقش ویژه‌ای در پیمان آبهوایی پاریس که ترامپ از آن خارج شد، داشت. همچنین توافق برجام در ردیف تجربیات کارنامه

وی قرار می‌گیرد و از مهمترین اقداماتی بود که در دوران فعالیت‌های دیپلماتیکش انجام داد. در واقع شاید بتوان گفت کُری بیشترین زمانش را در دوران اشتغال در وزارت خارجه بر سر مساله برجام و به سرانجام رساندن آن صرف کرد. علاوه بر این زمینه گسترش مناسبات با کوبا، اروپا و همسایگان آمریکا را در دوران فعالیتش فراهم کرد و آمریکا را در این دوران روابط کم‌تنشی را در عرصه بین‌الملل تجربه کرد. اما وزیر خارجه دولت دوم اواما با روسیه در ارتباط با مساله اوکراین دچار مشکلاتی گشته بود، ضمن اینکه بر اساس سیاست اواما که باید مرکز ثقل دیپلماسی آمریکا به سمت غرب آسیا گسترش پیدا کند، به دنبال ایجاد محدودیت‌هایی علیه چین به جهت قدرت گرفتنش بودند. بنابراین در این زمینه از یک سو بر روسیه تمرکز داشتند و از سوی دیگر بر چین. همچنین طبق آخرین مصاحبه‌ای که انجام داده به نظر می‌رسد که او با اواما بر سر مساله سوریه اختلاف نظرهایی داشتند اما به این دلیل که در ایالات متحده، رئیس‌جمهور فرمانده کل قوا محسوب می‌شود و وزیر خارجه منتصب رئیس‌جمهور است در تلاش بودند که این اختلافات را علنی نکنند.

در خصوص ادعای اخیر او برای شرکت در انتخابات آتی باید گفت که اگرچه دو سال و ۳ ماه تا انتخابات ریاست جمهوری آمریکا زمان باقی است و هنوز کاندیداهای حزب دموکرات کاملاً مشخص نشده‌اند اما در ابتدا اعلام شد که جو بایدن، معاون رئیس‌جمهور سابق آمریکا، کاندیدای حزب دموکرات خواهد شد. برخی رسانه‌ها نیز نوشته‌اند که امکان دارد برنی سندرز یکی از نامزدهای بالقوه حزب دموکرات باشد و همان‌طور که گفته شد اخیراً نیز جان کُری سخن از کاندیداتوری در انتخابات ۲۰۲۰ را مطرح کرده است. به هر جهت هر سه چهره در جامعه بین‌الملل و نزد مردم آمریکا شناخته‌شده هستند. اما در مورد پایگاه این حزب در میان مردم باید گفت که در انتخابات سال ۲۰۱۶ خانم کلینتون به نمایندگی از حزب دموکرات حدود ۳ میلیون رای بیشتر از ترامپ داشت اما آرای اکثرال سبب پیروزی ترامپ در انتخابات شد. همچنین بر اساس آخرین نظرسنجی‌هایی هم که در داخل آمریکا صورت گرفته حدود ۶۰ درصد مردم از عملکرد دونالد ترامپ ابراز نارضایتی کردند و نزدیک به ۵۰ درصد هم خواستار استیضاح دونالد ترامپ هستند. اما اگر بخواهیم دقیق‌تر تمایل مردم به حزب دموکرات در ایالات متحده را بسنجیم باید منتظر انتخابات میان‌دوره‌ای نوامبر ۲۰۱۸

در آمریکا باشیم که قرار است انتخابات مجلس نمایندگان و همچنین انتخابات یک سوم از نمایندگان مجلس سنا برگزار شود. در حال حاضر اکثر نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که حزب دموکرات در انتخابات مجلس نمایندگان پیروز خواهد شد اما در مورد مجلس سنا چون رقابت سنگین‌تر است، شانس کمتری برای حزب دموکرات قائل هستند.

در مجموع با توجه به تظاهرات‌هایی که در داخل آمریکا برگزار شده، ناخشنودی‌هایی که نخبگان در داخل آمریکا داشتند، نارضایتی‌هایی که از دونالد ترامپ در شهرها و ایالت‌های بزرگ آمریکا وجود دارد، جنگ تجاری که میان آمریکا با کانادا، چین و اتحادیه اروپا در طول ماه‌های اخیر صورت گرفته و آثار و عواقب آن که در بخش‌های کشاورزی ظاهر گشته است، اگر ترامپ نتواند به نوعی مصالحه با قدرت‌های چندگانه دست پیدا کند، احتمال دارد آرای حزب جمهوریخواه کاهش پیدا کند. ضمن اینکه در مراسم تشییع جان مک کین، سناتور جمهوریخواه در آمریکا شاهد شکاف میان اعضای حزب جمهوریخواه بودیم و این گمانه را که دوران ریاست جمهوری ترامپ در پایان ۴ سال به اتمام برسد تقویت کرد. از سوی دیگر اگرچه وزن سیاسی جان کُری در میان سیاستمداران آمریکا بسیار زیاد است اما این بار موضوع اصلی برای ریاست جمهوری در آمریکا مسائل داخلی است. به همین خاطر دموکرات‌ها برای داشتن شانس بیشتری برای پیروزی باید راهکارهایی برای مشکلات اقتصادی ملت آمریکا ارائه دهند. اگر دموکرات‌ها در دو سال آینده بتوانند سیاست‌های منسجمی را برای افسار ضعیف‌تر، کارگران و در مورد بیمه درمانی و مهاجران ارائه کنند، شانس ترامپ را در رقابت با نماینده دموکرات‌ها کاهش می‌دهند. به هر جهت علی‌رغم همه این شواهد و اطلاعات تا هم نمی‌توان نتیجه انتخابات ۲۰۲۰ ایالات متحده آمریکا را پیش‌بینی کرد.

اما اگر جان کُری بتواند به قدرت دست یابد و وارد کاخ سفید شود، به نظر می‌رسد با توجه به اینکه برجام دستاورد دوران وزارت وی بود و نوعی بزرگترین میراث او در زمان فعالیتش در وزارت خارجه ایالات متحده محسوب می‌شود، احتمال بازگشت به برجام یا پیگیری روند دیپلماسی با جمهوری اسلامی ایران بسیار زیاد است. زیرا خروج آمریکا از برجام و پیمان شکنی آنها بازتاب بدی در جامعه بین‌الملل داشته و منجر به افزایش بی‌اعتمادی به ایالات متحده شده است؛ به صورتی که مذاکرات آنها با کره شمالی را به شدت تحت شعاع قرار داد و در نتیجه این گفت‌وگوها پیشرفتی به همراه نداشت. همچنین خروج از برجام موجب ایجاد اختلاف نظر میان آمریکا و اروپا شده و بحث جایگزینی ارزهای دیگر با دلار در معاملات تجاری دنیا را مطرح کرده است. لذا با توجه به همه مسائل ذکر شده به نظر می‌رسد که اگر هر فردی غیر از ترامپ وارد کاخ سفید شود این توافق نامه را مجدداً احیا کند.

## هرج و مرج اقتصادی

مردم به دنبال پاسخ به این سوال هستند که واکنش دولت به افزایش وحشتناک قیمت سکه و ارز و انفجار بازار چیست؟

دولت همه راه‌های سیاستی را امتحان کرد تا اندیشه‌های اقتصادی‌اش بتواند گره کور سیاست‌های ارزی را باز کند اما اندیشه‌های سیاستی دولت تنها دور باطلی بود که همه مسیرهای منتهی به حوزه بازارهای اقتصادی را به بن بست کشاند.

اما به راستی اقتصاد تا کجا خواهد توانست توان تحمل زخم‌های عمیقی که بر پیکرش وارد شده را داشته باشد؟ اگر به عملکرد دولت در طول ماه‌های گذشته نگاهی بیندازیم، با سیاست‌هایی برخورد می‌کنیم که محصول نگاه‌های کوتاه‌نگرانه بوده و هیچ نشانه‌ای از سیاست‌های دوراندیشانه در آن به چشم نمی‌خورد.

## تغییر و تحول‌های کابینه دولت

در ادامه همین شکست‌های سیاستی در بازار ارز بود که دولت وارد عمل شد تا به گونه‌ای دیگر به جنگ نابسامانی‌های ارزی بازار رود. بر این اساس کمر همت بست تا سیاست‌هایی که ماه‌ها و پال گردنش شده بود را با تغییر اعضای کابینه‌اش حل و فصل کند. دولت در اولین اقدام سیاستی‌اش دست به برکناری رئیس کل بانک مرکزی زد و سکاندار جدیدی را به ریاست بانک مرکزی گمارد تا سیاست‌های ارزی‌اش را از مسیری دیگر هدایت کند. به دنبال این جابه‌جایی، رئیس کل جدید بانک مرکزی از ارائه بسته جدید ارزی سخن گفت. به دنبال آن، امیدواری به کاهش قیمت‌های بازار شکل گرفت تا همگان چشم‌انتظار به‌بار نشستن سیاست‌های جدید ارزی در بازار باشند. شاید در روزهای آغازین بازگشایی بسته جدید ارزی مقداری شاهد به‌آرامش رسیدن بازار بودیم. با این وجود از همان ابتدا هم به راحتی می‌توانستیم این پیش‌بینی را داشته باشیم که سیاست‌های نهفته در بسته جدید ارزی نیز تنها منبع رانت خواری و دلالی برای یک عده خاص است و نتایج روشنی در بازار ارز نخواهد داشت. اما قبل از رونمایی از بسته جدید ارزی، سیاست‌های نابخردانه دولت در حوزه بازارهای اقتصادی کار خودش را کرده و نتایج نابهنجارش را در حوزه بازارهای داخلی به نمایش گذاشته بود.

## رها شدن فتر قیمت

بر همین اساس ره‌اشدن فتر قیمت ارز و تلاش برای سرکوب‌های بیشتر آن در نهایت به رهاشدن فتر قیمت‌ها و تورم‌های فزاینده در بازارهای داخلی مان منجر شد. با این حال دولت باز هم به دنبال مقصر بود و این بار انگشت اتهام سیاست‌های نابهنجار بانک مرکزی را به سمت سکاندار وزارت اقتصاد هدایت و موجبات عزل وی از کابینه اقتصادی‌اش را فراهم کرد.

حال سوال اینجاست که اگر دولت با تغییر اعضای کابینه اقتصادی‌اش به دنبال آن بود آرامش از دست‌رفته بازارهای اقتصادی را به آن بازگرداند و سیاست‌های سکانداران جدید ادامه‌دهنده مسیر سیاست‌های ارزی بازار باشد، چه چیز موجب شده که سیاست‌های دولت همچنان پشت درهای بسته بماند و نشانه‌ای از بهبود در حوزه سیاست‌گذاری اقتصادی دیده نشود.

شاید باید این گونه استدلال کرد که اگر دولت بخواهد تنها به دنبال مقصر شرایط پیش‌آمده باشد و برای اشتباهات سیاستی‌اش در بازار برای خود زمان بخرد، باید به‌زودی در و تخته اقتصاد را یکی کنیم. بازگشت آرامش به اقتصاد به طنز تلخی می‌ماند که هرگز نمی‌تواند سیاست‌گذاری‌های اقتصادی را به جایی برساند.

## مهم‌ترین مؤلفه‌ها چیست؟

در این زمینه محمد کشتی‌آرای، عضو اتحادیه طلا و جواهر در پاسخ به این سوال که دلیل بازگشت قیمت سکه

اصلاً باورکردنی نیست؛ قیمت دلار به ۱۴ هزار تومان هم نزدیک شد و دوباره قیمت‌ها رکورد شکستند. از ۱۶ مرداد که بسته جدید ارزی اجرایی شد و سیاست‌های ارزی دولت چرخش کرد، به تدریج قیمت‌هایی که بیشتر به حباب می‌ماند، عقب‌گرد کرد. اما با گذشت کمتر از یک ماه از بسته جدید ارزی، قیمت‌هایی که از ابتدای هفته جاری برای صعود خیز برداشته بود، جهش کرد و حتی رکوردهای قیمتی دوره نوسانات اخیر در بازار ارز و طلا را هم شکست. اینکه چه عامل یا عواملی جهش و نوسان را به بازار بازگردانده است، از نگاه کارشناسان باز هم به غول نقدینگی و سرمایه‌های سرگردانی اشاره دارد که همچنان بدون اعتماد به آینده به دنبال محلی برای سود بیشتر یا حفظ ارزش دارایی‌های خود است. صاحب‌نظران اعتقاد دارند بخشی از سرمایه‌هایی که طی ماه‌های اخیر از بازار ارز و طلا و به واسطه تغییر شرایط کوچ کرده بود، بار دیگر در پی کسب سود و حفظ ارزش دارایی‌ها به این بازارها بازگشته است. برخی از بازارها مانند خودرو، مسکن و بورس که طی ماه‌های اخیر با نمایش بازدهی بالاتر از بسته بودند بخشی از سرمایه‌های سرگردان را جذب کنند، با تغییر شرایط قدرت جذب خود را از دست داده و یکبار دیگر سرمایه‌ها به بازارهایی سرازیر شده که بالاترین بازدهی را داشته است.

با اعمال شرایط جدید فروش خودرو و حذف تقاضای واسطه‌ای از این بازار، افت معاملات مسکن به دلیل رشد قیمتی شدید و نوسانی شدن شاخص‌های بازار سرمایه، بخشی از نقدینگی راه‌نقدشونده‌ترین و پربازده‌ترین بازارها یعنی ارز و طلا را در پیش گرفته است.

در حالی که باز نشدن بسته جدید ارزی دولت به عقب‌نشینی قیمت‌ها در بازار ارز و طلا منجر شد، طی روزهای اخیر به تدریج قیمت‌ها پیشروی کرد تا اینکه در اواخر هفته گذشته این قیمت‌ها رکورد بالاترین نرخ نوسانات ماه‌های گذشته را نیز شکست.

روز دوشنبه هر قطعه سکه تمام بهار آزادی طرح جدید در میانه روز از ۴ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان هم گذشت و در بازار ارز هم دلار پارا از ۱۲ هزار و ۵۰۰ تومان فراتر گذاشت. البته در ادامه روز اندکی از رشد قیمت‌ها کاسته شد و دوباره سکه رادر کانال قیمتی ۴/۵ میلیون تومانی قرار داد. این در حالی است که روز سه‌شنبه قیمت دلار به ۱۴ هزار تومان هم رسید.

حال مهم‌ترین پرسش این است که چرا دوباره قیمت‌ها در این دو بازار سیر صعودی به خود گرفته است؟ این در حالی است که بسیاری از محدودیت‌ها و عواملی که در سیاست قبلی ارزی دولت زمینه‌ها را رشد قیمت‌ها را فراهم کرده بود دیگر وجود ندارد. اما کارشناسان بار دیگر متهم اصلی این رشد قیمت را نقدینگی می‌دانند که طبق تازه‌ترین گزارش بانک مرکزی به ۱۶۰۰ هزار میلیارد تومان نزدیک شده است. به گفته صاحب‌نظران بخشی از نقدینگی مسیر خود را به سمت بازار ارز و طلا تغییر داده و باعث رشد قیمت‌ها شده است.

## مسکن‌های موقتی

این اما اولین باری نیست که دولت تدبیر و امید تلاش می‌کند تنها به دنبال مسکن‌های موقتی برای درمان دردهای بازار اقتصادی باشد. بر این اساس باید این گونه استدلال کرد که آنچه امروز در بازار ارز شاهد هستیم، ماحصل همه سیاست‌گذاری‌هایی است که دولت نه تنها در طول چند ماه اخیر که حتی در طول سال‌های گذشته به آن اهتمام ورزیده است. به عبارتی سیاست‌هایی که دولت در طول سال‌های گذشته به اجرا گذاشته، تماماً محصول اندیشه‌های اقتصادی سرکوبگرانه در حوزه بازارهای اقتصادی بوده است.



به کانال ۴/۶ میلیون تومان چیست؟ گفت: «دلیل اصلی رشد قیمت‌ها در بازار طلا و سکه رشد نرخ ارز است که دلار را به بالای ۱۳ هزار و ۵۰۰ تومان رساند.»

به گفته وی، ارز همواره به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه تعیین نرخ طلا تأثیر مستقیمی بر این بازار دارد. در حالی که روز شنبه قیمت دلار در حدود ۱۰ هزار و ۵۰۰ تومان قرار داشت دیروز با یک جهش به بیش از ۱۲ هزار تومان رسید و همین جهش یکی از عوامل رشد قیمت سکه بود. بر همین اساس از روز شنبه تا سه‌شنبه نرخ سکه حدود ۵۰۰ هزار تومان افزایش یافته است.

وی در ادامه در خصوص دلایل رشد نرخ ارز طی روزهای اخیر افزود: «بخشی از دلایل رشد نرخ ارز به مسائل سیاسی داخلی برمی‌گردد اما بخش مهم‌تر آن به ورود نقدینگی و تقاضای جدید به این بازارها مربوط می‌شود.»

کشتی آرای تأکید کرد: «در روزهای اخیر بخشی از نقدینگی موجود در کشور به سمت بازارهای ارز و طلا هدایت شده است. در واقع برخی از سرمایه‌گذاران و کسانی که به دنبال کسب سود هستند، به دلیل بازدهی بالای ارز و طلا به سمت این بازارها تغییر جهت داده‌اند.» وی توضیح داد: «برای مثال پس از تعیین شرایط محدودکننده برای خرید خودرو و این موضوع که به هر کد ملی تنها یک خودرو فروخته می‌شود و خریداران حق فروش خودرو تا یک سال را ندارند باعث شد افرادی که سرمایه خود را به بازار خودرو برده بودند از این بازار خارج شده و به بازار ارز و طلا مهاجرت کنند.»

عضو اتحادیه طلا و جواهر اضافه کرد: «علاوه بر این هرگاه که قیمت‌ها در بازار ارز و طلا افزایش می‌یابد نوعی تقاضای هیجانی و کاذب میان مردم ایجاد می‌شود و برخی برای اینکه از قافله عقب نمانند به خرید ارز و طلا اقدام می‌کنند.»

هفته گذشته با شکل‌گیری روند افزایشی قیمت‌ها در بازار ارز و طلا، پوند و یورو به ترتیب از میانه کانال ۱۵ و ۱۴ هزار تومان عبور کرد و دلار نیز در حدود قیمتی ۱۲ هزار و ۲۰۰ تومان معامله می‌شد. در بازار طلا و سکه نیز هر گرم طلای ۱۸ عیار از ۳۴۵ هزار تومان گذشت و سکه تمام نیز در کانال ۴/۵ میلیون تومان قرار داشت.

#### باید فکر کنیم

مجیدرضا حریری، نایب‌رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین می‌گوید: «اگر قرار باشد از آینده اقتصاد کشور پیش‌بینی داشته باشیم، این پیش‌بینی باید بر اساس اطلاعات باشد در غیر این صورت نام آن پیشگویی است که کار رمال‌هاست نه تحلیلگران اقتصادی.»

حریری درباره اوضاع اقتصادی کشور و تأثیر موج دوم تحریم‌های آمریکا که قرار است از ماه دیگر اعمال شود، گفت: «ما هنوز موج اول تحریم‌ها را هم احساس نکرده بودیم که وضعیت اقتصاد به این روز درآمد. اگر قرار باشد از آینده اقتصاد کشور پیش‌بینی داشته باشیم، این پیش‌بینی باید بر اساس اطلاعات باشد در غیر این صورت نام آن پیشگویی است که کار رمال‌هاست، نه تحلیلگران اقتصادی.» او ادامه داد: «بر این اساس، موضوعاتی که به نام پیش‌بینی از اوضاع اقتصادی در شرایط فعلی مطرح می‌شود، از ناحیه کسانی است که بی‌اطلاع هستند. شما باید نگران سیاست‌گذاری‌هایی کنید که اعمال می‌شود؛ اما آنچه امروز شاهد آن هستیم، بی‌سیاستی مطلق، بی‌عملی، انفعال و نوعی وادادگی در مقابل اتفاقاتی است که به نظر می‌رسد خارج از دید سیاست‌گذار است.»

این فعال اقتصادی ادامه داد: «وقتی یک بنایی در حال ساخت است، می‌توان آن را نقد کرد و گفت ایرادش چیست. اما وقتی یک نفر پشت یک لودر نشسته و کل

۲۲

این بی‌خبری و هول و وحشت و هراس در مردم که ناشی از نداشتن تصویری از آینده است، می‌تواند نه فقط به حوزه اقتصاد، بلکه به همه‌جا ضربه بزند. حتماً آنها که درباره این شرایط و علل آن توضیح نمی‌دهند دلایل قانع‌کننده‌ای دارند. اما به نظر محرم‌ترین افراد همین مردم عادی هستند که ۶۰ تا ۷۰ درصد آنها با درآمد ماهانه کمتر از ۲۰۰ دلار زندگی خود را می‌گذرانند و در چنین شرایطی، دارندگان درآمدهای ثابت از جمله کارمندان، کارگران و به طور کلی حقوق‌بگیران، کسبه جزء، پیشه‌وران و دهقانان نابود می‌شوند.

۲۲

اقتصاد برنامه می‌خواهد و سلیقه‌ای نیست و باید دانست که با استیضاح و برکناری وزیر و سپردن امور به شخصی دیگر در این سمت نمی‌توان انتظار تغییر داشت، بلکه این شیوه، درست شبیه کاری است که هر رئیس قبیله‌ای می‌تواند آن را انجام دهد. «وی خاطرنشان کرد: «توصیه بنده به کسانی که در مورد اقتصاد حرف می‌زنند، چه نهادگرا و چه لیبرال این است که هر کدام برنامه‌های خود را برای برنامه‌مدیریت تغییر به ملت ارائه دهند، زیرا بدون همراهی ملت و تنها با همراهی مجلس نمی‌توان انتظار تغییر داشت.» مردوخی در پاسخ به این پرسش که اقتصاد را باید به اقتصاددانان یا مدیران اجرایی سپرد، تأکید کرد: «هر گروهی که برنامه‌ای برای مدیریت تغییر داشته و شایسته‌تر باشد، می‌تواند این کار را انجام دهد، بنابراین ربطی به اقتصادخوانده بودن یا مدیر اجرایی بودن صرف ندارد، بلکه داشتن برنامه مدون و علمی و همچنین شایستگی از عوامل موثر در این مسیر است.» وی گفت: «در دنیای امروز و در هر کشور و حتی کمپانی‌های بزرگ و کوچک نیز افراد برای تصدی امور باید برنامه‌های خود را به صورت مدون ارائه دهند در غیر این صورت نمی‌توان انتظار اصلاح و تغییر امور را داشت.» این کارشناس اقتصادی بیان کرد: «اینکه فردی صرفاً اقتصاددان، مجری، نهادگرا یا لیبرال باشد و بخواهد اقتصاد را تغییر داده و مدیریت کند، اصلاً درست و منطقی نیست.» مردوخی تصریح کرد: «تا زمانی که ریشه مشکلات

ساختمان را تخریب می‌کند چه چیز آن را می‌توان نقد کرد؟»

حریری تصریح کرد: «به نظر می‌رسد عقلای مملکت و زعمای قوم باید بنشینند و فراتر از سیاست‌گذاری‌های رایج، فکری عمیق‌تر و تدبیری کنند.»

نایب‌رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین تصریح کرد: «از شنبه تا دوشنبه ۱۸ درصد از ارزش دارایی‌های دارندگان درآمدهای ثابت پایین آمده. قدرت خرید از سال گذشته تاکنون به یک‌سوم تقلیل پیدا کرده. در چنین شرایطی، سیاست‌گذار با وجود دارد و بنا به مسائلی سیاست‌گذاری می‌کند یا یک وادادگی در مقابل اتفاقات است.»

حریری ادامه داد: «این بی‌خبری و هول و وحشت و هراس در مردم که ناشی از نداشتن تصویری از آینده است، می‌تواند نه فقط به حوزه اقتصاد، بلکه به همه‌جا ضربه بزند. حتماً آنها که درباره این شرایط و علل آن توضیح نمی‌دهند دلایل قانع‌کننده‌ای دارند. اما به نظر محرم‌ترین افراد همین مردم عادی هستند که ۶۰ تا ۷۰ درصد آنها با درآمد ماهانه کمتر از ۲۰۰ دلار زندگی خود را می‌گذرانند و در چنین شرایطی، دارندگان درآمدهای ثابت از جمله کارمندان، کارگران و به طور کلی حقوق‌بگیران، کسبه جزء، پیشه‌وران و دهقانان نابود می‌شوند.»

او با بیان اینکه مشکلات امروزی نشان می‌دهد ساختار اقتصاد مشکل دارد، گفت: «اما آنچه بیشتر حائز اهمیت است اینکه ما اصلاً عملی نمی‌بینیم که بخواهیم نقد کنیم به جز تخریب پایه‌های اقتصاد.»

#### تغییر در اقتصاد سلیقه‌ای نیست

اما در همین زمینه یک اقتصاددان معتقد است: «برای تغییر در وضعیت اقتصادی نیازمند برنامه‌مدیریت تغییر هستیم و در این صورت می‌توان به بهبود اوضاع امیدوار بود.»

بایزید مردوخی در گفت‌وگو با خبرگزاری خبرآنلاین در پاسخ به این پرسش که بهتر است در شرایط کنونی برای اینکه تیم اقتصادی دولت بهتر عمل کند، نهادگراها روی کار باشند یا لیبرال‌ها؟ در واقع اقتصاد کشور بهتر است دست چه جریان فکری بیفتد؟ اظهار کرد: «نمی‌توان چنین چیزی را مطرح کرد، بلکه برای سامان دادن به وضعیت اقتصادی باید برنامه‌مدیریت را تغییر دهیم و این موضوع باید مدنظر قرار گیرد.» این کارشناس اقتصادی افزود: «برای این کار باید متنی را آماده کرد که پیش‌بینی‌های لازم در آن شده باشد و زمینه مطالعه برای مدیریت تغییر در آن فراهم شود و در نهایت براساس آن مدیریت تغییر را دنبال کرد.» وی تصریح کرد: «باید به این موارد در برنامه‌مدیریت تغییر توجه جدی شود و براین اساس این برنامه ارائه شود.» این کارشناس اقتصادی عنوان کرد: «برای سامان دادن به وضعیت اقتصاد محتاج تغییر هستیم و همه صاحب‌نظران در دولت و مجلس و همه دلسوزان اقتصاد و کشور باید تغییر را پذیرفته و دنبال کنند.» مردوخی ادامه داد: «تغییر در





اصلاح نشود، نمی‌توان انتظار داشت تلاش‌ها به نتیجه برسد. در کنار آن نیز باید توجه داشت تغییر مدیران، وزرا و... نمی‌تواند منجر به بهبود اوضاع و وضعیت اقتصادی کشور شود.»

#### قیمت‌ها به گذشته بازمی‌گردد؟

پرسشی که این روزها ذهن بسیاری از مردم را به خود جلب کرده است، این است که آیا قیمت‌ها به گذشته بازمی‌گردد؟ کارشناسان معتقدند اگر قیمت دلار به ثبات برسد، بازار معمولاً به حالت عادی برمی‌گردد اما وقتی روند صعودی باشد، بازار رفتار دیگری را نشان می‌دهد. چند هفته‌ای است که فضای بازار ارز کشور تا حدی آرام گرفته است؛ اگرچه قیمت‌ها در این بازار روندی کاهشی به خود نگرفت و دلار حدود ۱۰ هزار تومان در بازار قیمت دارد اما بازار ارز دیگر شاهد تکان‌های چند ماه قبل نیست. این در شرایطی است که افزایش قیمت ارز در بازار باعث شده بود که قیمت کالاها و به خصوص کالاهای وارداتی یا وابسته به واردات نیز رشدی قابل توجه به خود بگیرد؛ به طوری که در برخی کالاها در پی احتکار یا اختفا، شاهد نایاب شدنشان در بازار نیز بودیم. رئیس کل بانک مرکزی معتقد است اتفاقی که در بازار ارز رخ داد، محصول ناترازی سیستم بانکی و رشد وحشتناک نقدینگی و اصرار ما به تداوم نقدینگی است. به باور وی، تازمانی که این وضعیت ادامه دارد، شرایط در بازار ارز و سایر دارایی‌های قابل وصول برای حفظ ارزش پول توسط افراد ادامه دارد. با این حال، در این ایام، سوالی که این روزها ذهن بسیاری از مردم را به خود جلب کرده است، این است که آیا قیمت‌ها به گذشته بازمی‌گردد؟ سیامک قاسمی، کارشناس اقتصادی در تحلیلی در تلگرام خود در این باره می‌نویسد: «بسیاری از صنایع کشور با آنکه در همه سال‌های اخیر ادعای خودکفایی و داخلی سازی داشته‌اند اما در حقیقت به مقدار قابل توجهی ارزی داشته و به واردات وابسته‌اند؛ همان طور که وزیر راه اعلام کرده است که صنعت هوانوردی کشور نزدیک

به ۶۰ درصد به ارز وابسته است و تحقیقات ما در صنعت خودرو نشان می‌دهد که فقط خودروسازانی که ادعای داخلی سازی دارند، بهای تمام شده‌شان حداقل ۳۰ درصد وابستگی مستقیم ارزی دارد.» وی می‌افزاید: «با این وجود و با فرض تعمیم‌پذیری آن به بسیاری از صنایع و پذیرفتن این گزاره نگارنده که ما اصولاً در همه دهه‌های گذشته یک تولید واردات محور داشته‌ایم، باید پرسید برای کنترل قیمت‌ها در جهش ارزی چه باید کرد؟ آیا باید هر روز یک کنترل قیمت‌ها و صنفی با بیان میزان وابستگی اش به ارز، شرط کنترل قیمت‌های محصولاتش را در دریافت ارز ۴۲۰۰ تومانی بداند و محصولاتش را به عنوان کالای ضروری معرفی کند یا دولت با روش‌های تعزیراتی دنبال سرکوب قیمت‌ها علی‌رغم افزایش هزینه‌ها باشد، که این کار بی‌تردید موج تازه‌ای از ورشکستگی بنگاه‌ها و رکود را در پی دارد.» به اعتقاد وی، به نظر می‌رسد دولت دیر یا زود با رویای دلار ۴۲۰۰ تومانی همانند دلار ۱۲۲۶ تومانی در جهش قبلی قیمت ارز حتی برای کالاهای اساسی هم خداحافظی خواهد کرد. شاید هضم این واقعیت که قیمت ارز هرگز به سطح سابق بر نمی‌گردد، همچنان برای بسیاری از صنایع و سیاست‌گذاران سخت باشد اما این واقعیت امروز ایران است. قاسمی متذکر می‌شود: «سیاست‌گذاران دولتی و تولیدکنندگان باید در یک روند منطقی قیمت‌ها را با نرخ‌های واقعی ارز تعدیل کنند. این امر ممکن است باعث کاهش قابل توجه تقاضا در کوتاه‌مدت، کوچک شدن بازارها یا افزایش قیمت‌ها شود اما باید پذیرفت این روندها، نتایج و تاوان وابستگی به واردات و تولید واردات محور است.»

وی یادآور می‌شود: «یکی از مهم‌ترین آفت‌های سرکوب قیمت ارز توسط همه دولت‌ها، همین ایجاد یک خانه امن پوشالی روی قیمت‌های پایین ارز بوده است که واردات را از بسیاری از فرآیندهای تولیدی به صرفه‌تر می‌کند، اما این جهش‌های ارزی است که مشخص می‌کند خانه ساخته شده بر واردات، خانه‌ای روی آب بوده است و شاید تولیدکنندگان مجبور شوند بخشی از

همه سودهای سال‌های قبل را به عنوان زیان بپذیرند.» میثم دادخواه، کارشناس اقتصادی نیز با بیان اینکه اجناسی که با دلار وارد کشور می‌شوند، متأثر از افزایش قیمت دلار هستند، می‌گوید: «اگر قیمت دلار به ثبات برسد، بازار معمولاً به حالت عادی برمی‌گردد، اما وقتی روند صعودی باشد، شاید قسمتی از فروشندگان از اینکه کالای خود را بفروشند و دیگر نتوانند وارداتی به آن تعداد داشته باشد، نگران شوند و بنابراین از فروش کالا امتناع کنند. به گفته وی، فروشنده می‌تواند کالایش را نفروشد و کسی نمی‌تواند او را مجبور به فروش کند. بازار باید با دموکراسی کنترل شود نه با زورگویی.» دادخواه تصریح می‌کند: «واقعیت بازار این است که نمی‌توان از واردکننده و سرمایه‌گذاری که پولش را خوابانده و تجارت دارد، توقع داشت که وقتی دلار طی ۲۴ ساعت تقریباً ۱۰ درصد رشد می‌کند، جنسی که وارد کرده را بفروشد، زیرا تعهدی به کسی ندارد.»

این کارشناس اقتصادی بیان می‌کند: «زمانی که کنترل نرخ ارز غیرمنطقی و غیرمعقول است، نمی‌توانیم از فروشندگان در کل بازار توقع داشته باشیم که آنها معقول کار کنند. در کل منطقی است که اگر دلار ۱۰ درصد گران شود، فروشندگان کالاها را درصد بیشتری گران کنند اگر روز بعد دلار دوباره گران شد، بتوانند خود را دوباره به بازار واردات برسانند.» همچنین سیدناصر موسوی لارگانی، نماینده مجلس با اشاره به لزوم قطع وابستگی اقتصاد کشور به نفت عنوان می‌کند: «وابستگی به نفت باعث می‌شود در دیگر امور پیشرفت لازم محقق نشود و به اعتقاد بنده رویکرد فروش نفت برای تامین هزینه‌های جاری و روزمره به هیچ عنوان منطقی و صحیح نیست.» وی می‌گوید: «رونق صادرات غیر نفتی از ضروریاتی است که باید بجد، مدنظر قرار گیرد و می‌تواند هزینه‌های دولت نیز با اتکای به اخذ مالیات تامین شود و البته این امر به نحوی عملیاتی شود که به مالیات‌دهندگان فشار مضاعف تحمیل نشود و این مالیات‌ستانی به تعطیلی کارخانه‌ها و بنگاه‌های تولیدی منتهی نشود.»



## نیازمند تغییر هستیم

فضای جهت بحرانی می شود

یحیی آل اسحاق

فعال اقتصادی



در روزهای اخیر شاهد موج دوم گرانی ارز هستیم. البته خودم به جمع بندی روشنی درباره علل و عوامل این اتفاق نرسیدم. از نظر منابع ارزی نباید این طور می شد. از نظر عرضه و تقاضا اگر مدیریت ارز انجام شود، موجودی ارزی ما تا پایان سال ۲۱۰ میلیارد دلار و نیاز ارزی ۸۰ میلیارد دلار است اما به نظر می رسد نظام تدبیر گیر دارد. اگر نظام تدبیر درست سامان ببیذیرد، می تواند درست تنظیم کند.

البته دشمن کار می کند تا جو روانی راه بیندازد ولی اگر تدبیر درستی داشته باشیم امکان کنترل بازار ارز وجود دارد. ما ۱۲۰-۲۰۰ میلیارد دلار در سال کالای اساسی اعم از دارو و اقلام خوراکی نیاز داریم. کل واردات کشور در حوزه مواد اولیه و قطعات ۴۰ تا ۵۰ میلیارد دلار ارزیابی می شود. هزینه های دیگر را نیز می توان نهایتاً ۱۰ میلیارد دلار تخمین زد که جمع پُرپُز آن ۸۰ میلیارد دلار می شود. نگاهی به گزارش های بانک جهانی و سازمان های اقتصادی بین المللی نیز نشان می دهد که ایران ۱۲۰ میلیارد دلار در چین، هند و کره ارز دارد و صادرات غیرنفتی اش نیز دست کم ۴۵ میلیارد دلار است. مطمئناً در بدترین وضعیت نیز مطمئناً ۵۰ میلیارد دلار می توانیم نفت بفروشیم که جمع ارقام ۱۲۰ میلیارد دلار ارز موجود در کشورهای دیگر، ۴۵ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی و ۵۰ میلیارد دلار پول نفت حدود ۲۱۰ میلیارد دلار می شود. نسبت ۸۰ میلیارد دلار نیاز ارزی برای واردات به ۲۱۰ میلیارد دلار منابع و درآمد ارزی نشان می دهد که نباید با

مشکلی مواجه می شدیم. ضمن آنکه منابعی هم از ارزهای شخصی در شرکت ها و خانه ها وجود دارند. آنچه مهم است تدبیر و نظام تدبیر و قاطعیت در اعمال مدیریت در حوزه بازار ارز است. پرداخت ۲۰ میلیارد دلار برای واردات کالاهای اساسی باید به موقع انجام شود و بر واردات و عرضه نظارت صورت گیرد که امکان نظارت هم وجود دارد و مساله پنهانی نیست. چون می دانیم ارز را به چه کسی باید داد؟ چه کالایی می خواهد بیاورد؟ چه زمانی می آورد و چطور می خواهد ذخیره کند؟ بنابراین نظامی باید تنظیم کند که منابع هدر نرود تا مشکلات در حوزه های مختلف مثل پوشاک و شیرخشک پیش نیاید.

همین الان در گمرکات کلی جنس و مواد اولیه برای تولید است. پس مکانیزی باید باشد که این دستگاه گردن آن دستگاه بیندازد. در رابطه با معیشت مردم الان بین وزارت صنعت، معدن و تجارت و وزارت کشاورزی دعواست. این لوژ شدن مسائل در شرایط غیرعادی به ایراد نظام مدیریتی برمی گردد که زبینه نیست. واقعا جای سوال دارد وقتی واردات، ارز، توزیع، قیمت گذاری و نظارت دست دولت است، چرا این وضعیت اتفاق می افتد؟

نظامی به نام بازار ثانویه ارز درست کردند و عرضه کننده ها عمدتاً پتروشیمی ها هستند. پتروشیمی ها همین الان بالای ۳۰ تا ۴۰ میلیارد دلار منابع ارزی دارند و می توانند به بازار ارز ثانویه بیاورند. کارخانجات فولاد نیز به همین شکل منابعی دارند. صنعت پتروشیمی و فولاد هر دو تحت مالکیت دولت هستند، اینها می توانند ارز را با قیمت مناسب به بازار ثانویه عرضه کنند.

اگر درست این کار انجام می شد، قیمت ارز در بازار ثانویه روی ۶ تا ۷ هزار تومان می آمد اما هم اکنون قیمت دلار ۹ هزار تومان است. علت این اتفاق به عدم عرضه مناسب ارز برمی گردد. در بازار ثانویه هم به علت آنکه تکلیف معلوم نیست تقاضا به این بازار نیامده چون نگرانی است. در بازار ثانویه ارز به کسی می دهند که ثبت سفارش کرده باشد، بنابراین ورودی و خروجی مقدار ارز معلوم و کاملاً مساله تحت نظارت است.

بازار سوم، برای تقاضاهای مردم عادی است که حدود ۳ درصد مبادلات ارزی کشور را تشکیل می دهد. متأسفانه این بازار سوم ممالک تعیین قیمت ارز شده است. یعنی وقتی ارز در این بازار گران می شود همه

توجه ها را به خود جلب می کند و کسی بخش های دیگر را نمی بیند که ۲۰ میلیارد دلار کالاهای اساسی با دلار ۴۲۰۰ تومان تأمین می شود یا حجم تبادل در بازار ثانویه ۴۵ میلیارد دلار است.

مگر گندم، روغن و برنج و مواد اولیه و قطعات با ارز آزاد می آید؟ وقتی همه بر بازار سوم تمرکز کردند، عدم صحبت و عدم حضور به موقع مسئولان و اختلافات بین آنها نیز به جو روانی حاضر در جامعه دامن می زند. وقتی این جو ایجاد شد نهایتاً دشمن بهره برداری می کند، یعنی همان کسانی که در وزارت خزانه داری آمریکا مشغول اجرای برنامه های تحریمی علیه ایران هستند، تشویق می شوند تا به آتش این جنگ روانی بدمند. عوامل نفوذ داخلی نیز دائماً در سایت ها و روزنامه ها به بزگنمایی می کنند که همه این عوامل دست به دست هم می دهند تا نتیجه اش همین می شود که می بینیم. گیر اصلی مربوط به نظام تدبیر و روحیه برخورد و شیوه های اعمال اقتدار و توانایی ماست. همه اقتدار کشور امنیتی شده، قوه قضائیه بنا به وظیفه خود با مفسدین برخورد می کند ولی نمی شود همه کشور را امنیتی کرد چون در این وضعیت هیچ کسی انگیزه و امید به فعالیت ندارد. اگر یک نفر اشتباه کرد نباید همه را با همان نگاه قضاوت کرد. در هر شهر برای نیازهای معمولی مردم ذخایری وجود دارد، نمی شود که موجودی این انبارها صفر باشد. دولت برای کالاهای ضروری باید ذخایر استراتژیک داشته باشند. مثلاً درباره کالاهای اساسی باید ۹۰ روز نیاز کشور تأمین باشد. حالا اینکه ما از دم همه را احتکار بگیریم، این نگاه امنیتی بیش از دوز لازم است.

این به آن معنا نیست که نباید با محتکران برخورد کرد اما این برخورد باید در حد خودش انجام شود. این طور نباشد که همه نگران باشند و بعد هم در کالاهای حساس مثل شیرخشک زندگی روزمره مردم به مشکل بخورد. وقتی سرپرست یک خانواده در تأمین پوشاک و شیرخشک بچه اش با مشکل مواجه شود، دست به هر کاری می زند و بعد می رود نیاز ۶-۵ روز و یک ماهش را می خرد. این موجب می شود که حجم تقاضا بالا برود.

در نیاز مدیریتی دولت تغییر رویکرد لازم است. این دولت تصور می کرد با مذاکرات و ارتباطات بین المللی همه مسائل حل می شود. با این دیدگاه در جاده داشت جلو می رفت اما کوه ریزش و جاده را مسدود کرد. دولت هم قبول دارد که راه مسدود است اما حالا باید برگردد و وارد جاده جدیدی شود، ضمن آنکه راه بلد خود را نیز تغییر دهد اما هرچه به آقای روحانی گفته می شود این تیم اقتصادی برای وضعیت جدید رویکرد متناسب نمی تواند ارائه دهد و باید نیروهای دیگری به کار گرفته شوند، او نمی پذیرد، چرا؟ چون امید دارد که بتواند در قالب مذاکره با اروپا از بغل سنگ های ریخت شده بر کف جاده راه باریکه ای باز کند و در همان جاده به مسیر خود ادامه دهد اما این کار شدنی نیست. حداقل الان که مشخص است امکان عبور وجود ندارد، دولت باید برگردد و مسیرهای دیگر را امتحان کند تا وقتی راه باز شد دوباره به جاده اول تغییر مسیر دهد.

متأسفانه هر قدر هم که دلسوزان می گویند، آن را سیاسی برداشت می کنند در حالی که این طور نیست. ترامپ امروز خط و نشان برای ما می کشد و همگان می گویند در وضعیت جنگ اقتصادی هستیم، بنابراین دولت برای اداره وضعیت جدید نیازمند آدم هایی با روحیه رزمی است، به عبارت دیگر نباید اصرار کند نیروهای فعلی بمانند. خبرهایی می رسد که برخی وزرا به رئیس جمهور اعلام استعفا می کنند اما او در مقابل پذیرش این استعفاها مقاومت می کند. متأثر از این اتفاق مجلس وارد شد و شروع به استیضاح وزرا کرد. مردم این صحنه را می بینند و نگران می شوند. معتقدم فضای جهت دارد متلاطم و بحرانی می شود، در حالی که علی القاعده نباید این طور باشد.

# چالش بی اعتمادی

## جلوی عملکرد واسطه‌های ارزی را نگیرد



میثم رادپور  
کارشناس ارزی

قواعدی که بر بازار ارز حاکم است به خوبی نشان می‌دهد شرایط حاکم بر بازار، شرایط پایداری نیست. هر چند عوامل متعددی هستند که هر یک به نوعی در ایجاد شرایط پیش آمده سهم دارند اما عملکرد دولت در حوزه بازار ارز و القای حس بی اعتمادی به بازیگران اصلی بازار، یکی از دلایل اصلی افزایش قیمت‌های ارزی است. اما عملکردی که دولت در بازار ارز از خود نشان داده، با

بالا رفتن ریسک فعالیت ارزی بازیگران آن همراه بوده است. بر این اساس وقتی دولت واسطه‌های بازار آزاد و افرادی را که در بازار آزاد حواله صادر می‌کنند مجرم تلقی می‌کند، باعث از بین رفتن عملکرد واسطه‌های ارزی که همان بازیگران اصلی بازار هستند، می‌شود. بر این اساس، اصطکاک‌هایی که بین بازارهای ثانویه و آزاد ارزی وجود دارد، از تبادل درست اطلاعات بین دو بازار جلوگیری و آن را هزینه بر کرده است. برای مثال کاری که واردکننده باید در بازار ثانویه ارزی انجام دهد، در اختیار گذاشتن تضمین لازم به بانک است و تضمین ۱۲۰ درصدی ارزی که صرف واردات می‌شود، به هزینه تراشی برای واردکننده می‌انجامد که بانک هزینه ناشی از این تضمین را به واردکننده پرداخت نمی‌کند. این

در حالی است که انجام این معاملات در بازار آزاد توسط واردکننده، هزینه‌هایی از این دست را به‌وی تحمیل نمی‌کند. از سویی وقتی دولت امکان دسترسی قانونی برای مصرف ارز صادراتی را در بازار آزاد فراهم نمی‌کند و آن را تنها برای واردات مورد نظر قرار می‌دهد، تامین نیازهای ارزی بازار آزاد را تنها باید از نشتی‌های بازار ثانویه تامین کرد که این نشتی‌ها نیز خود از طریق صادرات تامین می‌شود.

اینها را می‌توان عوامل بنیادینی دانست که به بالا رفتن اصطکاک تبادلات دو بازار ارز و ثانویه منجر شده است. از سویی تفاوت قیمت‌های فاحش در دو بازار نیز نشان از نوعی آشفتگی در بازار ارزی دارد و بازاری که دچار آشفتگی است، به برداشته‌های نادرست از تصمیمات آن منجر می‌شود و پیام‌های نادرستی را به بازار مخابره می‌کند. بنابراین باید دولت به تقاضای ایجاد شده در بازار پاسخ گوید و با ایجاد محدودیت، جلوی تقاضای ایجاد شده را نگیرد، چه آنکه افزایش قیمت‌ها در بازار آزاد، بازار ثانویه ارزی را نیز تحت فشار قرار می‌دهد و چنین موضوعی تنها به افزایش نگرانی‌های بیشتر منجر می‌شود.

# بحران مدیریت

## کار از دست دولت در رفته است



احمد کریمی اصفهانی  
دبیر کل جامعه اصناف و بازار

از اول انقلاب تا کنون بارها بر اهمیت طبقه پایین جامعه که از قضا بخش وسیعی از جامعه را تشکیل می‌دهند، تاکید کرده‌ایم. پایین آمدن ارزش پول ملی نسبت مستقیمی با کاهش قدرت خرید این قشر دارد. در شرایط موجود جامعه و با بالا رفتن نرخ ارز شاهد همین مساله هستیم و قطعاً پیامدهایی برای دولت خواهد داشت. افزایش نرخ ارز می‌تواند هدفمندی برنامه باشد اما اکنون به نظر می‌رسد که روند صعودی نرخ ارز هدفمند نیست زیرا اگر دولت هدفمند این کار را می‌کند، باید هدف خود را مشخص کرده و در آینده نیز بتواند به هدف خود یعنی مهار نرخ ارز برسد. بی‌ثباتی در نرخ ارز تبعات روشنی همچون نابودی بخش تولید و افزایش بیکاری دارد. وضعیت اقتصادی موجود بدنه جامعه را تحت فشار قرار داده است. نگاه‌های تولیدی به حداقل ظرفیت رسیده و این موجب آغاز رویه تعدیل نیروی انسانی و افزایش بیکاری است. طبیعتاً بیکاری خود موجب افزایش ناراضی عمومی و فساد است.

اثبات ضعف دولت آقای روحانی در حوزه اقتصاد نیاز به دلیل آوردن ندارد. وضعیت کنونی جامعه بهترین دلیل برای اثبات ناکارآمدی تیم اقتصادی دولت است. مشاهده می‌کنیم که حدود توان اقتصادی مردم و قشر ضعیف به یک سوم رسیده است. این وضعیت صرفاً محدود به حقوق بگیران نیست. کارگران، بازنشستگان و اصناف نیز معضلات و مشکلات خود را دارند و این شرایط نتیجه‌ای غیر از کاهش محبوبیت دولت ندارد. سیر صعودی نرخ ارز تا حدودی ناشی از مسائل روانی است، اما مشکل اصلی سوءمدیریت است. ما بحران ارزی نداریم، بلکه بحران مدیریت داریم. تا زمانی هم که این بحران حل نشود، وضعیت سامان نمی‌یابد. همان‌طور که دولت اشاره می‌کند، درآمدهای نفتی کاهش نیافته است، اما مشکلات روز به روز بیشتر می‌شود.

این وضعیت موجب کاهش محبوبیت دولت است. یکی دیگر از پیامدهای این وضعیت نیز سلب اعتماد مردم از دولت است و این بدترین ضربه را به نظام می‌زند. سلب اعتماد مردم نسبت به مسئولین کشور مشکلات بسیاری به همراه خواهد داشت و به نظر می‌رسد که مادر چنین وضعیتی قرار داریم. از طرف دیگر شاهد عدم صداقت و دروغ‌های پی‌درپی از سوی مسئولان دولتی و به خصوص تیم اقتصادی هستیم. وعده‌هایی می‌دهند که عملی نمی‌شود این مسائل یکی پس از دیگری به بحران‌های موجود دامن می‌زند. آنچه اکنون مانع از سقوط دولت آقای روحانی شده، حمایت‌های مقام معظم رهبری است. بدون شک اگر این حمایت‌ها نبود مجلس باشد بیشتری عمل می‌کرد. مردم نیز به خاطر این بی‌اعتمادی مشکلاتی برای دولت پدید می‌آورند اما رویکرد رهبری حمایت از دولت است. ما باید به صحنه بین‌المللی نیز توجه داشته باشیم. اگر رهبر انقلاب دست از پشت دولت بردارد و دولت بریزد مثل ایتالیا و امثال آن نیسیتم و مدت‌ها دچار مشکل خواهیم بود. برای همین هم امام و هم رهبری تاکید دارند که دولت‌ها باید دوره خود را تمام کنند. نکته دوم این است که اگر غیر از این باشد، دیگر سنگ روی سنگ بند نمی‌شود و کشورهای خارجی و دشمنان تهاجمات خود را آغاز می‌کنند. مهم‌تر از آن سقوط دولت به تدریج به یک رویه تبدیل می‌شود. ضمن اینکه دولت سقوط کرده نیز همیشه بهانه داشته و می‌گوید که اگر فرصت اتمام دولت را داشتیم، می‌توانستیم مسائل را حل و فصل کنیم. اکنون فرصت لازم به دولت داده شده است اما آقای روحانی و دولت او باید بدانند که خطرات خوبی برای ملت باقی نگذاشته‌اند. همه این‌ها در تاریخ ثبت و ضبط خواهد شد. همان‌طور که هم دوران احمدی‌نژاد ثبت شده است و هم صدارت امیرکبیر. این طور نیست که با گذشت زمان مسائل فراموش شود. این همه سال از صدارت امیرکبیر گذشته اما هنوز خاطر آن سی و هفت، هشت ماه در ذهن مردم ماندگار است. در عین حال مشکلاتی که احمدی‌نژاد برای این کشور پدید آورد هرگز فراموش نخواهد شد. امکانات خوب نفتی در آن دوره داشتیم و به‌طور میانگین نفت را ۱۱۰ دلار فروختیم چنان‌که در آن هشت سال اندازه ۲۶ سال قبل از آن درآمد داشتیم، اما

بای عرضگی و سوء استفاده آن همه مشکل پدید آورد و مردم هرگز آن مشکلات را فراموش نخواهند کرد.

حمایت‌های حاکمیتی حد و حدودی دارد و تا ابد ادامه نخواهد داشت. به هر حال این امتیازی برای دولت است و باید از لحظه لحظه و کلمه کلمه آن استفاده کند. به‌طور طبیعی اگر به حل مشکلات توجه نداشته باشد حمایت‌ها نیز از او سلب می‌شود. به صراحت می‌گویم که بزرگترین سرمایه دولت روحانی در حال حاضر حمایت‌های رهبری است و اگر خدای نا کرده این حمایت‌ها از دولت برداشته شود، اتفاق خوبی برای او نمی‌افتد. من تقریباً هیچ اقدام مثبتی در مجموعه عملکرد دولت نمی‌بینم. اکثر کارها منفی است و مشکلات را بیشتر می‌کند. می‌توان به صورت قطع به یقین گفت که کار از دست دولت در رفته و نمی‌تواند مسائل را حل کند. بهترین کار این است که خود وضعیت را ارزیابی کرده و اگر به این جمع‌بندی می‌رسد که قادر به حل و فصل مشکلات نیست، علی‌رغم حمایت‌های مقام معظم رهبری از قدرت کناره‌گیری کند. به هر حال خود آقای رئیس دولت بهتر می‌داند که قادر است به شرایط سامان دهد یا خیر. اگر واقعا می‌داند که نمی‌تواند، جامعه را بیش از این ملت‌هت می‌کند. او که وضعیت را می‌بیند. آفتاب بهترین دلیل برای اثبات خورشید است. به نظر من چیزی نمانده که دولت برای اثبات بی‌کفایتی خود به آن نیاز داشته باشد. بالاخره خاطره بهتری است. همین اعتراف به ناتوانی بخشی از گناه او را کم می‌کند. اگر دولت استعفا دهد، فرصت برای آمدن کسانی که توانمندی اداره امور را دارند فراهم می‌شود. البته در مورد سخن رهبری که فرمودند دولت بماند و کار را تمام کند بحث نمی‌کنم زیرا در صحنه بین‌المللی نیز نیاز به مانایی دولت داریم. سقوط دولت در این شرایط نشانه ضعف نظام است و حمایت‌های موجود نیز به همین دلیل است. اگر نه کسی قوم و خویشی با آقای روحانی ندارد و حمایت‌های فعلی برای سامان دادن به شرایط است. با این حال تاکید می‌کنم که اگر این توان را در خود نمی‌بیند کنار رفته و جامعه را بیش از این ملت‌هت نکند. به نظر من اگر دولت خودش کنار برود خیلی بهتر از آن است که مجلس، مردم یا مقام معظم رهبری به این جمع‌بندی برسند که دولت باید برکنار شود. شرایط فعلی جامعه به نحوی است که اگر حمایت‌ها از دولت سلب شود عده‌ای به شکل دیگری انتقاد کرده و می‌گویند که چرا از دولت حمایت نشد. مسلماً ما نمی‌خواهیم که چنین فضایی ایجاد شده و شاهد چند دستگی در کشور باشیم، لذا خیلی بهتر است که دولت ارزیابی صحیحی از توان خود داشته و در صورت اینکه قادر به ادامه کار نیست، کناره‌گیری کند.



## مردم در شوک هستند

چرا دولت نمی تواند بازار ارز را کنترل کند؟

جمشید عدالتیان

عضو اتاق ایران



رشد ناگهانی قیمت ارز در هفته گذشته برای من جای سوال داشت چون اتفاق جدیدی نیفتاد که متأثر از آن بخواهد قیمت ارز نوسان پیدا کند. برخلاف دکتر سیف که معتقد به بگیر و ببنده بود، دکتر همتی به بازار آزاد و مدیریت شناور قیمت ارز اعتقاد دارد. او وقتی به ریاست بانک مرکزی منصوب شد، سیاست بازار آزاد را برای ارز دنبال کرد و برای کالای اساسی ارز ۴۲۰۰ تومان تخصیص داد تا مردم تحت فشار قرار نگیرند اما برای ارز مورد نیاز واردات مواد اولیه کارخانه‌ها سیاست بازار ثانویه را به کار برد و مقرر کرد که با ۵ درصد اختلاف صرافی‌ها به عرضه ارز بپردازند تا سایر مایحتاج ارزی مردم پاسخ داده شود. وضعیت اخیر عملاً همه تدابیر و طراحی‌های بانک مرکزی را مختل کرد.

گرچه به ظاهر کمبود عرضه ارز و مساله روانی را عامل افزایش قیمت‌ها می‌دانند اما با این نرخ‌هایی که می‌شنویم به نظر نمی‌آید تقاضای واقعی عامل اصلی باشد چون با دلار ۱۵ هزار تومان نه می‌شود مسافرت رفت، نه بیمار به خارج کشور اعزام کرد، نه دانشجویی

زیادی با قیمت واقعی که حدود ۸ تا ۹ هزار تومان است داشت و این یعنی ۶ تا ۷ هزار تومان بالاتر از قیمت واقعی. در چنین وضعیتی متقاضی برای خرید وجود ندارد. به نظرم یک توطئه‌ای وجود دارد و اینجا وزارت اطلاعات باید سریع دخالت کند و جلوی اخلاک‌گراان بازار ارز را بگیرد.

باز هم تأکید می‌کنم آنچه در حال وقوع است غیرطبیعی، غیرواقعی و غیرمنطقی ارزیابی می‌شود، عواملش هم باید سریعاً شناسایی شود تا بنیم آیا مزدوران خارجی پشت پرده ماجرا هستند یا موضوع سوداگری است و دلار از این دست به آن دست می‌چرخد و تصنعی قیمت بالا می‌رود.

اینکه آقای روحانی در مجلس گفت «اگر اراده کنم قیمت ارز را پایین می‌آورم» بله، من هم معتقدم چنین امکانی را دارد، البته برخی معتقدند افزایش قیمت دلار با اراده دولت اتفاق افتاد اما من چنین دیدگاهی ندارم. معتقدم دولت و بانک مرکزی روی دلار ۸-۷ هزار تومان تمرکز داشتند که با اختلاف ۵ درصد در بازار صرافی نهایتاً با رقم ۹ هزار تومان خرید و فروش شود اما آنچه رخ

می‌تواند درس بخواند و نه نیازی را مرتفع می‌کند، بنابراین چون نیاز واقعی نیست، متقاضی واقعی هم در بازار وجود ندارد. عوامل اصلی این اتفاق را سوداگری یا دخالت خارجی می‌دانم.

دخالت کشورهای خارجی در بازار ارز ایران را احتمال می‌دهم چون انگیزه عربستان و امارات برای متلاشی کردن اقتصاد ایران زیاد است. در خیلی از تبلیغات خرید و فروش ساختمان در دبی مطرح می‌شود که ریال می‌پذیرند. این ریال را حتی اگر ضرر کنند از متقاضی‌های خرید ساختمان در دبی می‌گیرند و در داخل شروع به خرید ارز می‌کنند.

قیمت دلار وقتی به ۱۵ هزار تومان رسید فاصله

»

آیا استراتژی دولت تدافعی است یعنی همان طور که آقای روحانی گفت می‌خواهد برای روز مبادا صرفه‌جویی ارزی کند یا استراتژی بازار را مبنای کار خود قرار داده است. این نامشخص بودن استراتژی باعث شده که پیش‌بینی وضعیت اقتصادی بسیار مشکل شود و فعالان اقتصادی در اینجا سردرگم باشند.

»

داد خارج از این قاعده است چون به اندازه کافی ذخیره ارزی در کشور داریم؛ پس وضعیت کنونی بازار ارز طبیعی نیست. اگر هم با اراده دولت انجام می شود معنایش این است که خود دولت اخلاک‌گر اصلی اقتصاد است و مجلس باید دولت را به عنوان اخلاک‌گر بزرگ اقتصادی استیضاح کند. اما به نظر من دولت و بانک مرکزی مایل نیستند که قیمت دلار بیشتر از ۹۰۰ هزار تومان شود چون اقتصاد کشور از هم می پاشد.

تولید با دلار ۱۵ هزار تومان اصلا صرف ندارد. هیچ مسافری از ایران نمی تواند به خارج کشور برود. باز هم تأکید می کنم برای دلار ۱۵ هزار تومان تقاضای واقعی وجود ندارد. به نظر می آید فقط سوداگری و اخلاک‌گران اقتصادی باید در پدید آوردن این وضعیت دست داشته باشند.

شورای اقتصاد مقاومتی، جلسه سران سه قوه، شورای بحران و شورای عالی اعتبارات در بانک مرکزی باید خیلی بیشتر هماهنگ عمل کنند. یک سری مسائل مربوط به مدیریت ضعیف است. به نظر من مدیریت کنونی، مدیریت بحران نیست.

وقتی جنگ اقتصادی جریان دارد، باید سیاست‌های مدیریت بحران به کار گرفته شود اما استراتژی دولت در قبال وضعیت فعلی کاملا روشن نیست. آیا دولت استراتژی تدافعی دارد یا استراتژی تهاجمی؟ این را به عنوان یک فعال اقتصادی نمی توانم برای خود مشخص کنم.

به شخصه نمی دانم پلن اول و پلن دوم دولت در صورتی که تحریم‌ها تشدید شود چه است و این کاملا شفاف نیست. شاید سناریوها برای خود دولت شفاف باشد ولی از رفتار و عمل اقتصادی آنها به عنوان یک اقتصاددان و فعال اقتصادی هیچ نوع سیگنالی نمی گیرم.

آیا استراتژی دولت تدافعی است یعنی همان طور که آقای روحانی گفت می خواهد برای روز مبادا صرفه جویی ارزی کند یا استراتژی بازار را مبنای کار خود قرار داده است. این نامشخص بودن استراتژی باعث شده که پیش بینی وضعیت اقتصادی بسیار مشکل شود و فعالان اقتصادی در اینجا سردرگم باشند.

عملا در یک هفته گذشته هیچ کس به ما مواد اولیه نفروخت. کارخانه ما کاملا از کار افتاده است. پیش از آن هم مدت‌ها بود که به حالت نیمه فعال کار می کردیم. با این وضعیت دیگر نمی توانیم اقساطمان را بدهیم. صدها تولیدی وضعیت مشابه ما را دارند. اگر دولت واقعا استراتژی خود را مشخص و مردم و تولیدکننده را قانع کند، قطعاً وضعیت بهتری خواهیم داشت اما الان بیشتر سیگنال بلاتکلیفی و منفعل بودن از دولت دریافت می شود.

در واقع بانک مرکزی و دولت نشستند و ناظر بر نواسان قیمت دلار هستند. هیچ احساس نمی شود که حرکتی وجود دارد. پیام افزایش قیمت دلار این است که بحران وجود دارد و بازار از دست دولت خارج است. این پیام باید مورد توجه قرار گیرد، اگر این طور نشود می تواند برای کل اقتصاد خطرناک باشد.

دلار ۱۵ هزار تومانی از تورم ۱۰۰ تا ۲۰۰ درصدی است، این واقعا با وضعیت کشور جور در نمی آید. کسی که در پشت صحنه دلار ۱۵ هزار تومانی است واقعا اخلاک‌گر محسوب می شود، چون بر مبنای فروپاشی اقتصاد ایران عمل می کند. خلاصه زنگ خطر به صدار درآمده است و اگر دولت برای خروج از بحران کاری نکند، به فاجعه نزدیک می شویم و اگر به فاز فاجعه اقتصادی برویم، مرحله بعد فروپاشی اقتصادی است که دیگر نمی توان آن را جمع کرد.



## نه پیشرفت، نه پسرفت

نتایج جا کارتا، ناکامی بود یا موفقیت؟



داشته باشد، مجموع ۲۰ مدال هم در رشته‌های رزمی به دست آمد، در وزنه‌برداری طلا و نقره سنگین وزن باز هم از آن ایران شد و در رشته‌هایی دیگر همچون قایقرانی، دوومیدانی، تیروکمان، تیراندازی و شمشیربازی مدال‌هایی برای ورزش ایران به دست آمد.

البته مدال این رشته‌ها و ورزشکاران شان قابل توجه است اما این گونه موفقیت‌ها در این رشته‌ها دوره به دوره تکرار می‌شود و این اثبات می‌کند پیشرفت آنها که از خیلی وقت پیش آغاز شده، همچنان در حال ادامه مسیر است و این گونه در کسب جایگاه ششمی ایران تأثیرگذار بوده‌اند. در این میان مهم‌ترین موضوع در رابطه با کاروان ایران، اتفاقاتی بود که

۶۲ رسید که نسبت به مجموع مدال‌ها در اینچئون بیشتر است. ایران در بازی‌های آسیایی ۲۰۱۴ اینچئون به ۲۱ مدال طلا، ۱۸ مدال نقره و ۱۸ مدال برنز (مجموع ۵۷ مدال) رسیده بود. اما حضور کاروان ایران در هجدهمین دوره بازی‌های آسیایی در کنار بسیاری از حاشیه‌ها و ناکامی‌هایش، اتفاقات مثبتی هم داشت که امیدها را مضاعف کرد. کاروان ایران در بازی‌های آسیایی صاحب ۶۲ مدال شد. البته به جز ۷ مدال که تاریخی شدند، سایر مدال‌ها در ورزش ایران دارای پیشینه بودند و از جمله طلای والیبال و نقره بسکتبال. کشتی هم در جا کارتا ۸ مدال برای کاروان ایران کسب کرد تا مثل همیشه سهم قابل توجهی در عملکرد کلی کاروان

بازی‌های آسیایی ۲۰۱۸ اندونزی برای کاروان ایران با ۲۰ مدال طلا به پایان رسید و ایران در ده ششم جدول مدالی قرار گرفت.

هجدهمین دوره بازی‌های آسیایی ۲۰۱۸ اندونزی، با ۲۰ مدال طلا، ۲۰ مدال نقره و ۲۲ مدال برنز برای کاروان ایران به پایان رسید و ایران در پایان مسابقات در ده ششم جدول مدالی قرار گرفت. ایران در بازی‌های آسیایی ۲۰۱۴ اینچئون موفق به کسب ۲۱ مدال طلا و رتبه پنجمی شده بود اما کاروان ایران در اندونزی نتوانست تعداد مدال‌های طلا و همچنین رتبه دوره قبل را تکرار کند. البته مجموع مدال‌های کاروان ایران در اندونزی به عدد

### مدال آوران برنز:

- ۱- رضا اطری (کشتی آزاد)
- ۲- فرزنان عاشورزاده (تکواندو)
- ۳- علی پاکدامن (شمشیربازی)
- ۴- مهرداد مردانی (کشتی فرنگی)
- ۵- محمد رضا گرابی (کشتی فرنگی)
- ۶- مه‌لقا جام‌بزرگ (تیراندازی)
- ۷- تیم قایقرانی رویینگ دونفره دختران (مریم کریمی و پریسا احمدی)
- ۸- ناهید کیانی (تکواندو)
- ۹- حمیده عباسعلی (کاراته)
- ۱۰- تهمینه کربلایی (پنجاک سیلات)
- ۱۱- علی هاشمی (وزنه‌برداری)
- ۱۲- تیم ملی بسکتبال سه نفره مردان
- ۱۳- پگاه زنگنه (کاراته)
- ۱۴- تیم میکس کامپوند ایران (تیروکمان: فرشته قربانی و نیما محبوبی)
- ۱۵- ذبیح‌الله پورشیب (کاراته)
- ۱۶- قنبرعلی قنبری (کوراش)
- ۱۷- امید تیزتک (کوراش)
- ۱۸- تیم قایقرانی کایاک چهار نفره مردان (احمد رضا طابالیان، پیمان قویدل، علی آقامیرزایی و امین بوداگی)
- ۱۹- محمد نبی رضایی (قایقرانی)
- ۲۰- محمد محمدی بریمانلو (جودو)
- ۲۱- نوشاد عالمیان (تنیس روی میز)

### مدال آوران نقره:

- ۱- مرجان سلحشوری (پومسه تکواندو)
- ۲- کوروش بختیار (پومسه تکواندو)
- ۳- زهر کیانی (تالو ووشو)
- ۴- فرود ظفری (ووشو)
- ۵- الهه منصوریان (ووشو)
- ۶- شهربانو منصوریان (ووشو)
- ۷- امیرمحمد بخشی (تکواندو)
- ۸- تیم قایقرانی رویینگ چهار نفره دختران (مریم کریمی، مهسا جاور، نازنین رحمانی و مریم امیدی پارسا)
- ۹- نازنین ملایی (قایقرانی)
- ۱۰- نازنین رحمانی و مریم امیدی پارسا (قایقرانی)
- ۱۱- تیم شمشیربازی مردان ایران در اسلحه سابر (مجتبی عابدینی، سیدعلی پاکدامن، محمد رهبری و فرزاد باهر)
- ۱۲- امیر مهدی زاده (کاراته)
- ۱۳- طراوت خاکسار (کاراته)
- ۱۴- رزیتا علیپور (کاراته)
- ۱۵- سعیدعلی حسینی (وزنه‌برداری)
- ۱۶- جعفر پهلوانی (کوراش)
- ۱۷- هدیه کلاظمی (قایقرانی)
- ۱۸- سعید ملایی (جودو)
- ۱۹- امیر مرادی (دوومیدانی)
- ۲۰- تیم ملی بسکتبال

### اسامی مدال آوران کاروان ایران در بازی‌های آسیایی ۲۰۱۸ اندونزی به شرح زیر است:

#### مدال آوران طلا:

- ۱- علیرضا کریمی (کشتی آزاد)
- ۲- حسن یزدانی (کشتی آزاد)
- ۳- پرویز هادی (کشتی آزاد)
- ۴- سعیدرجبی (تکواندو)
- ۵- میرهاشم حسینی (تکواندو)
- ۶- محمدعلی گرابی (کشتی فرنگی)
- ۷- حسین نوری (کشتی فرنگی)
- ۸- محسن محمدسیفی (ووشو)
- ۹- عرفان آهنگریان (ووشو)
- ۱۰- رضا علیپور (سنگ‌نوردی)
- ۱۱- تیم ملی کبکدی دختران
- ۱۲- تیم ملی کبکدی مردان
- ۱۳- سهراب مرادی (وزنه‌برداری)
- ۱۴- سجاد گنج‌زاده (کاراته)
- ۱۵- بهمن عسگری (کاراته)
- ۱۶- بهداد سلیمی (وزنه‌برداری)
- ۱۷- حسین کیهانی (دوومیدانی)
- ۱۸- الیاس علی‌اکبری (کوراش)
- ۱۹- احسان حدادی (دوومیدانی)
- ۲۰- تیم ملی والیبال



کند و در رده پنجم قرار بگیرد. کاروان ایران در بازی‌های سال ۲۰۱۰ گوانگژو، ۲۰ طلا، ۱۵ نقره و ۲۴ برنز کسب کرده و در رده چهارم ایستاده بود. این دوره در اندونزی اما ایران در رده ششم جدول توزیع مدال‌ها ایستاد. بعد از پایان کار کاروان ورزش ایران در بازی‌های آسیایی جاکارتا علاوه بر وزارت ورزش و کمیته ملی المپیک که به هر حال باید این کار را می‌کردند، رئیس‌جمهور و رئیس مجلس شورای اسلامی نیز طی پیام‌های جداگانه‌ای از عملکرد کاروان ورزش ایران تقدیر کردند.

پرسش این است که این پیام تقدیر برای کدام کارویژه و شاخص کاروان ورزش ایران بوده است؟

این موضوع درست است که مادر برخی رشته‌ها نمایش قابل تقدیری داشتیم و برای نخستین بار به موفقیت‌های خوبی دست پیدا کردیم اما این مساله را هم باید در نظر داشت که در خیلی از رشته‌ها هم که تصور کسب مدال داشتیم، ناکام بودیم و نتوانستیم انتظارات را برآورده کنیم.

به نظر می‌رسد نگاه به ورزش به جای آنکه منطبق با واقعیت باشد به ابزاری برای کم کردن فشارها از روی دوش مردم تبدیل شده است. اما بزرگ‌نمایی اتفاقی که رخ نداده هم خیلی به سود آینده ورزش نیست.

«درخشش مقتدرانه همراه با کسب بیشترین مدال و بهترین نتایج تیمی از سوی ورزشکاران عزیز کشورمان در بازی‌های آسیایی «جاکارتا ۲۰۱۸» را به ملت بزرگ ایران، ورزشکاران، مدیران و مربیان پر تلاش کاروان ورزشی کشورمان تبریک می‌گویم و زحمات همه آنان را ارج می‌نهم. به‌ویژه آنکه علی‌رغم برخی اعمال نظرها در نتایج مسابقات نهایی، حضور و کسب نتایج درخشان قهرمانان عزیزمان در این دوره از بازی‌ها با رعایت منش و اخلاق پهلوانی همراه بود.»

این بخشی از پیام حسن روحانی است. پیام تبریکی که از سوی برخی رسانه‌ها مورد نقد قرار گرفت. با این حال برخی دیگر از کارشناسان و صاحب‌نظران نیز اعتقاد دارند با توجه به زیرساخت‌های ورزش کشور و مشکلاتی که در زمینه کشف استعدادها و پرورش ورزشکاران در شرایط حرفه‌ای وجود دارد نتایج به‌دست آمده در جاکارتا چندان هم نمی‌تواند به محل انتقاد تبدیل شود هر چند سقوط ایران از جایگاه چهارمی آسیا موضوعی نیست که بتوان به‌سادگی آن را توجیه کرد.

کرد. صعودنوشاد عالمیان به نیمه‌نهایی مسابقات تنیس روی میز و مدال آوری اش هم تاریخی تر از آن بود که به این راحتی قابل چشم‌پوشی باشد، به خصوص اینکه بعد از نیم قرن و با از سر راه برداشتن مدعیان بالائین رتبه‌های جهانی حاصل شد. این مدال‌ها و نام صاحبان آنها برای همیشه در تاریخ ورزش ایران ثبت خواهد شد؛ به خصوص که عاملان اصلی در ارزیابی مثبت کاروان ایران از نگاه مسئولان هستند اما آنچه اهمیت دارد اینکه برق و درخشش این مدال‌ها و تاریخ‌سازی‌ها نباید ورزش ایران و تصمیم‌گیرندگان را به اندازه‌ای تحت تاثیر قرار دهد که خطر عقب‌گرد و سقوط را نادیده بگیرند.

به هر حال نقطه‌ای که این ورزشکاران و مسئولان مستقیم‌شان بعد از کسب مدال‌های تاریخی در بازی‌های آسیایی به آن رسیده‌اند، قطعاً نه پایان راه است و نه از حاشیه امنیت به دور که اگر نگاهی غیر از این باشد، بی‌تردید به پسرفت ورزش کشورمان منجر خواهد شد.

حالا مسئولان ورزش در اظهار نظرهایی که بعد از بازی‌های آسیایی داشته‌اند به بررسی موفقیت‌ها و ناکامی‌های کاروان و حتی تشکیل ستاد برای آن اشاره کرده‌اند و اینکه بر اساس نتایج این ارزیابی‌ها برای المپیک و بازی‌های آسیایی آتی تصمیم‌گیری خواهد شد. شاید این نقطه امیدوارانه باشد که بتوان توسعه ورزش را در آن دید.

در عین حال اما پرونده هجدهمین دوره بازی‌های آسیایی در حالی بسته شد که ایران نسبت به دوره گذشته یک پله در جدول رده‌بندی مدال‌ها سقوط داشت و یک مدال طلا هم کمتر از قبل گرفت. با این حال در تعداد مدال‌ها پیشرفت داشتیم. این آمارها در حالی با واکنش‌های کارشناسان روبه‌رو شده که برخی اهالی ورزش تأکیدی می‌کنند: ورزش ایران در حالی در تعداد مدال‌ها نسبت به دوره گذشته رشد داشته است که حدود ۱۰۲ ورزشکار بیشتر از تعداد دوره گذشته با خود به اندونزی برده است. آیا با این افزایش تعداد ورزشکاران نباید مدال‌های طلا هم حداقل یک مدال نسبت به دوره گذشته اضافه می‌شد؟

در این دوره ۳۷۸ ورزشکار از کشورمان در رشته‌های مختلف با حریفان رقابت کردند، با وجود این، تعداد مدال‌های طلا نسبت به دوره قبل کمتر بود. ایران در دوره قبلی بازی‌های آسیایی در سال ۲۰۱۴ به میزبانی اینچئون با ۲۷۶ ورزشکار توانست ۲۱ طلا، ۱۸ نقره، ۱۸ برنز و مجموع ۵۷ مدال کسب

برای اولین بار با به واسطه طلسم شکنی رقم خورد و امیدها را برای درخشش در رشته‌های جدید زنده کرد.

در مجموع و در یک ارزیابی غالب از عملکرد کلی کاروان اعزامی به اندونزی هم می‌توان به این نتیجه رسید که همین اتفاقات، نقاط مثبت مجموعه کاروان ایران را موجب شدند و آن را از انتقاد محض در امان نگاه داشتند. در غیر این صورت همین رضایت نسبی هم از این کاروان و عملکردش ایجاد نمی‌شد.

شاید اولین نقطه مثبت در مورد کاروان ورزش ایران در رابطه با حضور کمی بانوان بود که با ۱۰۵ ورزشکار رکوردی تاریخی را به ثبت رساند اگرچه هیچ یک سهمی از مدال‌های طلای توزیع شده نداشتند. اما رکورد‌های اصلی در جریان بازی‌ها به دست آمد تا ثابت شود رشته‌هایی هستند که به جمع رشته‌های در حال پیشرفت و افتخار آفرین قبلی اضافه خواهند شد.

قهرمانی کبکی آن هم همزمان در هر دو بخش مردان و زنان که در حضور مدعی قدیمی این رشته یعنی هندو برای اولین بار به دست آمد، یکی از مثبت‌ترین اتفاقات ورزش ایران در این دوره از بازی‌های آسیایی بود به خصوص اینکه در یک رشته گروهی به دست آمد و تا حدی کمبودهای ورزش ایران در مدال گروهی را جبران کرد. بعد از آن هم که واترپلو با ایستادن روی سکوی سوم و طلسم شکنی ۴۴ ساله ادامه‌دهنده این راه بود. مدال برنز واترپلو در شرایطی به دست آمد که آخرین مدال این رشته در بازی‌های آسیایی ۱۹۷۴ که ایران میزبان آن بود، به دست آمده بود. در این بین از دیگر مدال‌هایی که برای اولین بار و با هم در رشته گروهی به دست آمد هم نباید غافل شد، یعنی مدال برنز بسکتبال سه به سه.

مدال زهر کبکی در تالو هم که در فینال اما به رنگ نقره به دست آمد، طلسم بی‌مدال بانوان در این رشته را شکست. از دیگر طلسم شکنی‌های ایرانی‌ها در بازی‌های آسیایی مربوط به مدال طلای ارزشمندی می‌شود که توسط رضا علیپور و در صخره‌نوردی به دست آمد و جزو اولین‌ها بود.

قهرمانی حسین کیهانی در دو استقامت هم هیچ حرف و حدیثی برای این ورزشکار باقی نگذاشت چرا که با عملکردش طلسم تاریخی طلا و طلسم ۲۰ ساله مدال را در این ماده بازی‌های آسیایی شکست و علاوه بر این از رکورد ایران در این رشته که متعلق به خودش بود هم ۱۱ ثانیه کم

## حد ورزش ما همین است

گفت‌وگوی مثلث با مصطفی هاشمی طباطبائی

ایران در این دوره از رقابت‌های آسیایی در جایگاه ششمی قرار گرفت و با دو پله سقوط نسبت به دوره قبلی بازی‌های آسیایی به کار خود پایان داد. ارزیابی شما از عملکرد کاروان ورزش کشورمان چیست؟

▶ به نظر من نتیجه‌ای که برای کاروان ورزش ایران در بازی‌های آسیایی انجام شد در حد ورزش‌مان بود؛ نه چیزی بیش و نه چیزی کم. یعنی نه فراتر از داشته‌هایمان عمل کردیم و نه پسرقتی داشتیم.

**بنابراین شما جایی برای انتقاد نمی‌بینید؟**

▶ به نظرم در حد انتظار بود. حالا شاید یکی، دو مدال طلا جابه‌جا شد. می‌توانستیم در رشته‌هایی طلا بگیریم که مدال‌مان عوض شد و در برخی رشته‌ها نیز اتفاقات طور دیگری رقم خورد اما به طور کلی همان اتفاق یا بهتر بگویم نتایجی رخ داد که انتظارش را داشتیم. اتفاقی رخ نداده که بخواهیم انتقاد کنیم یا بگوییم نتایج ضعیفی به دست آمده است. از سویی دیگر اتفاقی هم رخ نداده که در مقام تحسین برآییم و تشویق کنیم. ورزش ما در همین حد است. در دوره‌های گذشته هم حد ورزش کشورمان مشخص شده است. آن چیزی که می‌توانم بگویم این است که ما در ورزش کشورمان جهش یا پیشرفت خاصی نداشتیم.

**بنابراین ورزش کشورمان نه پیشرفت کرده و نه عقب‌گردی داشته است. این در جازدن از دیدگاه شما چه توجیهی دارد. چرا ورزش ما متوقف شده است؟**

▶ دلیل روشنی دارد.

اگر می‌خواهیم به ورزش کشور اهمیت بدهیم در درجه اول باید به ورزش کودکان و دانش‌آموزان توجه کنیم. الان در فرانسه یک سوم ساعت‌های درسی را به تربیت بدنی اختصاص می‌دهند. چون در چنین وضعیتی هم موضوع تربیت افراد مطرح می‌شود و به این بخش رسیدگی می‌شود و هم اینکه آمادگی‌شان برای وارد شدن به مراحل بعدی که ورزش قهرمانی

هم جزو آن است، بالاتر خواهد رفت. یعنی آنها از همان سن پایین آمادگی کسب می‌کنند که در مراحل بالاتر بتوانند وارد عرصه قهرمانی شوند. آیا ما در کشورمان چنین رویه‌ای را داریم؟ خیر. درست است که تربیت بدنی آموزش و پرورش فعالیت‌هایی انجام می‌دهد، اما در حقیقت اختصاص زمان کوتاه یکی، دوساعته به زنگ تربیت بدنی مدارس دردی از ما دوا نخواهد کرد. می‌خواهم عرض کنم مشکل

اصلی ما این است و تا این مساله حل نشود موفقیت‌های ظاهری هم به کمک ورزش کشورمان نخواهد آمد.

**بعد از بازی‌های آسیایی نوعی ارزیابی کلیشه‌ای شکل گرفته که اصرار دارد فدراسیون‌ها را با توجه به تعداد مدال‌هایی که کسب کرده‌اند، دسته‌بندی کند. نظر شما چیست؟**

▶ فدراسیون‌ها تاثیر دارند. تردید نداشته باشید که فدراسیون‌ها تاثیرگذارند. وقتی تیمی قرار است اعزام شود به طور حتم تلاش فدراسیون‌ها در مورد آن تیم صادق است، اما اینکه تیم اعزامی کیفیت بالایی دارد یا خیر، موضوعی کاملاً ریشه‌ای و اساسی است. این بحث به روش‌هایی برمی‌گردد که ما در زمینه استعدادیابی و پرورش استعدادها در کشورمان داریم. اما بین یک تیم با یک مدیریت خوب با همان تیم، اما یک مدیریت ضعیف حداقل حدود ۵۰ درصد تاثیرگذار است. به خصوص اگر آن رشته ورزشی مدال آور باشد.

**بیشتر توضیح می‌دهید؟**

▶ فرض بفرمایید که ووشو ۴ مدال به دست آورده یا ۵ تا مدال کسب کرده. به طور حتم اگر مدیریت این فدراسیون ضعیف بود شک نکنید تعداد این مدال‌ها به عدد ۲ می‌رسید. همین ورزشکاران با همین کیفیت تاثیر مدیریت را نشان می‌دهند اما اینکه مثلاً رشته دوومیدانی ما به اصطلاح کم‌مدال ظاهر شده است، موضوعی نیست که مسبب آن مدیریت آن فدراسیون باشد. بلکه این موضوع ریشه در مشکل اساسی ورزش کشورمان دارد که ریشه‌های کار را شناسایی نکرده‌ایم و نمی‌دانیم چطور باید در چنین رشته‌هایی ظرفیت‌سازی کنیم. بنابراین نتیجه کار این خواهد بود که ما سطح قهرمانی دوومیدانی ایران را در یک نقطه مشخص می‌بینیم و از آن نقطه فراتر هم نرفته‌ایم.

**مدیریت فدراسیون‌ها تا کجا اهمیت دارد و از چه مرحله‌ای به بعد نباید مورد محاسبه و ارزیابی قرار گیرد؟**

▶ مدیریت فدراسیون‌ها در اعزام و نقش تیم‌ها تاثیر دارد اما اینکه تیمی زیربنای خوبی داشته باشد و نیروهای با تجربه و خوبی هم در آن حضور داشته باشد، تنها به مدیریت فدراسیون بر نمی‌گردد.

**عملکرد فدراسیون‌ها چگونه باید مورد ارزیابی درست و کارشناسانه قرار گیرد؟**

▶ رسیدگی به تیم‌ها و اینکه کدام فدراسیون‌ها بهتر بوده‌اند یا کدام فدراسیون‌ها عملکرد ضعیفی داشته‌اند در شرایطی که معیار یا ملاک ما صرفاً مدال‌ها نباشد، کار خوبی است. ممکن است بعضی فدراسیون‌ها خوب کار کرده باشند اما حریفان‌شان بسیار قدرتمند باشند و در میدان



مهندس مصطفی هاشمی طباطبائی، رئیس اسبق سازمان تربیت بدنی عملکرد ورزش ایران در بازی‌های آسیایی را نه مثبت می‌داند و نه منفی. این مدیر باتجربه که همواره در عرصه ارزیابی وضعیت کلی ورزش کشورمان حرف‌هایی شنیدنی دارد، در گفت‌وگو با مثلث تاکید می‌کند که ایران در بازی‌های آسیایی نه پیشرفت داشت و نه پسرقت. نقطه‌ای که سال‌هاست در آن قرار گرفته در جا زده و ته‌زمانی می‌توان به آینده ورزش کشور خوش بین بود که اقدامات زیربنایی درستی در برخی زمینه‌ها شکل بگیرد. متن گفت‌وگوی مثلث با رئیس اسبق سازمان تربیت بدنی را می‌خوانید.

رقابت همه چیز نابرابر باشد. مثل پینگ‌پنگ؛ ما بهترین ورزشکاران دنیا را در آسیا داریم. توجه داشته باشید که ما در رشته پینگ‌پنگ بعد از دهه‌ها موفق شدیم یک مدال برنز کسب کنیم. بنابراین باید این موضوع را در نظر داشته باشیم که مدیریت خوبی هم در این فدراسیون به کار برده شده که چنین موفقیتی کسب کرده است.

**و این اتفاق، نشانه خوبی است؟**

▶ نشانه خوبی است اما دلیل کافی نمی‌تواند برای تداوم این موفقیت‌ها یا مدال‌ها باشد. ما باید برخی واقعیت‌ها را در نظر داشته باشیم. تعداد افرادی که در کشور ما به طور حرفه‌ای و باشگاهی پینگ‌پنگ بازی می‌کنند چقدر است؟ در چین چه تعداد ورزشکار حرفه‌ای در این رشته داریم؟ آیا به لحاظ کمی و حتی کیفی برابری می‌کنیم؟ به طور حتم نه.

**چه زمانی این تعداد برابری خواهد کرد؟**

▶ زمانی که ما زیرساخت‌ها را فراهم کنیم و همه بچه‌های این مملکت بتوانند به طور حرفه‌ای وارد این رشته ورزشی به شوند نه اینکه ما یکسری راکت تهیه کنیم و به دانش‌آموزان بدهیم. فقط در این صورت است که می‌توانیم امیدوار باشیم اتفاقات خوب و پشتوانه‌ساز درستی در ورزش کشورمان رخ دهد.

همیشه درباره ارزیابی بازی‌های آسیایی سرگیجه‌ای اتفاق می‌افتد. به نظر می‌رسد وقتی عملکرد کاروان ورزش کشورمان در حد مطلوب نیست رسانه‌ها نمی‌دانند باید یقه کدام نهاد را بگیرند؛ وزارت ورزش؟ کمیته ملی المپیک یا فدراسیون‌ها؟

▶ هر سه. هم وزارت ورزش، هم کمیته ملی



اتفاق نباید رخ می داد اما تا جایی که خبر دارم مسئولان در حال بررسی این قضیه هستند تا مقصر یا مقصران اصلی را پیدا کنند.» به نظر من یکی از بدترین اتفاق هایی که باید نه تنها مسئولان فدراسیون تیراندازی با کمان بلکه مدیران ورزش کشور و کاروان ورزش در بازی های آسیایی درباره اش پاسخگو باشند، همین مورد حذف عجیب و غریب زهر نعمتی است. تا جایی که به خاطر دارم بارها و بارها از همین عدم آشنایی و عدم پیگیری به موقع ورزش کشور آسیب دیده است و البته تا جایی که ذهنم یاری می کند هرگز هیچ مقام مسئولی پس از اتفاقاتی از این دست کاغذ و قلم استعفاش را آماده نکرده است تا مردم احساس کنند مسئولیت پذیری بین مدیران ورزش کشور هنوز وجود دارد. بر عکس؛ مقامات مسئول به رسانه ها می تازند یا برخی کارشناسان و مدیران باتجربه ای که حالا گوشه نشین شده اند را سرزنش می کنند که اینها عوامل اصلی مدال خواهی در جامعه هستند. انگار جای خطا کار و داور عوض شده است. به نظر مرا حل ها مشخص است. باید یک کارگروه تشکیل شود تا عملکرد فدراسیون ها و به طور کلی نهادهای مرتبط مورد بررسی قرار بگیرد؛ وزارت ورزش و کمیته ملی المپیک هم با توجه به کمک هایی که از سوی دولت دریافت کرده اند باید به افکار عمومی پاسخ بدهند. یکی دیگر از اقداماتی که به نظر ضرورت دارد که انجام شود این است که ستاد عالی بازی ها فدراسیون ها را مجبور به پاسخگویی کند و به سادگی از کنار شکست هایی که در برخی رشته ها داشتیم عبور نکند. برخی رشته های المپیک نتایج قابل قبولی نگرفتند که نباید از نگاه ها دور بماند. ما در کبده دو مدال طلا گرفتیم یا در ووشو یا کوراش صاحب طلا شدیم اما رشته های مهم المپیک نظیر دوچرخه سواری، تیراندازی، قایقرانی، هندبال و بوکس عملکرد نه چندان خوبی از خود به نمایش گذاشتند. در واقع عملکرد ضعیف برخی رشته های المپیک ما نباید تحت الشعاع مدال طلای رشته هایی که در المپیک جایی ندارند قرار بگیرد. به عنوان مثال تیم ملی دوچرخه سواری ایران با ۱۴ رکابزن در سه رشته کوهستان، پیست و جاده راهی بازی های آسیایی ۲۰۱۸ شد. تعداد چهره های سرشناس دوچرخه سواری ایران که در آسیا هم برای خود اسم و رسمی دارند در ترکیب تیم ملی کم نبود اما حضور بهترین های ایران هم نتوانست کمکی کند و دوچرخه سواری با دستانی کاملا خالی به ایران بازگشت تا شاهد ضعیف ترین عملکرد رکابزبان باشیم. خسرو قمری، رئیس فدراسیون دوچرخه سواری پیش از آغاز بازی های آسیایی قول پنج مدال را داده بود. او در فاصله چند روز مانده به اعزام رکابزبانان، نظر خود را از پنج به سه مدال تغییر داد اما پنج یا سه مدال هیچ فرقی به حال کاروان نداشت چون دوچرخه سواری اصلا موفق به کسب مدال نشد و این در حالی است که چهارسال پیش سه مدال طلا، نقره و برنز گرفته بود. البته در میان تمام ناکامی های دوچرخه سواری نباید فراموش کنیم ماندانا دهقان و فرانک پرتوآذر دو بانوی رکابزن ایران بسیار نمایش خوبی داشتند و شاید نتیجه برای پرتوآذر می توانست بهتر از چهارمی باشد.

به نظر می رسد بعد از پایان این رقابت ها و عنوانی که ایران در جا کارتا به دست آورده هنوز هیچ اراده ای برای بازخواست برخی فدراسیون های ناکام وجود ندارد، همان طور که برای حمایت از رشته هایی که در جا کارتا خوش درخشیدند برنامه مشخصی اعلام نشده است. با این اوصاف در سال های آینده و دوره های بعدی بازی های آسیایی اصلا بعید نیست که همین عنوان تک رقمی را هم از دست بدهیم. سقوط دوپله ای ایران در ورزش آسیا اتفاق خوبی نیست که بخوایم برایش پیام تبریک بفرستیم و ناکامی هایمان را توجیه کنیم.



## وقتی پس از سقوط برای خودمان دست می زنیم

### بیم از دست رفتن عنوان ششمی ایران در ورزش آسیا

مهدی ریوشه

دبیر گروه ورزش



بازی های آسیایی جا کارتا به پایان رسید و ایران عنوانی بهتر از جایگاه ششمی به دست نیاورد. اما اجازه بدهید این یادداشت را با مصاحبه میلا دوزبری شروع کنم. عضو تیم ملی تیراندازی با کمان درباره قضیه زهر نعمتی و اینکه چه اتفاقی در جا کارتا رخ داد تا زهر نعمتی در بخش ریکرو انفرادی زنان نتواند در برابر کماندار اندونزی به رقابت بپردازد و حذف شد، به ایسا گفته است: «همه از این قضیه ناراحت شدند که وی نتوانست در برابر کماندار اندونزی به رقابت بپردازد. به هر صورت اگر اشتباهی نیز رخ داده این اشتباه نتیجه کاری تیمی بودن یک نفر. من هنگامی که در زمین تمرین در حال آماده سازی خود برای شرکت در مسابقه های تیمی ریکرو بودم، متوجه شدم ساعت مسابقه زهر نعمتی را به اشتباه یک ساعت زودتر اعلام کردند و به وی گفته اند که بعد از خوردن غذا می تواند به مسابقه خود ادامه دهد.

من هم در زمین تمرین متوجه شدم که مسابقه شروع شده و حتی خود کادر فنی در جریان مسابقه نعمتی نبودند و در مسیر به آنها اطلاع دادم که مسابقه زهر نعمتی با کماندار اندونزی شروع شده است. وقتی به محل ناهارخوری رسیدم به زهر نعمتی گفتم که مسابقه شروع شده و وی را سراسیمه به محل مسابقه رساندم اما ۳۰ ثانیه دیرتر رسیدم بود. به نظر من اشتباهی بود که به کل اعضای تیم ارتباط پیدا می کند، نه به یک فرد خاص. این

المپیک و هم فدراسیون ها باید سهم خودشان را بر عهده بگیرند. در موفقیت ها و شکست ها این سه بخش باید پاسخگو باشند. اینها جدا از هم نیستند. رهبری و مدیریت تیم هایی که در فدراسیون ها آماده می شوند بر عهده وزارت ورزش است. این طور نیست که بگویم چون فدراسیون ها مستقل هستند بنابراین هر کاری که دلشان می خواهد، می توانند انجام دهند. هدایت این فدراسیون ها بر عهده وزارت ورزش است. در عین حال برای بازی های این کمیته ملی المپیک است که باید نظارتی دقیق داشته باشد و برنامه فدراسیون ها را بررسی کند. همواره در بازی های مختلف پروژه سه ماهه پایانی آماده سازی تیم ها بسیار اهمیت دارد. به خصوص یک ماه آخر اهمیت ویژه ای خواهد داشت و کمیته ملی المپیک باید در چنین برهه ای نظارت بسیار دقیقی داشته باشد. البته متأسفانه این اتفاق در این دوره رخ نداد و البته صادقانه باید عرض کنم که در دوره خود من هم این اتفاق رخ نداد. چون ناظران ما چندان نسبت بر مسائل تسلط نداشتند. بنابراین وقتی می توانیم درباره تیم ها و عملکردشان بهتر قضاوت کنیم که بدانیم طی یک ماه آخر منتهی به مسابقات آسیایی چگونه خود را آماده کرده اند. در این صورت می توانیم موفقیت یا عدم موفقیت تیم ها را بهتر و درست تر بررسی کنیم.

**به طور کلی ارزیابی شما متوقف شدن ورزش کشورمان در یک نقطه است؛ جایی که نه خبری از پیشرفت وجود دارد و نه خبری از عقبگرد و پسرفت. آنچه وجود دارد، در جازدن است. درست است؟**

بله. ورزش ما در همین حد است. البته قزاقستان نتوانست خودش را بالاتر بکشد اما این را باید بدانیم که آنها به هیچ وجه در عرصه ورزش ضعیف تر از ما نیستند. ما در کشتی ۵ طلا گرفتیم و آنها در جودو ۶ مدال طلا گرفتند. البته اندونزی بهتر از ما نبوده. هیچ وقت ورزش آنها بهتر از ما نبوده اما در این دوره بنا بر دلایل خاصی چهارم شدند. اما به طور کلی حد ورزش ما همین است. نمی توانیم بگویم چون عنوان چهارمی ما به ششمی تبدیل شده بنابراین فاجعه رخ داده است. حتی اگر عنوان ما به جای ششمی عنوان چهارمی بود هم به نظر من تأثیری در روند کلی ورزش ما نداشت. چون به نظر من ورزش یک کشور و ماهیت ورزش یک کشور با تعداد مدال هایش بالا و پایین نمی شود.



## کی روش دوم

### از محبوبیت کی روش نزد ایرانیان کاسته شده است؟

فهرست بازیکنان دعوت شده به تیم ملی برای برگزاری اردو و انجام دیدار تدارکاتی با ازبکستان در حالی اعلام شد که بازگشت وریا غفوری و همچنین دعوت از سردار آزمون پس از خداحافظی اش از تیم ملی به سوژه داغ رسانه‌ها و محل بحث اهالی فوتبال تبدیل شده است. کی روش پس از شدت گرفتن فشار انتقادات از سوی برخی رسانه‌ها و اهالی فوتبال تصمیم گرفت به برنامه نود برود و از لیست انتخابی اش دفاع کند.

«برنامه آماده‌سازی جام ملت‌ها، یک سال قبل به فدراسیون ارائه داده شد و این فرصت را داشتیم تا برنامه را تقدیم فدراسیون کنیم. برنامه‌ای با جزئیات کامل که نه تنها اردوها، بلکه بازی‌های دوستانه، احتیاجات ما برای حمل و نقل و... هم بود ولی الان زمان را از دست داده‌ایم. اگر برنامه ژاپن یا استرالیا را نگاه کنید، برنامه فیفای آنها پُر است، حتی در این مدت و زمانی که سرمربی ایران نبودم، توانستم زمان انجام بازی دوستانه با ازبکستان را پیدا کنم. تا الان بیش از ۱۳ دعوت‌نامه برای بازی‌های دوستانه به سایر کشورها ارسال کردیم ولی هیچ کدام پاسخ مثبت ندادند. یک نگرش با فاصله خاصی به ایران و این دعوت‌نامه‌ها دارند و تمام‌شان را رد کردند. ما تلاش کردیم این مسیر آماده‌سازی را فراهم کنیم، واقعیت مطلب این است که یکی، دو تا از این کشورها حتی به ما گفتند شما در کشور ما بازی انجام دهید ولی مهدی تاج با مشکلات بزرگی مواجه است. جامعه فوتبال ایران باید این مطلب را

بدانند و به صورت هوشمندانه از مشکلات آگاه باشد، زمان این رسیده است جامعه فوتبال ایران دست به دست هم بدهد تا از تیم ملی حمایت شود، نه تنها مسئولان ایران و داخل کشور، بلکه از تمام ایرانیان سراسر دنیا درخواست دارم که دست به دست هم دهند چرا که تیم ملی، بازیکنان و هواداران استحقاق این حمایت را دارند. اگر فرصت را از دست دهیم، نتیجه گرفتن در امارات برای ما حسرت خواهد بود چون بعد از هشت سال مقدمات لازم برای کسب افتخار وجود دارد.»

اما یکی از اتفاقات مهم این برنامه بود که عادل فردوسی‌پور برخلاف همیشه این بار تمام قد برابر کی روش و برخی توجیهات این مربی ایستاد. عادل با اشاره به نمایش کاملاً دفاعی تیم ملی در جام جهانی گل ایران به اسپانیا را آفساید دانست اما کی روش بار دیگر مصرانه به انتقاد از داور بازی پرداخت و گفت: «این اتفاق را ما بررسی کردیم که علیه ما شد. ۱۰ دقیقه آخر بازی ما بود؛ اگر پرتغال ۱۰ بازیکن داشت و رونالدو اخرج می‌شد چه؟ داور جسارت دادن کارت قرمز به کریستیانو را نداشت.»

فردوسی‌پور گفت فقط قهرمانی ایران را راضی می‌کند و کی روش پاسخ داد: «تلاش ما برای کسب مدال طلاست. هیچ وقت آرزویی کمتر از مدال طلا و قهرمانی نداشتیم و برای همین موضوع اینجا هستیم ولی یک طرف دیگر موضوع، آماده بودن تیم است. همه می‌خواهند قهرمان آسیا شوند ولی سوال اصلی اینجاست که شما

آمادگی دارید تا با آمادگی کامل در جام ملت‌های آسیا حضور پیدا کنید؟»

وی راجع به پنالتهای ایران مقابل پرتغال با قطعیت گفت: «شاید شوخی می‌کنید و جوک گفتید، شاید از قوانین پنالتهای آگاه نباشید. بدون هیچ شکی پنالتهای ما مقابل پرتغال، درست بود؛ دست مدافع پرتغال توپیی که از سردار به سمت طارمی می‌رفت را قطع کرد. وقتی راجع به این موضوع حرف می‌زنید، یک پنالتهای دوم به سود ما مقابل پرتغال بود که تمام رسانه‌های دنیا این موضوع را گفتند. مهم گرفتن اعتبار برای فوتبال ایران در دنیا بود. اشکال ندارد و به عنوان شوخی می‌توانید بگویید که پنالتهای ما مقابل پرتغال خطای هند نبود.»

در ادامه فردوسی‌پور از کی روش درباره لیست تیم ملی پرسید اما کی روش توضیحاتش را از انتخاب دستیارانش شروع کرد و گفت: «وقتی بعضی از رسانه‌ها انتخاب‌های من را زیر سوال می‌برند؛ آیا فکر می‌کنید کی روش پسر یا برادرش را به کادر می‌آورد؟ ولی در ایران این اتفاق می‌افتد. حالا آنها نگران کادر تیم ملی هستند. تمام اعضای کادر فنی تیم ملی تحصیل کرده، با دانش و با تجربه هستند. اگر فدراسیون بخواهد می‌تواند مدارک تحصیلی آنها را منتشر کند.»

کی روش در پاسخ به سوالی با مضمون دعوت از سردار آزمون با وجود خداحافظی و تفاوت با خطمشی‌ای که در جریان رحمتی داشت هم گفت: «این طور نیست؛ واقعا این سوال و مشاهدات فوق‌العاده است. این تفاوتی با اصول قبلی ام ندارد. تصمیم درستی گرفتیم. امیدوارم حافظه شما خوب باشد، تفاوت بزرگی بین رحمتی با عقیلی که در آن بازی افتاد با آزمون وجود دارد.»

او ادامه داد: «نمی‌خواهم جزئیات اتفاقی که برای عقیلی افتاد را بگویم. این‌ها تصمیمات یکجانبه گرفتند تا تیم ملی را در آن برهه‌ها کنند که من این را عمل مناسبی



ندانستم ولی اگر بخواهیم آن اتفاق را با آزمون مقایسه کنیم، غیرقابل مقایسه است؛ سردار هیچ وقت تیم را رها نکرد، من اولین شخصی بودم که راجع به این تصمیم آگاه شدم. بازیکن به صورت محرمانه و خصوصی این موضوع را با من در میان گذاشت. مباحث محرمانه را نمی گویم ولی این تصمیم محرمانه با من در میان گذاشته شد.»

وی در این باره افزود: «فیفا قوانینی دارد که این قوانین به بازیکنان این اجازه را می دهد از تیم ملی ترخیص شوند. سردار این درخواست را کرده و تمام مکاتبات حرفه ای و محرمانه را در این راستا انجام داده، البته این اتفاق برای رحمتی و عقیلی نیفتاد. اگر این اتفاق را مقایسه کنیم، مقایسه نمک با فلفل یا مقایسه نفت با آب است. من دلایلی را پشت این تصمیم می دانم. این فرصت را داشتیم تا این دلایل را به رئیس محترم فدراسیون گزارش کنیم و باید این بحث را محرمانه نگه دارم.»

سایت ورزش سه اما در گزارشی به نقد اظهارات کی روش پرداخت و نوشت: «سرمری تیم ملی ایران برای اولین بار در پاسخ به بازیکنی که درخواست جدایی از تیم ملی را داده است، با شکل دیگری با وی برخورد کرده و خبری از آن اقتدار سلیبی نیست. جدا از اینکه کی روش به سردار آزمون علاقه خاصی دارد و همواره حامی این مهاجم گنبدی فوتبال ایران بوده، او دیشب در برنامه نود در تحلیل این موضوع دو اشاره مهم به دو موضوع مختلف داشت. ابتدا تفاوت شکل خداحافظی آزمون با اتفاقی که برای مهدی رحمتی و هادی عقیلی افتاد و دوم مسائلی که باعث تصمیم به خداحافظی سردار از تیم ملی شده اند.»

در قسمت اول کی روش تلاش کرد به عادل فردوسی پور تفهیم کند که موضوع جدایی سردار با عقیلی و رحمتی به هیچ وجه قابل مقایسه نیست. سرمری تیم ملی در این خصوص گفت: «مسئله سردار آزمون تفاوت بسیار زیادی با قضیه مهدی رحمتی و هادی عقیلی دارد؛ البته

باید با احترام زیادی در مورد این بازیکنان صحبت کنیم زیرا آنها بازیکنان بزرگی هستند. در آن زمان، رحمتی و عقیلی به صورت یکطرفه تصمیم به ترک تیم ملی گرفتند. اولاً سردار هیچ گاه تیم را ترک نکرد. ثانیاً من اولین کسی بودم که از این تصمیم سردار مطلع شدم و او این مساله را به صورت خصوصی با من در میان گذاشت و سوم اینکه، بنده دلایل پشت این تصمیم سردار را به خوبی می دانم که باید آنها را محرمانه نگه دارم. البته این مسائل را به رئیس فدراسیون فوتبال گزارش کردم، «این در حالی بود که جدایی رحمتی در آن مقطع از تیم ملی به دلیل روابط سرد کادرفنی تیم ملی با این بازیکن شکل گرفت. در مورد موضوع دوم که او دقیق طولانی درباره آن صحبت کرد، سرمری تیم ملی به صورت مبهم از اتفاقاتی گفت که باعث دلسردی یا اختلاف افکنی بین مردم ایران می شود. مسائلی که دامنه آن به تیم ملی نیز رسیده است. مسائلی که کی روش به آنها اشاره کرد، کلیه واژه هایی مثل «من وظیفه دارم با چنین اتفاقاتی مبارزه کنم»، «تیم ملی فقط برای بخش خاص یا فقط پایتخت نیست»، «این تیم برای سفید و سیاه پوست ها، ارامنه، مسلمانان و... نیست»، «برخی می خواهند شکاف اجتماعی در ایران درست کنند» و «این یک مساله حساس و خطرناک برای ایران است» داشت اما در نهایت با وجود اصرار عادل فردوسی پور اعلام نکرد از چه موضوع و چه داستانی صحبت می کند. در این باره به سبک فیلم های اصغر فرهادی پایان را برای بیننده باز گذاشت تا آنها خود درباره این موضوع تصمیم بگیرند. هرچند اعلام کرد اجازه خداحافظی به آزمون را نمی دهد. یکی از مهم ترین دلایل خداحافظی احساسی سردار آزمون از تیم ملی بحث فحاشی جمعی از مسافران روسیه بعد از بازی ایران و اسپانیا به خانواده او در هتل در شهر کازان است؛ اتفاقی تلخ که باعث تکدر خاطر خانواده سردار شده و واکنش او به این ناراحتی شدید را فراهم آورده است.»

اما کارلوس کی روش در برنامه نود هفته گذشته صحبت های دیگری را هم درباره تیم ملی مطرح کرد: «اتفاقاتی که پشت پرده افتاده، کی روش به عنوان سرمری و وظیفه دارم با آن بجنگد و روحیه مناسبی در تیم نگه دارد. تیم ملی ایران تا زمانی که کارلوس کی روش سرمری آن است، برای یک بخش خاص یا پایتخت نیست و تیم ملی ایران، تیم ملی سفیدپوست ها، سیاه پوست ها، ارامنه، مسلمانان و... نیست و برای تمام ایرانیان است. این نشانه های خوبی نیست که بعضی از افراد با عدم مسئولیت پذیری از تیم ملی سوء استفاده می کنند تا شکاف اجتماعی در ایران ایجاد کنند. سردار آزمون یک سرمایه برای ایران است و نمی توان او را در سید مقایسه با آنها (رحمتی و عقیلی) قرار داد. من اجازه خداحافظی به او نمی دهم. اگر سرمری ایران شوم، اتحاد تیم را حفظ می کنم و از تفرقه و شکاف جلوگیری خواهم کرد. بعضی افراد باید از فوتبال ایران محروم شوند چون به روح فوتبال ایران لطمه می زنند.»

کی روش همچنین در دفاع از لیست تیم ملی برخواست و گفت: «این لیست، نتیجه مشاهدات بسیار عمیق و کامل ما بود که ما آن متریکس بزرگ را ساختیم تا در اردوی شهرپورماه و در دیدار با ازبکستان این فرصت را به بازیکنان جوان دهیم. می خواهم فرصت را به بازیکنان جوان بدهم برای بازی ای که با ازبکستان در تاشکند خواهیم داشت.» اما یک روز بعد از حرف های کی روش در برنامه نود، برانکو ایوانکوویچ که طعنه هایی از زبان کی روش در برنامه نود شنیده بود، بار دیگر از نزاع رسانه ای با این مربی پرتغالی به شیوه خودش استقبال کرد و در گفت و گو با خبرنگاران تاکید کرد: «در مورد صحبت آقای کی روش نظری ندارم، من همان طور که گفتم فعالاً نمی دانم سرمری ایران چه کسی است و حتی نمی دانم اردوی تیم ملی تا چه زمان

ادامه دارد. هیچ کس هم از فدراسیون به ما اطلاعی نداده است و نیازی نیست که من نظری بدهم. این را باید از خودشان بپرسید.»

در این هنگام یکی از خبرنگاران در مورد اینکه کی روش گفته بود ایران برای او و برانکو کوچک است و یکی باید در این کشور کار کند، سوال کرد که سرمری پرسپولیس به این شکل به آن پاسخ داد: «ایران از آن زمان که من سرمری تیم ملی بودم بزرگتر شده است.» برانکو گفت: «من اختلافی با کسی ندارم و تا به حال از من شنیده اید که درباره کسی نظر بدهم یا صحبتی داشته باشم؟ اگر کسی با من مشکلی دارد من اصلاً از آن خبر ندارم. تا به حال شنیده اید که من از کسی بدگویم یا آنکه بخواهم نظری روی لیست بازیکنان بدهم؟ طبیعی است که همه بازیکنان بزرگترین آرزوییشان این است که در تیم ملی بازی کنند و این مساله عادی است. دائماً از من درباره کی روش و اختلاف با او سوال می پرسید ولی این را باید از ایشان سوال کنید، واقعا آقای کی روش در ایران چه سمت و پستی دارند که این همه از من درباره اش سوال می کنید؟ شما بروید از او بپرسید نه از من، که اختلاف بر سر چیست؟ اینکه من بازیکنانم را با پیامک برای بازی ناساجی دعوت خواهم کرد یا نه، این بستگی به سبک کاری من دارد، هر مری به سبک خودش کار می کند و من روش خاص خودم را دارم.»

این مخالف خوانی ها در حالی اتفاق افتاده که به نظر می رسد کارلوس کی روش علاقه مند است از این نقدها عبور و در درجه اول قراردادش با فدراسیون فوتبال را برای سه سال دیگر منعقد کند. آیا این اتفاق رخ خواهد داد؟ طالقانی، عضو هیات رئیسه فدراسیون فوتبال می گوید قرارداد فدراسیون فوتبال با کارلوس کی روش امضا شده است.

اما سایت ورزش سه در این باره نوشته است: «یک منبع آگاه در فدراسیون فوتبال به صراحت گفته هنوز قرارداد فدراسیون فوتبال با کارلوس کی روش امضا نشده و زمان دقیق عقد قرارداد هم مشخص نیست. بر همین اساس است که کارلوس کی روش در تمرینات تیم ملی با لباس شخصی حاضر می شود. تیم ملی روز ۱۸ شهریور برای بازی با ازبکستان راهی تاشکند می شود و اگر قرار است در این بازی کارلوس کی روش را به همراه داشته باشیم باید تا پیش از اعزام تیم ملی با او قرارداد امضا کنیم. در غیر این صورت چه بسا کی روش تیم ملی را در این سفر همراهی نکند. او به بهانه اینکه مری تیم ملی در جام ملت ها نخواهد بود در مراسم قرعه کشی این بازی شرکت نکرد. پیش از جام جهانی به کارلوس کی روش پیشنهاد تمدید قرارداد ۶ ماهه داده شد که او این پیشنهاد را توهین به خود خواند و به همین بهانه در مراسم قرعه کشی جام ملت ها شرکت نکرد. این در حالی است که او اکنون پذیرفته مری تیم ملی در جام ملت ها باشد و قرارداد ۶ ماهه را قبول کرده است.»

۲۲

اتفاقاتی که پشت پرده افتاده، کی روش به عنوان سرمری و وظیفه دارم با آن بجنگد و روحیه مناسبی در تیم نگه دارد. تیم ملی ایران تا زمانی که کارلوس کی روش سرمری آن است، برای یک بخش خاص یا پایتخت نیست و تیم ملی ایران، تیم ملی سفیدپوست ها، سیاه پوست ها، ارامنه، مسلمانان و... نیست و برای تمام ایرانیان است

۲۲



بیستمین جشن خانه سینما با حضور جمعی از هنرمندان و مدیران فرهنگی در تالار وحدت برگزار شد. بر این اساس، فیلم سینمایی «بدون تاریخ، بدون امضا» توانست ۳ جایزه بهترین فیلم، بهترین کارگردانی و بهترین فیلمنامه را از آن خود کند. همچنین جایزه بهترین بازیگر نقش اول مرد به حامد بهداد برای بازی در فیلم «سد معبر» و بهترین بازیگر نقش اول زن به غزل شاکری برای فیلم «سارا و آیدا» رسید. البته جایزه بهترین بازیگر نقش اول زن تنها جایزه فیلم «سارا و آیدا» نبود، چرا که جایزه بهترین تدوین نیز برای این فیلم به احمد مرادپور رسید. نوید محمدزاده و زکیه بهبهانی نیز هر دو برای بازی در فیلم «بدون تاریخ، بدون امضا» جوایز نقش مکمل مرد و زن را دریافت کردند تا کلکسیون جوایز این فیلم در این دوره از جشن خانه سینما تکمیل شود.

البته این جشن حواشی و منتقدانی هم داشت. از حاشیه‌های این جشن می‌توان به عدم حضور چهار نفر از اعضای هیئت مدیره خانه سینما بود که گفته می‌شود به دلیل اختلاف‌های درونی بود و منتقدان هم به سلیقه‌ای بودن انتخاب‌ها اعتراض دارند که به عنوان مثال انتخاب نشدن فیله‌ها در بخش انیمیشن بسیار مورد اعتراض بود.

کیهان کلهر، هنرمند نام‌آشنای موسیقی ایران جایزه ای‌زاک اشترن سال ۲۰۱۶ بنیانگذاری شده و هر دو سال یک بار برگزار می‌شود. این جایزه برای دستاورد هنری موزیسین‌هایی است که آثار و فعالیت آنها به منظور نزدیک کردن انسان‌ها در جهان از طریق موسیقی صورت گرفته و سهم برجسته‌ای در درک ما از انسانیت از طریق موسیقی داشته‌اند، تعلق می‌گیرد و امسال دومین جایزه دستاورد هنری انسان دوستانه به کیهان کلهر، موزیسین برجسته ایرانی تعلق گرفت که آثار و اهداف موسیقایی او اغلب رویکرد بشردوستانه، فراتر از زادگاه و ملیت او را مدنظر داشته و به این منظور ساخته شده‌اند.



## دوشنبه

عکس روز اختصاص دارد به گرامیداشت زنده‌یاد سیدضیاءالدین دُری، کارگردان سریال کیف انگلیسی و کلاه پهلوی که با حضور سیدعزت‌الله ضرغامی و جمعی از هنرمندان و خانواده آن مرحوم در فرهنگسرای انقلاب اسلامی برگزار شد. عزت‌الله ضرغامی در این برنامه ضیاءالدین دُری را قهرمان بی‌بدیل مبارزه با انگلیس در عرصه فرهنگ و هنر دانست و گفت: «اگر رئیسعلی دلواری را قهرمان مبارزه با انگلیس بدانیم که در صحنه نظامی با شجاعت بلامنازع خود مقابل ددمنشی‌های انگلیسی‌ها پیش تاخت، مرحوم دُری با هوشمندی و دقت نظر سریال‌های ماندگاری همچون کیف انگلیسی و کلاه پهلوی را به منصفه ظهور رساند تا مبارزه فرهنگی و هنری‌اش با زورگویی‌ها و دیکتاتوری انگلیس آموزه‌ای باشد تا نسل آینده بهتر استعمارگران را بشناسد. ضیاءالدین دُری پیش‌قراول نمایش بدون رتوش چهره انگلیس به مردم و نسل‌های جدید بود که او را قهرمان عرصه فرهنگ و هنر در مبارزه با استعمار انگلیس می‌دانیم.» فهرستی از پرفروش‌ترین کتاب‌های شعر دهه ۹۰ منتشر شده است که در آن فاضل نظری به عنوان پرفروش‌ترین شاعر دهه ۹۰ معرفی شده است. مجله اینترنتی «الف‌یا» وابسته به بنیاد شعر و ادبیات داستانی ایرانیان فهرستی از پر مخاطب‌ترین کتاب‌های شعر ایران در دهه ۹۰ را منتشر کرد. در این فهرست کتاب‌های شعری که در دهه ۹۰ بالای ۱۰۰۰ نسخه از آنها منتشر شده و در یک سال اخیر دست‌کم یک بار چاپ مجدد شده‌اند، آمده است. بر این اساس پنج دفتر شعر پرفروش دهه ۹۰ به ترتیب «صد» از فاضل نظری در نشر سوره مهر با چاپ ۸۵۰۰ نسخه، «کتاب» از فاضل نظری در نشر سوره مهر با چاپ ۵۵۰۰ نسخه، «قبله مایل به تو» از حمیدرضا برقعی در نشر فصل پنجم با چاپ ۳۳۸۰۰ نسخه، «فیض بوک» از ناصر فیض در نشر سوره مهر با چاپ ۲۷۲۲۰ نسخه و «اتایا» از علیرضا آذر در نشر نیماژ با چاپ ۱۷۴۰۰ نسخه هستند.



## یکشنبه

مراسم تشییع پیکر زنده‌یاد «عطاءالله صفیپور» آخرین بازمانده سیاه‌بازان ایران با حضور مردم و دوستان در انش از مقابل تالار فخرالدین اسعد گرگانی برگزار شد. صفیپور در ۸ سال دفاع مقدس نیز در جبهه‌ها حاضر شد و با گروه نمایشش برای ۵۰ هزار رزمنده نمایش اجرا کرد. زنده‌یاد صفیپور پس از سپری کردن چند ماه بیماری در ۷۳ سالگی از دنیا رفت و پیکر این هنرمند در امامزاده عبدالله گرگان به خاک سپرده شد. از فعالیت‌های او می‌توان به ساخت بیش از ۵۰ میان‌برده تلویزیونی آموزشی، ترویجی، کشاورزی و بیش از ۳۰ میان‌برده اجتماعی و ساخت ۲ فیلم بلند تلویزیونی اشاره کرد. صفیپور بازی در فیلم‌های «ابرو و آفتاب»، «دختری به نام تندر»، «رسم عاشقی»، «شمشادخان»، سریال «پایتخت ۴» و «گلشیفته» را در کارنامه خود دارد. هجدهمین دوره بازی‌های آسیایی ۲۰۱۸ جا کارتا به پایان رسید. این دوره از بازی‌ها که از ۲۷ مرداد در اندونزی آغاز شده بود، در پایان این دوره از بازی‌ها طبق روال دوره‌های پیشین چینی‌ها با اقتدار و فاصله خیلی زیاد باره دوم، عنوان اولی را به خود اختصاص دادند. چینی‌ها ۱۳۲ مدال طلا کسب کردند. ژاپن با ۷۵ مدال طلا دوم شد و کره جنوبی با ۴۹ طلا سوم شد. کاروان ورزش ایران نیز که با ۳۷۸ ورزشکار در این دوره از بازی‌ها شرکت کرده بود، با کسب ۲۰ مدال طلا، ۲۰ نقره و ۲۲ برنز و کسب عنوان ششمی به کار خود پایان داد. در مراسم اختتامیه این دوره از بازی‌ها با توجه به بازگشت اکثر تیم‌ها به کشور و حضور تیم ملی تنیس روی میز در دهکده بازی‌ها، ندا شهسواری، ملی‌پوش با سابقه این رشته به عنوان پرچمدار کاروان ورزشی ایران پرچم کشورمان را در آیین اختتامیه حمل کرد.

عکس روز اختصاص دارد به مراسم ترحیم مرحوم قمشه، معاون سابق امور مجلس کمیته امداد امام خمینی (ره) که با حضور شخصیت‌ها و مردم در مسجد علی بن موسی الرضا (ع) برگزار شد.



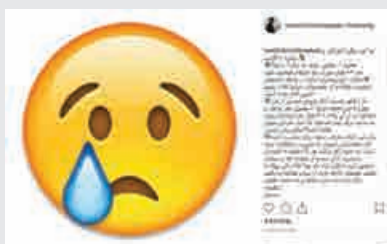
یاد‌دلیبران تنگستان در اینستاگرام محسن رضایی



ضرغامی و کمبود پوشاک



باعث شرمندگی آقا زاده‌های رانت خوار



واکنش حمید فرخ‌نژاد به ثبت نام‌های اینترنتی خودرو



سردار آزمون در منطقه صفر مرزی



## سه‌شنبه

پشت پرده حادثه خودسوزی مقابل شهرداری تهران یک شاکی خصوصی بود. ماجرا از این قرار است که مردی حدوداً ۴۵ ساله که از مدتی قبل با همسر و فرزند خود به همراه خانواده دیگری در ملکی مسکونی زندگی می‌کردند، به تازگی در این ملک مشترک به ایجاد مغازه اقدام کرده بود. در پی ایجاد مغازه در این ملک، ساکن دیگر آن با مراجعه به شهرداری از این شخص که مغازه ایجاد کرده بود، شکایت کرد. در پی طرح شکایت این فرد در شهرداری، شهرداری تهران برای فردی که مغازه ایجاد کرده بود، اختاریه ارسال می‌کند. شهرداری تهران در پی طرح شکایت از فردی که اقدام به ایجاد مغازه کرده بود بدون پلمب مغازه یا ممانعت از فعالیت وی به ارسال اختاریه اکتفا می‌کند که این اختاریه باعث می‌شود فردی که اقدام به ایجاد مغازه کرده بود هفته گذشته به منظور اعتراض به آن مقابل شهرداری حاضر شود. حوالی ساعت ۹ صبح این فرد روی خود بنزین می‌ریزد و در حالی که فرزند خود را در آغوش داشت، اعلام می‌کند که قصد آتش زدن خود را دارد. افراد حاضر در این مکان با مشاهده این وضعیت کودک را از پدرش جدا می‌کنند اما پدر در نهایت خود را آتش می‌زند. گفته می‌شود این فرد بیش از ۵۰ درصد سوختگی داشته است عکس روز اختصاص دارد به حضور فرزند شهید حججی در همایش سرداران و گرد همایی اهالی فرهنگ و هنر در پاسداشت شهدای مدافع حرم و نخستین سالگرد شهادت شهید محسن حججی که در تالار وحدت تهران برگزار شد. در این همایش تعدادی از شعرای نامی و حماسی سرا همچون افشین اعلا در مدح شهید محسن حججی و صحنه پیکار رزمندگان مدافع حرم غزل سرایی کردند. اجرای سمفونی «پیروزی» به آهنگسازی مجید انتظامی، نمایش سرداران توسط مرشد خرمی و زارعی، اجرای استندآپ کمدی ابوطالب حسینی در مورد خاطرات جبهه و... از دیگر بخش‌های این مراسم بود.

## چهارشنبه

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به دیدار سیمین دخت وحیدی، شاعر پیشکسوت انقلاب رفت. سیدعباس صالحی در این دیدار، با قدردانی از فعالیت‌های ادبی وحیدی در دوران پس از پیروزی انقلاب و دفاع مقدس، برای او آرزوی سلامتی و طول عمر کرد. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: «بانو وحیدی در طول عمر پربار خود با سرودن اشعار انقلابی و تربیت شاعران متعدد، کمک شایانی به ادبیات انقلاب کردند. همه ما به ایشان که با بصیرت خود، همواره زبان گویای اسلام و انقلاب بوده‌اند، افتخار می‌کنیم.» در پایان این دیدار وزیر ارشاد، لوح سپاس جایزه ادبی پروین اعتصامی را به سیمین دخت وحیدی اهدا کرد. قرار بود به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در بخش ویژه هشتمین جایزه ادبی پروین اعتصامی با عنوان «ادبیات زنان، انقلاب و امام خمینی» از سیمین دخت وحیدی به پاس فعالیت‌های ادبی تجلیل شود که او به دلیل کسالت در اختتامیه حضور نیافت. کودک افغان زبانه‌گردی که ادعا شده بود گوش‌هایش توسط مأموران شهرداری بریده شد، پیدا شد و معلوم شد کل ماجرا یک سناریوسازی توسط افرادی بوده که فیلم را منتشر کرده‌اند. می‌خواهید باور کنید یا نکنید به هر حال تشخیص داده شد که مقصر مساله عجیبی که برای زهرا نعمتی در بازی‌های آسیایی رخ داد، تنها فردی بود که ایرانی نبود. نشست خبری فدراسیون تیر و کمان برگزار شد و زهرا نعمتی درباره عملکردش در بازی‌های آسیایی و البته اتفاق تلخی که برایش افتاد توضیح داد. نعمتی با بیان اینکه به خاطر حفظ حرمت ایران، بعد از آن اتفاق گفتم که تقصیر خودم است، گفت: «واقعیت را حالا می‌گویم، واقعیت این بود که پارک، سرمربی تیم ملی زمان مسابقه من را فراموش کرد و به همین دلیل به رقابت نرسیدم. باید آرامش خود را حفظ کنم و به تمریناتم ادامه دهم، اتفاقی که افتاد برای همه ناراحت کننده بود اما باید می‌پذیرفتم.»



## راه تقریب

### در نشست «وحدت اسلامی» مطرح شد

شورای اسلامی بیان کرد: «تقریب یک اصل الهی است که از روایات نبی مکرم اسلام (ص) و اهل بیت (ع) قابل استخراج است و باید بدانیم که تقریب در کنار وجود اختلاف های فکری ضروری می شود.

امروز مسأله تقریب از اوجب واجبات است و ما باید با نزدیک کردن امت های اسلامی به برادری برسیم و من معتقدم که مجمع تقریب باید اهل سنت را در کادر اصلی و سطح بالای خود حضور ببخشد. ندای شیرین تقریب بین مذاهب از جمهوری اسلامی امروز شنیده می شود اما باید ساز و کار این مسأله حاصل شود، حیف است بخش های اساسی از رهنمودهای رهبر معظم انقلاب در این زمینه روی زمین بماند. اهل تشیع و اهل سنت باید با هم و به دور از ایجاد مشکلات و اختلاف ها، همچون دو تیم ورزشی تسابق بر خیرات داشته باشند، از همدیگر سبقت بگیرند و باید قرآن را محور کارهای خود قرار دهند. وحدت امت یک «اصل فواصل» است و اصول دیگر در چارچوب وحدت می توانند زمینه بروز و ظهور پیدا کنند و مصالح دیگر نمی توانند ما را وادار کنند وحدت بین امت را کوچک کنیم.

از فعالیت های انقلاب اسلامی در زمینه وحدت می توان به سه تحول اشاره کرد، نخست ایجاد نهاد مستقل تقریب مذاهب، دوم اینکه مسأله تقریب یک اصل راهبردی در کشور است، سوم برداشتن گام های خوب در مسأله وحدت بین امت.

و کیان یافته اند و اختصاصی به صاحبان یک زبان یا ساکنان یک منطقه خاص یا یک نسل ویژه ندارد.»

عضو خبرگان رهبری با اشاره به موضوع «اختلاف درباره شریعت» گفت: «این اختلاف به دو صورت متصور است؛ اختلاف بر شریعت و اختلاف در شریعت. با بیان مقدمات گذشته به این نتیجه می رسیم منظور از امت اسلامی مجموعه انسان های دارای مذهب خاصی نیست، بلکه همه مذاهب اسلامی داخل امت اسلامی است و بر اساس بیان نبی مکرم اسلام (ص) امت پیامبر دارای فرقه های مختلفی است و البته هر چند یکی از این مذاهب حق است، اما امت اسلامی شامل تمام مذاهب خواهد بود و طبعاً هر مذهب که مدعی است مذهب حق باید امت را به خاطر ادعای خود به هم نریزد. اگر وحدت اجتماعی بخواد شکل بگیرد این وحدت بر پایه تحقق اصولی چند است به واقع این اصول در صورت رعایت ارکان وحدت اجتماعی را شکل می دهند و هر چه تحقق این اصول و ارکان به صورت کامل تر و قوی تری صورت بگیرد و وحدت اجتماعی بین امت فعال تر و پویا تر تحقق می پذیرد.»

رئیس مرکز تحقیقات اسلامی مجلس

نشست «وحدت اسلامی» (امت واحده اسلامی) در ادامه سلسله نشست هایی به مناسبت ۴ سالگی انقلاب اسلامی در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی برگزار شد.

در این نشست حجت الاسلام احمد مبلغی، رئیس مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی، به سخنرانی پرداخت. او در ابتدا اصطلاح امت را تشریح کرد: «این اصطلاح در قرآن به دو صورت به کار گرفته شده است؛ نخست به کارگیری عام و لغوی است که به معنای مجموعه ای از مردم است که یک یا چند عامل از عوامل نژاد، جغرافیا، زبان و دیگر عوامل سبب تشکیل آن می شود. دوم به کارگیری خاص یا محوریت شریعت است که بر اساس این به کارگیری، معنای امت، مجموعه ای از انسان هاست که بر پایه یک دین و شریعت، قوام و شکل می گیرند. این افراد می توانند از نژادهای مختلف، زبان های مختلف و در مناطق جغرافیایی مختلف باشند.»

واژه و اندیشه «امت واحده» در قرآن کریم در چارچوب معنای خاص طرح و ارائه شده است. در این چارچوب، امت یعنی مجموعه ای از مردم که بر پایه شریعت نبی اکرم (ص) قوام

## نقطه عدل

### در نشست «پی جویی نظریه عدالت در نهج البلاغه» مطرح شد

او با اشاره به بحث «مقابل بودن حق» در نظریات جدید گفت: «معنای این بحث این است که هر وقت من حتی به گردن دیگری دارم، دیگری هم حتی به گردن من دارد. در خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه حضرت می فرماید: «الْحَقُّ أَوْسَعُ الْأَشْيَاءِ فِي التَّوَأُفِّ وَأَضْيَقُهَا فِي التَّنَاصُفِ. لَا يَجْرِي لِأَحَدٍ إِلَّا جَرَى عَلَيْهِ.» این به تعریف عدالت برمی گردد که همان دادن حق به ذی حق است.

در ادامه حضرت علی می فرماید حق اگر برای کسی جاری می شود برای طرف مقابلش هم حتی است. کسی که حق دارد اما هیچ کس بر او حق ندارد فقط خداست، درباره خلق خدا حق یکطرفه وجود ندارد.»

با کتیجی با اشاره به حدیث نبوی «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتهم» گفت: «در جامعه به اندازه موقعیت هایی که به ما داده شده از ما مسئولیت خواسته شده است. تناسب مستقیمی بین میزان مسئولیت ها و میزان اختیارات وجود دارد.»

ما احادیث متعددی داریم، از جمله در نهج البلاغه که دارد فرد را تربیت می کند که این نقش اجتماعی را بپذیرد و هنگام حضور در جامعه قواعد عادلانه جامعه را گردن بنهد، از جمله در خطبه ۱۳۷ که اگر من می خواهم وارد تعامل اجتماعی شوم، نخستین نقطه عدل من این است که ضد خود حکم دهم و یک سلسله مسئولیت ها را برای خودم قبول کنم.

قانون طلایی که می گوید بر دیگران آن را بیسند که بر خود می بسندی دقیقاً به رابطه فرد با جامعه برمی گردد و می خواهد تناسب فرد را در تعامل اجتماعی تبیین کند و می تواند منجر به عدالت اجتماعی شود.»

مورد تاکید قرار گرفته است؛ یکی «وفاق» است. این مفهوم محور نظریه های عدالت اجتماعی است. عدالت اجتماعی در چارچوب نوعی همگرایی بین افراد تحقق پیدا می کند. افراد درک متقابل از نیازهایشان پیدا می کنند و به یک وفاق می رسند.

دومین موضوع، محوریت حکومت است؛ حکومتی که عدالت را در جامعه پیاده می کند. حکومت تضمین کننده تحقق عدالت اجتماعی است. «در بیانات امیرالمؤمنین هم این موضوع آمده است. او به یک سوء تفاهم در میان ایرانیان اشاره کرد و گفت: «تصور می کنیم که همه چیز را حکومت باید درست کند. هر جا با رفتار ناهنجاری روبه رو می شویم فکر می کنیم حکومت کار خودش را درست انجام نداده است. در واقع ما نیمی از ماجرا را می بینیم.»

در حالی که هم باید نقش وفاق اجتماعی را ببینیم و هم نقش حکومت را. موضوع توزیع امکانات موضوع بسیار مهمی است.

این امکانات می تواند مالی و غیر مالی باشد. امکان تحصیل و امکان دینداری از این قبیل است. بسیاری از کسانی که امروز دین درست و حساسی ندارند، ما حق دینداری آنها را سلب کردیم. شاید اگر شرایط درست و عادلانه پیش می رفت آن فرد می توانست آخرت خودش را درست کند و دیندار باشد.»

نشست «پی جویی نظریه عدالت در نهج البلاغه» با سخنرانی دکتر احمد پاکتچی عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق (ع) در بنیاد نهج البلاغه برگزار شد. او موضوع اصلی بحث خودش را دقیقاً «عدالت اجتماعی» گفت: «گاهی اوقات وقتی صحبت از عدالت اجتماعی می شود، آن را در یک معنای اعم یعنی هر چیزی که به زندگی اجتماعی انسان مربوط شود به کار می برند و تنها چیزی که بیرون از عدالت اجتماعی می ماند یا چیزی است که به انسان مربوط نباشد مانند عدالت الهی، یا اگر به انسان مربوط می شود به انسان بماهو فرد مربوط شود. با این معنای اعم، عدالت اقتصادی، عدالت حقوقی و قضایی، عدالت سیاسی و همه موارد دیگر ذیل عدالت اجتماعی قرار می گیرند. این نوع طرح بحث نقض غرض است. پیشنهاد بنده این است که باید عدالت اجتماعی را به معنای اخص مورد بحث قرار دهیم؛ یعنی عدالت در ساختارهای جامعه، عدالت در زیرساخت هایی که در جامعه وجود دارد.»

پاکتچی دو بعد عدالت اجتماعی را مورد بحث قرار داد و گفت: «یک بعد، نسبت افراد در جامعه است. چه نظام تعاملی بین افراد وجود دارد؟ این نظام باید عادلانه باشد. یک بعد دیگر نسبت یک فرد با کلیت جامعه است. من چگونه می توانم با جامعه ایرانی و جامعه جهانی تعامل کنم به نحوی که عدالت محور باشد. در منابع، دو محور

## استقبال در شام

### فیلم ابراهیم حاتمى کيادر عراق و سوریه درخشيد



وجود قربات‌های جغرافیایی، فرهنگی و مذهبی بسیار میان سوریه و عراق، تماشاگران عراقی به شکل گسترده‌ای با این فیلم ارتباط برقرار کردند. بسیاری از تماشاگران عراقی در صحنه‌های مختلف به شدت تحت تأثیر قرار گرفته و اشک‌هایشان جاری شده بود. پیش از آغاز فیلم، آقای حاتمى کيا در یک کنفرانس خبری کوتاه به سوالات خبرنگاران و فعالان حوزه فیلمسازى عراق در خصوص چگونگی ساخت «به وقت شام» و برنامه‌های آتی این کارگردان سرشناس ایرانی پاسخ داد. در فیلمی که از محل نمایش این فیلم منتشر شده است، تماشاگران عراقی هنگام پخش سرود ملی جمهوری اسلامی به پا خاسته و به سرود ملی ایران ادای احترام کردند.

اکران فیلم «به وقت شام» در سوریه با استقبال گرم مردم این کشور و به ویژه خانواده شهدا و رزمندگان همراه شده است. اولین اکران «به وقت شام» در سوریه به شهر حلب اختصاص داشت. مدافعان حرم و خانواده‌هایشان اولین میزبانان فیلم به وقت شام در حلب بودند. در این نمایش حدود صد نفر از خانواده‌های شهدای همراه همراهِ مسئولین شهر حلب در سینما زهرا به تماشای این فیلم سینمایی نشستند.

دومین نوبت نمایش فیلم حاتمى کيا در شهر حلب به رزمندگان فاطمیان اختصاص داشت که با حضور رزمندگان در مقر تل جیبین با حضور تعداد کثیری از رزمندگان افغانستانی برگزار شد. همچنین فیلم سینمایی «به وقت شام» برای هنرمندان و سینماگران سوریه در حلب

این روزها فیلم «به وقت شام» در شبکه خانگی پخش شده و استقبال دوباره‌ای از آخرین ساخته ابراهیم حاتمى کيا را شاهد هستیم، اما این فقط در ایران نیست که این لذت‌رآمی شناسیم که اتفاقاً مردم کشورهاى سوریه و عراق که ماجرای داعش را با پوست و خون خود چشیده‌اند هم در این لذت با ما همراه هستند. طبق گزارش ایرنا؛ در روزهایی که برخی بر طبل تفرقه بین دو ملت ایران و عراق می‌کوبند و هر روز خبرهایی در جهت اختلاف‌افکنی منتشر می‌کنند، فیلم «به وقت شام» پس از اکران در سوریه به عراق رفت و با استقبال پرشور مردم بغداد مواجه شد. نمایش عمومی این فیلم شبه‌شب در سالن بزرگ تئاتر ملی عراق به همت رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در بغداد برگزار شد و آقای ایرج مسجدی، سفیر جمهوری اسلامی ایران، مسئولان فرهنگی عراق در حوزه‌های مختلف و جمعی از فرماندهان و رزمندگان حشد الشعبی این کشور هم شاهد نمایش آن بودند. استقبال از این فیلم به حدی بود که بسیاری از علاقه‌مندان به طور ایستاده یا نشستن در راهروهای سالن، آن را تماشا کردند. تماشاگران عراقی از قشرهای مختلف به ویژه جوانان و زنان حضور گسترده‌ای در این مراسم داشتند و بارها بانداى «یا علی»، «یا حسین» و «یا زینب» با فیلم همراهی و در صحنه‌های مختلفی نیز با کف‌زدن‌های ممتد فیلم را تشویق کردند. از آنجا که قصه فیلم، جنایت‌های وحشیانه داعش و مقابله و جانفشانی‌های نیروی مقاومت در برابر آن بود که سرگذشت مشترک عراقی‌ها در سه سال گذشته است و نیز به دلیل

به نمایش درآمد که با استقبال فوق‌العاده مردم این شهر همراه بود. اکران بعدی استان حلب در شهر نبل و در محل حسینیه امام حسین (ع) این شهر با حضور پرشور مدافعان شهر نبل و خانواده‌هایشان روی پرده رفت. به وقت شام پس از اکران حلب به دیرالزور رفت و در اکرانی کامل خاص در فضای آزاد ۴۰۰ نفر از رزمندگان تیپ فاطمیان را به تماشای این اثر سینمایی نشاند. «به وقت شام» در استان دیرالزور برای مردم این شهر جنگ‌زده نیز در چند نوبت به نمایش درآمد، که در همه این اکران‌ها استقبال از فیلم بسیار بالا بود.

اشاره کرد. می‌توانیم از طریق تئاتر انسان‌ها را از کودکی با زندگی آشنا کنیم تا بتوانند در آینده زندگی پرباری داشته باشند.» در ادامه این جلسه آقای علی محمد رادمش، نویسنده و کارگردان تئاتر خیابانی گفت: «قبل از انقلاب تعداد تئاترهای خیابانی انگشت‌شمار بود که آن میزان هم به وسیله خارجی‌ها در کشور اجرا می‌شد و حتی گروه‌های منسجمی هم برای تئاترهای خیابانی در کشور وجود نداشت. تئاتر در جبهه شکل سرگرمی ساز، هنری و دفاعی داشت که پس از دفاع مقدس این مهم در مسجد پیگیری و مساجد کانون تئاتر شد.» وی گفت: «طرح میان‌برده از دیگر زیرمجموعه‌های تئاتر خیابانی است که عرصه بزرگی را در بر می‌گیرد. در کنار جشنواره فجر، بخش رقابتی آن موجب امیدواری استان‌ها شده و جشنواره تئاتر خیابانی مریوان از جمله این نمایش‌هاست که در بخش رقابتی شکل گرفته است.»

آقای امیر نصیری بیگی، دبیر جشنواره بین‌المللی تئاتر مقاومت نیز گفت: «امام‌راحل معتقد بود که فساد موجود در هنر قبل از انقلاب به ذات هنر ارتباط ندارد و هویت هنر و تئاتر دارای فساد نیست. جشن شیراز که دارای فساد گسترده‌ای بود موجب شد تا خانواده‌ها و هنرمندان از این هنر فاصله بگیرند. در دوران پهلوی هنر کشورهای غربی به ایران وارد می‌شد، هنرهای رادیکالی که اصلاً متناسب با نیاز مردم نبود و پهلوی‌ها غافل بودند از اینکه در حال آسیب‌زدن به مردم هستند. نقل قولی از سفیر انگلیس دوره پهلوی وجود دارد که گفته بود اگر این نمایش‌ها را هنرمندان انگلیسی در کشور خود انجام داده بودند از میدان جان سالم به‌در نمی‌بردند. این اتفاقات در حالی رخ داد که شاه ایران از این رویدادها به سادگی عبور می‌کرد.»

## گفتن از درد مردم

### دستاورد‌های انقلاب اسلامی در حوزه تئاتر

با پیش از انقلاب تفاوت‌های صوری و ماهوی دارد چرا که پیش از انقلاب نگاه مسئولان و کارگزاران به تئاتر یک امر مصرفی کالایی برای مبارزه با مذهب بود که در اجرا شبه‌مذهب عمل می‌کردند. کارگزاران و سیاست‌گذاران قبل از انقلاب سعی می‌کردند نحوه‌ای برنامه‌ریزی کنند که کیفیت تئاتر را فدا کنند و آنچه ذات تئاتر است از بین برود. بعد از انقلاب در آنچه به عنوان آیین‌نامه و سند نوشته شد؛ کیفیت حقیقی تئاتر مورد توجه قرار گرفت به این معنا که هنری قدسی است و پای در عالم والا و معنویت دارد و این نخستین و مهم‌ترین نکته مطرح شده بود. رهبر انقلاب به روشنی و وضوح اعلام کرد که هنری ارزشمند است که بتواند درد جامعه را بگوید و با قشعر مردم ارتباط برقرار کند و شهادت و جرات مطرح کردن این درد را داشته باشد.»

آقای یدالله وفاداری، نویسنده و کارگردان تئاتر هم در بخشی از این نشست گفت: «با تئاتر می‌توان کودکان و نوجوانان را برای آینده تربیت کرد به گونه‌ای که در آینده انسان فاضلی شوند. در دوران طاغوت توجهی به مسائل هنر مرتبط با کودکان نمی‌شد و اساساً تئاتر کودک هویت نداشت و تنها جای موجود برای کودکان خانه فکری بود که در سال ۵۰ تأسیس شد. بعد از انقلاب به کودکان و نوجوانان اهمیت زیادی داده شد که نمونه‌های آن را می‌توان به برگزاری جشنواره‌های کودکان به صورت منظم

بیستمین شبانه انقلاب با موضوع دستاورد‌های انقلاب اسلامی در حوزه تئاتر و نمایش در خانه هنرمندان برگزار شد. در این نشست چهره‌هایی چون نصرالله قادری، نویسنده و پژوهشگر تئاتر، احمد جولایی، نویسنده و کارگردان تئاتر، کوروش زارعی، مدیر مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری انقلاب، اعظم بروجردی، نویسنده و کارگردان تئاتر، امیر نصیری بیگی، رئیس سازمان بسیج هنرمندان و علی محمد رادمش، نویسنده و کارگردان تئاتر خیابانی حضور داشتند.

کوروش زارعی و رئیس مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری در این نشست گفت: «رهبر انقلاب تأکید دارند هنر انقلاب، مردمی شود و درد مردم را بیان کند؛ ایشان مردم را دعوت کردند تا به آثار شکسپیر و اتللو مراجعه کنند تا نگاه اسلام و غرب نسبت به زن را بدانند. انقلاب اسلامی نگاهی متفاوت به تئاتر دارد از همین‌رو در ابتدا جشنواره تئاتر فجر راه‌اندازی شد و اکنون در عرصه بین‌المللی برگزار می‌شود به نحوی که تئاتر بین‌المللی فجر در عرصه جهانی برند شده است. تئاتر انقلاب اسلامی در سطح بین‌المللی اجرا و روی صحنه می‌رود و حضور فعالی در این عرصه دارد.» نصرالله قادری، نویسنده و کارگردان تئاتر در بخش دیگری از این نشست از تفاوت کیفی تئاتر در قبل و بعد انقلاب گفت: «پس از انقلاب تئاتر بسیار از ساحت کیفی



## آخرین بار

نگاهی به ساخته فرزاد موتمن که اکران شده است

سالن‌های بسیار محدود... فرزاد موتمن یک حسن خوبی که به عنوان کارگردان در سینمای ایران دارد این است که دنبال داستان‌های تکراری و جهان درام‌زده سینمای ایران نیست و فیلم‌های داستان محور زیادی که کشش داشته باشند را در کارنامه خود ثبت کرده. فیلم آخرین بار کی سحر را دیدی هم در همین راستای هدف فیلمساز قرار می‌گیرد و یک اثر پلیسی-اجتماعی محسوب می‌شود؛ ژانری که در سینمای کشورمان مهجور باقی مانده و آن چنان به آن پرداخته نمی‌شود. در این فیلم با داستان دو قتل روبه‌رو هستیم که هیچ کدام نه موازی همدیگر هستند و نه تکمیل کننده و به کل ارتباطی بین آنها وجود ندارد اما در یک شب رخ می‌دهند. مادر سحر عامری وارد کلاتری شده و گزارش گم شدن دخترش را می‌دهد. دختر او دیشب به خانه نیامده و چون چنین چیزی از او سابقه نداشته مادر تصمیم گرفته موضوع را به پلیس گزارش دهد. پدر سحر یعنی پرویز (با بازی سیامک صفری) یک راننده کامیون با افکار سنتی است که اگر بفهمد سحر به منزل نیامده، دمار از روزگارش درمی‌آورد. در همین حین با یافتن جنازه‌ای در بر اتوبان نیایش، پلیس تصور می‌کند که ممکن است این جنازه متعلق به سحر باشد اما با شناسایی جسد مشخص می‌شود که چنین نیست. سرگرد سمیعی (با بازی فریبرز عرب‌نیا) هر دو پرونده را در دست می‌گیرد و تصمیم می‌گیرد هم‌راز قتل دختر کنار اتوبان را کشف کند و هم بفهمد که سحر کجاست و آخرین بار چه کسی سحر را دیده است... فیلم چندبازی درخشان دارد؛ به خصوص زوج سیامک صفری و ژاله صامتی که در نقش مادر و پدر دختری گمشده (سحر) بازی بسیار خوبی از خود به نمایش گذاشته‌اند تا آنجا که دیگر بازیگران و حتی عرب‌نیا راز بر سایه خود قرار داده‌اند. «آخرین بار کی سحر را دیدی؟» سال ۱۳۹۴ به کارگردانی فرزاد موتمن تولید شد. این فیلم در سی و چهارمین دوره از جشنواره ملی فیلم فجر حضور داشت و در پنج قسمت نامزد دریافت سیمرغ بلورین شد. فریبرز عرب‌نیا، سیامک صفری، آتیلا پسیانی، ژاله صامتی، محمدرضا غفاری، آناهیتا درگاهی، بهاران بنی‌احمدی، عمار تقی، شبنم فرشادجو، علیرضا ثانی‌فر، امیرحسین فتحی، روشنگرامی، مجتبی سلمانی و شیوا کریمی بازیگران «آخرین بار کی سحر را دیدی؟» هستند.

از مسیر درست خارج کند. یادمان نرود که امیر عربی برای این فیلم، نامزد بهترین فیلمنامه در بخش مسابقه جشنواره فیلم فجر شده بود اما چه بر سر فیلم آمد؟ شاید بهتر است خبر را دوباره مرور کنیم، از اختلاف میان موتمن با سرمایه‌گذارش، از اختلاف فریبرز عرب‌نیا با سرمایه‌گذار و تعطیلی فیلم، از گلایه ژاله صامتی بازیگر این فیلم به دلیل پاس‌نشدن چک، از تغییر فیلمبردار... اینجاست که فیلم حتی در بخش خود هم با تأخیر فراوان اکران می‌شود و در

فرزاد موتمن را با فیلم «شب‌های روشن» و امیر عربی را با فیلم «سعادت آباد» می‌شناسیم، اولین همکاری مشترک این دو در مقام کارگردان و فیلمنامه‌نویس باید فیلم بسیار پرسرودا تری از فیلم «آخرین بار کی سحر را دیدی» می‌شد. اگر خط قصه و شروع کوبنده فیلم را در نظر بگیریم که چقدر امیدوارکننده است، شاید بتوان از خبرهایی که در طول ساخت این فیلم منتشر شد بدانیم که مشکلات تولید تا چه اندازه می‌تواند یک فیلم خوب را

## شکار اشباح

نماینده فلسطین در اسکار

فلسطین فیلم «شکار اشباح» را که توسط راند انضونی ساخته شده به عنوان نماینده رسمی خود در رقابت اسکار خارجی زبان ۲۰۱۹ معرفی کرد. این مستند زندانیان سابق مرکز بازجویی موسکوبیه بیت المقدس را گرد آورده و سلول‌ها و اتاقی شبیه اتاق بازجویی آنجا را ساخته است تا همه شکنجه‌ای را که زندانیان توسط زندانبان‌های صهیونیست متحمل می‌شدند، دوباره زنده کند. در وضعیتی کاملاً رئالیستی، زندانیان سابق به بازآفرینی همه شکنجه‌ها پرداختند و درباره تحقیری که تجربه کردند، صحبت کردند. هالیوود ریپورتر پیش‌تر در نقد این مستند نوشته بود: «این فیلم در واقع از یک سو درامی مستند و از سوی دیگر نشست درمانگرانه‌ای است که راند انضونی، کارگردان در یک پروژه غیرمتعارف در کنار هم و با بازیگرانی که همگی زندانیان سابق هستند شکل داده تا ابتدا فضای زندان و بعد خاطرات دردناک آنها را برابر دوربین زنده کند.» این فیلم با همکاری فلسطین، فرانسه، سوئیس و قطر ساخته شده و نخستین بار در بخش پانوراماای جشنواره فیلم برلین ۲۰۱۷ به نمایش درآمده و موفق به کسب جایزه اصلی بخش مستند این جشنواره و نیز یکی از سه جایزه فیلم منتخب مخاطبان شده است. «شکار ارواح» یازدهمین فیلمی است که از سوی سینمای فلسطین به آکادمی اسکار معرفی می‌شود، پیش از این دو فیلم «آکتون بهشت» و «عمر» کارگردانی «هانی ابوسعید» به جمع نامزدهای نهایی شاخه بهترین فیلم خارجی راه یافته‌اند.

## سال رکورد

تابستان خوب سینمای جهان

تابستان ۲۰۱۷ برای گیشه سینماهای جهان در طول بیش از یک دهه بدترین سال بود. تحلیلگران و صاحبان سالن‌های سینما البته پیش‌بینی می‌کردند که دوباره اوضاع به حالت عادی برگردد و یک بازگشت موفق داشته باشیم. تحلیل‌شان هم درست از کار درآمد. تحلیلگران اقتصادی سینما حالا از تابستان امسال، به‌عنوان بهترین تابستان هالیوود در دو دهه اخیر یاد می‌کنند. به گفته آنها از سال ۱۹۹۸ تا به حال، این بهترین تابستان برای جدول گیشه نمایش سینماها در آمریکای شمالی بوده است. برای همین است که اهل فن می‌گویند کمپانی‌ها و استودیوهای فیلمسازی در کنار مالکان زنجیره‌های سینمایی، نفس راحتی می‌کشند. به گفته صاحب‌نظران اکران عمومی اکتشن‌های پرسرودایی مثل «آنجرز: جنگ ابدیت» (با فروش ۶۷۸ میلیون دلاری) و «اینکریدل ۲» (۵۹۸ میلیون دلار)، انبوه تماشاگران را به داخل سالن‌های سینماها کشاند و باعث رونق فروش بلیت در گیشه شد. در این میان، سه کمپانی والت دیزنی، یونیورسال و پارامونت بیشترین سود را بردند. فروش کلی فیلم‌های سینمایی در سه ماه فصل تابستان، نزدیک ۴/۵ میلیارد دلار بوده است. نکته جالب این است که این تابستان برای سینمای ایران هم سال بسیار پر فروش محسوب می‌شد و فیلم هزارپا توانست رکورد فروش را در تاریخ سینمای ایران را بشکند و چند فیلم پر فروش دیگر هم داشتیم.



## ستاره مسلمان

ساديو مانه بعد از گلزنی در لیگ برتر ، سرویس بهداشتی مسجد را می شست



دینی او را همراهی می کند؛ سادیو مانه که در زمین بسیار با صلاح هماهنگ است در بیرون زمین هم بسیار شبیه او است، چرا که او هم یک مسلمان واقعی محسوب می شود. برای اینکه سادیو مانه را بهتر بشناسیم باید به ماجرای که در هفته گذشته بسیار سروصدا کرد بپردازیم. چند ساعت پس از پیروزی لیورپول مقابل لسترستی که با گلزنی ستاره سنگالی همراه بود، فیلمی در شبکه های اجتماعی منتشر شد که مانه مشغول کمک برای تمیز کردن سرویس بهداشتی یک مسجد بود. در این ویدئو نشان داده می شود که مانه به یک پسر بچه و یک مرد دیگر کمک می کند تا سرویس بهداشتی آن مسجد را تمیز کنند. گفته می شود این مسجد، مسجد الرحمة در خیابان مالگریو لیورپول است. این ویدئو را یکی از امامان جماعت مسجد مذکور به نام «خلیل لیهر» منتشر کرده است، در حالی که یکی از افراد حاضر در محل مذکور تلاش می کند از فیلمبرداری جلوگیری کند اما ستاره سنگالی مانع این موضوع نمی شود. یادمان باشد که مانه در فصل جاری یکی از تاثیرگذارترین بازیکنان لیورپول بوده و در ۴ مسابقه اخیر تیمش ۴ گل به ثمر رسانده است. دیلی میل هنگامی که این خبر را منتشر کرد، نوشت بازیکنی که این گونه سرویس بهداشتی و وضوخانه مسجد را می شوید، بازیکنی است که هفته ای ۹۰ هزار پوند حقوق می گیرد. سادیو مانه در شهر بنگالی در سومالی بزرگ شده است. شاید این را ندانید که پدر این بازیکن آفریقایی امام جماعت بزرگترین مسجد این شهر است و برای همین ریشه های اسلام در رگ و خون او تنیده شده است. مانه در این باره می گوید: «دین برای من خیلی مهم است و برای همین قوانین اسلام را رعایت می کنم. من تا به حال دست به الکل نزده ام و روزی ۵ بار برای تشکر از خدا نماز می خوانم. من از کشوری می آیم که ۹۰ درصد مردم آن مسلمان هستند.»

برای عنوان بهترین بازیکن جهان در سالی که گذشت از نگاه فیفا قرار دارد. در کنار کریستیانو رونالدو و لوکا مودریچ، محمد صلاح از جمله بازیکنان مسلمان جهان است که این مسلمان بودن هم از نامش پیدا است و هم از رفتاری که در زمین و بیرون زمین انجام می دهد. محمد صلاح مصری در طول سفرهای هوایی قرآن در دست می گیرد و آن را مطالعه می کند، او بسیار به انجام مناسک مذهبی مقید است اما در این مساله تنها نیست و یک مسلمان دیگر در انجام فرایض

این صحنه را بسیار دیده ایم که وقتی لیورپول گل می زند، مخصوصا در بازی های مهم دو بازیکن کلیدی این تیم در کنار هم سجده می کنند و خدا را شکر می کنند؛ دو بازیکنی که پایه های موفقیت تیم بورگن کلپ را در این سال ساخته اند. اولی محمد صلاح است، بازیکنی بزرگ در این سال ها که با مهارت و ارزش های رفتاری خود تبدیل به یک چهره بزرگ در فوتبال جهان شده است. بازیکنی که در هفته گذشته در لیست نهایی سه بازیکنی قرار گرفت که

## آن پسر جنگ زده لوکا مودریچ بهترین بازیکن سال اروپا شد



می توانست یکی از بهترین ها فیک های جهان شود و شد. رنالد مادرید و حضور در کهکشانی ها و سپس درخشش در جام جهانی قصه ای است که بقیه خوب می دانند. لوکا مودریچ حالا بهترین بازیکن اروپاست و برای کسب عنوان بهترین بازیکن فیفا با کریس رونالدو و محمد صلاح رقابت دارد. آیا مودریچ شایسته عنوان بازیکن اروپا بود؟ خیلی ها جواب شان مثبت است؛ او فصل قبل نه تنها نقشی کلیدی را در ترکیب رنالد مادرید برای هتریک در اروپا ایفا کرد، بلکه تاثیر او در جام جهانی غیر قابل انکار بود. کاپیتان و رهبر کرواسی در میانه میدان زوج خوبی را با راکیتیچ ساخت و آن قدر خوب کار کرد که بهترین بازیکن جام جهانی هم لقب گیرد، ولو اینکه نتوانست به خوشرنگ ترین مدال در روسیه برسد. اگر شما بخواهید به بازیکنی بر اساس دستاوردهایش پاداش بدهید، نه فقط عملکرد انفرادی، بلکه با توجه به سهمش در موفقیت یک تیم، آن وقت مودریچ گزینه ای کاملا شایسته است. او یکی از قطعات کلیدی ماشین رنالد مادرید بود، تیمی که برای سومین بار متوالی قهرمان اروپا شد، درست مانند رونالدو. بعد از آن هم او کرواسی، تیمی که اصلا جزو مدعیان نبود را به فینال جام جهانی رساند، آن هم با نمایشی که ترکیبی نادر از رهبری و روحیه همکاری، اخلاق کاری و هنر بود. خلاصه اینکه مودریچ یک برنده شایسته برای جایزه بازیکن سال اروپا بود. با این تفاسیر، شانس

«پسرشما لاغر و ریزخته است؛ هیچ گاه نمی تواند فوتبالیست موفقی شود»، این جمله ای است که در جوانی خیلی ها در مورد لوکا مودریچ می گفتند، اما فاصله آن روزها تا فینال جام جهانی و کسب عنوان بهترین بازیکن قاره اروپا را به خوبی پسر کرد، هر چند این فاصله چندان هم آسان طی نشد. در ژوئن ۱۹۹۱ کرواسی استقلال خودش را اعلام کرد اما جنگ و خونریزی در منطقه بالکان همچنان ادامه داشت. بیش از ۱۳۰۰۰۰ نفر کشته شده بودند. در این بحبوحه پسرک ۵ ساله ای که در دهکده مودریکا واقع در رشته کوه های بزرگ کرواسی به همراه والدینش از جاده قدیمی که پدر بزرگ هایش طراحی کرده بودند، ناگزیر به فرار شد. پدر او یک مکانیک کارخانه بود که در زمان جنگ به سر بازان کروات کمک کرد و ماشین های ارتش را تعمیر می کرد و این در جنگ جرم بزرگی بود به اندازه مرگ.

لوکا به عنوان یک آواره جنگی، دوران کودکی و جوانی اش را در شهر کوچک زادار می گذراند، شهری که وسیله ای می شد برای کشف استعداد نابش، شهری که او با یک توپ قدیمی و خراب که در کنار پارکینگ پناهگاه شان بود، آن قدر به توپ ضربه زد تا بازیکن تیم دینامو زاگرب شد. یک اتفاق زندگی او را تغییر داد، مسئولان تاتهام برای دیدن بازی ادوآدو به کرواسی رفتند اما چشم آنها بازیکن دیگری را گرفت، بازیکنی که

مودریچ برای دریافت عنوان مرد سال فوتبال جهان در سال ۲۰۱۸ نیز به اندازه قابل توجهی افزایش خواهد یافت و ممکن است بعد از ۱۰ سال، بالاخره سلطه کریستیانو رونالدو و لیونل مسی به پایان رسیده و لوکا مودریچ عنوان بهترین بازیکن جهان را از آن خود کند.

## ایده‌های بزرگ

بررسی شش ایده بنیادی در تاریخ اندیشه

اندیشه



متنوع، دست خواننده را در گزینش دیدگاهی مطلوب یا ابراز نظر که همان فلسفیدن باشد بازمی‌گذارد. از میان ایده‌های شصت و چهارگانه فلسفی که تا کنون فلاسفه مدرن و پسامدرن به آنها پرداخته‌اند پرفسور آدلر به شش موردشان اشاره می‌کند. شاید همین موضوع اساس اقبال مترجم از این کتاب بوده است. شش ایده مورد بررسی کتاب، ایده‌های «صدق»، «خوبی» و «زیبایی» و ایده‌های «عدالت»، «برابری» و «آزادی» در بستر تاریخ اندیشه حرفه‌ای سابقه حضور ناچیزی دارند، ولی تاریخ حضور آنها در زندگی و اندیشه غیرحرفه‌ای موجود آدمی به اندازه تاریخ پیدایش وی است. تمامی این ایده‌ها واژگان مهم و سازنده ساختار گفتاری و محاورات روزمره‌اند.

دیدگاه‌های برجسته‌ترین اندیشمندان غربی درباره شش ایده بزرگ مذکور باشد. اما به راستی ایده‌های بزرگ کدامند؟ می‌پذیریم که انسان بودن یعنی برخورداری از موهبت فلسفه. پس با این حساب یعنی به‌طور ناخودآگاه پرسیده‌ایم که فلسفه چیست؟ چنانچه می‌دانیم کانت با تغییر جایگاه اندیشه از هستی به انسان، دروازه‌های عصر جدید را گشود و به قول تنودور آدورنو همواره باید مدرنیته را پذیرفت. پس در حوزه مدرن می‌بایست همگام با اندیشه ایده‌ها را شناخت و به تعریف و بازتعریف آنها پرداخت. هدف کتاب مواجهه مستقیم خواننده با خود ایده‌هاست تا علاوه بر درک و دریافت مجادلات و منازعات حاصله درباره آنها، ابتدائاً دریابد که آنها واژگان دیر آشنا و همزاد جامعه بشری‌اند، نه الزاماً اصطلاحات فنی حوزه معرفتی خاص. ایده‌های بزرگ، نه با تاریخچه ایده‌ها سرکاری دارد، نه شبه تاریخ فلسفه گزینشی است. هر کدام شان مسائل مهمی را پیش کشیده‌اند و نقطه کانونی مسائل و پرسش‌های مهمی بوده‌اند و خواهند بود. مولف گرچه در تحلیل و واکاوی آنها در مواردی نظر مختار خود را ارائه کرده ولی با طراح سودمند مساله و ابراز دیدگاه و نظرات

کتاب «ایده‌های بزرگ» (بررسی ۶ ایده بنیادی در تاریخ اندیشه) نوشته مورتیمر جی. آدلر با ترجمه همایون کاکاسلانی منتشر شده است. ایده‌های بزرگ ایده‌هایی انتزاعی در لابه‌لای کتاب‌های فیلسوفان نیستند، بلکه همان واقعیت‌های اساسی است که با آنها زندگی و در سطحی دیگر برایشان مبارزه می‌کنیم. کتاب ایده‌های بزرگ، بررسی موشکافانه و شبه تحلیل شیوه نگرش و اندیشیدن به آنها در متن کل اندیشه غربی است. از این رو در ارزیابی آنها علاوه بر فلسفه، سایر شاخه‌های معرفتی علوم انسانی و حتی حوزه‌های علوم تجربی را نیز مدنظر قرار می‌دهد. ایده‌های بزرگ شامل صدق، خوبی، زیبایی، عدالت، برابری و آزادی ایده‌هایی انتزاعی در لابه‌لای کتاب‌های فیلسوفان نیستند، بلکه همان واقعیت‌های اساسی است که با آنها زندگی، و در سطحی دیگر برایشان مبارزه می‌کنیم.

فهم این ایده‌ها و تامل و اندیشیدن درباره آنها همان فلسفیدن است. مورتیمر در این کتاب به بررسی یکایک آنها در کل سنت اندیشه و فلسفه غربی پرداخته است و می‌تواند راهنمای قابل اطمینانی برای خوانندگان، جهت آشنایی با

تاریخ

مقاومت

## شاه شکار

پرسه در تاریخ با «میرزا رضا کرمانی»



«میرزا رضا کرمانی» به روایت پرویز خطیبی به تازگی از سوی انتشارات معین منتشر و روانه بازار کتاب شد. این اثر تلاش دارد تا به زندگی میرزا رضا کرمانی، از تأثیرگذاران در جنبش مشروطه، با زاویه دید نزدیک‌تری به روایت نوه دختری او بپردازد. در بخش‌هایی از این اثر می‌خوانیم: «کودک بودم و در همان عالم کودکی شنیده بودم که پدر بزرگ من شاه رو کشته است، واقعتاً هولناکی بود. می‌ترسیدم. عکس کوچکی از میرزا رضا پیدا کرده بودم. همان که میرزا در غل و زنجیر و یک مامور مسلح بالای سرش ایستاده است. شاید آن چهره برای تو یک چهره عادی از یک نفر در گوشه‌ای از تاریخ مملکت باشد، اما برای من عادی نبود. او پدر بزرگ من بود و من خیلی کم در مورد او می‌دانستم. می‌خواستم بیشتر بدانم، اما همه طفره می‌رفتند. از خودش می‌پرسیدم. چشم‌هایش با من حرف می‌زد: «روزی که مردم این مملکت بفرمند من با کشتن ناصرالدین شاه چه خدمتی به مملکت کردم، این چوبه دار روزیارت می‌کنند». میرزا رضا کرمانی ملقب به «شاه شکار»، از شاگردان سیدجمال‌الدین اسدآبادی و قاتل ناصرالدین شاه بود. او برای شکایت از حاکم کرمان به تهران آمد، اما مورد آزار نایب‌السلطنه کامران میرزا قرار گرفت و مدت‌ها همراه حاج‌سیاح محلاتی و چند تن دیگر در زندان محبوس بود. وی پس از آزادی جزو میدان سیدجمال‌الدین اسدآبادی شد. میرزا رضا کرمانی به شدت تحت تأثیر تعلیمات سیدجمال قرار گرفته بود. وی در شهر بارفروش به قصد کشتن کامران میرزا یک پنج‌لول روسی خرید، اما مدتی بعد قصدش را تغییر داد و تصمیم گرفت کسی را که فکر می‌کرد ریشه تمام ستم‌هاست از میان بردارد. بسیاری از پژوهشگران کشته‌شدن ناصرالدین شاه را از عوامل مؤثر در شکل‌گیری جنبش مشروطه می‌دانند.

## با لباس دیگری

داستان عجیب یک آزاده



کتاب «چه کسی لباس مرا پوشید» روایت منحصر به فردی است از زندگی آزاده جانباز محسن فلاح که شاید فقط در فیلم‌ها اتفاق افتاده باشد. داستان اسارت سرباز ایرانی و شهادت فردی دیگر با لباس ایشان و برگشتن او پس از حدود هشت سال به آغوش خانواده و در سوی دیگر داستان برگزاری مراسم ختم و خاک‌سپاری برای شهیدی که لباس محسن فلاح را پوشیده بود از جذابیت‌های خاص داستان است. محبوبه شمشیرگرها نویسنده این کتاب، کتاب «چه کسی لباس مرا پوشید» را یک دایره‌المعارف فرهنگ اسرای ایرانی می‌داند و معتقد است که پرداختن به مسائل اسرای ایرانی در عراق و کارهای فرهنگی و جمعی که آنجا انجام می‌شد، این کتاب را به یک دایره‌المعارف فرهنگ اسرای ایرانی تبدیل کرده که فلاح به خوبی از پس روایت آن برآمده است. در بخشی از کتاب می‌خوانیم: «از برادرم خواستم قبل از خانه، اول برویم سمت امامزاده؛ بالای سر قبر آن شهیدی که به جای من خوابیده بود. همان طور که به سمت امامزاده می‌رفتیم، دور و بری‌ها از آن روز برایم تعریف می‌کردند. می‌گفتند: روز تشییع جنازه‌ات، از روز عاشورا شلوغ‌تر شده بود! عاشوراها یوسف‌آباد، غلغله و از این جهت زیانزد بود. اما ظاهراً آن روز، جمعیت از عاشورا هم بیشتر بوده. کنار قبر رسیدم. حال آن زمانم، در هیچ واژه‌ای نمی‌گنجید. بدجوری احساس حقارت کردم. از اینکه آن شهید گمنام در قبر من خوابیده بود، از خودم بدم آمد و به او غبطه خوردم. اگر زورم می‌رسید، بلندش می‌کردم و به جایش می‌خوابیدم. خودم را بازنده و اوبوی را که نمی‌شناختم، برنده می‌دیدم. بهش گفتم: پای من چه جوری و به کجا گیر کرد که تو اومدی و توی قبر من خوابیدی؟!...»



## ابتکار همراه اول در ارائه بسته‌های ارزان اینترنت و مکالمات ساعتی

هزینه‌هایشان چندین و چند برابر شود. مشترکانی که راغب به استفاده از بسته‌های مدار فیروزه‌ای این اپراتور هستند یا به عبارتی تمایل دارند با فعال سازی این بسته‌ها از اینترنت و مکالمه درون شبکه با نرخ عالی و البته در بازه‌های زمانی کوتاه استفاده کنند، باید بدانند این بسته‌ها قابلیت رزرو ندارند و برای فعال سازی بسته مدار فیروزه‌ای بعدی باید تا اتمام قبلی (اعتبار زمانی یا حجم بسته، هر کدام که زودتر اتفاق افتد) صبر کنند، اما محدودیتی از نظر تعداد بسته‌های قابل فعال سازی در یک روز وجود ندارد.

با وجود اینکه قابلیت فعال سازی دو بسته مشابه به صورت هم‌زمان نیست اما مشترکان به راحتی می‌توانند با شماره‌گیری کد دستوری \*۱۲۱# دو بسته دیتا و مکالمه درون شبکه‌ای مدار فیروزه‌ای را به صورت هم‌زمان فعال کنند.

طبیعتاً با توجه به اعتبار زمانی کوتاه این بسته‌ها، اولویت مصرف بسته‌های مدار فیروزه‌ای از تمامی بسته‌های فعال روی خط مشترکان همراه اول بالاتر است. همان‌طور که گفته شد، قیمت بسته‌های اینترنت و مکالمه مدار فیروزه‌ای در ساعات و مکان‌های مختلف شبکه همراه اول متفاوت است، لذا قیمت این بسته‌ها با توجه به ترافیک شبکه در هر ساعت تعیین خواهد شد.

مشترکان همچنین از طریق سایت و لینک [dts.mci.ir](https://dts.mci.ir) نیز می‌توانند اقدام به استعلام بسته‌ها در هر زمان از شبانه‌روز کرده و براساس لیست پیشنهادی همراه اول اقدام به خرید بسته‌های اینترنت یا مکالمه مدار فیروزه‌ای کنند.

با توجه به اینکه تعریف این بسته‌ها شرایط مقرون به صرفگی را هم برای مشترکان پرمصرف و هم مشترکان کم‌مصرف فراهم می‌کند، پیش‌بینی می‌شود اپراتورهای دیگر تلفن همراه نیز با الگوگرفتن از این طرح ارزش افزوده در راستای احترام به حقوق مشترکان ارتباطی اقدام کنند.

اما با توجه به ارتقای تکنولوژی و بالا رفتن سرعت پایه خدمات اینترنتی، گاهی پیش آمده که حجم بسته‌های خریداری شده کاربران به یکباره پایان یافته و دقیقاً بر سر انجام کاری آنها رانگ گذاشته است.

سبک رفتاری اغلب کاربران اینترنت موبایل به این شکل است که با تنظیم میزان مصرف خود در بازه‌های زمانی مشخص، به سمت خرید بسته‌ای می‌روند که نیازشان را پاسخگو باشد اما با توجه به امور غیر ارادی که فرضا ممکن است در یک ماه رخ دهد و استفاده آنها از بسته‌های اینترنت شان بیشتر و نهایتاً منجر به تمام شدن بسته شود، اپراتور همراه اول راهکاری را ابداع کرده که می‌تواند نه تنها حاکی از نگاه رو به جلو و احترام به حقوق مشترکان، بلکه سرآغازی بر تحول بر سر ارائه خدمات ارزش افزوده به مشترکان در سایر اپراتورها نیز باشد.

قطعا تا پیش از این با مقوله «بسته‌های اینترنتی و مکالماتی ساعت» آشنایی داشتید و بعضاً در شرایط اضطراری که در ابتدای گزارش به آن اشاره کردیم مجبور به تمدید بسته‌های پیشین خود یا دریافت خدمات با نرخ آزاد بودید...

همراه اول اخیراً اقدام به حرکتی ابتکاری و خلق راهکاری خلاق برای مشترکانش کرده که عملاً تمام مشترکین دائمی و اعتباری این اپراتور می‌توانند به سرعت و در لحظه وارد «مدار فیروزه‌ای» و از اینترنت و مکالمه ساعتی بهره‌مند شوند.

بسته‌های مدار فیروزه‌ای، بسته‌های اینترنت و مکالمه کوتاه مدت (ساعتی) و به صرفه‌ای هستند که قیمت آنها در ساعات و مکان‌های مختلف شبکه همراه اول متفاوت است.

همان‌طور که از عنوان این خدمت بر می‌آید، مشترکانی که نیاز ساعتی به اینترنت و مکالمه دارند، می‌توانند با نرخ پایینی از حجم اینترنتی و ساعات مکالماتی طولانی بهره‌مند شوند در حالی که اگر بخواهند همین خدمات را با نرخ آزاد دریافت کنند، ممکن است

روز به روز و ساعت به ساعت، استفاده از اینترنت موبایل همپای توسعه مفاهیم «شهر دیجیتال» و «شهروند دیجیتال» گسترش می‌یابد تا جایی که امروزه به یکی از نیازهای ضروری کاربران و در قالب سید روزانه خانوار می‌توان آن را تعریف کرد...

به گزارش خبرنگار بادیچی، با وجود اینکه همچنان بسیاری از مشاغل و کسب‌وکارها روی ریل «سنت و تاریخ» سوار هستند و مفاهیم جامعه هوشمند و دیجیتالی شدن بی‌زیب‌ها به سر حد اعلا نرسیده است، اما مردم شخصاً به فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی وابسته شده و اجتماعات گسترده‌ای را در این بعد به وجود آورده‌اند.

طبیعی است که این رویه در سال‌های گذشته با وجود ضعف‌های زیرساختی و ابزارهای محدود ارتباطی به این شدت و گستردگی وجود نداشت و مردم هم نسبت به چنین امکاناتی در فضای مجازی احساس نیاز نمی‌کردند، اما اکنون در فضای امواج 4G و 5G نفس می‌کنند و حداقل نیازشان، دسترسی سریع و یکپارچه به دیتاست.

تعریف مداوم و نفوذ روزافزون اپلیکیشن‌های تلفن همراه در جامعه نیز بر دامنه این نیاز افزوده و زمینه‌ای را چیده تا سطح توقع کاربران فزونی یابد؛ بنابراین نقش کاربران اپراتورهای ارتباطی از «منفعل» در سال‌های گذشته به «فعال» در یکی، دو سال اخیر تبدیل شده یا به عبارت دیگر تعریف نیازهای آنان است که فضای رقابتی کنونی را به وجود آورده است.

یکی از رقابت‌های پرحسب و جوش کنونی با توجه به تغییر مدل درآمدزایی اپراتورهای سیار با تمرکز بر ارائه خدمات بانديهن، بر سر «بسته‌های دیتا» یا «بسته‌های ترکیبی» است که موجب شکل‌گیری و پرشاخ‌وبرگ شدن دایره تنوع در ارائه بسته‌های اینترنتی در این شرکت‌ها شده است.

بسته‌های اینترنتی با توجه به گران بودن نرخ پایه خدمات آزاد و برای کاربران پرمصرف اینترنت موبایل تعریف شده تا صرفه اقتصادی را برای آنان به ارمغان آورد

